

همای ادب فارسی

در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا، گروه‌های زبان، یا زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و معمولاً استنادی از کشور ایران، به آن دانشگاه اعزام می‌شوند تا آموزشهای زبان و ادبیات فارسی، به خوبی صورت پذیرد.

گروه فارسی، در دانشگاه داکا در کشور بنگلادش، از سال ۱۹۲۱م. همزمان با تأسیس دانشگاه داکا، آغاز به کار کرده و امروزه، ده استاد، آموزش حدود پانصد نفر دانشجو را از لیسانس تا دکتری به عهده دارند. استادان فاضل و بزرگواری نیز از کشور ایران به این گروه اعزام شدند که استادان و دانشجویان بنگالی، از فیض حضور آنان بهره‌ها برده‌اند؛ یکی از این استادان، دکتر محمدکاظم کهدویی بود که در هر دو دوره حضور در بنگلادش، سرمنشأ خدمات علمی و فرهنگی زیاد گردیده است.

کتاب حاضر، نگاهی است مختصر، به زندگی و فعالیتهای ادبی و فرهنگی استاد کهدویی، در ایران، افغانستان، چین، و بویژه در دانشگاههای بنگلادش، و همچنین پیامهای استادان و فرهیختگان و نمایندگان فرهنگی و سیاسی و ... از کشورهای یادشده، که محبت و لطف و خاطرات خود را در خصوص استاد کهدویی ابراز داشته‌اند؛ هدف از فراهم ساختن این مجموعه، قدردانی و تجلیل از خادمی است که بی‌ادعا خدمت می‌کنند و از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند.



همای ادب فارسی

ارجنامه دکتر محمدکاظم کهدویی

گردآوری و تدوین:

پروفسور دکتر محمدابوالکلام سرکار



ISBN : 978-984-35-0276-6



دکتر محمد ابوالکلام سرکار، متولد ۱۹۸۰م. در کملا، بنگلادش، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکاست.

پایان نامه دکتر سرکار، با عنوان «ترجمه های ادبیات فارسی در بنگلادش ۱۹۷۱-۲۰۰۵» توسط انجمن آسیایی بنگلادش به چاپ رسیده و در سال ۲۰۱۸م. با انتخاب به عنوان کتاب اول، به دریافت جایزه دانشکده علوم انسانی نایل آمده است.

کتاب گام اول، ترجمه دکتر سرکار به زبان بنگالی، توسط بنیاد سعدی، تهران، و کتاب ارجنامه استاد کلثوم ابوالبشر در سال ۲۰۲۰م. در داکا به چاپ رسیده است. همچنین، تصحیح جدید دیوان عبیدی، با همکاری دکتر محمدکاظم کهدویی، استاد اعزامی به دانشگاه داکا، با مقدمه و تعلیقات توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا به چاپ رسیده، و تصحیح جدید کتاب «مثنوی در صفت بنگاله» نیز زیر چاپ است.

دکتر سرکار با شرکت در ۳۵ همایش بین المللی، در ایران، هندوستان، پاکستان، ترکیه و ... مقالات خود را ارائه کرده، و نزدیک به ۵۰ مقاله تحقیقی و علمی - پژوهشی به زبانهای فارسی، اردو، عربی، بنگالی و انگلیسی از وی در مجله های معتبر بنگلادش، هندوستان، ایران، ترکیه، تاجیکستان و بلغارستان به چاپ رسیده است.

Homaye Adabe Farsi

Arjname e

Dr. Mohammad Kazem Kahdouei

by

Professor Dr. Md. Abul Kalam Sarker





همای ادب فارسی

ارجنامه دکتر محمد کاظم کهدویی

همای ادب فارسی

ارجنامہ دکتر محمد کاظم کھدوی

گردآوری و تدوین:
پروفیسور دکتر محمد ابوالکلام سرکار



ایڈیٹوریٹو پروکاشن
۱۵۸ بیراتوم سی ار ڈٹو رود، داکا، بنگلادش

شناسنامه کتاب

نام کتاب: همای ادب فارسی

ارجنامه دکتر محمدکاظم کهدویی

گردآوری و تدوین: دکتر محمدابوالکلام سرکار، استاد و رئیس
سابق گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش
ناشر: ایتیب ریٹوپروکاشن، ۱۵۸ بیراتوم سی ار ڈٹو رود، داکا،
بنگلادش

چاپخانه: مالتی لینک، ساختمان اسلام، ۶۸، فقیرا پل، داکا،
بنگلادش

نوبت چاپ: اول، اسفند ۱۳۹۹ خورشیدی / مارچ ۲۰۲۱ میلادی
قیمت: ۶۵۰ تاکا

طرح جلد: آقای رضا اسد الہدی انویم

دانشیار و رئیس سابق گروه گرافیک دیزاین، دانشگاه داکا، بنگلادش
خط فارسی روی جلد: دکتر محمدرضا نجاریان، استاد دانشگاه یزد، ایران
شماره شابک: ۹۷۸-۹۸۴-۳۵-۰۲۷۶-۶

تقدیم به

تمامی استادان محترمی که از سرزمین ایران، در جهت رشد و اعتلای
زبان و ادبیات فارسی به سراسر جهان اعزام می‌شوند و در این راه از هیچ
کوششی دریغ نمی‌ورزند.

سپاسگزاری

کتاب حاضر، در تجلیل و قدردانی از کوششهای یکی از استادان اعزامی (دکتر محمد کاظم کهدویی) از کشور جمهوری اسلامی ایران به دانشگاه داکا در کشور بنگلادش است که طی دوبار اعزام به این سرزمین، سرمنشأ خدمات فراوانی در جهت توسعه و گسترش زبان و فرهنگ و ادبیات فارسی بوده‌اند.

این کتاب که همزمان با یکصدمین سال تأسیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا، به زیور طبع آراسته می‌گردد، علاوه بر احوال و آثار دکتر کهدویی، مزین به متنهای زیبا و خاطرات دلنشین از استادان و فرهیختگان کشورهای مختلف، اعم از ایران، افغانستان، بنگلادش، پاکستان، چین و هندوستان، در خصوص استاد کهدویی است که با پذیرش درخواست اینجانب، منت بر ما نهاده، و نوشته‌های خود را که سرشار از لطف و محبت و صمیمیت و ارج‌گذاری است، ارسال فرموده‌اند. بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را به همه آن بزرگواران اعلام می‌دارم و از آنان، بی نهایت سپاسگزارم.

پروفسور دکتر محمد ابوالکلام سرکار

۱۳۹۹/۱۲/۲۵

۲۰۲۱/۳/۱۵ م.

قَدَرِ استاد نکو دانستن

گفت استاد مَبَر درس از یاد	یاد باد آنچه به من گفت استاد
یاد باد آنکه مرا یاد آموخت	آدمی نان خورد از دولتِ یاد
هیچ یادم نرَوَد این معنی	که مرا مادرِ مَن نادان زاد
پدرم نیز چو اُستادم دید	گشت از تربیت مَن آزاد
بس مرا منت از استاد بود	که به تعلیم مَن اِستاد اُستاد
هر چه می دانست آموخت مرا	غیر یک اصل که ناگفته نهاد
قَدَرِ استاد نکو دانستن	حیف! استاد به مَن یاد نداد
گر بِمُرده است، روانش پر نور	ور بُوَد زنده، خدا یارش باد

(ایرج میرزا)

فهرست عنوانها

تقریظ.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
بخش اول: احوال و آثار استاد کهدویی.....	۱۷
آغاز زندگی.....	۱۷
ازدواج و فرزندان.....	۱۷
تحصیلات.....	۱۹
استخدام در دانشگاه.....	۲۱
استادان دکتر کهدویی.....	۲۱
دانشجویان دکتر کهدویی در بنگلادش.....	۲۲
مسافرتها.....	۲۲
عضویت در محافل و انجمنها.....	۲۳
فعالیت‌های آموزشی.....	۲۳
راهنمای پایان نامه دکتری و کار شناسی ارشد.....	۲۴
داور پایان نامه های دکتری و کار شناسی ارشد.....	۲۴
آثار دکتر کهدویی.....	۲۴
الف) کتابها.....	۲۴
ب) مقالات تحقیقی.....	۳۶
ج) مقالات چاپ شده در مجلات علمی - ترویجی.....	۳۸
د) مقالات چاپ شده در مجلات خارجی.....	۳۹
ه) مقالات چاپ شده در سایر مجلات.....	۴۰
و) گردهماییها و کنفرانسهای خارجی و داخلی.....	۴۲

- بخش دوم: فعالیتهای علمی و فرهنگی استاد کهدویی.. ۵۱
- الف) افغانستان..... ۵۱
- ب) چین..... ۵۵
- ج) بنگلادش..... ۵۸
- یک) فعالیتهای علمی و فرهنگی در دانشگاه داکا..... ۶۰
- دو) فعالیتهای علمی و فرهنگی در دانشگاه راجشاهی... ۸۱
- سه) فعالیتهای علمی در دانشگاه چیتاگانگ..... ۹۲
- چهار) فعالیتهای علمی در ریزنی فرهنگی ایران..... ۹۵
- پنج) فعالیتهای آیینی..... ۹۹
- شش) فعالیتهای علمی و فرهنگی در مراکز گوناگون.. ۱۰۴
- بخش سوم: کهدویی در نگاه استادان ایران..... ۱۱۱
- بخش چهارم: کهدویی در نگاه فرهیختگان بنگلادش.. ۱۵۵
- بخش پنجم: کهدویی در نگاه استادان خارجی..... ۲۳۵
- الف) افغانستان..... ۲۳۵
- ب) پاکستان..... ۲۵۵
- ج) چین..... ۲۶۰
- د) هندوستان..... ۲۶۶
- بخش ششم: سخن نمایندگان سیاسی و فرهنگی..... ۲۸۳
- ضمیمه..... ۲۹۷
- عکسهای یادگاری و تاریخی استاد کهدویی..... ۲۹۷
- منابع و مآخذ..... ۳۲۱

تقریظ

به نام خدا

عده ای از فارسی آموزان خارجی که بسیاری از آنان اکنون در دانشگاههای مختلف، استاد زبان فارسی شده اند ارج نامه‌ای برای ادای دین و ابراز علاقه و قدرشناسی از استاد خود آقای دکتر **محمد کاظم کهدویی** فراهم آورده اند. بانی این کار شایسته آقای **محمد ابوالکلام سرکار** از بنده خواستند چند کلمه‌ای به عنوان مقدمه‌ای بر این ارجنامه بنویسم؛ اگرچه چنین کاری رسم نیست و شأن استاد **کهدویی** هم که عمری را با اخلاص و صمیمیت، صرف آموزش زبان و ادب فارسی به دانشجویان ایرانی و خارجی کرده‌اند، اجلّ از آن است که بنده بر ارجنامه ایشان چند کلمه ای بنویسم؛ اما اصرار آقای دکتر **سرکار** سبب شد که از این افتخار محروم نمانم.

استاد **کهدویی** با آنکه صاحب تألیفات و مقاله های متعدد در پیرامون زبان و ادبیات فارسی‌اند، اما اگر هیچ خدمتی به زبان و ادب فارسی هم نمی‌کردند، تربیت این همه شاگرد و استاد زبان فارسی در کشورهای مختلف، کافی بود که او را در مقام یکی از بزرگان زبان و ادب فارسی و خادمان فرهنگ ایرانی، قدر شناسند و بر صدر جای دهند.

اینکه استادان زبان و ادبیات فارسی که از استاد **کهدویی** درس آموخته‌اند، خاطر او را چندان عزیز شمرده اند که از روی کمال صمیمیت و قدرشناسی ارج نامه‌ای برای او فراهم آورده اند، حاکی از زحماتی است که ایشان در آموزش زبان فارسی کشیده اند، و نیز دانش و تسلطی است که در کار خویش داشته‌اند.

بنده به سهم خود از صمیم دل به ایشان سلام می‌کنم و از خداوند برای ایشان موفقیت هرچه بیشتر را در خدمت به زبان و ادب فارسی مسألت دارم.

تقی پورنامداریان ۱۳۹۹/۱۲/۴

استاد پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران

ضمن سپاس از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان
عین دست نوشته ایشان نیز در اینجا آورده می شود.

به نام خدا

عده ای از فارسی آموزان خارجی که بسیاری
از آنان اکنون در دانشگاه های مختلف استاد
زبان فارسی شده اند، ارجح نامه ای برای
ادای دین و ابرار علاقه و قدرشناسی از استاد
خود آقای دکتر محمد کاظم کمروزی فراهم آورده اند.
بانی این کارشایسته، آقای محمد ابوالکلام سرکار
از بنده خواستند چند کلمه ای به عنوان مقدمه
بر این ارجح نامه بنویسم. اگر چه چنین کاری
رسم نیست و شاک استاد کمروزی هم که عمری
را با اخلاص و صمیمیت صرف آموزش زبان و ادب
فارسی به دانشجویان ایرانی و خارجی کرده اند،
اجل از آن است که بنده بر ارجح نامه ایشان
چند کلمه ای بنویسم، اما اصرار آقای دکتر شاکر
سبب شد که از این افتخار محروم نمانم.

استاد کمروزی با آنکه صاحب تألیفات و مقالات
متعدد در پیرامون زبان و ادبیات فارسی اند، اما
اگر هیچ خدمتی به زبان و ادب فارسی هم نمی کردند،
تربیت این همه شاکر و استاد زبان فارسی در
کشورهای مختلف گمانی بود که او را در مقام
یکی از بزرگان زبان و ادب فارسی و خادمان
فرهنگ ایرانی قدرشناسند و بر صدر جای

دهند.

اینکه استادان زبان و ادبیات فارسی که از استاد
کمروزی درس آموخته اند، خاطر او را جدا از عزیز
شمرده اند که از روی کمال صمیمیت و قدرشناسی
ارجح نامه ای برای او فراهم آورده اند، حاکی از
رحمتی است که ایشان در آموزش زبان فارسی
کشیده اند و نیز دانش و تسلطی است که در کار
خلیق خود داشته اند.

بنده به سهم خود از صمیم دل به ایشان سلام
می کنم و از خداوند برای ایشان موفقیت
هر چه بیشتر را در خدمت به زبان و ادب
فارسی مسئلت دارم.

تقی پورنامداریان
۴/۱۲/۱۳۹۹

مقدمه

وقتی که **اختیارالدین محمد بن بختیار خلجی**، سپهسالار **قطب‌الدین ایبک** در سال ۱۲۰۴م. در این منطقه حکومت مسلمانان را تشکیل داد، زبان فارسی در سرزمین بنگال رواج یافت. تقریباً شش قرن و نیم این زبان در سراسر منطقه بنگال به عنوان زبان رسمی و دولتی رایج بود. برآستی زبان فارسی در این سرزمین به وسیله ایرانیان گسترش یافت. از سال ۱۸۳۷م. انگلیسی‌ها با صدور اطلاعیه‌ای کاربرد زبان فارسی در ادارات دولتی را ممنوع کردند و درصدد برآمدند تا ریشه‌های این درخت کهنسال را از میان ببرند؛ اما با همه تلاش‌ها در طی بیش از صد و هشتاد سال که از آن ممنوعیت می‌گذرد، دوستداران و علاقه‌مندان این زبان و فرهنگ مشترک همواره در جهت احیا و پاسداری از آن کوشیده‌اند و همچنان این چراغ فروزن، در تالو و روشنی است.

یکی از این علاقه‌مندان که در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۵ و ۱۳۹۷-۱۳۹۹ پای به عرصه بنگلادش گذاشت، استاد دکتر **محمد کاظم کهدویی** است، او یکی از برجسته‌ترین استادان فارسی اعزامی در بنگلادش است. وی برای تدریس و گسترش زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش همواره صمیمیت، مهربانی، لطف و همکاری نام خود را برای همیشه در حافظه استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی این سرزمین جاویدان کرد.

زمانی که در سال ۱۳۹۷ خورشیدی (۲۰۱۸ میلادی) استاد **محمد کاظم کهدویی**، برای بار دوم، به بنگلادش و دانشگاه داکا آمدند، یک روز با ایشان صحبت کردم که قصد داریم، در گروه زبان و ادبیات فارسی، مراسم تودیع و خداحافظی برای پروفیسور خانم **کلثوم ابوالبشر** برگزار کنیم. ایشان گفتند که بسیار کار پسندیده‌ای است؛ ولی چرا تودیع؟ برای

خدمات ۴۰ ساله ایشان، مراسم تجلیل و بزرگداشت برگزار کنید، حتی یادنامه یا ارجنامه‌ای هم برای ایشان چاپ شود، به گونه‌ای که شایسته خدمات ایشان باشد.

همین فرمایش استاد، جرقه‌ای در ذهن من ایجاد کرد تا مجموعه‌ای از احوال و آثار ایشان را، که به صورت خلاصه برای خودم آماده کرده بودم، با عکسها و خاطراتی از ادیبان و فرهیختگان و فرهنگیان، کامل کنم و به چاپ برسانم. برای نام آن هم با استاد **کهدویی** مشورت کردم و «ارجنامه استاد کلثوم ابوالبشر» مقبول افتاد.

تلاشهای زیادی صورت گرفت، با استادان و ادیبان، از کشورهای مختلف، و دوستان و دانشجویان ایشان، خاطرات و مطالبی درخواست شد و آنان نیز فرستادند، و مجموعه را با عکسهایی که فراهم کرده بودیم آماده شد و استاد **کهدویی** هم ویرایش آن را بر عهده گرفتند، و سرانجام «ارجنامه استاد کلثوم ابوالبشر» به زیور چاپ آراسته شد.

همزمان با گردآوری و تدوین ارجنامه بانو استاد **کلثوم ابوالبشر**، نشستها و سفرهایی با استاد **کهدویی** به چیتاگنگ و راجشاهی و... داشتم، و ایشان هم خاطرات زندگی پر فراز و نشیب خود را برای من تعریف می‌کردند، از دوران تحصیل، معلمی در مدارس، استادی در دانشگاهها، تدریس و مأموریتها در خارج از ایران، سفرهای مختلف، آثار، سمینارها و همایشها، مقالات و غیره.

چند بار هم در سمینارهای انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، در ایران (زنگان و نیشابور) با ایشان بیشتر آشنا شده بودم. و از سوی دیگر وقتی که بنده در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷م. به عنوان دانشجوی کارشناسی وارد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا شدم، درباره علم و دانش، عقل و کیاست، فهم و فراست، صمیمیت و بردباری استاد **محمد کاظم**

کهدویی از زبان استادان فارسی این قدر شنیده بودم که نادیده عاشق این استاد بزرگوار شده‌ام، و همین امر مرا به این صرافت انداخت که به پاس تلاشها و کوششهای استاد نیز ارجنامه‌ای تهیه کنم، بی آنکه خود بدانند، و چون از بنگلادش رفتند، کار چاپ آن را دنبال کنم.

با توجه به این زمینه فکری، بسیار شبها به خانه استاد می رفتم، چه زمانی که در منطقه دانموندی، خیابان شماره ۵، و مدتی هم خیابان شماره ۴ بودند و فاصله هم تقریباً دور بود، و چه زمانی که در خوابگاه بین الملل دانشگاه داکا و در طبقه سوم ساختمان **منیرالزمان**، و نزدیک خانه ما اقامت داشتند، گاهی ساعتها صحبت می کردیم و من هم با اجازه ایشان، علاوه براین که مطالب را به خاطر می سپردم و در ذهنم، در کتابی که قصد تدوین آن را داشتم، قرار می دادم، مواردی هم ضبط می - کردم تا اینکه شاید بعد از این به کار بیاید.

سرانجام درخواستهای ما از ایران، برای حضور بیشتر استاد در دانشگاه داکا به نتیجه نرسید، و ایشان در پایان مرداد ماه ۱۳۹۹ خورشیدی، برابر با بیستم آگست ۲۰۲۰ میلادی، پس از دو سال خدمت و تلاش ماندگار در بنگلادش، به ایران بازگشتند و بنده نیز کار تدوین ارجنامه دکتر **محمدکاظم کهدویی** را آغاز کردم، و با توجه به اینکه در همایشهای بین المللی در ایران، با استادان ایرانی و خارجی که با استاد **کهدویی** نیز خیلی همراه و همنشین بودند، آشنا شده بودم، و نشانی بعضی آنها را نیز قبلاً برای درخواست مطالبی برای ارجنامه استاد **کلثوم** از ایشان گرفته بودم (کشورهای ایران، پاکستان، چین، و هند) شروع به تماس با آن استادان کردم و با طرح درخواست خود، که همه آنان نیز استقبال کرده بودند و کاری شایسته می دانستند، از آنان خواستم تا چنانچه مطلبی در خصوص استاد **کهدویی** در نظر دارند، یا خاطره‌ای از

ایشان در ذهنشان مانده است، به صورت مکتوب یا حتی شفاهی بفرستند، که البته گاهی لازم می شد از طریق تلفن، یا پیام رسانهای مجازی، درخواست خود را تکرار کنم که سرانجام از محبتهای آنان هم بهره مند شدم و در اینجا گردآوردم. و سپاسگزار لطف و عنایت همه آنان هستم.

امید من آن است، که این مقدار، مورد رضای خداوند رحمان باشد، و توانسته باشم بخشی از خدمات استاد **کهدویی** را، که دوست دارم آن را پاسداشتی برای «خادمان بی مدعا» بنامم، بیان کرده باشم و نشان دهم که اگر کسی بخواهد کاری انجام دهد، در هر کجا باشد امکان پذیر است. زبان و ادبیات فارسی، در دوره جدید، یعنی از سال ۱۳۷۲ خورشیدی که این استاد به دانشگاه آمدند و آموزش زبان و ادبیات فارسی را آغاز کردند، مدیون خدمات عاشقانه این استاد فرزانه و گرانقدر است:

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

البته دیگر استادان فرهیخته اعزامی نیز از ایران تشریف آوردند، و ما بسیار از خرمن دانش آنها توشه برداشتیم و بهره بردیم مانند استادان: **ولی الله ظفری**، **احمد تمیم داری**، **سیروس شمیسا**، **محمود بشیری**، **سیدحسین فاطمی**، **علی محمدگیتی فروز**، **شاهرخ محمد بیگی**، نعمت **الله ایران زاده**، و **فرهاد درودگریان** خدمات آنان نیز ستودنی است و از آن عزیزان نیز به نیکی یاد می کنیم و برای آنان سلامت از درگاه خداوند مسألت می داریم.

دکتر محمد ابوالکلام سرکار

استاد و رئیس سابق گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

بخش اول: احوال و آثار استاد کهدویی

آغاز زندگی

استاد دکتر محمد کاظم کهدویی در بیستم سپتامبر ۱۹۵۶م. / سی‌ام شهریور ۱۳۳۵ خورشیدی در روستای صادق‌آباد پیشکوه یزد، متولد شد. او پنجمین فرزند خانواده بود و در مجموع پنج برادر و دو خواهر داشت.

ازدواج و فرزندان

اشاره‌ای به زندگی خصوصی استاد، از زبان خودشان:

با استاد کهدویی بسیار نشست و برخاست داشتیم؛ یک بار که با استاد نشسته بودیم، از ایشان خواستم درباره زندگی خصوصی خود هم کمی برای من توضیح دهند. استاد کهدویی ساده و بی تکلف مطالبی را گفتند؛ از جمله اینکه: در سال ۱۳۵۰، در حالی که تنها ۱۵ سال داشتم، از یزد، به شهرستان کرج، از شهرهای استان تهران رفتم و کار نقاشی ساختمان را شروع کردم. (امروزه کرج، مرکز استان البرز است)

سه سال کار نقاشی، مدتی به عنوان کمک داروساز در داروخانه، کار در یک کارخانه دولتی، خدمت سربازی، و غیره تا اینکه سال ۱۳۵۷ فرا رسید. اواخر سال ۱۳۵۷ش. با دختری آشنا شدم که با خانۀ شوهر خواهر ایشان رفت و آمد داشتیم. اوایل سال ۱۳۵۸ به خواستگاری ایشان رفتیم و در سی‌ام تیر ماه همان سال بسیار ساده و انقلابی، مراسم ازدواج برگزار شد و ایشان را از شمال و کنار دریای مازندران، به کرج آوردیم.

در کرج هم خانه‌ای ساده تهیه کرده بودم و زندگی آغاز شد. در خرداد سال ۱۳۵۹، نخستین فرزند ما که دختر بود خانه ما را روشن کرد. سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۴ خداوند رحمان ما را به داشتن دو دختر دیگر

سربلند ساخت. در سال ۱۳۶۹، تنها پسر خانواده ما نیز به دنیا آمد. خدا را سپاس همه آنها در کمال صحت و سلامت روزگار می گذرانند.

دختر اولی دکترای روان سنجی دارد و عضو هیأت علمی یک دانشگاه در یزد است. دومی با داشتن لیسانس صنایع دستی از دانشگاه الزهراء تهران، زندگی خانه داری را برگزیده و با همسر و فرزندانش که سه پسر هستند، در استرالیا زندگی می کنند. دختر سوم نیز در ایران است و به عنوان مدیر گروه، در یک دانشگاه خصوصی فعالیت دارد. فرزند آخر نیز در حال نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق است.

خدا را به پاس همه لطفها و مهربانیهایش سپاس می گویم و شکر می گذارم؛ اگرچه لطف خداوند بسیار بسیار بیش از شکر و سپاس ماست و این شکر در برابر آن لطف، به هیچ وجه قابل قیاس نیست.

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

آنچه همیشه در زندگی من نقش اول داشته، توکل به خداوند رحمان و توسل به آیات الهی بوده است، و همچنین پشتگرمی به دعای خیر پدر و مادر، و تلاش و پشتکار شبانه روزی خود این حقیر، و بویژه همراهی و همدلی همسر (خانم هما جاری) که همواره در هر دوره سختی و راحتی، در سفر و حضر، یار و مددکار من بود.

پدرم سواد مدرسه ای نداشت؛ اما برآستی هنرمند بود. در خانه ما بسیار محفلهای محلی برگزار می شد، پدرم دف می نواخت و آواز می خواند. بسیار داستان و قصه و شعر و غزل از حفظ داشت و گاهی ساعتها یک قصه او ادامه می یافت. کار اصلی اش معماری بود، در ساخت بناهای خشتی و سقفهای گنبدی و مساجد بسیار مهارت داشت. در شکسته بندی (عصا بندی) دست و پا و استخوانهای بدن کم نظیر بود، از دور و

نزدیک برای معالجه نزد او می آمدند. بیطار (دامپزشک سنتی) بود، و کشاورزی هم خوب می دانست. در آشپزی ماهر بود. در نجاری هم دستی داشت. خلاصه مجموعه‌ای بود از هنرها که ما از آنها بهره ای نبردیم.

مادرم خانه دار بود، او را در آخرین روزهای سال ۱۳۶۸ خورشیدی، و پدر را در آذر ماه سال ۱۳۶۹ از دست دادم؛ اگرچه اندوه از دست دادن آنها همیشه با من است. روحشان شاد و قرین رحمت حق باد.

تحصیلات

کهدویی، تحصیلات ابتدایی را از اول تا ششم دبستان، در محل زادگاه خود به پایان رساند (۱۳۴۸ خورشیدی). و به سبب نبودن دوره-های بالاتر، و همچنین کمک به پدر و مادر، مجبور به ترک تحصیل شد و سال ۱۳۵۰، به تهران مهاجرت کرد و در شهر کرج به کارهای نقاشی، و همچنین کمک داروسازی در یک داروخانه پرداخت و پس از هشت سال ترک تحصیل و نیز گذراندن دوره خدمت سربازی، (۱۳۵۶ خورشیدی) به صورت شبانه، ادامه تحصیل خود را با جدیت پی گرفت. دیپلم خود را در سال ۱۳۶۲ در شهرستان کرج (استان البرز)، لیسانس را در دانشگاه تربیت معلم یزد (۱۳۶۶)، فوق لیسانس را در دانشگاه تربیت مدرس تهران (۱۳۶۹)، و دکتری زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از دانشگاه تهران به دست آورد، و از سال ۱۳۷۰ خورشیدی/ ۱۹۹۱ میلادی تدریس خود را در دانشگاه یزد آغاز کرد.

نامبرده از مهرماه سال ۱۳۵۹ وارد آموزش و پرورش شهرستان کرج شد و با شروع جنگ تحمیلی در آبان ۱۳۵۹ به مدت شش ماه، به عنوان نیروی نامنظم و تکاور کوهستانی، به جبهه اعزام شد و در ارتفاعات دشت عباس بین خوزستان و لرستان، به دفاع از کشور پرداخت.

از سال ۱۳۶۰ در مدارس راهنمایی و سالهای ۶۱ و ۶۲ در دبیرستان های کرج به عنوان مربی تربیتی تدریس کرد.

از تیرماه سال ۱۳۶۱ تا بهمن ماه ۱۳۶۲ به عنوان مربی برگزیده شهرستان کرج (به مدت یک سال و نیم) هفته ای سه روز، در کلاسهای تربیت استاد، ویژه مربیان برگزیده استان تهران، در دانشگاه تهران شرکت کرد و درسهای: فلسفه، کلام، منطق، عربی، جهان بینی، فقه و اصول، و غیره را نزد استادان بزرگ فرا گرفت.

همزمان، به عنوان رئیس واحد دانش آموزی امور تربیتی و عضو شورای تربیتی شهرستان کرج فعالیت داشت و از بهمن ماه ۱۳۶۲ که در دانشسرای عالی تربیت معلم یزد پذیرفته شد، به دنبال مدارج عالی تر، ادامه کلاسهای تربیت استاد را رها کرد و با خانواده به یزد آمد و تا سال ۶۳ در مدارس شهرستان یزد (هنرستان شهید ابراهیمی و دبیرستان رزمندگان) به عنوان مربی تربیتی فعالیت داشت.

از سال ۱۳۶۴ در هنرستان اعظم شهرستان تفت، فعالیت تربیتی خود را ادامه داد و از تیرماه سال ۱۳۶۶، با اتمام دوره لیسانس (کارشناسی)، به عنوان رئیس دبیرستان شهید **صدوقی** تفت کار خود را ادامه داد، و در پاییز همان سال به سبب قبولی در دوره کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) تحصیل خود را در دانشگاه تربیت مدرس تهران آغاز کرد و با توجه به اینکه انتقال از آموزش و پرورش به آموزش عالی، میسر نبود، با استعفا از آموزش و پرورش، بورسیه وزارت علوم شد و در سال ۱۳۶۹ از پایان نامه خود با عنوان «تصحیح شرح شرفنامه نظامی» به راهنمایی استاد دکتر **بهروز ثروتیان**، دفاع کرد و پس از از پایان دوره کارشناسی ارشد، به عنوان عضو هیأت علمی و مدرس زبان و ادبیات فارسی، در دانشگاه تازه تأسیس «یزد» کار خود را شروع کرد و در همان سال ۶۹ با پذیرش در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران، همزمان دوره دکتری را ادامه داد و در سال ۱۳۷۲ خورشیدی به عنوان مدرس اعزامی

جمهوری اسلامی ایران به دانشگاه داکا، در کشور بنگلادش اعزام شد که تا تیر ماه ۱۳۷۵ در آن کشور فعالیت داشت.

پس از بازگشت در اسفند ماه ۱۳۷۵ از پایان نامه دکتری خود با عنوان «چهار عنصر در شعر فارسی تا حمله مغول» به راهنمایی استاد **مظاهر مصفا** دفاع کرد.

محمدکاظم کهدویی، اولین استاد اعزامی از ایران به دانشگاه داکا، بنگلادش، پس از انقلاب اسلامی بود (اسفند ۱۳۷۲ تا تیرماه ۱۳۷۵) و مدت ۲ سال و ۴ ماه در دانشگاه داکا تدریس کرد. وی برای دومین بار در سال ۱۳۹۷ خورشیدی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به دانشگاه داکا اعزام شد، تا پایان مرداد ماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی.

استخدام در دانشگاه

دکتر کهدویی در اول تیر ماه سال ۱۳۷۰ خورشیدی، در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد به عنوان مربی استخدام شد؛ اگرچه از سال ۱۳۶۸ خورشیدی به عنوان استاد پاره وقت در دانشگاههای آزاد اسلامی کرج و یزد، و دانشگاههای پیام نور یزد و تفت و اردکان تدریس کرده داشته است.

استادان دکتر کهدویی

دکتر کهدویی در دوره کارشناسی در دانشسرای عالی تربیت معلم یزد، نزد استادان دکتر **محمد علی صادقیان**، دکتر **محمد غلامرضایی**، و در دورههای کارشناسی ارشد و دکتری، در دانشگاههای تربیت مدرس، و تهران، از محضر استادانی فرهیخته و بنام، چون: دکتر **سید جعفر شهیدی**، **محمدعلی اسلامی ندوشن**، **مهدی محقق**، **شفیعی کدکنی**، **اسماعیل حاکمی**، **جلیل تجلیل**، **زریاب خویی**،

محسن جهانگیری، نورانی وصال، مظاهر مصفا، حسین بحر العلوم، تقی پورنامداریان، شیخ الاسلامی، سادات ناصری، یدالله شکری، خسرو فرشیدورد، ضیاءالدین سجادی، محمد خوانساری، فیروز حریرچی، و... کسب فیض کرد.

دانشجویان دکتر کهدویی در بنگلادش

باعث افتخار و مسرت دکتر کهدویی است که تعدادی از استادان فارسی در سراسر دانشگاه‌های بنگلادش از دانشجویان وی بوده‌اند، استادانی چون دکتر ک. ام. سیف‌الاسلام خان، دکتر محمد نوراله‌دی، دکتر محمد محسن‌الدین میا، دکتر عبدالصبور خان، دکتر محمد شاه جلال، دکتر طارق ضیاء الرحمن سراجی، دکتر محمد ابوالهاشم، دکتر محمد کمال‌الدین، دکتر محمد نور عالم دانشجویان مزبور که از محضر دکتر کهدویی استفاده برده‌اند، در حال حاضر بزرگترین خدمتگزاران فارسی در بنگلادش هستند.

مسافرت‌ها

دکتر کهدویی برای ارائه مقالات، سفرهای متعددی داشتند که از این قرار است: در ایران (قریب به اتفاق شهرها)، و در خارج از ایران: پاکستان (اسلام آباد)، هندوستان (دهلی، بمبئی یا ممبای، علیگره، کلکته، احمدآباد، حیدرآباد، امریتسر، آگرا، رامپور، بیجاپور، پتنا (بیهار و...)). چین (شانگهای، پکن، شیآن، چانگ چینگ، نانجینگ، وووشی و...)، افغانستان (کابل، قندهار، هرات، بلخ، تخار، غزنه و...)، ویتنام (هانوی)، تایلند (بانکوک)، تاجیکستان (دوشنبه)، ارمنستان (ایروان)، ژاپن (توکیو و یوکوهاما)، همچنین سفرهایی به ترکیه، سوریه، عربستان (مکه و مدینه)، استرالیا (سیدنی و ملبورن)، دُبی، نپال، و مالزی داشته است.

عضویت در محافل و انجمن‌ها

استاد، دکتر کهدویی، علاوه بر عضویت در هیأت علمی دانشگاه داکا، مسؤولیت‌های دیگری نیز عهده‌دار بود که بخشی از آنها عبارتند از:

۱. عضو پیوسته انجمن ترویج زبان و ادب فارسی
۲. نایب رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی و مسئول کمیته بین الملل انجمن،
۳. رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، شعبه یزد،
۴. عضو انجمن استادان فارسی هند: از سال ۱۳۷۳
۵. عضو انجمن فارسی بنگلادش: از سال ۱۳۷۴
۶. عضو کارگروه برنامه ریزی درسی کرسیهای ایرانشناسی، و ادبیات فارسی خارج از کشور، در وزارت علوم
۷. عضو کارگروه کشورهای فارسی زبان در بنیاد سعدی
۸. عضو شورای شعر و موسیقی صدا و سیمای مرکز یزد
۹. دبیر علمی کنگره ملی بزرگداشت فرخی یزدی
۱۰. دبیر علمی همایش عرفان اسلامی، در دانشگاه یزد
۱۱. دبیر علمی پنجمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی

فعالیت‌های آموزشی

۱. دانشگاه یزد، از سال ۱۳۷۰ ش. ادامه دارد.
۲. دانشگاه داکا (بنگلادش): مدرس اعزامی ج.ا. ایران، به مدت ۲ سال و ۴ ماه از: ۱۳۷۲-۱۳۷۵.
۳. دانشگاه کابل (افغانستان): (تدریس همزمان با مسؤولیت رایزنی فرهنگی) به مدت ۳ سال
۴. دانشگاه شانگهای (چین): استاد اعزامی ۲ سال و ۳ ماه: ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲

۵. دانشگاه داکا، (بنگلادش) حضور دوباره، مدرس اعزامی ج.ا. ایران، از شهرپور ۱۳۹۷، تا مرداد ۱۳۹۹ ش.
۶. هند: تدریس در ۳ دوره ۱۲۰ ساعته بازآموزی استادان فارسی، در دهلی: سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ خورشیدی.
۷. ارمنستان (شهر ایروان): تدریس یک دوره ۷۰ ساعته کارگاه بازآموزی استادان زبان فارسی.

راهنمای پایان نامه دکتری و کارشناسی ارشد

استاد کهدویی بیش از ۴۰ رساله دکتری و کارشناسی ارشد راهنمایی کرده‌اند.

داور پایان نامه های دکتری و کارشناسی ارشد

استاد کهدویی بیش از ۵۰ پایان نامه دکتری و ارشد، و قریب به ۳۰۰ مقاله علمی - پژوهشی و همایشی نیز داوری کرده‌اند.

هیأت تحریریه و شورای علمی مجلات

استاد کهدویی، عضویت در هیأت تحریریه مجلات مختلف علمی - پژوهشی و ... را نیز در کارنامه خود دارد.

آثار دکتر کهدویی

الف) کتاب‌ها

گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام

درباره زندگی و آثار قاضی نذراالاسلام، شاعر ملی بنگلادش، با عنوان گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام کتابی نوشته شده است. نویسندگان این کتاب دکتر کلثوم ابوالشر و آقای محمد عیسی شاهی است. آقای دکتر محمد کاظم کهدویی مسئولیت ویرایش و باز

نویسی اشعار و متن ترجمه شده را به عهده گرفته و با جدیت تمام به پایان رساندند. کتاب مزبور توسط رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در سال ۱۹۹۵م. (۱۳۷۴ خورشیدی) به چاپ رسید.

فرهنگ فارسی - بنگالی - انگلیسی

این فرهنگ با نظارت رایزن فرهنگی ج.ا. ایران در داکا - بنگلادش، ۱۹۹۸م. مشتمل بر هزار و شصت و شش صفحه به چاپ رسید. در این فرهنگ دارای ۳۰۰۰۰ واژه موجود است و این اولین فرهنگ فارسی - بنگالی - انگلیسی است که به صورت کامل چاپ شده و به دست دانشجویان فارسی رسید. اعضای گروه تدوین فرهنگ فارسی - بنگالی - انگلیسی از این قرار است:

علی اورسجی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، دکتر **محمد کاظم کهدوی**، استاد اعزامی جمهوری اسلامی ایران به دانشگاه داکا، دکتر **ولی الله ظفری**، استاد اعزامی جمهوری اسلامی ایران به دانشگاه داکا، دکتر **کلثوم ابوالبشر**، استاد و رئیس گروه فارسی و اردوی دانشگاه داکا، **ابوموسی محمد عارف بالله**، استاد یار گروه فارسی و اردوی دانشگاه داکا، **محمد عیسی شاهدی**، مترجم و پژوهشگر فارسی، **نور حسین مجیدی**، مترجم و پژوهشگر فارسی، **شمیم بانو**، استادیار فارسی مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه داکا، ک.ام. **سیف الاسلام خان**، استادیار گروه فارسی و اردوی دانشگاه داکا و **محمد محبوب الرحمن**، مترجم و پژوهشگر فارسی.

همکاری در آرفا (آموزش زبان فارسی)

مرحوم دکتر یدالله ثمره، پیشگام در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان بود و چندین کتاب در این زمینه با عنوان "آرفا" به زبان

فارسی نوشت. دکتر **کلثوم ابوالبشر** از این کتابها، کتاب اول آرفا را از زبان فارسی به زبان بنگلا ترجمه کرده است و **محمد عیسی شاهدی** ترجمه بنگلا را تصحیح کرد و دکتر **محمد کاظم کهدویی** ویرایش و تطبیق فارسی و **پروفسور سراج الحق** ویرایش نهایی آن را انجام داد. ترجمه کتاب آرفا با همکاری رایزنی فرهنگی ج. ا. ایران در سال ۱۹۹۵م. انتشار یافت. شاسان یادآوری است که این کتاب به عنوان کتاب درسی در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های بنگلادش تدریس می‌شود.

بانت سعاد

بانت سعاد، همان «قصیده برده» است که **کعب بن زهیر** در مدح رسول گرامی اسلام سروده، و **ابوموسی احمد الحق قریشی**، در سده سیزدهم هجری، آن را به فارسی شرح کرده و علاوه بر شرح فارسی آن، ابیات را تجزیه و ترکیب نیز کرده است.

بانت سعاد، برگرفته از بیت اول قصیده است:

بانت سعادُ فقلبی الیوم متبول متیم إثرها لم یفد مکبولُ

علت نامگذاری این قصیده با عنوان «برده» آن است که وقتی **کعب بن زهیر**، قصیده را نزد پیامبر اسلام (ص) خواند، آن حضرت، برده خود (نوعی قبا) را به در آورده و روی دوش **کعب** انداختند.

این کتاب را استاد **کهدویی**، با همکاری دکتر **رضا افخمی**، عضو هیأت علمی گروه ادبیات عرب دانشگاه یزد، تصحیح کرده و دانشگاه یزد آن را به چاپ رسانده است.

متون عرفانی (گزیده‌ای از احوال و آثار عین القضات)

عین القضات همدانی، از عارفان سده پنجم و اوایل ششم هجری قمری بود. او به سال ۴۹۲ هجری به دنیا آمد با **احمد غزالی**، برادر امام

محمد غزالی طوسی رابطه عرفانی داشت، آثاری چون: تمهیدات، مکتوبات، رساله شکوی الغریب، و غیره از خود به یادگار گذاشت. او را در سال ۵۲۵ هجری کشتند.

کتاب حاضر علاوه بر بیان زندگانی و آثار **عین القضا**، گزیده‌هایی هم از تمهیدات (ده تمهید) و مکتوبات و دیگر آثار وی را شامل می‌شود و از متون ساده و شیوای ادب عرفانی فارسی است. استاد **که‌دویی** این کتاب را با همکاری دکتر **یدالله شکیبافر**، تهیه، و به چاپ رسانده است.

تذکره شمع انجمن

این کتاب تصحیحی است از تذکره "شمع انجمن"، تألیف **سید محمد صدیق حسن خان بهادر**، که دربردارنده سرگذشت نزدیک به یک هزار نفر از شاعران و ادیبان پارسی‌گوی سرزمین‌های ایران و هند است و از قدیم‌ترین شاعران ایرانی هم چون **رودکی سمرقندی** آغاز و به **یوسف گوپاموی**، از معاصران مؤلف، ختم شده است. با این توضیح که مؤلف در بیان شرح احوال معاصران خویش، توجه بیش‌تری مبذول داشته و علاوه بر شرحی بر زندگی آنان، مقدار قابل توجهی از اشعار آنان را ذکر کرده است.

گفتنی است که تصحیح حاضر توسط استاد **که‌دویی**، بر اساس متن اصلی دست‌نویس کتاب صورت گرفته و به همراه فهرست‌بندی و غلط‌گیری و اصلاح متن همراه با مقابله با بعضی دیگر از تذکره‌ها اعم از هندی و ایرانی و فهرست‌نگاری و تعلیقات به چاپ رسیده است.

در ادامه باید افزود که مؤلف در نگارش تذکره، تعصبات خاص خویش را نیز به کار گرفته و برخی از شاعران را که با آنان اختلاف عقیده و مذهب داشته و یا شیوه کلامشان را نمی‌پسندیده به نوعی خُم‌خواری یا بدخلقی و یا گبر بودن متهم کرده است.

این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ در ۱۰۴۰ صفحه، توسط انتشارات دانشگاه یزد به چاپ رسید و در سال ۱۳۹۵ نیز چاپ دوم آن به بازار آمد.

عرفان و تصوف و نفوذ آن در هند و بنگلادش

اثری است از استاد محمد کاظم کهدویی، که برای اولین بار، به سال ۱۳۹۳ خورشیدی، توسط مجمع ذخائر اسلامی، در شهر قم، ایران در ۲۸۴ صفحه، در قطع وزیری به چاپ رسیده است.

این کتاب، تحقیقی تاریخی است در زمینه میزان گسترش فرهنگ مربوط به عرفان و تصوف در بخشی از شبه قاره هند و کشور بنگلادش و فراز و نشیب‌های عرفان و تصوف، از ابتدای قرن سوم تا قرون فعلی در نقاط مختلف دنیا است. در این کتاب نخست به بررسی جایگاه ادب پارسی و آموزه‌های عرفانی در شبه قاره هند پرداخته شده و تاریخچه‌ای از ورود آن دو در این منطقه از جهان ارائه شده است. در ادامه نویسنده توضیحاتی در مورد مفهوم عرفان و تصوف و آموزه‌های مربوط به آن ارائه نموده و منشأ پیدایش تفکرات عرفانی و صوفیانه در میان شیعیان را نیز از منظری تاریخی بررسی نموده است.

استاد کهدویی، در این زمینه به نسبت بین طریقت، حقیقت و شریعت از منظر صوفیه اشاره نموده و برخی از آداب و رسوم آنان در زمینه طریقت و سیر و سلوک را شرح داده و برخی از بزرگان صوفیه را از سده‌های اولیه تا قرن دهم هجری معرفی نموده است. وی همچنین به معرفی سلسله‌های تصوف در شبه قاره هند پرداخته و اوضاع تصوف و عرفان را در هند و بنگلادش، مورد بحث و بررسی قرار داده است.

از نگارش تا شناخت (گزیده نگارش و ادب و عرفان)

این کتاب، به عنوان منبع درسی، برای درس فارسی عمومی در دانشگاه تهیه و تنظیم شده است که در آن به مواردی چون: نگارش زبان فارسی، درست نویسی، انواع نثر فارسی، سبکهای شعر فارسی، انواع ادبی، شعر معاصر، ادبیات زنان، ادبیات کودک و نوجوان، شعر دفاع مقدس، و گزیده‌ای از عرفان و تصوف پرداخته شده است و هدف آن بوده تا دانشجویان بتوانند با موارد یاد شده آشنایی حاصل کنند.

چاپ اول این کتاب، در سال ۱۳۹۳، و چاپ دوم آن در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، توسط انتشارات فدک ایستاتیس یزد، در ۲۳۰ صفحه انجام یافته است.

تذکره عقد ثریا

تذکره عقد ثریا، اثر غلام مصحفی همدانی است که توسط استاد کهدویی تصحیح مجدد شده، و در سال ۱۳۸۸ خورشیدی، از سوی انتشارات بخشایش قم، در ۱۵۴ صفحه به چاپ رسیده است.

این کتاب، تذکره‌ای است که در بیان احوال تعدادی از شاعران فارسی‌سرا در آغاز سده سیزدهم هجری، و به قلم شیخ غلام همدانی متخلص و معروف به مصحفی نوشته شده است. نویسنده این تذکره در سرزمین هند بوده و در این کتاب از ۱۴۹ تن از شاعران هم‌روزگار خود نام برده و در احوال هر یک نوشته‌ای بسیار کوتاه و در بعضی محدود به یک سطر، آورده است. او در این نوشته‌ها به قدرت و مهارت شاعری هر یک از شاعران و به زندگی و احوال ایشان اشاره می‌کند. این کتاب بر اساس چاپ دست‌نوشته مولوی خسته، تذکره‌نگار معروف افغانستان، به چاپ رسیده و حاوی حاشیه‌های وی بر این کتاب نیز هست.

نرگستان، ترجمه منظوم رامایانا

منظومه نرگستان، داستان منظوم حماسه مشهور و بنام سرزمین هند، به نام «رامایانا»ست که چَندَرَمَن کایته، آن را در ۱۱۰۴-۱۱۰۵ ق. به نظم فارسی سروده، و به اورنگ زیب پادشاه (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق.) / ۱۶۵۶-۱۷۰۷ میلادی) پیشکش شده است. ناظم، در آغاز کتاب با استعانت از نام و یاد خداوند، به بیان اوصاف ذاتی و صفاتی خدا می پردازد و از پروردگار عالمیان، با جلال و شکوه و عظمت یاد می کند و سپس از خویش و منظومه نرگستان و باعث و بانی این کار سخن می گوید. شاعر در خصوص نام این منظومه، که نوزده بار آن را ذکر کرده، و به مقدمه گلستان سعدی هم عنایتی داشته، (گل همین پنج روز و شش باشد/ وین گلستان همیشه خوش باشد) می گوید:

چو این نسخه سراپا هست گلزار کشم در وی بهار نو پدیدار
گذارم نام این را نرگستان که هست این رشک افزای گلستان
بقای گل به یک هفته عیان است ولی این نرگستان جاودان است
سراینده این منظومه، چَندَرَمَن کایته، مُدْهپوری، متخلص به «بیدل» فرزند شری رام، است؛ اگرچه زمان تولد و مرگ وی در جایی نیامده، اما از آنجا که بنا به گفته خود او، در هنگام سرودن این منظومه، شصت سال سن داشته است؛ چنانکه می گوید:

درین شصت سالی که من کرده ام ز ساقی خود فیض ها برده ام
و نرگستان را به سال ۱۱۰۴ هجری سروده، می توان دریافت که حدود سال ۱۰۴۴ هجری به دنیا آمده است.

کتاب آیینۀ تعلیم (ادبیات تعلیمی منظوم)

این کتاب دربردارنده قالبهای گوناگون نظم فارسی است که در آن، بخشی از ادبیات تعلیمی منظوم فارسی، و اشعاری که دارای مضامین

اخلاقی و تربیتی و تعلیمی است، گردآوری شده است، و از قدیمی‌ترین شاعران فارسی گو، همچون رودکی فردوسی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، مولوی، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی، تا دوره‌های متأخر را شامل می‌شود که به منظور تدریس در ۲ واحد درسی با همین نام در نظر گرفته شده است. این کتاب را دانشگاه یزد به چاپ رسانده و در مجموع برای علاقه‌مندان به ادبیات تعلیمی قابل استفاده است. در موارد مختلف نیز پاره‌ای از مشکلات ابیات توضیح داده شده است:

کتاب «نگارش مطلوب» "درست‌نویسی برای همه"

این کتاب در سال ۱۳۹۰ خورشیدی، در ۱۵۲ صفحه به چاپ رسیده و برای درس آیین نگارش در دوره کارشناسی قابل استفاده است. موضوع کتاب حاضر، ارائه اصول و شیوه‌های نگارش مطابق با اصول و شیوه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی است. نگارنده، ابتدا مطالبی چون فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست‌خوانی، املائی بعضی از واژه‌ها، پیشوندها و پسوندها، واژه‌هایی با چند صورت املائی، آورده، پس از آن، مطالبی درباره حشو، درازنویسی، نامه و انواع آن، حسب حال و آئین گزارش نویسی ارائه می‌دهد. در آخر، مطالبی درباره فصل‌بندی و شماره‌گذاری، پاورقی، رموز و علامات اختصاری، نقطه‌گذاری و مبدأ تاریخ، سال و ماه و اقسام آن ذکر می‌کند.

پیغام جمال

کتاب پیغام جمال، شرحی بر گزیده قصاید جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی است، که با همکاری دکتر یدالله شکیبافر، عضو هیأت علمی

دانشگاه پیام نور، در سال ۱۳۸۷ ش، و ۲۹۲ صفحه در قطع رقعی، توسط انتشارات علم نوین یزد به چاپ رسیده است.

در این کتاب علاوه بر توضیح مفردات و لغات دشوار، ابیات نیز به طور خلاصه شرح داده شده، و مقدمه ای مفصل نیز در خصوص دوره زندگی شاعر و احوال و آثار وی آمده است.

در مکتب حقایق

این مجموعه جشن نامه استادان دکتر محمدعلی صادقیان و دکتر محمد غلامرضایی است که به مناسبت چهلمین سال تأسیس گروه ادبیات فارسی در یزد، و همچنین بزرگداشت دو استاد دکتر کهدویی فراهم شده، و توسط انتشارات دانشگاه یزد، در سال ۱۳۹۵ خورشیدی به چاپ رسیده است.

تعداد ۲۹ مقاله از استادان و پژوهشگران ایرانی، هندی و بنگالی در این مجموعه آمده، و مقالاتی از کلثوم ابوالبشر، و عارف بالله (استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا) نیز شامل شده است.

استاد کهدویی در مقدمه، درخصوص استادان خود چنین آورده:

«نگارنده سطور وقتی که در سال ۱۳۶۲ خورشیدی، به دانشسرای عالی آن روز در یزد وارد شد، نخستین کلاس درس خود را با استاد گرانقدر، دکتر محمدعلی صادقیان آغاز کرد، که به تازگی برای خدمت در دیار خود، از دانشگاه شیراز به یزد آمده بودند، و از همان زمان تحت تأثیر منش والا و استادی و فرهیختگی آن استاد قرار گرفت، و ساعت بعد نیز در کلاس استاد فرهیخته، دکتر محمد غلامرضایی حاضر شد، و این سعادت همچنان نصیب بود تا دوره کارشناسی را به پایان برد و از دریای دانش و ادب این دو بزرگوار، بهره ها برد».

مجموعه گل

مجموعه گل، کتابی مختصر است که در آن گزیده‌ای از شش درس آورده شده است؛ شامل: آرایه‌های ادبی، نگارش و پژوهش، دستور، و عروض و قافیه، که دانشجویان دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای بنگلادش، مطالعه می‌کنند.

استاد **که‌دویی** در پیشگفتار این کتاب چنین آورده‌اند:

حضور در گروه زبان و ادبیات فارسی، در بنگلادش، و مواجه شدن با جمعیت کثیری از دانشجویان در گروههای زبان و ادبیات فارسی، و نبود کتاب و منابع درسی، به میزان کافی برای دانشجویان، مرا برآن داشت تا کتابها یا مجموعه‌هایی به صورت مختصر و مفید، همراه با نمونه‌های متون منظوم و منثور فراهم آورد، تا علاقه‌مندان بتوانند دست کم به بخشهایی اندک از دریای سرشار از گوهرهای گرانسنگ فارسی دسترسی داشته باشند. در این راستا، سعی شد تا مختصری نیز از فنون ادبی و موارد مربوط به پژوهش و نگارش و درست نویسی فراهم آید تا در اختیار دانشجویان قرار گیرد و متونی کوتاه و راهگشا پیش چشم داشته باشند.

این کتاب توسط گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی بنگلادش در ۱۷۰ صفحه به چاپ رسیده است.

شاهنامه فردوسی (گزیده داستانهای رستم و سهراب و رستم و اسفندیار)

شاهنامه فردوسی طوسی، بزرگترین حماسه فارسی است که سال ۴۰۰ هجری سرودن آن به پایان رسیده و بیش از ۵۰ هزار بیت دارد. کتاب حاضر گزیده‌ای است از داستانهای رستم و سهراب و رستم و

اسفندیار، که برای آشنایی علاقه مندان به شاهنامه فردوسی فراهم آمده است. در پیشگفتار نیز استاد کهدویی چنین نوشته‌اند:

«از آنجا که در ایران، دانشجویان ادبیات فارسی، داستانهای رستم و سهراب، و رستم و اسفندیار را در دوره کارشناسی می‌خوانند، و در دوره ارشد نیز معمولاً حدود سه جلد شاهنامه چاپ مسکو مطالعه می‌شود، در اینجا سعی شد مقداری از آغاز شاهنامه، و گزیده‌هایی هم از دو داستان زیبای رستم و سهراب، و رستم و اسفندیار آورده شود تا دانشجویان، هم با داستان آشنا شوند و هم اینکه با در نظر داشتن متن منظوم، بتوانند آن را بخوانند». این کتاب توسط گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا به چاپ رسیده است.

مثنوی معنوی (گزیده داستان پادشاه و کنیزک)

با توجه به اینکه، داستان پادشاه و کنیزک از دفتر اول مثنوی معنوی، یکی از موضوعات درسی برای دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاههای بنگلادش است، استاد کهدویی، در این گزیده، کوشیده اند تا ضمن توضیح داستان، شرحی کوتاه نیز بر ابیات آن بنویسند. در پیشگفتار نیز استاد چنین آورده اند:

«از آنجا که در ایران، دانشجویان ادبیات فارسی، دفتر اول مثنوی را در دوره کارشناسی می‌خوانند، و در دوره ارشد نیز معمولاً حدود سه دفتر از مثنوی بررسی و مطالعه می‌شود، در اینجا سعی شد مقداری از آغاز مثنوی، و گزیده‌هایی هم از داستان زیبای مثنوی آورده شود تا دانشجویان، هم با یکی از متون ارزشمند عرفانی آشنا شوند و هم اینکه با در نظر داشتن متن منظوم، بتوانند آن را بخوانند و شرح کنند».

این کتاب توسط گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا به چاپ رسیده است.

دیوان عبیدی

استاد محمد کاظم کهدویی، با همکاری دکتر محمد ابوالکلام سرکار، استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش با تصحیح، مقدمه، و تعلیقات دیوان عبیدی را به چاپ رسانید. این کتاب توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا، بنگلادش در آبان ۱۳۹۹ خورشیدی/ اکتبر ۲۰۲۰ میلادی انتشار یافته است.

عبدالله عبیدی، مصنف دیوان، از شخصیت‌های مهم فرهنگی و ادبی و تأثیر گذار معاصر در خطه بنگال است که منشأ خیرات فراوان بوده و نام نیک و آثاری متعدد، از وی بر جا مانده است. این شخصیت والا مقام، علاوه بر جایگاه دینی و علمی بالا، نویسنده و شاعری توانمند و زبردست نیز بوده است؛ اگرچه اجداد وی در زمانهای گذشته به سرزمین هند و بنگال آمده‌اند و خود از دیدار ایران محروم بوده، اما اشتیاق وطن آبایی و اجدادی، همیشه در دل داشته است.

دیوان **عبیدی** از جمله آثار ارزشمند اوست که در آن، از سبک و شیوه شاعران بزرگ ایرانی، همچون **نظامی و حافظ** و... و پارسی گویان هندی نیز استفاده کرده است.

در این دیوان، در باب اول ۱۱۱ غزل، در باب دوم، تعداد ۱۵ قصیده کوتاه و بلند، در باب سوم، تعداد ۲۹ قطعه، سه رباعی و چهار بیت مفرد ذکر شده و در باب چهارم، تعداد هفت مثنوی، به همراه تعدادی داستان در میانه مثنویها آورده شده است.

ب) مقالات تحقیقی

مقالات تحقیقی که استاد کهدویی نوشته و در مجله چاپ شده است، نام مقاله، نام مجله، محل انتشار، تاریخ انتشار و شماره آن از این قرار است:

۱. نگاهی به خال هندوی حافظ: دانشکده ادبیات تهران، ایران، ۱۳۸۳، ۱۷۰-۱۷۱.
۲. زبان فارسی و روابط فرهنگی ایران و بنگلادش، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ایران، گواهی چاپ.
۳. غنیمت کنجاهی (پنجابی)، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، پاییز ۸۶ ش ۱۵۸.
۴. پارسی گویان ایرانی در دوره حکومت قطبشاهیان و عادلشاهیان، کاوش نامه دانشگاه یزد، ایران، بهار و تابستان ۸۶ ش ۱۴.
۵. پیر چرخ بررسی احوال و آثار مولانا یعقوب چرخي دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران، بهار ۸۸ ش ۲۵.
۶. سنگردیهای پنجشیر و ترانه های روستایی ایران با دکتر نجاریان، پژوهشنامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و... تابستان ۱۳۸۸ ش ۱۲.
۷. بررسی آماری اوزان غزلهای بیدل دهلوی و مقایسه آن ... با مهدی کمالی، فنون ادبی دانشگاه اصفهان، ایران، ۱۳۸۸. شماره اول.
۸. صرف پارسی، یکی از کهن ترین کتابهای چاپی دستور زبان کاوش نامه دانشگاه یزد، ایران، ۱۳۸۹ شماره ۲۰.
۹. نگاهی به مفهوم عرفانی فتوح در نزد صوفیه، با حسین مدنی، کاوش نامه دانشگاه یزد، ایران، ۱۳۸۹ ش ۱۲.
۱۰. خوشحال خان ختک (پشتون پارسی گوی)، کهدویی، ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران، پاییز ۱۳۸۹ ش ۲.

- ۱۱ بررسی عنصر حسرت در اندوهیادهای شاعران معاصر، با جلالی، و میرحسینی، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹ ش. ۱۴.
- ۱۲ هندوی عارف، مطالعات عرفانی دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۹۱ ش. ۵.
- ۱۳ بررسی و تطبیق گزاره های چند معراجنامه کهن و ... با صادقان و دهقان، جستارهای ادبی فردوسی مشهد، ایران، ۱۳۸۹ ش. ۱۶۸.
- ۱۴ نگاه شاعرائه رودکی و ابونواس به خمریات، با نجاریان - ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران، تابستان ۹۰ ش. ۴.
۱۵. خداوند در رؤیای عارفان، با هدایتی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، پاییز و زمستان ۹۰ ش. ۵.
۱۶. تجلی نظریه وحدت وجود در اشعار عمان سامانی، با خدادادی مطالعات عرفانی دانشگاه کاشان، ایران، ۱۳۹۱ ش. ۱۶.
۱۷. تحلیل ژرفساخت گونه عشق و پیوند در حماسه با جعفرپور، و نجاریان، شعرپژوهی ص. ۴۷-۸۰ دانشگاه شیراز، ایران، ۱۳۹۳ ش. ۴.
۱۸. متن شناسی نسخه خطی قران حبشی به روایت طرسوسی، با جعفرپور، و نجاریان و علوی، متن پژوهی ادب فارسی، دانشگاه اصفهان، ایران، زمستان ۹۳ ش. ۴. ص. ۳۹-۶۸.
۱۹. نگاهی تحلیلی به رابطه معنوی سلطان ولد و مشایخ طریقه مولویه، با داوود واثقی، و ملک ثابت، مطالعات عرفانی دانشگاه کاشان، ایران، پاییز و زمستان ۹۳ ش. ۲۰.
۲۰. پیکرگردانی در منظومه های فارسی حماسه رامایانا، با پریرسا سلطانی و محمد خدادادی، مجله جستارهای نوین ادبی علمی-پژوهشی، شماره ۲۰۱، تابستان ۱۳۹۷.

ج) مقالات چاپ شده در مجلات علمی - ترویجی

مقالات علمی-ترویجی که استاد کهدویی نوشته و در مجله چاپ شده است، نام مقاله، نام مجله، محل انتشار، تاریخ انتشار و شماره آن از این قرار است:

۱. فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه داکا، کتابداری دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۸۰ ش. ۳۶.

۲. نگاهی به اسکندرنامه منظوم و منثور کهدویی با ناهید نصر آزادانی، زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، ۱۳۸۲ ش. ۱.

۳. تجلی نیچه در هیأت پیرمرد... با موسوی و همایون، زبان و ادب دانشگاه علامه، تهران، ایران، بهار ۸۶ ش. ۳۱.

۴. با حسام الدین و شمس و مولوی، زبان و ادبیات دانشگاه ارومیه، ایران، زمستان ۸۶ ش. ۳.

۵. زن در رمان شوهر آهو خانم با خانم شیروانی، نامه پارسی، گسترش زبان فارسی ۱۳۸۸ ش. ۳۸ و ۳۹.

۶. تحلیل شخصیت موبد در ویس و رامین، با خانم بحرانی، مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران، بهار ۸۸ ش. ۱۵.

۷. بررسی داستان فرامرزننامه، با بشیر علوی، مطالعات ایرانی شهید باهنر، کرمان، ایران، ۱۳۹۱.

۸. آموزه‌های سلوک در مثنوی مولوی و بازتاب آنها در مثنویهای سلطان ولد، با داوود واقعی و مهدی ملک ثابت ۱۳۹۸.

د) مقالات چاپ شده در مجلات خارجی

مقالاتی که از استاد کهدویی در مجلات خارجی چاپ شده است، نام مقاله، مجله، محل انتشار، تاریخ انتشار و شماره آن از این قرار است:

۱. سید محمدباقر طباطبایی، بیاض دهلی، هند، ۱۹۹۴م. ش. ۱-۲.
۲. نگاهی به مولوی و مثنوی او، نیوزلتر، رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. داکا، بنگلادش، سپتامبر ۱۹۹۴ سال ۱۶، ش. ۹.
۳. زبان فارسی و روابط ایران و بنگلادش، نیوزلتر، داکا، بنگلادش اکتبر ۱۹۹۵ سال ۱۷، ش. ۱۰.
۴. ملک الشعراى بهار، نیوزلتر، داکا، بنگلادش، سپتامبر ۱۹۹۵ سال ۱۷، ش. ۹.
۵. پروین اعتصامی، نیوزلتر، داکا، بنگلادش، ژانویه ۱۹۹۶، سال ۱۸، ش. ۱.
۶. نیما یوشیج، نیوزلتر، داکا، بنگلادش، مارس ۱۹۹۶ سال ۱۸، ش. ۳.
۷. سهراب سپهری، نیوزلتر، داکا، بنگلادش، آوریل ۱۹۹۶ سال ۱۸، ش. ۴.
۸. فروغ فرخزاد، نیوزلتر، داکا، بنگلادش، می ۱۹۹۶، سال ۱۸، ش. ۵.
۹. مهرداد اوستا، نیوزلتر، داکا، بنگلادش، ژوئن ۱۹۹۶، سال ۱۸، ش. ۶.
۱۰. نخستین دور گفتگوهای فرهنگی ایران و افغانستان، اردیبهشت ۱۳۹۷، دانشگاه کابل، افغانستان.
۱۱. درست نویسی در فارسی، قندپارسی دهلی، هند، ۱۹۹۵ ش. ۲.
۱۲. قائم مقام فراهانی (از معاصران غالب)، قندپارسی دهلی، هند، ۱۹۹۶ ش. ۴.
۱۳. پیک سروش، مجله خراسان، افغانستان، ۱۳۸۴ ش. ۶۰.
۱۴. شایق جمال طنز پرداز معاصر، مجله خراسان، افغانستان ۱۳۸۴ ش. ۶۱.

۱۵. تجلی عرفان در شاهنامه، خراسان، افغانستان ۱۳۸۴ ش. ۶۲.
۱۶. مرغان منطق الطیر، خراسان، افغانستان ۱۳۸۴ ش. ۶۳.
۱۷. صلاح الدین زرکوب در کلیات شمس، مجله خراسان، افغانستان ۱۳۸۴ ش. ۶۴.
۱۸. پدر طرزی، پسر طرزی، مجله خراسان، افغانستان ۱۳۸۴ ش. ۶۵.
۱۹. لفظ مگس در اشعار سعدی، خراسان، افغانستان ۱۳۸۵ ش. ۶۷.
۲۰. تاگور و قاضی نذراالاسلام، بیاض، دهلی، هند، ۲۰۰۲ م و ۲۱.
۲۱. قاضی نذراالاسلام و حافظ، قند پارسی دهلی، هند، زمستان ۱۳۷۵ ش. ۱۱.
۲۲. سهم گجرات در زبان و ادب فارسی، ایندو ایرانیکا (IndoIranica) کلکته، هند، ۲۰۰۶ م. ش. ۵۹.
۲۳. کمال معنوی در نگاه عطار نیشابوری، خراسان، افغانستان ۱۳۸۳ ش. ۵۷.
۲۴. نگاهی به بازرگان و طوطی، خراسان، افغانستان ۱۳۸۳ ش. ۵۸.

ه) مقالات چاپ شده در سایر مجلات

- مقالاتی که از استاد کهدویی در سایر مجلات چاپ شده، از این قرار است:
۱. احوال و آثار شرف‌الدین علی یزدی، آشنا، تهران، ایران، مهر- آبان ۱۳۷۲ ش. ۱۳.
 ۲. بحثی درباره سلامان و ابسال، نور، اردکان، ایران، اردیبهشت ۷۲ ش. ۲.
 ۳. شعر نو شعر کهن، دانشگاه یزد، یزد، ایران، اردیبهشت ۷۲ ش. ۱۴.
 ۴. سفر به سرزمین سبز، دانشگاه یزد، یزد، ایران، ۱۳۷۵ ش. ۳۲ و ۳۳ و ۳۴.
 ۵. فارسی در دانشگاه داکا، آشنا، تهران، ایران، زمستان ۷۶ ش. ۳۷.

۶. نیست زندان سکندر شهرما، فرهنگ یزد، یزد، ایران، زمستان ۷۷ ش. ۱.
۷. نگاهی به کسوف، فرهنگ یزد، یزد، ایران، زمستان ۷۸ ش. ۴.
۸. پیر استخاره: شیخ بوشهری، فرهنگ یزد، یزد، ایران، بهار ۸۰ ش. ۱۰ و ۱۱.
۹. حقوق کارگزاران و مردم از دیدگاه علی (ع) فرهنگ یزد، یزد، ایران، زمستان ۷۹ ش. ۸ و ۹.
۱۱. نگاهی به خلیلی و فیض قدس، نسیم بخارا، تهران، اسفند ۱۳۸۳ ش. ۲ و ۳.
۱۲. تذکره و تاریخ ادبیات نویسی در افغانستان، نسیم بخارا، تهران، ایران، آذر و دی ۸۵ ش. ۵.
- شیوه‌های سخنوری در مجالس... با خانم گنج کریمی، نامهٔ پارسی گسترش زبان، زمستان ۸۶ ش. ۸۱.
۱۳. بهار در شعر شاعران پارسی گو، نسیم بخارا، تهران، ایران، بهار ۱۳۸۸ ش. ۶.
۱۴. جشن نوروز در ایران و افغانستان، نسیم بخارا، تهران، ایران، تابستان ۸۹ ش. ۸.
۱۵. نگاهی به شعر مقاومت افغانستان، کهدویی، مجلهٔ فرخار، تهران، ایران، تابستان ۸۹ ش. ۵.
۱۶. احداث نخستین خیابان در یزد، فرهنگ یزد، یزد، ایران، تابستان ۸۸ ش. ۲۶-۲۷.
۱۷. تجلی اشعار حافظ در دیوان غلام، تحقیقات زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد، بوشهر، ایران، بهار ۸۹ ش. ۲.

۱۸. زن در تاریخ جهانگشا و تاریخ بیهقی، با خانم حسینی، تحقیقات زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد، بوشهر، ایران، پاییز ۸۹ ش. ۴.

و) گردهمایی‌ها و کنفرانسهای خارجی و داخلی

استاد کهدویی در سمینارها و همایشهای ملی و بین‌المللی متعددی در ایران و سایر کشورها شرکت نموده و مقاله تحقیقی به زبان فارسی و انگلیسی ارائه داده است، شرکت در سمینار و همایشهایی که مربوط به زبان و ادبیات فارسی است از این قرار است:

۱. بزرگداشت ملاهادی سبزواری اردیبهشت ۱۳۷۲ مولوی و عطار در شرح اسرار سبزواری، ایران.

۲. مجمع جهانی شهریار فروردین ۱۳۷۷ ولایت و علی در شعر شهریار تهران، تبریز، ایران.

۳. کنگره منوچهری دامغانی اسفند ۷۷ جشنهای ایرانی در دیوان منوچهری دامغان، ایران.

۴. کنگره بزرگداشت ابن یمین فریومدی شهریور ۱۳۷۶ دنیا در قطعه سرایی ابن یمین، شاهرود، ایران.

۵. سومین مجمع بین‌المللی استادان فارسی ۱۳۸۰ نگاهی به زبان فارسی در جهان، تهران، ایران.

۶. ادب شناسی ۱۹۹۶م نگاهی به شعر معاصر ایران پس از انقلاب علیگره، هند.

۷. کنگره بزرگداشت شمس تبریزی ۱۳۷۸ شمس تبریزی مرید و مراد ارومیه، ایران.

۸. بیست و یکمین ICDI کنفرانس ۱-۵ ژوئن ۲۰۰۳ بررسی مقایسه‌ای آموزش در مراکز پیام نور یزد، هنگ کنگ.

۹. ادبیات فارسی در هند خرداد ۱۳۷۵ سهم هند در زبان و ادبیات فارسی دهلی، هند.
۱۰. کنگره جهانی بزرگداشت سلمان ساوجی، اردیبهشت ۱۳۷۷ پیروان سلمان، ساوه، ایران.
۱۱. نوزدهمین کنفرانس استادان فارسی هند، اکتبر ۱۹۹۷ سهم گجرات در زبان و ادب فارسی، احمدآباد، گجرات، هند.
۱۲. نخستین همایش بررسی روشهای نوین آموزشی زبان فارسی ۱۳۷۸ زبان فارسی و فارسی آموزی در دانشگاه داکا، تهران، ایران.
۱۳. نخستین همایش جلوه های فرهنگی ایران ۱۳۸۲ نظام الدین قاری و دیوان البسه، تهران، ایران.
- * نگاهی به توران پشت، تهران، ایران.
۱۴. پنجمین مجمع بین المللی استادان فارسی ۱۳۸۴ مارس ۲۰۰۶ مولانا چرخ و رساله اسماء الحسنی، دوشنبه، تاجیکستان.
۱۵. نخستین همایش قرآن و ادب فارسی ۱۳۸۲ سیری در آیه نور و ... اراک، ایران.
۱۶. عرفان پلی میان فرهنگ ها ۱۳۸۳ سلسله های تصوف در بنگال تهران، ایران.
۱۷. بزرگداشت سنایی عزنوی ۱۳۸۴ سنایی شناسی در افغانستان تهران، ایران.
۱۸. کنگره بین المللی مسعود شناسی ۱۳۸۳ نگاهی به مسعود و حافظ کابل، افغانستان.

۱۹. بزرگداشت مولانا جلال الدین محمد مولوی، آبان ۸۳ نگاهی به بازرگان و طوطی کابل، افغانستان.
۲۰. نخستین همایش مدرسان زبان و ادبیات فارسی اردیبهشت ۷۹ یکی از روشهای فارسی آموزی ... شیراز، ایران.
۲۱. نخستین همایش چشم انداز شعر معاصر فارسی مهر ۸۳ نگاهی به تذکره نویسی در افغانستان، تهران، ایران.
۲۲. جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش، اردیبهشت ۸۵ راههای تعامل با مدارس عالیہ ... داکا، بنگلادش.
۲۳. کنگره بزرگداشت فرخی یزدی اسفند ۷۸ فرخی و نذراسلام، یزد، ایران.
۲۴. دومین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی اسفند ۸۲ دکتر ژوبل و تاریخ ادبیات افغانستان، تهران، ایران.
۲۵. همایش حافظ شیرازی ۱۳۷۴ حافظ و قاضی نذراسلام، دهلی، هند.
۲۶. نوزدهمین کنفرانس استادان فارسی هند اکتبر ۱۹۹۷ سیم گجرات در گسترش ادبیات فارسی، احمدآباد، گجرات، هند.
۲۷. چهارمین مجمع علمی دبیران ادبیات فارسی، اردیبهشت ۸۰، نگاهی به شیوه نگارش کتابهای درسی یزد، ایران.
۲۸. نخستین گردهمایی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی بهمن ۸۰، چهار عنصر مقدس از دیدگاه پارسیان و هندوان، تهران، ایران.
۲۹. همایش ولایت علوی و فرهنگ عمومی ۱۳۷۹ وظایف متقابل مردم و کارگزاران از دیدگاه امام علی یزد، ایران.

۳۰. بیست و ششمین کنفرانس استادان فارسی هند، دی ماه ۸۵
طوطیان ایرانی در دکن و بیجاپور، بیجاپور، هند.
۳۱. همایش بزرگداشت پروین اعتصامی اسفند ۸۵ «شهره در هر
کشوری» اراک، ایران.
۳۲. کنگره ملی علوم انسانی اسفند ۸۷، نقش علوم انسانی در بهینه
سازی مدیریت، تهران، ایران.
۳۳. کنگره جهانی نظامی گنجوی تیر ۱۳۶۹ نگاهی به مناجاتهای
نظامی، تبریز، ایران.
۳۴. کنگره جهانی خواجهی کرمانی، مهر ۱۳۷۰ آیات قرآنی در گل و
نوروز خواجهی کرمانی، کرمان، ایران.
۳۵. کنگره جهانی ملاصدرا، خرداد ۷۸ نگاهی به آیه نور و سیر آن ...
تهران، ایران.
۳۶. بیستمین سمینار بین المللی استادان فارسی هند ۱۳۷۶ حافظ
و زندان اسکندر، رامپور، هند.
۳۷. بیست و چهارمین سمینار بین المللی استادان هند ۱۳۸۱ تاگور
و نذراسلام، پتنا، هند.
۳۸. مولا علی (ع) ۱۳۸۱ مولا علی در شعر پارسی بنگال تهران، ایران.
۳۹. همایش غالب دهلوی ۱۳۷۳ قائم مقام فراهانی از ... دهلی، هند.
۴۰. ادبیات انقلاب اسلامی دی ماه ۱۳۷۰ بررسی ادبیات تخریری و...
تهران، ایران.
۴۱. دومین همایش انجمن ترویج زبان فارسی، شهریور ۱۳۸۶ فاریاب
و فارسی، مشهد، ایران.

۴۲. داستان پردازی مولوی، آبان ۱۳۸۶ استعاره‌های مولانا از نماد، تهران، ایران.
۴۳. هشتصدمین سال تولد مولوی، آبان ۱۳۸۶ سهم مولانا در منابع درسی، تهران، ایران.
۴۴. چهارمین همایش پژوهشهای فارسی، اردیبهشت ۱۳۸۷ سیر ندیم کابلی در.... رشت، ایران.
۴۵. روز جهانی شعر اسفند ۱۳۸۶ سهم سعدی در کتب درسی شیراز.
۴۶. همایش عرفان اسلامی بر مبنای اندیشه های امام خمینی خرداد ۱۳۸۶ فقر در غزلی از امام یزد، ایران.
۴۷. بزرگداشت مولانا آبان ۱۳۸۶ سیر مولوی با چراغ سنایی تهران، ایران.
۴۸. گردهمایی مکتب شیراز پاییز ۸۷ سلوک عاشقانه روزبهان در عبهر العاشقین، تهران، ایران.
۴۹. سومین همایش انجمن ترویج زبان فارسی شهریور ۱۳۸۷ سهم چایاب در ادب فارسی، تهران، ایران.
۵۰. همایش بین المللی صدسال شعر زنان آبان ۱۳۸۷ شعر زنان در ادبیات معاصر افغانستان، تهران، ایران.
۵۱. ششمین مجمع بین المللی استادان زبان فارسی، دی ۱۳۸۷ جاذبه های معنوی زبان فارسی تهران، ایران.
۵۲. کنگره بین المللی خواجه نصیرالدین طوسی، زمستان ۸۷ محتوا و مضامین در اشعار فارسی خواجه نصیرالدین، تهران، دانشگاه خواجه نصیر.
۵۳. نقش نماز در تکامل معنوی انسان فروردین ۱۳۸۸ نماز عاشقان شکوفایی ایمان... یزد، ایران.

۵۴. چهارمین همایش انجمن ترویج زبان فارسی — مرداد ۱۳۸۸
پیشگامان شیوه نیمایی در شعر معاصر افغانستان تبریز، ایران.
۵۵. آب و ارزشهای فرهنگی آن، آبان ۱۳۸۸ نگاهی به آب و جایگاه آن، مشهد، ایران.
۵۶. رسول مهر (بازشناسی سیمای پیامبر اسلام) مهر ۱۳۸۸ صوفی عشق‌ری ونعت رسول (ص) خرم آباد، ایران.
۵۷. شهید صدوقی، رهشناسی اندیشمند، زمستان ۱۳۸۸ یادهایی از یار، یزد، ایران.
۵۸. پنجمین گردهمایی انجمن ترویج زبان فارسی (نشست بین المللی) شهریور ۱۳۸۹ باران گلچین گیلانی، در شعر نو پردازان افغانی یزد، ایران.
۵۹. همایش بین المللی اقبال لاهوری، بهمن ۱۳۸۸ محورهای اندیشگی اقبال، زاهدان، ایران.
۶۰. بیست و هشتمین سمینار بین المللی استادان فارسی هند، دی ۸۷ توصیف در زبان تذکره نگاران هندی، امریتسر، هند.
۶۱. سی‌امین سمینار بین المللی استادان فارسی هند، دی ۱۳۸۸ چندربهان برهمن و چهارچمن بنارس، هند.
۶۲. پنجمین همایش پژوهشهای ادبیات فارسی، آبان ۱۳۸۹ دو ملک الشعراء قاری و بهار سبزووار، ایران.
۶۳. سی و یکمین سمینار بین المللی استادان فارسی هند، آذر ۱۳۸۹ هندوی عارف (چندربهان)، آگرا، هند.
۶۴. همایش ابوالفضل بیهقی، آبان ۱۳۸۶ بیهقی و تاریخ او در افغانستان، سبزووار، ایران.

۶۵. هفتمین مجمع بین المللی استادان فارسی دی ۱۳۸۹ همزبانی و همدلی، تهران، ایران.

۶۷. Vietnam-India & southwest Asia historical links& present situation
The culture & literature relationships between safavied & Timurid, March
2013, Hanoi, Vietnam.

۶۶. اولین همایش میراث مشترک ایران و هند مهر ماه ۹۲ زبـان فارسی، میراث مشترک قم، ایران.

۶۷. هشتمین مجمع بین المللی استادان فارسی ش—هریور ۹۲ عیدهای چینی و ایرانی زنجان، ایران.

۶۸. سومین همایش ملی ادبیات فارسی ۱۷ اردیبهشت ۹۳ گزافه گوئی در دیوان انوری، کهدویی و سلطانی، تفت، ایران.

* شرح و بررسی آثار و زندگینامه محمود گلابدره ای، با عیسی مرادی، تفت.
* مقایسه تغزل در سده های پنجم و ششم بر مبنای قصاید مسعود سعد و انوری: با صافی، تفت.

۶۹. نهمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ۷-۵ شهریور ۹۳ جایگاه غزنه، عرفان و ادب فارسی.

* بررسی زبان گفتگو در آثار داستانی محمود گلابدره ای، با مرادی.
۷۰. کنگره بین المللی زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مفتح، شهرری مهرماه ۱۳۹۵ بدیع معنوی در اشعار آیینی یغمای جندقی، با اعظم ویلان پناه.

۷۱. مجموعه مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی اردیبهشت ۹۴ تهران بررسی هماهنگی های موسیقایی در ۱۰ قصیده ناصر خسرو: با فاطمه کهدویی.

۷۲. دومین کنگره بین المللی زبان و ادبیات فارسی، بررسی جناس

در غزل‌های غالب دهلوی، با فاطمه کهدویی.

۷۳. کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن

شهرستان گرگان ۲۹ دی ماه ۱۳۹۴ نقد و بررسی و طبقه بندی مرام اهل فتوت در رساله قشیریه: با حسین جودوی.

۷۴. اولین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و

پژوهش دینی- غدیر(رشت) ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ سیمای امام حسن، علیه السلام، در اشعار احمد ناظرزاده کرمانی: با معصومه زارعی.

* سیمای حضرت محمد(ص) در اشعار احمد ناظرزاده کرمانی، با معصومه زارعی.

* سیمای امام سجاد در اشعار احمد ناظرزاده کرمانی، با معصومه زارعی.

* بازتاب فضایل مولا علی، علیه السلام، در ذهن و زبان سنایی، عطار و

مولوی، با داوود واثقی، مهدی ملک ثابت.

* تجلی ولایت و علی(ع) در اشعار غالب دهلوی، با فاطمه کهدویی.

۷۵. همایش بین‌المللی بینامتنی تحقیقات بین‌المللی(تایلند،

بانکوک) ۲۹ تا ۳۰، اکتبر ۲۰۱۵ م، انعکاس اجتماع در بوستان سعدی

۷۶. همایش بزرگداشت بیرونی دانشگاه داکا پنجم تا ششم فوریه

۲۰۱۴ تصوف ایرانی در بنگال و نقش شیخ جلال الدین تبریزی.

۷۷. سمینار بین المللی نکهت عرفان و شعرهای فارسی شبه قاره،

علیگره هند ۱۲-۱۴ اسفند ۱۳۹۵ سعدی شیرازی و امیرخسرو.

* مدایح و عرفان نبوی در اشعار امیرخسرو دهلوی: با حسین جودوی.

* بررسی خوف و خائف در متون عرفانی: با ندا برزگر.

* وجوه تشابه مضامین عرفان اسلامی در هند: با پریسا سلطانی.

* تجلی عرفان در غزلیات غالب دهلوی: با فاطمه کهدویی.

۷۸. همایش بین المللی میراث مشترک ایران و هند، مجمع ذخائر اسلامی قم، مهر ۱۳۹۲، جلوه های تیسفون و مدائن در آینه شعر: با فاطمه کهدویی.

۷۹. همایش رابیندرانات تاگور و حافظ، شب در شعر تاگور و حافظ، دانشگاه راجشاهی، ۱۳۹۸.

۹۳. Finally, the first international online conference organized on the occasion of Palashi Day 2020

۸۰. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، نگاهی به جایگاه انسان در شعر فارسی، دانشگاه راجشاهی، ۱۳۹۸.

بخش دوم: فعالیت‌های علمی و فرهنگی استاد کهدویی

فعالیت‌های علمی و ادبی و فرهنگی استاد کهدویی، تنها شامل ایران و مراکز علمی نمی‌شود، بلکه ایشان در طول زندگی پربار خود سرمنشأ خدمات ارزنده‌ای در نهادها و مراکز علمی و فرهنگی در کشورهای مختلف بوده‌اند که در اینجا به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

الف) افغانستان (۱۳۸۲-۱۳۸۵)

مروری بر فعالیت‌های استاد کهدویی در افغانستان از این قرار است:

مرداد ماه سال ۱۳۸۲ خورشیدی، استاد کهدویی، به عنوان رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران وارد شهر کابل پایتخت افغانستان شد، و از فردای آن روز فعالیت‌های خود را در بخش فرهنگی سفارت ایران آغاز کرد و پس از یک ماه، با افتتاح رایزنی فرهنگی، در منطقه وزیر اکبرخان کابل، فعالیت‌هایشان به صورت گسترده آغاز گردید.

عشق و علاقه استاد به زبان و ادب فارسی (دری) باعث شد که فردای آن روز برای بازدید به گروه زبان و ادبیات دری، به دانشگاه کابل برود.

استاد کهدویی گاهی که از این خاطره یاد می‌کرد، چشم‌هایش پر از اشک می‌شد. ایشان چنین تعریف می‌کرد که: وقتی وارد کلاس شدم، حدود ۳۰ نفر در کلاس بودند و یکی از استادان محترم هم چند برگه در دست داشت و تدریس می‌کرد. پرسیدم در این کلاس چه چیزی تدریس می‌شود؟ گفتند: دیباچه گلستان سعدی به عنوان نثر فنی. سوال شد که کتاب کو؟ یعنی کتاب گلستان؟ گفتند کتاب نداریم، و فهمیدم که استاد از روی برگه‌های کپی شده می‌خوانند و دانشجویان می‌نویسند.

این دیدار چنان در ذهن و روان استاد کهدویی اثر گذاشته بود که فردای آن روز به تعداد دانشجویان در آن درس، کتاب گلستان از بازار تهیه، و به آنها اهدا کرد و تصمیم گرفت خود نیز در خدمت دانشگاه و گروه ادبیات فارسی (دری) باشد. و پس از آن هر هفته روز های سه‌شنبه برای تدریس متون نظم و نثر به کلاس می رفت که با استقبال فراوان دانشجویان روبرو می‌شد و این کلاسها به مدت سه سال که استاد در کابل حضور داشت، ادامه یافت.

در همین راستا، ادامه فعالیت‌های استاد بیشتر به همین سمت و سو رفت. برگزاری مراسم ادبی و فرهنگی، نمایشگاه‌های کتاب که تا آن زمان سابقه نداشت، هفته فیلم ایران، اعزام دانشجویان برای دوره‌های عالی به کشور ایران، چاپ کتاب و مقاله، پیگیری چاپ حدود ۴۰ عنوان کتاب از استادان دانشگاه کابل در ایران، تجهیز کتابخانه‌های دانشگاهها و مدارس و مساجد، ایجاد اتاق ایران در دانشگاه کابل، ایجاد نمایشگاه دائمی کتاب فارسی در مرکز دانشگاه کابل، که ادامه آن به دست انتشارات الهدی سپرده شد، بازدید از دانشگاه‌های ولایات و شهرهای مختلف افغانستان، و اهدای هزاران جلد کتاب و محصولات فرهنگی و فیلم و

عشق و علاقه استاد به زبان و ادبیات فارسی (دری) همچنین باعث شد که در رایزنی فرهنگی نیز کلاسهای شرح حافظ و مثنوی معنوی برگزار کند که دانشجویان و علاقه مندان به زبان و ادبیات فارسی (دری) در آن شرکت می کردند، و علاوه بر این برای انجمن محصلان کابل (انجمن دانشجویان کابل) جلسات مثنوی خوانی و شرح مثنوی برگزار می‌کرد که گاهی بزرگان آن شهر نیز در آن شرکت می کردند.

مشترک شدن و تهیه حدود ۴۰ نشریه علمی و ادبی فارسی در ایران، که هر ماه خریده می شد و پس از بسته بندی به کابل ارسال می گردید و در آنجا به مراکز مختلف اعم از کتابخانه ها وزارتخانه های فرهنگی خوابگاه های دانشجویان، مدارس، مراکز فرهنگی، اداره های مطبوعات، رادیو و تلویزیونها و... فرستاده می شد که این خدمات همچنان در یاد و خاطره فرهیختگان و ادیبان و روشنفکران افغانستان باقی مانده است.

همدلی و همراهی با مسئولان فرهنگی، از وزیران تا نمایندگان مجلس و وکلا و استانداران و فرمانداران و دیگر فرهیختگان و ادیبان و اصحاب قلم و رسانه باعث شده بود که همگان استاد **کهدویی** را عضوی از جامعه خود و دلسوز آن مردم بدانند و این همکاریها با وی زبانزد بوده است.

همنشینی با شاعران و نویسندگان و اهل قلم و اهالی مطبوعات، جایگاهی والا برای استاد به وجود آورده بود.

از تلاش های دیگر استاد **کهدویی**، راه اندازی واحدی از دانشگاه پیام نور ایران در آن کشور بود که امروزه به صورت یکی از مراکز پر اهمیت در خارج از کشور شده است.

از دیگر کارهایی که ایشان در دوران مأموریت به عنوان رایزنی فرهنگی انجام داد، برگزاری دوره ها و کلاسهای بازآموزی، و همچنین نقاشی و خط و قرآن و... بویژه در امر تعلیم و تربیت، و همکاری با وزارت معارف یا آموزش و پرورش و وزارت تحصیلات عالی بود.

آنطور که استاد خود می گفتند و از فرهیختگان دانشگاهی افغانستان شنیدم، استاد کهدویی با تمام وجود و بیش از آنچه وظیفه او بود، خدمت می کرد، فقط برای رضای خدا و خدمت به مردمان آن سرزمین که خود را از آنان جدا نمی دانست، و دوران حضور ایشان را دوران طلایی فعالیت‌های فرهنگی و ادبی می گویند که فراموش ناشدنی است.

نکته جالب اینکه در آن زمان نیز نیروهای مختلف و گروهک‌های داخلی و خارجی، شهرها را دچار ناامنی می کردند و پیوسته کابل و دیگر شهرها آماج حملات راکتی و مین گذاری و ترور و... بود، اما این ناامنی‌ها نیز تأثیری در خدمات استاد نداشت.

شاید نکته جالبتر، این مطلب باشد که اوضاع آن روزگار اجازه نمی داد خانواده نیز همراه ایشان باشد و در این سه سال تنها و بدون خانواده، فعالیت‌های علمی و ادبی و فرهنگی خود را ادامه می دادند و هریک ماه، یا ۴۵ روز یک بار، برای دیدار به ایران می آمدند و بیشتر اوقات هم پیگیر فعالیت‌های مربوط به رایزنی فرهنگی بودند و دوباره باز می گشتند.

چنین نماید شمشیر خسروان آثار

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

(عنصری)

ب) چین (۱۳۹۰-۱۳۹۲)

خلاصه ای از فعالیتهای استاد **کهدویی** در دوره تدریس در شانگهای از این قرار است:

استاد **کهدویی** در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۰ خورشیدی، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، به عنوان استاد، به دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای چین اعزام شد و از فردای آن روز، فعالیتهای خود را در دانشگاه شروع کرد.

۱. فعالیتهای تدریس در کلاسهای درس، که معمولاً سه یا چهار روز در هفته، از صبح تا شب ادامه داشت.

۲. فعالیتهای جنبی که معمولاً هم با استقبال دانشجویان روبرو بود و موارد مختلفی چون برگزاری سمینارها و شعر خوانی و اجرای سرود را شامل می شد.

گردشهای علمی که گاهی برای آموزشهای عمومی و فهم بیشتر کلمات و شناخت بیشتر طبیعت و محیط اطراف، با دانشجویان، به بخشهای مختلف دانشگاه یا خیابان یا پارک صورت می گرفت و دانشجویان، با ابزار و ادوات و عناصر طبیعی و اسامی و کاربرد و رنگها و اشکال و اوزان و اوقات، آشنایی بیشتر پیدا می کردند.

برگزاری مراسم مختلف در گرامی داشت بزرگان دینی و شعر و ادب و فرهنگ ایران، اعیاد باستانی؛ بویژه نوروز، و... از جمله اموری بود که بدانها می پرداخت.

شعر خوانیهای دسته جمعی و حفظ موارد ادبی و تاریخی به صورت جنبی که اهمیت خاصی داشت.

بازدید دانشجویان از نمایشگاههای برگزار شده از سوی ایرانیان، و همکاری با آنان، از دیگر فعالیتهای استاد بود.

دعوت از شخصیتهای سیاسی و فرهنگی و هیأتهای نمایندگی ایرانی، برای حضور در دانشکده و بازدید از گروه و صحبت کردن با دانشجویان، که باعث دلگرمی و امیدواری آنان در جهت فراگیری هرچه بهتر زبان فارسی می شد.

تهیه مجله، کتاب، و منابع درسی و پژوهشی فارسی، اعم از کاغذی یا الکترونیکی از ایران، برای دانشجویان و استادان فارسی، تا بتوانند بیشتر و بهتر به امر پژوهش بپردازند.

تدوین جزوه‌های درسی به صورت کتاب برای استفاده بهتر دانشجویان در کلاس درس؛ مانند: «نگارش و درست نویسی»، «تاریخ ادبیات ایران تا مشروطیت»، «تاریخ ادبیات معاصر ایران» و... که دانشجویان ضمن فراگیری زبان فارسی، با تاریخ ادبیات و فرهنگ ایرانی هم آشنا می شدند.

تشویق و ترغیب نمایندگی فرهنگی ج.ا. ایران، به منظور حمایت و همکاری با بخش فارسی که در نهایت به ایجاد «اتاق ایران شناسی» در دانشکده زبانهای شرقی و بخش فارسی گردید و به صورت یکی از زیباترین و مؤثرترین گروهها در بین ۱۰ گروه زبان خارجی آنجا در آمد. برگزاری کلاسهای آموزش زبان فارسی رایگان، در سالن انتظار محل اقامت، برای دانشجویان تاجیکستانی، الجزایری، مغربی و چینی که داوطلبانه فارسی می‌آموختند.

همکاری با پروفسور **جان هون نین**، استاد دانشگاه پکن، در شرح رباعیات خیام.

همکاری با استاد ژان لی مینگ، در تدوین و اصلاح و ویرایش
فرهنگ چینی - فارسی، و کتاب آداب و رسوم مردم چین.

سخنرانی و قرائت مقاله در مراسمی که به مناسبت‌های مختلف
ملی و آیینی در کنسولگری ج.ا. ایران برگزار می‌شد.

استاد سرانجام در تیرماه سال ۱۳۹۲ پس از دو سال و سه ماه
خدمات علمی- ادبی و فرهنگی، به کشور خویش بازگشت. در حالیکه دو
نفر از دانشجویانش در دورهٔ دکتری ادبیات فارسی به ادامه تحصیل
پرداختند و تعدادی نیز به عنوان مترجم در شرکتهای فعال چینی در
ایران، به کار مشغول شدند.

ج) بنگلادش (۱۳۷۲-۱۳۷۵)

ورود استاد **که‌دویی**، به بنگلادش از زبان خودشان: «حدود ساعت یک بعد از ظهر روز ۱۲ اسفندماه ۱۳۷۲ خورشیدی، برابر با بیستم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۴ هجری قمری و سوم ماه مارس (مارچ) سال ۱۹۹۴ میلادی، با پرواز هواپیمای پاکستانی (پی آی ای) به فرودگاه داکا، بنگلادش، رسیدیم و با این عبارت روی سر در فرودگاه مواجه شدیم که «ولکام تو داکا ضیا ایر پورت، بنگلادش». (به فرودگاه ضیای داکای بنگلادش خوش آمدید). بسیار برای ما هیجان داشت. شوری وصف ناپذیر وجودمان را پر کرده بود. به سرزمینی رسیدیم که می‌خواهیم دو سال در آنجا و با مردم آن سرزمین همراه باشیم و زندگی کنیم.

دو روز بعد، به همراه آقای **علی آورسجی**، رایزن فرهنگی، و آقای **احمد موسوی**، معاون رایزن فرهنگی به دانشگاه داکا رفتیم.

فضای دانشگاه برایم جالب بود، بویژه این که شهر ما یعنی یزد، و دانشگاه یزد در میان کویر، کمتر از درخت و سرسبزی برخوردار بود، و اینجا همه چیز سبز می‌نمود. دیوارها رنگ شده، سفید و طوسی. درخت‌ها همه سرسبز، در میانه‌های بلوار، و درون باغچه‌های جلو دانشکده علوم انسانی، پر از گل بود و برای من بسیار چشمگیر و روح‌نواز.

فعالیت‌های استاد **که‌دویی**، به تدریس و آموزش در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا خلاصه نمی‌شد؛ ایشان علاوه بر گروه فارسی و اردو، در بخش فارسی مؤسسه زبانهای نوین هم تدریس داشتند. همچنین، در کلاسهای فارسی آموزی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، و گاهی هم در سفارت ایران به آموزش زبان فارسی می‌پرداختند.

شرکت در سمینارها و کنفرانس های علمی و ادبی که به صورت ملی و بین المللی برگزار می شد حضور فعال داشتند و مقاله ها سخنرانیهای خود را ارائه می کردند.

از کارهای ماندگاری که استاد در دور اول حضور در کشور بنگلادش انجام دادند، همکاری بسیار گسترده و مداوم در تهیه و تنظیم کتابهای: فرهنگ فارسی- انگلیسی - بنگالی، گزیده های از آثار و احوال **قاضی نذراالاسلام**، شاعر ملی بنگلادش، اصلاح و ویرایش کتاب خدمتگزاران زبان فارسی در بنگلادش از پروفسور **کلیم سهسرامی**، و ترجمه کتاب آموزش زبان فارسی (آزفا) بود.

مقالاتی که ایشان در خصوص معرفی شاعران و نویسندگان بزرگ معاصر ایران می نوشتند و ترجمه بنگالی آن در مجله نیوزلتر (ارگان رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش) به چاپ می رسید، از منابع مهم تحقیق در زمینه اشخاص، برای پژوهشگران بنگالی بوده و هست.

علاوه بر تدریس و فعالیتهای علمی و فرهنگی در کشور بنگلادش، بنا به دعوت رایزنی فرهنگی ایران در کشور هند، در سه دوره بازآموزی استادان فارسی که در دهلی برگزار می شد، شرکت کردند و استادان، و دانشجویان تحصیلات عالی زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین را نیز از حضور خویش بهره مند ساختند که هنوز نیز نام و یاد ایشان در خاطر اشتراک کنندگان در کلاسها به یادگار مانده است.

یک) فعالیتهای علمی و فرهنگی در دانشگاه داکا (۱۳۹۷-۱۳۹۹ خورشیدی)

استاد کهدویی در خصوص حضور دوباره خود در بنگلادش چنین اظهار داشته‌اند:

«مهربانان و بزرگواران دانشگاه داکا، هرگاه که به ایران می‌آمدند، نزد مسؤولان می‌رفتند و درخواست حضور دوباره این کمترین را می‌کردند که سرانجام، با لطف مسؤولان وزارت علوم، بویژه جناب آقای دکتر سالار آملی، و آقای طالبی و خانم استادزاده، این کار صورت گرفت و در دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۹۷ خورشیدی، بعد از ۲۲ سال، دوباره به این سرزمین بازگشتم و دیدم آن سنگ بنایی که گذاشته شده بود، امروزه بنایی عظیم شده است.

بسیاری از جاها همچون گذشته باقیست. دانشگاه، سرویسهایی که صبح و بعد از ظهر در جلو کافه تریای استادان سوار و پیاده می‌شدیم. درختها و خیابانها، نیومارکت و بنگلا بازار، شاه باغ و شهید منار، مسجد بیت‌المکرم و حسینی دالان، دانموندی و فارم گیت و باری دهارا و گلشن و مٹی جیل و الفانت رُڈ و...؛ اما خیلی چیزها تغییر کرده است.

می‌شود گفت که چهره شهر بسیار دگرگون شده، تمیزی و پاکیزگی و رعایت آن کاملاً مشهود است. حجاب اسلامی در بین زنان خیلی بیشتر شده، ساختمانهای بلند مرتبه بسیار زیاد شده، قیمتهای اجناس افزونی یافته است. ترفایک بسیار شدید شده که قابل مقایسه با آن زمان نیست. و در هر حال، زندگی جریان دارد و همان صفا و صمیمیت را در مردم می‌توان دید.

از آغاز که وارد می‌شوی، فرودگاه ضیاء به فرودگاه حضرت شاه جلال تغییر یافته است. از میدان کوچک گلشن دو، خبری نیست. چهارراه شده، با ساختمانهای بلندی که در اطراف آن ساخته اند، و سر به آسمان کشیده است. فروشگاههای عظیمی همچون «جامنا پارک فیوچر»، در «باری دهارا»، و «بوشندورا سیتی مارکت» (در پانتاپت رُد) و دیگر فروشگاههای بزرگ که قبلاً نبود و امروز در شهر داکا خودنمایی می‌کند. در طبقه پنجم دانشکده علوم انسانی، طبقه‌ای جدید با همت سفارت ج.ا.ایران ساخته شده و «حافظ سرا» نام دارد و محل کلاسهای ادبیات فارسی، کتابخانه گروه ادبیات، اتاق استادان، آزمایشگاه مجهز زبان فارسی است که بدان می‌شود افتخار کرد.

آن اتاق کوچکی که محل دو دپارتمان فارسی و اردو بود، امروز مجزا شده و گروه زبان و ادبیات فارسی همچون نگینی می‌درخشد با ۱۰ استاد و دانشیار و استادیار و مربی، و نزدیک به ۵۰۰ نفر دانشجو، که تعداد فارغ التحصیلان آن هم به همین تعداد رسیده است.

مؤسسه زبانهای نوین هم که در دانشگاه داکا فعالیت داشت، هنوز هم دارد و یکی از زبانها، زبان فارسی است، و خانم شمیم بانو، استاد آنجاست و آقای محمدکمال حسین هم از چندی پیش، تدریس در آنجا را شروع کرده است.

در راینی فرهنگی هم همچنان دوره های زبان فارسی از مقدماتی تا دیپلم تدریس می‌شود.

بخشی از فعالیت‌های استاد در دوره جدید در بنگلادش چنین است:
 ۱. سخنرانی در نشست رونمایی شماره ویژه مجله پژوهشی
 «مطالعات فرهنگی آسیای جنوبی»

بنیاد ابوریحان بیرونی روز پنجشنبه ۲۰ سپتامبر/۳۰ شهریور ۱۳۹۷، نشست به مناسبت رونمایی شماره ویژه مجله پژوهشی مطالعات

فرهنگی آسیای جنوبی با ریاست رئیس بنیاد **بیرونی** دکتر **ابو موسی محمد عارف بالله**، در تالار مرکز مطالعات عالی علوم انسانی دانشگاه داکا برگزار کرد.

در این نشست، دکتر **کهدویی** به عنوان مهمان اول، و پروفیسور **تنویر خان**، رئیس سابق دانشگاه همدرد، و استاد گروه ادبیات بنگلاد، دانشگاه داکا، بعنوان مهمانان ویژه، و دکتر **تسلیم شکور**، سردبیر مجله و استاد دانشگاه ایدھیل، انگلستان، به عنوان سخنران اول حضور داشتند و در زمینه های متناسب با موضوع، سخنرانیهای خود را بیان کردند.

در این مراسم، آقای دکتر **کهدویی**، نیز در خصوص روابط فرهنگی ایران و هند و آسیای جنوب شرقی سخنرانی کرد و ضمن دعوت دانشجویان به فراگیری دانشهای نوین، خاطرنشان ساخت که با پیشرفت در زمینه های مختلف علم و دانش و حرکت در جهت تعالی رشد علمی و فرهنگی می توان جایگاه خود را در جهان امروز ترقی داد. گفتنی است که مجله یادشده، در انگلستان چاپ می شود.

۲. دیدار کمیته تخصصی گروه زبان و ادب فارسی با سفیر ایران

عصر روز دوشنبه، بیست و سوم مهر ماه ۱۳۹۷، استاد **کهدویی**، به همراه اعضای کمیته تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، از جمله مدیر گروه، نشستی صمیمی با جناب آقای دکتر **واعظ دهنوی**، سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در داکا داشتند.

در این نشست، پس از ارائه گزارشی از حضور در سیزدهمین همایش انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی و بزرگداشت **حافظ** در شیراز، و سپاسگزاری از برگزاری خوب همایش، و قدردانی از زحمات و مهمان

نوازیهای دست اندرکاران آن، توسط دکتر محمدابوالکلام سرکار (مدیر گروه)، گزارشی از توسعه و پیشرفت گروه زبان و ادبیات فارسی در طول چند سال گذشته نیز داده شد که خوشبختانه ساختمان بخش حافظ سرا، با تعدادی کلاس درس و آزمایشگاه و تجهیز آنها، نتیجه همکاریهای خوب سفارت ج.ا. ایران و رایزنی فرهنگی، با دانشگاه داکا و گروه ادبیات فارسی بوده است و امروز قریب به ۵۰۰ نفر در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، پیش دکتری، و دکتری به تحصیل مشغولند. و گروه فارسی، از هرجهت، بویژه داشتن آزمایشگاه مطلوب و سایر امکانات، جایگاه اول را در دانشکده علوم انسانی دارد.

مدیر گروه ادبیات فارسی اضافه کرد که با حضور استاد کهدویی، برنامه‌های جدیدی در دستور کار گروه قرار دارد، مانند نشستهای ماهانه، بزرگداشت خدمتگزاران زبان و ادب فارسی در بنگلادش، و بویژه سمینار بین المللی «تأثیر سعدی شیرازی و آثار وی بر زبان و ادبیات بنگلادش» که قرار است با همکاری نهادهای مختلف ایران و بنگلادش، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ در دانشگاه داکا برگزار شود؛ همچنین قرار است برای پُر کردن خلأ کتابهای درسی برای دانشجویان، گزیده‌های ادب فارسی، طبق سرفصل، توسط دکتر کهدویی تهیه، و به فارسی، یا فارسی و بنگالی، در همین جا چاپ شود تا دانشجویان بتوانند به کتاب دسترسی داشته باشند.

سفیر محترم نیز ضمن ابراز خرسندی از این توجه و گسترش، اظهار امیدواری کردند که گروه بتواند از نظر کیفیت آموزشی استفاده از افراد مجرب و بهره مندی بیشتر از امکانات موجود، جایگاهی به مراتب برتر و بالاتر کسب کند. ایشان همچنین ابراز داشتند که در نشستهای جداگانه با رئیس جمهور و نخست وزیر بنگلادش، در خصوص توانمندیها و ارزشها

و اشتراکات زبان و ادبیات فارسی با زبان و ادبیات بنگالی سخن گفته‌اند و آنان نیز به این مطلب مقرر بوده و علاقه‌مندی خود را به زبان و ادبیات فارسی ابراز داشته‌اند. در این دیدار، علاوه بر مدیر گروه و استاد کهدویی پروفیسور دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان، و پروفیسور عبدالصبور خان از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا حضور داشتند. در پایان نیز جناب سفیر یک جلد مثنوی معنوی نفیس با نقاشیهای استاد فرشچیان، به رسم یادبود به گروه زبان و ادبیات فارسی، و هدایایی نیز به استادان گروه اهدا کردند.

۳. شرکت در میهمانی رئیس دانشگاه داکا

شنبه شب چهاردهم مهر ماه ۹۷، به مناسبت جشن فارغ التحصیلی ۲۲ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه داکا، مراسمی در اقامتگاه رئیس دانشگاه، در خیمه‌ای که به همین مناسبت برپا شده بود، برگزار شد و استادان طراز اول و شخصیت‌های علمی و دانشگاهی داکا حضور داشتند. استاد کهدویی نیز به سبب اینکه ۲۵ سال پیش، توفیق معلمی پروفیسور اخترالزمان رئیس محترم دانشگاه را داشت، که در آن زمان در مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه، فارسی می‌آموختند، دعوت شده بود و همچنین آقای دکتر واعظی، سفیر محترم جمهوری ا. ایران نیز از مدعوین بودند. این مراسم با پخش سرودهای ملی و کلاسیک توسط دانشجویان گروه موسیقی، و خوش آمد گویی رئیس دانشگاه داکا، آغاز شد که با صرف شام همراه بود.

استاد کهدویی، در گزارشی از این دیدار نوشته‌اند: پروفیسور اخترالزمان، رئیس دانشگاه داکا، وقتی اینجانب را دیدند، بسیار ابراز لطف فرمودند و به زبان فارسی، به معاونان خود و دیگر استادان معرفی

کردند و گفتند: ایشان دکتر **کاظم کهدویی** از ایران هستند و استاد بنده. خیلی خوشحال هستیم که دعوت ما را پذیرفتند.

۴. بازدید سرپرست رایزنی فرهنگی از گروه فارسی

آقای دکتر **حسینی فائق**، سرپرست رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در بنگلادش، روز پنجشنبه پنجم مهرماه سال ۹۷ از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا دیدن کرد.

در این دیدار، ابتدا نشستی در دفتر مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی صورت گرفت که در آن آقای دکتر **محمدابوالکلام سرکار**، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی، گزارشی از گروه و توسعه آن در سالهای گذشته ارائه کرد و بعضی از پیشنهادهای خود را نیز در خصوص برگزاری مراسم ماهانه و همچنین کنفرانس بین‌المللی در سال آینده بیان داشت که آقای دکتر **حسینی** نیز قول مساعدت در موارد یاد شده داد؛ بویژه مقرر شد که در سال جاری با حضور **استاد کهدویی**، استاد اعزامی از ایران و با همکاری بنیاد **سعدی**، دوره‌های بازآموزی برای استادان زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش برگزار شود. **استاد کهدویی** در این نشست دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و فعالیتهای قبلی گروه زبان و ادبیات فارسی بطور مختصر، طی سخنانی جامع و مانع، فعالیتهای انجام شده، و برنامه‌هایی در جهت ارتقای گروه، و زبان و ادب فارسی را بیان کردند. در این برنامه استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا حضور داشتند.

۵. شرکت در نشست عاشورایی در دانشگاه داکا

یکشنبه، هشتم مهر ۱۳۹۷، به همت گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا، نخستین نشست عاشورایی با عنوان «**نگاهی به عاشورا در ادبیات بنگلا**» برگزار شد.

در این نشست که بیش از صد نفر از دانشجویان و استادان زبان و ادبیات فارسی حضور داشتند، ابتدا مرثیه ای که توسط قاضی نذر الاسلام سروده، و در آن از حادثه کربلا و مصیبت‌هایی که بر حضرت زینب، سلام الله علیها، و امام سجاد، علیه‌السلام، و حضرت سکینه و غیره وارد شده بود، ذکری به میان آمده بود، همراه با شعری که معادل فارسی آن بود، به صورت مرثیه قرائت شد و سپس استادان دکتر عبدالصبور خان، دکتر طارق سراجی، دکتر محمد بهاء‌الدین، و دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان سخنرانی کردند و به بعضی آثار که در خصوص محرم و عاشورا به چاپ رسیده، اعم از داستان و حکایت و شعر و غیره، و همچنین اهمیت عاشورا نزد اهل سنت، اشاره کردند.

در این برنامه استاد کهدویی ضمن اشاره به آغاز قیام و حرکت امام حسین، علیه‌السلام، از مکه به کربلا و عظمت عاشورا و نقش آن نزد مسلمانان، سخنانی بیان داشتند و با توجه به اینکه آن روز، روز مولوی هم بود، به توجه مولوی در خصوص شهیدان کربلا اشاره کرد و غزل: «کجایید ای شهیدان خدایی» را برای حاضران خواند.

سخنران پایان مراسم دکتر محمدابوالکلام سرکار، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی بود که با اشاره‌ای به عاشورا، به طور خلاصه به معرفی استاد اعزامی و فعالیتهای قابل توجه ایشان پرداخت.

۶. شرکت در مراسم تجلیل از پروفیسور دکتر سرکار

ساعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۹۷، مراسمی از سوی گروه زبان و ادبیات فارسی، با حضور آقای دکتر سید مهدی حسینی فائق، سرپرست راینزی فرهنگی ج.ا. ایران، استاد دکتر کهدویی، استادان و دانشجویان گروه ادبیات فارسی برگزار شد،

هدف از برگزاری این نشست که حدود دویست نفر از دانشجویان و استادان زبان و ادبیات فارسی حضور داشتند، قدردانی و سپاس از آقای دکتر **محمدابوالکلام سرکار**، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی، بود که کتاب ایشان، با عنوان «ترجمه ادبیات فارسی به بنگالی، از سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۵ میلادی» توسط انجمن آسیایی بنگلادش به چاپ رسیده، و علاوه بر آن، به عنوان اثر برتر، برگزیده جایزه «دین‌اوارد» دانشکده علوم انسانی نایل آمده است.

در این مراسم هدایایی نیز به آقای دکتر **سرکار** تقدیم شد و سپس، استادان و میهمانان حاضر در جلسه، سخنرانیهای خود از تلاشهای آقای **محمدابوالکلام سرکار** قدردانی کردند و دریافت جایزه را به ایشان تبریک گفتند. استاد **کهدویی** نیز طی سخنانی در خصوص اهمیت کار پژوهشی دکتر **سرکار** و جایگاه ارزشمند اثر پژوهشی ایشان سخن گفت.

۷. شرکت در سمینار استادان دانشکده علوم انسانی دانشگاه داکا

به همت و کوشش دانشکده علوم انسانی دانشگاه داکا، سمیناری دو روزه، در خصوص برنامه ریزیهای درسی در جهت بهتر شدن فرایند تدریس، در شهر بندری «کاکس بازار» در کنار خلیج بنگال، با حضور بیش از ۱۲۰ نفر از استادان گروههای مختلف علوم انسانی در تاریخ ۵-۱۳۹۷/۹/۷ برگزار شد.

در این سمینار علاوه بر قرائت مقاله‌های علمی، استادان گروههای مختلف نیز به بحث و تبادل نظر در آن خصوص می‌پرداختند.

در مراسم اختتامیه نیز رئیس دانشگاه داکا، **پروفسور اخترالزمان** و معاون وی **پروفسور خانم نسرين احمد** شرکت داشتند و در پایان نیز

برنامه فرهنگی توسط استادان اجرا شد و استادانی از گروه‌های ادبیات فارسی، سانسکریت، عربی، تاریخ اسلام، اردو، موسیقی و غیره به اجرای شعر خوانی و سرود پرداختند. استاد **کهدویی** به عنوان مهمان خصوصی، و تنها مهمان خارجی مراسم، همواره در کنار رئیس دانشگاه داکا حضور داشت.

۸. نخستین آزمون سامفا در بنگلادش

در پی اعلام برگزاری نخستین آزمون سامفا در خارج از ایران، و بنا به درخواست و کوشش استاد **کهدویی**، این آزمون در روزهای پنجشنبه و جمعه (۲۷ و ۲۸ دیماه ۱۳۹۷) در دانشگاه داکا برگزار شد.

با تلاش‌هایی که از سوی استاد **کهدویی** از قبل شروع شده و تمهیدات لازم نیز فراهم آمده بود، دانشجویان شهرستانی هم رسیده بودند، چهارمین دوره آزمون سامفا (اولین دوره آزمون در خارج از کشور)، با حضور جناب آقای **محمدرضا نفر**، سفیر جمهوری اسلامی ایران، و **دکتر حسینی فایق**، سرپرست رایزنی فرهنگی، رؤسای گروه‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های راجشاهی و داکا، و رابطان و ناظران، و دیگر عوامل اجرایی در محل حافظ سرا، در طبقه ششم ساختمان علوم انسانی، در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷ آغاز شد.

این آزمون سامفا، با تلاشها و پیگیریهای استاد **کهدویی**، برای نخستین بار در بنگلادش برگزار شد. خبرگزاریها، تلویزیون و روزنامه‌های متعدد، برگزاری آزمون سامفا را در روزهای پنجشنبه و جمعه (۲۷ و ۲۸ دیماه ۱۳۹۷) در فضای مجازی بنگلادش منعکس کردند. مجموعاً در ۱۸ رسانه (۹ روزنامه، ۱ تلویزیون، ۶ سایت و ۲ خبرگزاری مهم) این آزمون انعکاس یافت. این کار به همت سرپرست رایزنی فرهنگی صورت گرفت.

۹. مراسم معارفه دانشجویان جدید در دانشگاه داکا

دوشنبه هفدهم دی ماه ۱۳۹۷ از ساعت ۱۱ تا ۱۳، مراسمی در کلاس **مولوی**، در محل **حافظ سرا**، در طبقه ششم دانشکده علوم انسانی، دانشگاه داکا، با حضور مدیر گروه، استاد اعزامی، و استادان گروه ادبیات و دانشجویان جدیدالورود، برگزار شد. استادان هرکدام به طور مختصر سخن گفتند و دانشجویان نیز به معرفی خود پرداختند.

استاد **محمدکاظم کهدویی** نیز ضمن خوشامدگویی به دانشجویان، با قرائت اشعاری عرفانی، یادآور شد: زمانی می‌توان حلاوت نهانی نهفته در اشعار عرفانی را دریافت، که بشود زبان فارسی را خوب فهمید، و نمونه آن اینکه **قاضی نذرالاسلام** شاعر ملی بنگلادش، در پاسخ به اعتراض **رایبندرانات تاگور**، به سبب کاربرد الفاظ فارسی و اسلامی در اشعارش، گفته بود: به کارگیری الفاظ فارسی و اسلامی، بر غنای زبان ما می‌افزاید، نه آنکه باعث خرابی آن شود. نمونه‌هایی از اسامی بنگالیها را نیز مثال زد؛ مثل سهراب، فرزانه، تهمینه، سروش، سیاوش، پرویز، جهانگیر و غیره. دو نفر از دانشجویان (دختر و پسر) در خصوص علاقه خود به زبان و ادبیات فارسی و انتخاب این گروه، سخن گفتند. در این برنامه، استادان و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یادشده حضور داشتند.

۱۰. سخنرانی در برنامه اهدای جایزه خانم دکتر کلثوم ابوالبشر

روز پنجشنبه پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸، برابر با ۲۵ آوریل سال ۲۰۱۹ میلادی، در ساعت ۱۰ صبح، مراسمی در سالن آر سی مجمودار، برگزار شد که در نوع خود جالب و زیبا بود.

مهمانان این نشست، آقایان **پروفسور اختر الزمان**، رئیس دانشگاه داکا، **پروفسور دلاور حسین**، رئیس دانشکده علوم انسانی، **پروفسور**

محمد ابوالکلام سرکار، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، پروفیسور ک. ام. سیف الاسلام خان، استاد با سابقه گروه زبان و ادبیات فارسی و معاون سابق دانشگاه تکنولوژی اطلاعات و علوم، و همچنین سرکار خانم پروفیسور کلثوم ابوالبشر، استاد بازنشسته گروه زبان و ادبیات فارسی، و استادان گروه فارسی، و جمعی از دانشجویان گروه فارسی بودند. در این نشست نامبردگان هر کدام به طور کوتاه سخنرانی کردند، و استاد کهدویی نیز برای حاضران مطالبی ایراد کرد و عملکرد خانم دکتر ابوالبشر را ستود، و آرزو کرد که خود بتواند بنای چنین کار و امر خیری را در دانشگاه خود (یزد) بگذارد. سخنرانی وی از طرف رئیس دانشگاه، رئیس دانشکده و همه حاضران مورد تشویق قرار گرفت.

۱۱. سمیناری به یاد ابوالقاسم فردوسی و عمر خیام

به همت انجمن فارسی بنگلادش، و بخش فارسی مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه داکا، سمیناری در روز دوشنبه ۱۵ ژوئیه، برابر با بیست و چهارم تیرماه ۱۳۹۸ خورشیدی، از ساعت ۱۱ تا یک و نیم عصر در تالار مؤسسه زبانهای نوین برگزار شد.

در این سمینار، پروفیسور شیشیر بهاترا چارزا، رئیس مؤسسه زبانهای نوین، به عنوان مهمان معظم، و دکتر سید مهدی حسینی فایق، سرپرست رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در داکا، به عنوان مهمان ویژه حضور داشتند و پروفیسور محمد ابوالکلام سرکار، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، ریاست جلسه را به عهده داشت. در این مراسم که بیش از صد نفر از استادان و دانشجویان فارسی شرکت داشتند، استاد محمد کاظم کهدویی، مقاله خود را با عنوان «شاد بودن و دم را غنیمت شمردن در شعر عمر خیام» قرائت کرد که خلاصه آن نیز

توسط دکتر محمد عیسی شاهی، از محققان و پژوهشگران و مترجمان فارسی در بنگلادش، به زبان بنگالی برای حاضران بیان شد. مقاله بعدی «حکیم ابوالقاسم فردوسی و شاهنامه او» بود که توسط پروفسور محمد محسن الدین میا، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا ارائه شد.

دکتر سید مهدی حسینی فائق، سرپرست رایزنی فرهنگی ایران، در سخنانی کوتاه، ضمن قدردانی از برگزار کنندگان سمینار و مهمانانی که حاضر بودند تشکر کرد. پروفسور شیشیر، رئیس موسسه زبانهای نوین هم خاطراتی از سفر خود به ایران را بیان کرد. در این سمینار پروفسور سیف الاسلام خان، پروفسور محمد ابوالکلام سرکار، پروفسور کلثوم ابوالبشر، پروفسور شمیم بانو و استاد المجاهدی، از شاعران بنام و برجسته بنگلادش سخنرانی کردند.

۱۲. جشن نو ورودها، به گروه زبان و ادبیات فارسی

با تلاش‌ها و کوشش‌های استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا برای خیر مقدم دانشجویان نو ورود در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶ مراسمی برگزار شد. این برنامه با حضور رئیس نظارت و ارزیابی دانشگاه، دکتر حسینی، سرپرست رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دکتر کهدویی، استاد اعزامی از ایران، جمعی از استادان گروه، رؤسای گروههای آموزشی، استادان موسسه زبانهای نوین، و دانشجویان برگزار شد و استاد کهدویی در این برنامه برای دانشجویان نو ورود سخنرانی کرد.

خواندن اشعار فارسی، سرودهای فارسی و بنگالی، نمایشهای فارسی و بنگالی، بویژه در جهت معرفی گروه ادبیات فارسی، در قالب نمایش، اجرای برنامه‌های طنز، و... از برنامه‌های این مراسم بود.

۱۳. اولین همایش فارغ التحصیلان، و دریافت لوح تقدیر

این مراسم، به همت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، روز شنبه ۳۰ ماه مارس ۲۰۱۹ برابر با ۱۱ فروردین ۱۳۹۸، برنامه‌ریزی شده بود که با حضور دکتر محمد صمد معاون دانشگاه داکا، آقای ابوالفضل ربیعی، سرپرست موقت رایزنی فرهنگی، آقای مهدی ترابی مهربانی به نمایندگی از سفارت ج.ا.ایران در بنگلادش، دکتر محمد کاظم کهدویی استاد اعزامی، پروفسور دکتر محمد ابوالکلام سرکار رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا و مدیر انجمن فارغ التحصیلان زبان و ادبیات فارسی، پروفسور دکتر کلثوم ابوالبشر، معروف به مادر زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش، پروفسور دکتر سیف الاسلام خان استاد دانشگاه داکا و پروفسور دکتر شمیم خان استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، و جمعی از مدیران گروه‌ها و استادان و جمعی از فارغ التحصیلان زبان و ادبیات فارسی از شهرهای داکا، راجشاهی و چیتاگانگ، و نزدیک به ۲۰۰ نفر از فارغ التحصیلان گروه زبان و ادبیات فارسی، در محل تالار بزرگ مرکز استادان و دانشجویان (TSC) دانشگاه داکا برگزار شد.

پروفسور ک. ام. سیف الاسلام خان استاد ادبیات فارسی دانشگاه داکا ضمن خوش آمدگویی به فارغ التحصیلان و مهمانان ویژه، به تلاشهای صورت گرفته در زمینه زبان و ادبیات فارسی اشاره کرد و آقای ابوالفضل ربیعی سرپرست موقت رایزنی فرهنگی کشورمان نیز سال نو و عید نوروز

را به استادان زبان و ادبیات فارسی در سالن تبریک گفت و از آنان به عنوان سفیران فرهنگی زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش نام برد.

در اولین مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، به پاس قدردانی از خدمات **محمدکاظم کهدویی**، استاد اعزامی، به گروه زبان و ادبیات فارسی، در سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵، و همچنین تلاشهای نامبرده در دور جدید حضور در گروه یادشده، با اهدای لوح سپاس قدردانی شد.

رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران نیز به پاس خدماتی که طی سالهای گذشته، به بخش فارسی ارائه کرده بود، مورد احسان قرار گرفت و با اهدای لوح سپاس، از آن نهاد تقدیر شد.

۱۴. مراسم گرامیداشت نوروز ۱۳۹۸ در دانشگاه داکا

به همت استاد **کهدویی**، و همکاری گروه فارسی دانشگاه داکا، مراسمی به مناسبت آغاز بهار و نوروز باستانی، در سالن «آر سی مجومدار» دانشکده علوم انسانی برگزار شد.

این مراسم که سفره هفت سین بطور کامل و زیبا چیده شده بود، با حضور **ربیع**، سرپرست موقت رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران، دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی، **پروفسور محمدابوالکلام سرکار** رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، **پروفسور سیف‌الاسلام خان**، **پروفسور عبدالصبور خان**، **پروفسور طارق سراجی** و آقایان **مهدی حسن** و **احسن الهادی** از استادان فارسی و جمعی از دانشجویان و علاقه مندان به زبان فارسی روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۱/۷ برگزار شد. آقای دکتر **سرکار**، رئیس گروه، به حضاران در مراسم خوش آمد گفت؛ پس از آن، سرودی

که دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی آماده کرده بودند، خوانده شد؛ این سرود، غزلی بود از **امام خمینی**، به نام «باد نروزی».

استاد دکتر **کهدویی**، در خصوص نوروز و اهمیت و جایگاه آن سخن گفت و گرمای داشت آن را از سنتهای کهن ایرانیان دانست، و اینکه، علاوه بر ایران، در کشورهایی که در گستره پهنای ایران در دورانه‌های گذشته قرار دارند، همچنان کم و بیش به گرمیداشت این عید باستانی می-پردازند. پروفیسور **سیف الاسلام خان** نیز از دیگر سخنرانان بود.

۱۵. نشست ادبی حجّ در ادب فارسی و بنگالی

از ساعت سه و نیم تا پنج و نیم بعد از ظهر روز دوشنبه چهارم شهریور ماه سال ۱۳۹۸ خورشیدی، برابر با ۲۶ ماه آگست سال ۲۰۱۹ میلادی، نشست ادبی با عنوان «حج در ادبیات فارسی و بنگالی»، با همکاری رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران و گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، همراه با اهدای جوایز برندگان مسابقات ادبی و نفرات برتر آموزش زبان فارسی در رایزنی فرهنگی، در سالن «آر سی مجومدار» دانشگاه داکا برگزار شد.

در این مراسم که مسئولیت جلسه به عهده دکتر **محمد ابوالکلام سرکار**، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی بود، دکتر **حسینی فائق**، سرپرست رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران، دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی از ایران، استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، و موسسه زبانهای نوین، به همراه دانشجویان و برگزیدگان مسابقات و نفرات برتر در دوره های مقدماتی، متوسطه، و دیپلم شرکت داشتند.

آقای دکتر **حسینی فائق**، ضمن خوش آمد گویی، مراتب قدردانی خود را از استاد اعزامی، و دیگر استادانی که در کلاس های فارسی آموزی

در رایزنی فرهنگی تدریس کردند، و دانشجویانی که با علاقه و جدیت در کلاس ها شرکت نمودند، ابراز داشت و از بخش اعظم دانشجویان هم که شرکت نکرده بودند، گله کرد، که چرا نسبت به برنامه های فرهنگی توجه خاصی معطوف نمی دارند.

پس از آن دکتر **کهدویی**، مقاله خود را با عنوان «نگاهی به حج در ادبیات فارسی» ارائه کرد که ضمن برشمردن سفرنامه های حج، به ویژگیهای مشترکی که در غالب سفرنامه ها دیده می شود اشاره داشت که عبارت بود از: بی توجهی به نظافت اطراف خانه کعبه، آزار و آسیبی که توسط نگاهبانان مکه و مدینه به زائران و حج گزاران می رسد و غیره. (آقای دکتر **عبدالصبور خان** نیز برای فهم بهتر حاضران آن را ترجمه کرد).

پس از آن فیلمهای کوتاهی که در خصوص معرفی دانشجویان شرکت کننده، توسط خودشان ارسال شده بود، پخش شد، و بعد از آن دکتر **احسان محمد زبیر** از استادان گروه عربی دانشگاه داکا، در خصوص جایگاه حج در آثار شاعران بزرگ بنگلادش مانند **قاضی نذراالاسلام** سخنرانی کرد.

در ادامه برنامه، ویدیوهایی که دانشجویان برای شرکت در مسابقه تهیه و ارسال کرده بودند، پخش شد و بعد از آن به رتبه های برتر در بخشهای ساخت ویدیو، متنهای ادبی، و رتبه های برتر در کلاسهای درس، هدایای همچون: تقدیر نامه، لوح، کتاب و وجه نقد اهدا شد.

پایان بخش برنامه ها، سخنان کوتاهی بود که توسط رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی ایراد شد و ضمن ابراز مسرت و خوشحالی، قدردانی

و سپاس خود را از رایزنی فرهنگی، و استاد اعزامی، اعلام کرد. گفت که در طول بیش از ۲۰ سال گذشته، که در دانشگاه حضور داشته است، تا کنون چنین برنامه‌ای اجرا نشده بود. در حال حاضر به همت استاد **کهدویی** اینطور برنامه برگزاری ممکن شد. وی افزود، در این برنامه‌ها که به دانشجویان بها داده می شود بهترین شیوه برای علاقه مندی بیشتر آنان خواهد بود.

۱۶. بزرگداشت میلادالنبی(ص) در گروه فارسی دانشگاه

به پیشنهاد و پیگیری استاد **کهدویی**، ساعت ۱۱ تا ۱۲ و نیم روز سه شنبه بیست و یکم آبان ۱۳۹۸، مراسم بزرگداشت میلادالنبی(ص)، با حضور استادان و دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه و استاد اعزامی برگزار گردید. در این مراسم، استاد **کهدویی**، در سخنانی به جایگاه **رسول اکرم(ص)** در شعر فارسی پرداخت و با ذکر ابیاتی از شعرای مختلف، این جایگاه والا را برای حاضرین تبیین نمود. وی همچنین به شعری از **قاضی نذراالاسلام**، شاعر ملی بنگلادش، در این خصوص اشاره کرد و افزود بدون تردید بخش مهمی از آثار شعرای مسلمان، به طور خاص، شعرای فارسی زبان، به شخصیت و جایگاه پیامبر(ص) اختصاص یافته است.

آقای دکتر **حسینی فائق**، جانشین رایزن فرهنگی نیز در این مراسم حضور داشت و طی سخنان کوتاهی ضمن تبریک به مناسبت میلادالنبی، از حضور استادان و دانشجویان در مراسم، قدردانی و اظهار امیدواری کرد که چنین برنامه هایی با همکاری رایزنی فرهنگی، ادامه داشته باشد.

در پایان برنامه نیز دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان، به عنوان رئیس جلسه، ابتدا نعت رسول اکرم(ص) از عبدالرحمان جامی را قرائت کرد و سپس در خصوص جایگاه پیامبر در ادبیات فارسی و بنگالی به اجمال سخن گفت و با قرائت اشعاری از نذرالاسلام به پایان رساند.

۱۷. بازدید از موزه ملی بنگلادش با دانشجویان فارسی

ساعت ۱۰ و نیم صبح روز شنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۹۸ (نهم ماه نوامبر سال ۲۰۱۹ میلادی) با وجود این که روز تعطیلی بود(در بنگلادش روزهای جمعه و شنبه تعطیل رسمی است) استاد کهدویی، به همراه ۹ نفر از دانشجویان دانشگاه داکا و ۳ نفر از فارسی آموزان رایزنی فرهنگی ایران، به موزه ملی بنگلادش رفتند، و از آنجا که محمد منیر الحق یکی از دانشجویان سابق گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، مسئول بخش نسخه‌های خطی است، از استاد کهدویی و دانشجویان استقبال کرد.

این بازدید، از طبقه اول تا چهارم، به مدت ۳ ساعت صورت گرفت و بسیاری نادیده ماند، بویژه بخش نسخه های خطی که دقت و ظرافت بیشتری می طلبد، به بعد موکول شد.

بخشهایی چون طبیعت بنگلادش، زندگی روستایی، حیوانات و پرندگان، ابزار و وسایل زندگی، وسایل جنگی، سالنهای هنر معاصر و مدرن، سالنهای مربوط به استقلال بنگلادش، سالنهای کتیبه‌ها و پیکره‌های مربوط به هندوئیسم، تندیسها و سردیسها، کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های فارسی مربوط به مساجد، سالنهای مربوط به استقلال زبان مادری، و شهیدان راه آزادی، و همچنین غرفه مخصوص ایران که در طبقه سوم

قرار داشت، و... مورد بازدید قرار گرفت و در هر هر بخش و موضوع، توضیحات لازم توسط استاد **کهدویی** برای دانشجویان ارائه شد و هر گاه که به بنگالی ترجمه می شد، تعدادی از دیگر بازدیدکننده ها نیز با علاقه توجه می کردند. این بازدید برای حضور و توضیحات موضوع گوناگون برای دانشجویان در مجموع برنامه ای خوب و ارزشمند محسوب می شود.

۱۸. اردوی دانشجویی گروه فارسی دانشگاه داکا

روز شنبه بیست و نهم فوریه سال ۲۰۲۰ میلادی برابر با دهم اسفند ماه سال ۱۳۹۸ خورشیدی، اردوی یکروزه دانشجویی، برای دانشجویان برتر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا برگزار شد.

این اردو که دکتر **محمد ابوالکلام سرکار**، رئیس گروه، آقای **احسن الهادی** از استادان گروه، دکتر **کهدویی** استاد اعزامی، و تعدادی از دانشجویان در آن حضور داشتند، در اردوگاه انصار، در شهر غازی پور، در نزدیکی شهر داکا برگزار شد و علاوه بر حضور دانشجویان، برگزاری سخنرانیهای کوتاه اخلاقی، گردش، پذیرایی صبحانه و نهار، چند مسابقه نیز برگزار شد. در این اردوی گروه، **استاد کهدویی**، به عنوان مهمان ویژه حضور داشت و برای دانشجویان سخنرانی کرد و بویژه به وضعیت و کیفیت اردوهای دانشجویان ایرانی نیز اشاره کرد.

در بخش حفظ شعر از حافظ، شاهنامه، و مثنوی مولوی، ۸ نفر شرکت کرده بودند که از همه آنان قدردانی شد و نفرات اول تا سوم نیز جایزه دریافت کردند.

در بخش داستان و خاطره گویی ۶ نفر و در بخش خواندن سرودهای فارسی نیز ۸ نفر شرکت کردند که به آنان نیز نفرات اول تا سوم جایزه داده شد و از دیگر نفرات هم با اهدای کتاب تقدیر شد.

۱۹. مراسم تودیع و خداحافظی در دانشگاه داکا

به کوشش گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، مراسم تودیع و خداحافظی برای استاد اعزامی دکتر محمدکاظم کهدویی ساعت ۱۲ تا ۱۴ روز دوشنبه سی‌ام تیر ماه سال ۱۳۹۹؛ در سالن جلسات دانشکده علوم انسانی دانشگاه داکا، با رعایت فاصله اجتماعی و مسائل بهداشتی برگزار شد.

در این مراسم، که آقایان دکتر صحت، رایزن فرهنگی، دکتر حسینی فایق، معاون رایزنی فرهنگی، استادان گروه زبان و ادبیات فارسی (آقایان دکتر ک. ام. سیفالاسلام خان، ابوموسی محمد عارف بالله، عبدالصبور خان، طارق سراجی، محمد بهاءالدین، محمد محمدابوالکلام سرکار استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، و آقای مهدی حسن)، آقای دکتر محمدابوالبشر، مسئول کتابخانه گروه فارسی، آقای ابراهیم مدیر آموزش گروه فارسی، پروفیسور شمیم بانو، رئیس بخش فارسی مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه داکا، حضور داشتند. استادان زبان و ادبیات فارسی، از دیگر دانشگاههای بنگلادش، از دانشگاه راجشاهی (آقایان دکتر شمیم خان، دکتر محمد نوراله‌دی، دکتر محمد کمال‌الدین، و دکتر محمد عطاءالله) و از دانشگاه چیتاگونگ «آقای دکتر محمد نورعالم»، همچنین پروفیسور علیم اشرف خان، از دانشگاه دهلی در هندوستان، خانم راحله اختر، دانشجوی بنگالی در دانشگاه علامه طباطبایی تهران، و دانشجویانی از شهرهای

مختلف بنگلادش نیز به صورت مجازی و برخط حاضر بودند و سخن گفتند. بعضی از دانشجویان پزشکی ایرانی در دانشگاه داکا نیز حضور داشتند.

استاد **کهدویی** نیز در سخنانی، با اشاره به فعالیتهایی که علاوه بر تدریس، در کشور بنگلادش با همکاری گروه فارسی انجام داده، گفت که اگرچه به انصاف، دوره سختی بود، در این مدت ۸ بار جابجا شدیم و اثاث کشی کردیم؛ اما محبت دوستان و همکاران بزرگوار، و دانشجویان عزیز ما را هر روز امیدوارتر کرد. نه احساس غربت کردیم، و نه دشواریها و مشکلات به چشمان آمد. به یاری حق فعالیتهای خوبی انجام شد....

حاضران در جلسه، و شرکت کنندگان در فضای مجازی بیشتر به ذکر خاطرات خود می پرداختند؛ چه آن کسانی که از ۲۵ سال پیش در کلاس اینجانب بودند، و امروزه به درجه استادی رسیده اند، و چه کسانی که در این دوره دوم با من کلاس داشتند، و بیشتر بر ویژگیهای اخلاقی، و سلوک رفتاری، و شیوه های تدریس استاد اعزامی تأکید داشتند.

دو) فعالیتهای علمی و فرهنگی در دانشگاه راجشاهی

فعالیت‌های استاد **کهدویی** فقط شامل تدریس و آن هم در دانشگاه داکا نمی‌شد، بلکه در هر فرصتی پیش می‌آمد، این فعالیت‌ها در گروه‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های دیگر نیز ادامه پیدا می‌کرد. نخستین شروع فعالیت‌ها در دانشگاه راجشاهی، همان روزهای اولیه حضور در داکا بود که هنوز محلی برای اقامت نیافته و در هتل ساکن بودند و به دنبال خانه می‌گشتند. به محض این که موقعیتی پیش آمد به همراه آقای **سید موسی حسینی**، رایزن فرهنگی ایران، عازم شهر و دانشگاه راجشاهی شدند. بعضی از فعالیت‌های استاد **کهدویی** در آن شهر چنین است:

۱. شرکت در سمینار راز آفرینش انسان و جهان

به دعوت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی و به منظور شرکت در سمینار «راز آفرینش انسان و جهان در فلسفه مولوی»، در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۹۷ خورشیدی، در دانشگاه راجشاهی، به همراه آقای **سید موسی حسینی**، رایزن فرهنگی ایران، به راجشاهی رسیدند. استاد **کهدویی** در این مورد در گزارشی چنین نگاشته‌اند:

«به دعوت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی و به منظور شرکت در سمینار «راز آفرینش انسان و جهان در فلسفه مولوی»، به همراه آقای **سید موسی حسینی**، رایزن فرهنگی ایران، عازم راجشاهی شدیم. در فرودگاه راجشاهی مورد استقبال استادان محترم **محمد کمال-الدین** از دانشجویان ۲۵ سال پیش که هم اکنون به مرتبه استادی رسیده، و قبل از این هم ریاست گروه زبان و ادبیات فارسی را به عهده داشت، و همچنین دکتر **محمد عطاءالله**، استاد و رئیس گروه زبان

فارسی، قرار گرفتیم. پس از آن در سمینار یاد شده شرکت کردیم که استادان محترم مقالات خود را ارائه دادند».

استاد **کهدویی** نیز مقاله و سخنرانی خود را در خصوص مولوی ارائه داد و از سوی برگزار کنندگان سمینار برای عزت، احترام و قدردانی به استاد **کهدویی** و آقای سید موسی حسینی لوح سپاس نیز اهدا شد.

۲. استقبال از جدیدها و خداحافظی با فارغ التحصیلان

در مراسمی که به منظور خوش آمدگویی برای ورودیهای جدید، به همراه خداحافظی با فارغ التحصیلان گروه زبان و ادبیات فارسی، روز پنجشنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۳۹۷، چهاردهم ماه مارچ ۲۰۱۹م. در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، برگزار شد، دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی، به عنوان سخنران اصلی دعوت شده بود که عصر روز چهارشنبه ۲۲ اسفند ماه، با قطار عازم راجشاهی شد و مورد استقبال پروفیسور **محمد عطاءالله**، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، و پروفیسور **محمد کمال الدین**، از دانشجویان ۲۵ سال پیش استاد، و رئیس سابق گروه، قرار گرفت.

در مراسم یادشده، مهمانان ویژه: آقایان دکتر **محمد عبدالسبحان** رئیس دانشگاه، دکتر **چودھوری محمد زکریا**، و دکتر **انندو کمار شاها**، دو معاون ایشان، دکتر **محمد فضل الحق**، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی به دانشگاه داکا، و دکتر **محمد عطاءالله**، رئیس گروه فارسی، سخنرانی کردند.

دکتر **کهدویی** نیز در سخنان خود، در خصوص شرکت ۱۰ نفر از دانشجویان ادبیات فارسی، در آزمون سامفا در داکا و کسب امتیازات بالا

به رئیس دانشگاه، و حضاران در جلسه تبریک گفت در خصوص اهمیت زبان فارسی و شناخت سرزمین ایران و... سخنرانی کرد.

سخنان **کهدویی** چنان مؤثر افتاد که رئیس دانشگاه قول داد در طبقه چهارم ساختمان علوم انسانی که هم اکنون در حال ساخت است و سفت کاری آن تمام شده، یک اتاق برای استاد اعزامی نگه دارند و یک اتاق بزرگ هم برای آزمایشگاه زبان در نظر گرفته شود. اختصاص دو اتاق برای گروه ادبیات، با وجود کمبود فضا، برای استادان فارسی، که گمان آن هم نمی رفت، بسیار غیر مترقبه و باعث خوشحالی آنان بود و آن را ثمره حضور استاد **کهدویی** می دانستند. در پایان هم لوح سپاس به آقای دکتر **کهدویی** اهدا شد.

۳. برنامه رونمایی کتاب در گروه زبان و ادبیات فارسی

روز پنجشنبه ۲۳ اسفند ماه، برنامه رو نمایی دو کتاب که در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی برگزار شده، استاد **کهدویی** مهمان ویژه این برنامه شرکت و سخنرانی کرد. رونمایی از دو کتاب؛ یکی از آقای دکتر **محمدکمال الدین**، با عنوان «فریدالدین عطار و فلسفه عرفانی در اشعار او» و دیگری «فکار اجتماعی و ارزش اخلاقی در شعر معاصر فارسی» که حاصل پژوهش سرکار خانم دکتر **تهمینه بیگم**، همسر دکتر **محمدکمال الدین**، و از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی بود.

استاد دکتر **کهدویی** در خصوص اهمیت اینگونه کارها و تألیفات، و جایگاه **عطار نیشابوری** و وضعیت کنونی معاصر شعر فارسی و... سخنرانی کرد. در این برنامه دکتر **محمدفضل الحق**، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به عنوان مهمان معظم سخنرانی کرد. آقایان دکتر ا.

اف. ام. اچ. تقی رئیس سابق دانشکده ادبیات، محمد شمیم خان، استاد بازنشسته فارسی، دکتر محمد نورالهدی، استاد گروه فارسی، و همچنین دکتر محمد عطاءالله، رئیس گروه فارسی، سخنرانی کردند.

۴. نشست ادبی بزرگداشت مولانا جلال الدین محمد مولوی

استاد کهدویی برای شرکت در نشست ادبی، به منظور بزرگداشت مولوی، به همراه رایزن فرهنگی ج.ا. ایران، دیداری از رئیس دانشگاه یاد شده داشت.

به منظور بررسی وضعیت کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه راجشاهی، با پروفسور عبدالسبحان، رئیس دانشگاه، که معاونان رئیس دانشگاه و استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، نیز حضور داشتند، ابتدا رایزن فرهنگی ایران مطالبی در خصوص اعزام استاد فارسی از ایران، سخن گفت و مشروط به این دانست که از سوی دانشگاه نیز محل اقامت و اسکان استاد فراهم شود و رئیس دانشگاه، ضمن ابراز شادمانی از حضور رایزن فرهنگی و استاد اعزامی در آن دانشگاه، قول مساعد داد که نسبت به تجهیز محل منتخب اقدام کند و اتاق نیز برای دفتر استاد اعزامی در نظر گرفته خواهد شد.

نشست ادبی، به مناسبت هشتم مهرماه و روز بزرگداشت مولانا جلال الدین محمد مولوی، بود که در سالن مربوط به گروه زبان و ادبیات فارسی برگزار گردید. در این مراسم که چودھوری محمدزکریّا، معاون دانشگاه، پروفسور محمد فضل الحق رئیس دانشکده علوم انسانی، استادان گروه زبان و ادبیات فارسی، دکتر محمد کمال الدین، از استادان

فارسی در دانشگاه راجشاهی و مدیر اتاق ایران شناسی و بیش از یکصد نفر از دانشجویان فارسی حضور داشتند.

آقایان دکتر محمدشمیم خان، استاد بازنشسته فارسی، دکتر محمد نورالهدی، استاد گروه فارسی، و همچنین پروفیسور فضل الحق، رئیس دانشکده علوم انسانی، دکتر سید حسن صحت، رایزن فرهنگی ایران نیز در خصوص زبان و ادبیات فارسی و اهمیت مولوی سخن گفتند. استاد کهدویی، به عنوان سخنران اصلی، در خصوص چگونگی سروده شدن مثنوی معنوی و اهمیت و جایگاه آن مطالبی بیان کرد.

سخنران پایانی هم پروفیسور محمد عطاءالله، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی بود، که مراتب خشنودی خود را از حضور مهمانان، و همچنین خبر خوشحال کننده حضور استاد اعزامی در دانشگاه راجشاهی بیان داشت.

۵. بزرگداشت مرحوم استاد محمد کلیم سهرامی^۱

با همت و کوشش «انجمن فارسی بنگلادش»، و گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، عصر روز پنجشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۳۹۸ خورشیدی، و با حضور آقای دکتر سید حسن صحت، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش، دکتر محمدابوالکلام سرکار، رئیس گروه، دکتر عبدالصبور خان، و دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان، از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، و همچنین

۱. استاد محمد کلیم سهرامی، به سال ۱۹۳۰ میلادی به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۶ میلادی از دنیا رفت و آثار ارزنده‌ای از خود بر جای گذاشت که از جمله می‌توان به کتاب «خدمتگزاران زبان فارسی در بنگلادش» اشاره کرد.

آقایان دکتر **همدانی** استاد اعزامی به دانشگاه راجشاهی، خانم دکتر **الهام ملک زاده** از پژوهشگاه علوم انسانی، و دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی به دانشگاه داکا، استادان گروه، و دانشجویان دوره های مختلف ادبیات فارسی، همچنین استادانی از دیگر گروه های آموزشی، در محل سالن دانشکده علوم انسانی دانشگاه راجشاهی برگزار شد.

در این مراسم آقای دکتر **شمیم خان** از همراهان و همکاران مرحوم **سهسرامی** مقاله خود را در خصوص زندگی و آثار آن مرحوم ارائه کرد و پس از آن دیگر استادان اعزامی و رایزن فرهنگی ایران مطالب خود را بیان داشتند. آقای دکتر **کهدویی** که آشنایی نزدیک به ۲۰ سال با استاد **سهسرامی** داشت، مطالب خود را در خصوص ملاقات های مختلف، و همکاری های علمی ایشان برای حاضران بیان کرد. و از روحیه و خصلت فروتنی و تواضع و پژوهشگری و فارسی دوستی استاد **سهسرامی** یاد کرد و از دانشجویان خواست راه و شیوه استاد **سهسرامی** را دنبال کنند.

۶. نخستین کنفرانس بین المللی ادبیات، تاریخ، و فرهنگ

به همت دانشکده علوم انسانی دانشگاه راجشاهی، کنفرانس بین-المللی ادبیات، تاریخ، و فرهنگ در روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه دسامبر ۲۰۱۹ م. برابر با ۲۹ و ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۸ در آمفی تئاتر دانشگاه راجشاهی برگزار شد. در مراسم افتتاحیه کنفرانس، پروفیسور **عبدالسبحان**، رئیس دانشگاه راجشاهی، معاونان دانشگاه، دکتر **سید حسن صحت**، رایزن فرهنگی ایران در بنگلادش، پروفیسور **فضل الحق**، رئیس دانشکده علوم انسانی، مدیران گروه های مختلف، و پژوهشگرانی از کشورهای بنگلادش، ایران، هند، مالزی، ترکیه، اردن، و غیره حضور داشتند.

حدود ۴۵۰ مقاله به کنفرانس ارسال شده که ۱۲۷ مقاله پذیرفته، و ۸۳ مقاله نیز برای ارائه انتخاب شده بود. از ایران نیز سرکار خانم دکتر **الهام ملک‌زاده**، از گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی، دکتر **امید همدانی** مدرس اعزامی به دانشگاه راجشاهی، و دکتر **محمدکاظم کهدویی** استاد دانشگاه یزد، اعزامی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به دانشگاه داکا، حضور داشتند و مقالات خود را ارائه کردند.

خانم دکتر **ملک‌زاده**، و دکتر **کهدویی**، هرکدام به عنوان رئیس، در نشستهای سخنرانی حاضر بودند و دکتر **کهدویی** نیز به عنوان هیأت رئیسه و سخنران نشست اختتامیه، برای سخنرانی دعوت شد.

دبیر اجرایی همایش پروفیسور **فضل‌الحق**، رئیس دانشکده علوم انسانی بود و پروفیسور **محمدکمال‌الدین**، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، به عنوان دبیر علمی انتخاب شده بود. مقاله‌های همایش به زبانهای بنگلا، عربی، فارسی و انگلیسی ارائه شده است.

شایان یادآوری است که حدود ۲۰ مقاله مربوط به ادبیات فارسی ارائه شده، و بنا به اظهار دبیرهای همایش، نشستهای فارسی، از ویژگی خاصی برخوردار بود.

۷. برگزاری شب یلدا، در گروه زبان و ادبیات فارسی

به پیشنهاد و ابتکار دکتر **محمدکاظم کهدویی**، که به منظور تدریس در دورهٔ بازآموزی استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه راجشاهی و همچنین شرکت در کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی در دانشگاه یادشده شرکت کرده بود، و با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، در سی‌امین شب آذرماه ۱۳۹۸ مراسم شب یلدا، از ساعت ۸ شب، در سالن دانشکده علوم انسانی برگزار شد.

در این مراسم، ابتدا خانم دکتر **الهام ملک زاده**، از پژوهشگاه علوم انسانی، که به منظور شرکت در سمینار بین‌المللی علوم انسانی در راجشاهی حاضر شده بود، به اجمال در خصوص یلدا و فلسفه نامگذاری آن سخن گفت و پس از آن، دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی به دانشگاه داکا، هر یک از میوه‌های تازه و خشک موجود در سفره، را معرفی کرد و درباره ویژگیهای شب چله نیز مطالبی بیان داشت.

در این برنامه، که در حد خود، از زیبایی خاصی برخوردار بود، پروفیسور **انور حسین**، از استادان سرشناس کشور بنگلادش، به همراه همسرشان، همچنین پروفیسور **فضل‌الحق**، رئیس دانشکده علوم انسانی، استادان، دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، استاد **سرکار** رئیس، و استادان پروفیسور **عبدالصبور خان** و دکتر **ممیت‌الرشید** از گروه ادبیات فارسی دانشگاه داکا، و استادانی از دیگر گروهها حضور داشتند.

در پایان نیز دکتر **کهدویی** با تفأل به دیوان حافظ، غزلی از دیوان را قرائت کرد که در مجموع مورد توجه حاضران قرار گرفت. مهمانان، در پیام‌های خود اذعان داشتند که برای اولین بار با این جشن ایرانی و با این ویژگیها آشنا شده‌اند.

۸. تدریس در دوره دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی

کارگاه بازآموزی و دوره دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی، برای استادان و دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه راجشاهی، برای مدت ۷ روز، صبح روز دوشنبه ۲۳ ماه دسامبر ۲۰۱۹ میلادی، برابر با دوم دی ماه سال ۱۳۹۸ خورشیدی، در سالن گروه ادبیات در دانشگاه راجشاهی آغاز به کار کرد.

مراسم افتتاحیه این دوره، با حضور پروفیسور چودهوری محمد زکریا، معاون رئیس دانشگاه راجشاهی، پروفیسور فضل الحق، رئیس دانشکده علوم انسانی، دکتر عثمان غنی، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی، استادان و دانشجویان گروه فارسی، دکتر امید همدانی استاد اعزامی به دانشگاه راجشاهی، سرکار خانم دکتر الهام ملک زاده از گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی ایران، و دکتر کهدویی استاد دانشگاه یزد، اعزامی به دانشگاه داکا بود. در این نشست ابتدا پروفیسور محمد کمال-الدین، از استادان و رئیس سابق گروه، به معرفی جمع حاضر پرداخت و هدف از برگزاری دوره و کارگاه را بیان کرد.

سخنوران، بویژه استاد کهدویی، در باره اهمیت برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های بازآموزی و توجه بیشتر به یادگیری این زبان شیوا سخن گفتند. پس از برگزاری مراسم افتتاحیه، شرکت کنندگان در سه گروه^۱ که مشخص شده بود، شرکت کردند و کارگاه آموزشی عملاً شروع به کار کرد. موضوعات ارائه شده برای گروه‌های مختلف نیز، ادبیات کلاسیک، بلاغت، عروض و قافیه، دستور، نگارش و درست نویسی، شیوه‌های پژوهش و مقاله نویسی، و گفتگو و مکالمه در نظر گرفته شده است. شایان یادآوری است که به مناسبت این دوره بازآموزی استاد کهدویی با عنوان «مجموعه گل» کتابی نوشته و عنوانهای درسی که دانشجویان ادبیات باید بخوانند، به صورت خلاصه آورده شده است. این کتاب توسط گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی به چاپ رسید.

۱. الف) برای استادان، ب) برای دانشجویان برتر که از طریق آزمون نمره لازم را کسب کرده بودند. ج) برای سایر دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی.

۹. سخنرانی در مراسم اختتامیه دوره دانش افزایی

دوره دانش آموزی و کارگاه آموزش زبان فارسی که در دانشگاه راجشاهی، به مدت یک هفته برای استادان و دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی (در سه کلاس: استادان، دانشجویان برتر، و عمومی) برگزار شده بود، به پایان رسید و مراسم اختتامیه آن از ساعت ۱۱ تا ۱۳ روز یکشنبه، هشتم دی ماه ۱۳۹۸ با حضور آقایان **محمد رضا نفر**، سفیر، دکتر **سید حسن صحت رایزن** فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش، **پروفسور فضل الحق**، رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه راجشاهی، دکتر **محمد کاظم کهدویی** استاد اعزامی ایران به دانشگاه داکا، دکتر **امید همدانی**، استاد اعزامی ایران به دانشگاه راجشاهی، خانم دکتر **الهام ملک زاده**، مدرس دوره آموزشی، رئیس و استادان و دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی و... در سالن گروه زبان و ادبیات فارسی برگزار شد.

در این برنامه چند تن از استادان، همچنین استادان اعزامی و مدرس دوره آموزشی، سخن گفتند و در ادامه، رئیس دانشکده علوم انسانی و سپس رایزن فرهنگی، و سفیر جمهوری اسلامی ایران سخنرانی کردند. در پایان نیز رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، مطالبی را در خصوص حضور مهمانان همچنین استادان و مدرسان دوره آموزشی بیان داشت.

۱۰. سمینار حافظ و تاگور در دانشگاه راجشاهی

به همت و تلاش گروه زبان و ادبیات فارسی، سمینار **رایبندرانات تاگور و حافظ شیرازی**، در دانشگاه یاد شده برگزار شد.

در این سمینار، که آقایان **محمد رضا نفر**، سفیر جمهوری اسلامی ایران، و دکتر **سید حسن صحت**، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران، پروفیسور **عبدالسبحان**، رئیس دانشگاه، پروفیسور **آند کومار**، معاون رئیس دانشگاه، پروفیسور **فضل الحق**، رئیس دانشکده علوم انسانی، پروفیسور **محمد عثمان غنی**، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، و دکتر **کهدویی** استاد اعزامی، به عنوان مهمانان ویژه حضور داشتند.

دکتر **امید همدانی**، اعزامی از دانشگاه فردوسی مشهد، مطالب خود را در خصوص **حافظ و تاگور** به زبان انگلیسی بیان داشت.

استاد **کهدویی** مقاله خود را با عنوان **شب در شعر حافظ و تاگور** ارائه کرد که در آن به توجه **حافظ و تاگور**، به منابع فکری خود همچون کتب دینی، آثار گذشتگان، و شب و سحر پرداخته بود. پس از آن، پروفیسور **محمد کمال الدین**، از استادان فارسی دانشگاه راجشاهی، مقاله خود را در خصوص **حافظ و تاگور** با عنوان **شعر رابیندرانات و حافظ: ارتباط معنویت گرایی، به فارسی و بنگالی ارائه کرد.**

در این سمینار پروفیسور **آند کمار**، خانم دکتر **الهام ملک زاده** آقای دکتر **سید حسن صحت**، جناب آقای **رضا نفر**، پروفیسور **عبدالسبحان**، پروفیسور **عثمان غنی** نیز سخنرانی کردند.

سه) فعالیتهای علمی در دانشگاه چیتاگنگ

فعالیت دیگر استاد **کهدویی** در بنگلادش، حضور در شهر بندری چیتاگنگ در جنوب بنگلادش و در کنار خلیج بنگال بود که سفر به این شهر و در برنامه های دانشگاه و دیگر مراسم عرفانی در آنجا در چند نوبت صورت گرفت و نگارنده سطور **(سرکار)** نیز در معیت ایشان بودم. بعضی از برنامه های استاد در آن شهر به شرح ذیل است:

۱. حضور در گروه ادبیات فارسی و سخنرانی برای دانشجویان

استاد **محمد کاظم کهدویی** در گزارشی که پس از بازگشت از سفر چیتاگنگ نوشته، اینگونه آورده اند:

بنا به دعوت مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگنگ، به همراه دکتر **محمد ابوالکلام سرکار**، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۷، به شهر چیتاگنگ رفتیم. در جنوب بنگلادش، پس از ورود به دانشگاه چیتاگنگ، ابتدا با دکتر **نور عالم** مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگنگ، و رئیس دانشکده علوم انسانی و چند تن از استادان ملاقات شد.

برنامه نشست با دانشجویان بود، که علی رغم اینکه اولین روز شروع کلاسها بعد از تعطیلات امتحان میانترم بود و تقریباً کلاسی وجود نداشت، و توسط خود دانشجویان پیگیری شده بود، ۱۱۲ نفر دانشجو حاضر شده بودند و با اینکه قرار بود در خصوص **مولانا جلال الدین محمد بلخی و حسام الدین چلبی**، سخن گفته شود، درخواست شد در خصوص زبان فارسی و اهمیت آن صحبت شود، که در مجموع بیش از

یک ساعت به طول انجامید با استقبال دانشجویان روبرو شد. **دکتر محمد نور عالم** مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی، و **اسماء اختر** از استادان گروه، حاضر بودند، و مدیر گروه ادبیات عربی هم در جمع حاضر شد و از فراگیری سه زبان سخن گفت. شایان یادآوری است که استاد **کهدویی** چند کتاب که از وی چاپ شده بود، به گروه اهدا نمود.

۲. دیدار با رئیس و معاون رئیس دانشگاه چیتاگانگ

استاد **کهدویی** به همراه مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگانگ و استادان دیگر و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، با **پروفسور افتخارالدین چوده‌هوری**، رئیس دانشگاه چیتاگانگ ملاقات داشت که بسیار به گرمی از ایشان استقبال شد. رئیس دانشگاه اظهار امیدواری کرد که یک استاد اعزامی در گروه فارسی حضور داشته باشد، که توضیحاتی داده شد که با توجه به شرایط موجود، در حال حاضر این امکان وجود ندارد.

استاد کهدویی در گزارش خود آورده است که: «از بنده درخواست کردند که تمام وقت در اختیار دانشگاه داکا نباشم و وقتی هم برای آنان در نظر بگیرم که بنده در پاسخ گفتم: البته من از جان خویش حاضرم مایه بگذارم و هر ماه دو روز به آنجا بروم و به دانشجویان درس بدهم، تا تقدیر چه باشد. رئیس دانشگاه اظهار خوشحالی کرد و از رئیس گروه خواست تا درخواستی بفرستد تا پیگیر تأمین هزینه‌های این سفر باشد.

دیدار بعدی با سرکار خانم **پروفسور شیرین اختر**، معاون وقت رئیس دانشگاه بود که بسیار اظهار شادمانی کرد و گفت که پدر او بسیار

شعر فارسی از حفظ داشته و پدر بزرگش به فارسی شعر می‌گفته و خود او نیز علاقه‌مند است. وی گفت می‌بینید که نام خود من هم فارسی است. وقتی مدیر گروه، گفت که رئیس دانشگاه درخواست کرده تا استاد اعزامی، ماهی دو روز به چیتاگونگ برود، بسیار خوشحال شد و گفت خود من نیز در کلاسهای ایشان شرکت خواهم کرد. برای پرداخت هزینه‌های رفت و برگشت و اقامت در مهمانسرا هم مشکلی نداریم.»

(یادآور می‌شود که پروفسور خانم شیرین اختر، از سال ۲۰۲۰ م. ریاست دانشگاه چیتاگونگ را به عهده گرفته است).

چهار) فعالیتهای علمی در رایزنی فرهنگی ایران

فعالیتهای استاد **که‌دویی**، علاوه بر تدریس و فعالیت در دانشگاهها و گروههای زبان و ادبیات فارسی، در دیگر مراکز فرهنگی، همچون رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران چه در تدریس در دوره های دیپلم برای فارسی آموزان، و چه در دیگر فعالیتهای فرهنگی در مناسبتهای مختلف ادامه داشت و ایشان حلقهٔ وصلی بین رایزنی فرهنگی و دانشگاهها بودند، و همین امر سبب برقراری روابط خوب بین مراکز علمی و فرهنگی و دینی و عرفانی این کشور بود. بعضی از این فعالیتهای رایزنی عبارتند از:

۱. تودیع رایزن فرهنگی و خیر مَقَدَم به استاد که‌دویی

عصر روز شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ مراسم تودیع و معارفهٔ رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد که جمعی از همکاران رایزنی، رئیس مدرسه عالیۀ داکا، مسئولان مدارس وابسته به جامعۀ المصطفی، مدیر و تعدادی از استادان فارسی دانشگاه داکا، مسئولان نهادهای همکار با رایزنی فرهنگی و غیره حضور داشتند. در این مراسم ضمن خداحافظی با آقای **سیدموسی حسینی** که بیش از سه سال به عنوان رایزن فرهنگی در داکا حضور داشتند، آقای دکتر **سید مهدی حسینی فائق**، به عنوان سرپرست جدید رایزنی، و استاد **که‌دویی** که به عنوان مدرس اعزامی که برای دومین بار به داکا اعزام شده، معرفی شدند و با اهدای دسته گل از آنان قدردانی شد.

آقای حسینی، نیز در سخنانی عملکرد رایزن فرهنگی را در توسعه و گسترش زبان فارسی و تلاش برای ایجاد کرسیهای مستقل زبان فارسی ستود. در ادامهٔ برنامه نیز ضمن خوشامدگویی به مهمانان، به آقایان دکتر

کهدویی (استاد اعزامی از ایران) و دکتر **حسینی فائق** (سرپرست جدید رایزنی) به آنان خیر مقدم گفت.

دکتر **کهدویی** در سخنانی، حضور مجدد خود در بنگلادش را نشان اهمیت بنگلادش، نزد مقامات ج.ا. ایران و نیز علاقه مندی شخص ایشان به این کشور دانست و با مقایسه تعداد دانشجویان زبان فارسی در حال حاضر و مقایسه آن با بیست سال قبل ابراز امیدواری کرد روند توسعه و گسترش زبان فارسی بیش از پیش افزایش یابد.

آقای **حسینی** با خیر مقدم به دکتر **کهدویی**، حضور ایشان را بسیار امید بخش دانست و برای ایشان و سرپرست رایزنی آرزوی موفقیت کرد.

۲. شرکت در نشست سعدی شیرازی و قاضی نذراالاسلام

عصر روز جمعه ششم مهرماه ۱۳۹۷، نشست ادبی با عنوان **قاضی نذراالاسلام و سعدی شیرازی**، از سوی بنیاد فرهنگی **نذراالاسلام و فرخ** (دو تن از شاعران بنام بنگلادش)، در محل رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد که در آن استادانی از دانشگاه داکا و پژوهشگرانی از دیگر مراکز علمی حضور داشتند و هر کدام در خصوص ویژگیهای **نذراالاسلام و سعدی شیرازی** سخن گفتند.

استاد **کهدویی** نیز به عنوان مهمان ویژه، در خصوص برخی ویژگیهای **سعدی و همچنین قاضی نذر الاسلام** مطالبی بیان کرد.

سرپرست رایزنی فرهنگی ایران نیز که مهمان ویژه بود، در خصوص اهمیت برگزاری چنین نشست‌هایی سخن گفت و اشعاری در خصوص **سعدی** بیان داشت.

۳. افتتاحیه کلاسهای فارسی آموزی در رایزنی فرهنگی

عصر روز چهارشنبه هشتم اسفند ماه ۱۳۹۷ خورشیدی، به مناسبت آغاز دور جدید کلاسهای فارسی آموزی، با حضور سرپرست رایزنی فرهنگی ایران، استاد اعزامی، رئیس و استادان گروه زبان و ادبیات دانشگاه داکا، تعدادی از دانشجویان گروه فارسی، و فارسی آموزان، در محل رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مراسمی برگزار شد.

در این مراسم آقایان دکتر **محمدابوالکلام سرکار**، استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، دکتر **طارق سراجی**، استاد فارسی دانشگاه داکا، در خصوص اهمیت زبان فارسی و عظمت آن سخن گفتند. چند نفر از فارسی آموزانی که در دوره‌های مقدماتی و متوسطه و دیپلم، فارسی آموخته بودند، مواردی را به فارسی برای حاضران بیان کردند. پس از آن آقای دکتر **حسینی فائق**، سرپرست رایزنی فرهنگی، به کوششهایی که در زمینه زبان و ادبیات فارسی به کار گرفته می شود، اشاره کرد و ضمن بیان اهمیت زبان فارسی، از حاضران خواست که با توجه بیشتری به فراگیری زبان پارسی بپردازند.

استاد **که‌دویی**، در سخنان خود، ضمن یادآوری از کلاسهای ۲۵ سال پیش، در دانشگاه داکا، و مؤسسه زبانهای نوین، و رایزنی فرهنگی، به تاریخ گذشته این سرزمین اشاره کرد و اینکه بسیاری از کتابهای تاریخی، به زبان فارسی نوشته شده و لازم است تا فارسی آموزان با توجه به این مطالب، نسبت به فراگیری فارسی بیشتر کوشا باشند. وی همچنین یادآور شد که استادان فارسی امروز، حتی رئیس محترم دانشگاه داکا، ۲۵ سال پیش فارسی را نزد او یاد گرفتند و این افتخار است که شاگردان دیروز، امروز به درجه استادی و مقامهای والا رسیده‌اند.

در پایان نیز، از سوی رایزنی فرهنگی، به فارسی آموزانی که در دوره گذشته، بهترین نمره را به دست آورده بودند، لوح تقدیر، و به همه

شرکت کنندگان در مراسم، یک جلد کتاب گزیدهٔ مثنوی، که به تازگی در داکا به چاپ رسیده، اهدا شد.

۴. شرکت در مراسم بزرگداشت سعدی شیرازی

به مناسبت اول اردیبهشت ماه و روز سعدی، با همکاری مشترک رایزنی فرهنگی، و گروه ادبیات فارسی دانشگاه داکا، عصر روز سه شنبه، سوم اردیبهشت ماه، ۱۳۹۸ مراسمی در رایزنی فرهنگی برگزار شد که پروفیسور ک. ام. سیف‌الاسلام خان درخصوص تواضع در شعر سعدی به اجمال سخن گفت و به عظمت و جایگاه سعدی در اشعار اخلاقی اشاره کرد.

استاد کهدویی ضمن تشکر از حاضران، به سخنانی در خصوص باب چهارم بوستان در تواضع پرداخت و با ذکر حکایتهای اخلاقی سعدی به رسالت سعدی در امر تربیت انسانها و مسائل اخلاقی جامعه اشاره کرد.

آقای دکتر حسینی فایق، سرپرست رایزنی فرهنگی حضور استادان و دانشجویان را گرامی داشت و بر برگزاری چنین نشستهایی به منظور پاسداشت شاعران و نویسندگان بزرگ پارسیگو، با همکاری گروه ادبیات فارسی و رایزنی فرهنگی تأکید کرد. شایان یادآوری است که در این برنامه جایزهٔ امسال به سه نفر از دانشجویان هم اهدا شد.

پنج) فعالیت‌های آیینی

استاد **کهدویی** شخصیتی تک بعدی و ساده نبود، بلکه علاوه بر ادبیات فارسی، دستی نیز در علوم مختلف اعم از عرفان، کلام، فلسفه، منطق، علوم قرآنی و اسلامی داشت و همین جامع بودن اندیشه های استاد، باعث می شد که در هر موضوعی و انجمنی که در زمینه اندیشه های دینی، عرفانی و کلامی بود، از ایشان برای ایراد سخن دعوت می کردند و حضور استاد در نشستهای آیینی، و مجامع عرفانی و سخنرانی در جمع آنان، از توانمندی های استاد **کهدویی** نشان دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

۱. مراسم عاشورا در مانیک گنج با سرپرست رایزنی

مراسمی که به مناسبت عاشورا در شهر «مانیک گنج» توسط دوستداران اهل بیت و صوفیان اهل سنت همه ساله در روز عاشورا برگزار می شود، در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۳۱ نیز برگزار شد. در این مراسم نیز استاد **کهدویی**، به همراه آقای دکتر **حسینی فایق**، سرپرست رایزنی فرهنگی ایران شرکت کرده بود، گروهی از دانشجویان ایرانی نیز در این مراسم حضور داشتند و در محلی به نام «کُریارا امامباره» به سینه زنی و عزاداری پرداختند که مورد توجه حاضران قرار گرفت.^۱

۲. نشست شاعران و نویسندگان در دربار محمدی

به همت آقای مولوی **محمد احسن الهادی**، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، و از مترجمان زبان فارسی، و پیر درگاه چشتیه داکا،

۱. در این مراسم که از صبح حدود ساعت ۱۰ شروع می شود هزاران نفر از کوچک و بزرگ شرکت می کنند و عزاداران، حسین حسین گوین وارد محل امامباره می شوند عصر عاشورا جمعیت عظیمی از عزاداران در حالیکه شال و پیراهن قرمز بلند پوشیده اند، شمشیر و سپر در دست، به عنوان یاوران **اباعبدالله** حرکت می کنند تا به محل امامباره می رسند و تا پس از مغرب به عزاداری خود ادامه می دهند.

عصر روز جمعه، بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۹۸، برابر با یازدهم ماه مبارک رمضان، محفلی با عنوان «نشست شاعران در باره رمضان در شعر بنگلا» با حضور تعدادی از شاعران و نویسندگان بنگالی در محل دربار محمدی برگزار شد.

در این مراسم که علاوه بر جمعی از شاعران، نویسندگان و منتقدان ادبی (آقایان حسن علیم، شاعر سرشناس بنگالی، امین الاسد، شاعر، اشرف الاسلام، نویسنده، و...) آقای دکتر حسینی فائق، سرپرست رایزنی فرهنگی ایران، و دکتر محمد کاظم کهدویی، استاد اعزامی در دانشگاه داکا، شرکت داشتند. استاد کهدویی، با ذکر آیه‌ای از قرآن کریم در خصوص ماه مبارک رمضان، سخنانی بیان کرد و با توجه به بیتی از مخزن الاسرار نظامی گنجوی که:

پیش و پسی بست صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا
در خصوص نقش شاعران و نویسندگان در بزرگداشت آیین مقدس اسلام و ماه مبارک رمضان و ارزشهای معنوی آن سخن گفت.

۳. سخنرانی در محفل احمدی القادری در داکا، بنگلادش

۳۱ شهریور ۱۳۹۸، ساعت ۱۸ تا ۲۱، در محل دربار احمدی القادری، در منطقه آرام باغ، در شهر داکای بنگلادش، محفلی به مناسبت حضور مولانا امداد الحق^۱، پیر سجاده نشین فرقه صوفیه احمدی القادری، میزبان داری، که از شهر چیتاگونگ به داکا آمده بود، برپا شده

۱. دربار احمدیه قادریه میجبندری (میزبانداری) در شهرهای داکا و چیتاگونگ، معروف، و محل تجمع مریدان آنان است و خدمات بسیاری نیز اعم از پزشکی، آموزشی، حمایت از بی سرپرستان، و... به مردم محروم ارائه میدهند. مولانا امدادالحق، پیر این فرقه در حال حاضر است.

بود که استاد **که‌دویی** حضور داشته و در خصوص معرفت نفس و معرفه الله (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، عَرَفَ رَبَّهُ)، به اجمال سخنرانی کرد.

در این مراسم آقای **عرفان الحق** نایب پیر سجاده نشین، در خصوص فعالیت‌های این جمعیت توضیحاتی داد. پس از آن نعت **رسول** (ص) و اهل بیت آن حضرت خوانده شد. در ادامه پروفیسور **عطاءالرحمان میاجی** یکی از استادان تاریخ و فرهنگ اسلامی دانشگاه داکا سخنرانی کرد. وی مطالب خود را با استناد به آیات قرآنی که پیامبر را بنده و رسول می‌داند و رحمت عالمیان، مانند **سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ، وَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ،** و... شروع کرد و بعد به حدیث: **انا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا،** به اثبات دانش و عظمت **علی**، علیه‌السلام، پرداخت و جایگاه آن بزرگوار را مشخص کرد، بعد از آن با ذکر **فاطمه زهرا** (س) و احترام به آن بانو سخن گفت و اینکه **سیده‌النساء** اهل‌الجنه است، و سپس به جایگاه **امام حسن** و **امام حسین** پرداخت. در پایان برنامه، مولانا **امداد الحق قادری**، پیر سجاده نشین فرقه قادریه میزبان داری، به دعا و مناجات پرداخت.

۴. مبعث رسول مکرّم اسلام (ص) در «دربار محمدی» داکا

روز پنجشنبه پانزدهم فروردین ماه، برابر با ۲۷ ماه رجب و مبعث رسول گرامی اسلام (ص) بود، بدین مناسبت چهارشنبه شب، محفل گرامیداشت مبعث، در محل «انجمن اصلاح الایمان و تحریک اسلام و مرکز تعلیم و تفکر اسلام» (دربار محمدی) برگزار شد.

در این مراسم، استاد **که‌دویی** و آقای **ربیع**، سرپرست موقت رایزنی فرهنگی ایران، از ایران، مولانا **سید نجم الاسلام چشتی**، پیر طریقت چشتیه در اجمیر شریف در هندوستان، و فرزند او **سید جواد چشتی**، خادم درگاه اجمیر، مولانا **عبدالرشید**، معاون مدرسه عالیّه داکا، پروفیسور **عبدالقادر**، رئیس گروه عربی در دانشگاه داکا، به همراه

صدها نفر از مریدان و عاشقان پیامبر اسلام حضور داشتند، و با استناد به آیات قرآنی، و احادیث مختلف، به بحث در خصوص مبعث پیامبر، معراج، و ویژگیهای اخلاقی آن حضرت، و... پرداختند. **استاد کهدویی**، با ارائه سخنرانی در خصوص مبعث حضرت **رسول (ص)** و وحدت مسلمانان، مطالبی بیان کرد. در پایان نیز با اهدای لوحی از آقایان دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی، و **ربیعی**، سرپرست موقت رایزنی فرهنگی، و مهمانان هندی، تقدیر شد.

۵. شرکت در محفل ختم قرآن در حسینی دالان، داکا

شنبه یازدهم خرداد سال ۱۳۹۸ ش.، برابر با ۲۶ ماه رمضان سال ۱۴۴۰ ه.، به مناسبت محفل ختم قرآن، و همچنین همزمانی با شب قدر و شب برات مسلمانان اهل سنت، در محل حسینی دالان (مراسمی با حضور آقایان **محمدرضا نفر**، سفیر ج.ا. ایران، دکتر **سید مهدی حسینی فائق**، سرپرستی رایزنی فرهنگی، دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی به دانشگاه داکا، و جمعی از شیعیان و علاقه‌مندان اهل بیت عصمت و طهارت، برگزار شد. در این مراسم که به منظور ختم قرآن نیز بود، آقایان **محمدرضا نفر**، **حسینی فائق** و **استاد کهدویی** سخنرانی خود را ایراد کردند.

۶. مراسم جنّة البقیع، در حسینیّه شیعیان میرپور در داکا

به مناسبت هشتم ماه شوال، که یاد آور ویران سازی قبرستان بقیع در مدینه توسط وهابیون است، مراسمی سه شنبه شب، بیست و یکم خرداد سال ۱۳۹۸، و هفتم شوال سال ۱۴۴۰ هجری، در حسینیّه شیعیان میرپور در شهر داکا برگزار شد.

در این مراسم که جمعی از شیفتگان اهل بیت (ع)، حضور داشتند، و نوجوانان نیز روپوشها و پیشانی‌بندهای سیاه، مزین به نام **فاطمه زهرا (س)** به تن و پیشانی بسته و در صف پیشین زانو زده بودند، جلوه‌ای

خاص و روحانی به چشم می‌خورد. در این مراسم در خصوص **فاطمه زهرا** به مداحی به زبان اردو پرداخته شد.

حسینی فائق سرپرست رایزنی فرهنگی، **سید آفتاب حسین نقوی**، **فیروز علی**، و **اشرف علی**، در خصوص تاریخچه تفکرات وهابی-گری از ابن تیمیه تا عبدالوهاب و تاریخچه بقیع و ... سخنرانی کردند.

استاد کهدویی نیز در خصوص قبرستان بقیع، و خاطراتی از آنجا و مرقد رسول گرامی اسلام(ص) به اجمال سخن گفت.

۷. در جمع صوفیه احمدیه قادریه غوثیه میزباننداری

به دعوت پیر سجاده نشین گروه صوفیه احمدیه قادریه غوثیه، به منظور سخنرانی در جمع آنان، ۲۰ تیر ماه ۱۳۹۸ حضور پیدا کرد.

روز جمعه ۲۱ تیرماه، از ساعت ۹ صبح برنامه شروع شد و دو تن از استادان دانشگاه داکا در زمینه موسیقی و تصوف و غیره سخن گفتند.

استاد کهدویی سخنرانی خود را با عنوان: «نگاهی به موت و فنا» در خصوص بعضی از اصول بود که گروه یاد شده توجه خاصی به آن داشتند؛ از جمله بحث فنا، و انواع موت یا مرگ که از آن به مرگ سفید(موت الابیض)، مرگ سبز(موت الاخضر)، مرگ قرمز(موت الاحمر) و مرگ سیاه(موت الاسود) نام می‌برند. و همچنین بحث سماع، که منظور همان قوالی و نعت رسول و ستایش خداوند است.

در این سخنرانی سعی شد تا بین طریقت و شریعت و حقیقت پیوند داده، و اینکه ادامه راه طریقت باید با چراغ شریعت پیموده شود تا بتوان به مقصد حقیقت رسید و اینکه در هیچ مرحله از مراحل، اسقاط تکلیف نمی‌شود و ... سخن بیش از یک ساعت به طول انجامید که آقای **محمد کمال حسین** یکی از مدرّسان فارسی مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه داکا، آن را با دقت ترجمه می‌کرد که بسیار مورد توجه حاضران قرار گرفت.

شش) فعالیتهای علمی و فرهنگی در مراکز گوناگون

حضور استاد کهدویی در برنامه‌های فرهنگی و علمی در سایر مراکز نیز ادامه داشت و همگان از این خوان نعمت بهره مند می‌شدند. برآستی که حضور استاد در این سرزمین نعمتی بود. نمونه‌هایی از این فعالیتها:

۱. بازدید و اجرای برنامه در تلویزیون «دورنتو»

پانزدهم مهرماه ۱۳۹۷ خورشیدی، تلویزیون دورنتو، که نخستین تلویزیون خصوصی بنگلادش ویژه کودکان است، طی مراسمی نخستین سالگرد آغاز فعالیت جدی خود را جشن گرفت، در این مراسم، از مقامات و شخصیت‌های مختلف برای حضور و سخنرانی دعوت شده بود که استاد کهدویی، به نمایندگی از رایزنی فرهنگی ایران حضور پیدا کرد.

در آغاز ورود، مورد استقبال مدیر شبکه، مدیر طرح و برنامه، و مدیر تولید قرار گرفت؛ پس از آن با آقای **شهریار عالم** که مشاور وزیر امور خارجه بودند، و شبکه یادشده نیز به ایشان تعلق داشت، ملاقات کرد.

سپس استاد کهدویی در سخنرانی خود، به اهمیت برنامه‌های تلویزیونی برای کودک و نوجوان اشاره کرد و با توجه به فرمایش حضرت امام(ره)، که تلویزیون را همانند یک دانشگاه می‌دانستند، با یادی از ایشان مطالبی را بیان، و اشاره کرد که اگر در اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان کشور موفق باشیم، در اصلاح نسل‌های بعد مشکلی کمتری خواهیم داشت. همچنین با اشاره به این حدیث که: «كُلِّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلٰى الْفِطْرَةِ...» اظهار داشت که: همه کودکان بر اساس یک فطرت پاک به دنیا می‌آیند و این پدر و مادرها هستند که آنها را به دینهای مختلف می‌کشانند. اشاره دیگر ایشان به ابیاتی از **پروین اعتصامی** بود که:

اگر فلاتن و سقراط بوده‌اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گلهواره مادر به کودک‌کی بس خفت سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان

۲. سخنرانی در نشست بین‌المللی تئاتر آسیایی در داکا

در سیزدهم مهرماه ۱۳۹۷ برابر با ۵ اکتبر ۲۰۱۸ در مرکز آکادمی هنر بنگلادش (شیلپاکالا)، با حضور مهمانانی از هند، سنگاپور، فیلیپین، چین، هنگ کنگ، و ژاپن، مراسمی با موضوع «بررسی تئاتر آسیایی» برگزار شده بود که بنا به دعوت شیلپاکالا، استاد کهدویی، به عنوان نماینده‌ای از ایران، شرکت کرد و در خصوص تاریخچه مختصر تئاتر ایران سخن گفت، که به بنگالی و انگلیسی ترجمه شد. در ابتدا سخنرانی جناب **مجمودار**، از هنرمندان مشهور، و رئیس افتخاری موسسه بین‌المللی تئاتر بود. (وی تاکنون سه بار در جشنواره های فیلم و تئاتر ایران شرکت داشته و از ایران به نیکی یاد می‌کرد).

۳. برنامه رادیویی به مناسبت میلاد پیامبر اسلام (ص)

در تاریخ سه شنبه ۷ آبان ۱۳۹۸ به مناسبت حلول ماه ربیع الاول، و همچنین در پیش بودن میلاد با سعادت رسول مکرم اسلام، و هفته وحدت، برنامه ای ادبی، به مدت ۴۰ دقیقه در خصوص جایگاه پیامبر اسلام در شعر فارسی، در شبکه رادیو تلویزیونی ۷۱ که از شبکه‌های معروف بنگلادش است، ضبط و پخش شد و آقای دکتر کهدویی، در خصوص موضوع یاد شده صحبت کرد که توسط آقای دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان، استاد گروه فارسی دانشگاه داکا، به بنگالی ترجمه شد.

در این برنامه، اشعاری از سنایی غزنوی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، اسدی طوسی، سعدی شیرازی، مولوی، حافظ شیرازی، و

ملک الشعرای بهار در خصوص میلاد رسول اکرم(ص)، معراج، و اهمیت آن خوانده شد.

۴. بازدید از نمایشگاه خطوط اسلامی، در موزه ملی بنگلادش

استاد کهدویی، به تاریخ نهم بهمن ماه سال ۱۳۹۷، به دعوت رئیس موزه ملی(نشنال میوزیوم) بنگلادش، به همراه آقای دکتر حسینی فایق، سرپرست رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران، از دهمین نمایشگاه و کارگاه آموزش خطوط اسلامی، که در طبقه همکف موزه ملی بنگلادش برگزار شده بود، بازدید، و در نشستی صمیمی با مسؤولان موزه شرکت کرد. در این نشست، استاد کهدویی درباره نقاشی - خطها، و مینیاتورهای ایران، مطالبی بیان داشت.

۵. اختتامیه دوازدهمین فستیوال فیلم کودک در داکا

عصر روز جمعه هشتم ماه مارس ۲۰۱۹م، برابر با ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۷ در محل سالن همایش های کتابخانه مرکزی داکا،(نشنال لایبرری) مراسم اختتامیه دوازدهمین فستیوال فیلم کودک برگزار شد.

در پایان، ابتدا به دو فیلم کوتاه خارجی(از ایران و ژاپن) تندیس جشنواره اعطا شد که استاد کهدویی، به نمایندگی از رایزنی فرهنگی، لوح و تندیس را دریافت کرد، و در ادامه به سازندگان فیلمهای بنگالی، که حائز رتبه برتر شده بودند، تندیس جشنواره و مبلغ نقدی اهدا شد.

استاد کهدویی که به عنوان استاد اعزامی، و همچنین به نمایندگی از رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران، در مراسم حضور داشت، تندیس جشنواره برای بهترین کارگردانی فیلم ایرانی را دریافت کرد و دونفر از کارگردانان بنگالی، تندیس و هدیه خود را از دست استاد

کهدویی دریافت کردند. در این جشنواره، فیلمهایی از ۳۲ کشور به نمایش درآمده بود که فیلم «**بی پایان**» اثر سرکار خانم **مریم ظهیری مهر**، حائز رتبه شده بود.

۶. شرکت در جشنواره بهاری و استقبال از بهار

در آستانه سال جدید بنگالی (۱۴ آوریل/ ۲۵ فروردین ۹۸) و همزمان با جشنهای سراسری سال نو، به همت رایزنی فرهنگی، برنامه «جشنواره بهاری: استقبال از بهار در جشن نوروز ایرانی و سال نو بنگالی (بنگلا نُبارشَا)» با مشارکت آکادمی هنرهای بنگلادش (شیلپاکالا) برگزار گردید. در این مراسم، مقامات بنگلادشی، از جمله: آقای **خالد محمود چودھوری**، وزیر کشتیرانی، آقای **لیاقت علی لاکي**، رئیس آکادمی هنرها (شیلپاکالا)، آقای **مأمون الرشید**، کارگردان و هنرمند مطرح سینمای بنگلادش، پروفیسور **محمد ابوالکلام سرکار**، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، در جمع دانشجویان و استادان دانشگاه، اصحاب رسانه و... سخنرانی کردند، و همچنین دکتر **کهدویی**، در خصوص نوروز و سال نو و آیینهای آن مطالبی شنیدنی بیان داشت و با نشان دادن هریک از مواد سفره هفت سین که در کنار صحنه قرار داده شده بود، شور و حالی خاص به مجلس بخشید.

در ابتدای مراسم، دکتر **حسینی فایق**، سرپرست رایزنی فرهنگی با خوشآمدگویی به حضار و تبریک سال نو بنگالی، هدف از بزرگداشت نوروز و سال نو بنگالی را پاسداشت سنتهایی دانست که هزاران سال و در زمانهای مختلف حفظ شده و نسل به نسل انتقال یافته اند. دلیل پایداری این سنتها، نیز انتقال ارزشهای انسانی و اخلاقی بوده است.

۷. انتخابات هیأت مدیره انجمن فارسی بنگلادش

ساعت ده صبح روز جمعه ششم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ خورشیدی، برابر با بیست و ششم آوریل سال ۲۰۱۹ میلادی، بیش از یکصد نفر از استادان زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگران فارسی، دانشجویان و فارسی دوستان، برای تعیین هیأت مدیره انجمن فارسی بنگلادش، در سالن آرسی مجومدار، در دانشگاه داکا گرد هم آمدند.

در این مراسم آقای **محمد رضا نفر**، سفیر ج.ا.ایران، دکتر **حسینی فائق**، سرپرست رایزنی فرهنگی ایران، و پروفیسور **عبدالمنان**، رئیس ستاد تشخیص بودجه دانشگاههای بنگلادش، پروفیسور **ک.ام. سیف الاسلام خان**، از استادان گروه فارسی، پروفیسور **محمد ابوالکلام سرکار**، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، و رئیس موقت انجمن فارسی، و دکتر **کهدویی**، استاد اعزامی، به عنوان مهمانان ویژه حضور داشتند و سخن گفتند.

۸. نخستین جلسه رسمی انجمن فارسی بنگلادش «معارفه اعضای

جدید انجمن فارسی و تقدیر از اعضای سابق»

نخستین جلسه رسمی انجمن فارسی بنگلادش، با حضور آقای **محمد رضا نفر**، سفیر جمهوری اسلامی در بنگلادش، و اعضای شورای موقت و اعضای جدید انجمن، عصر روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ در محل سفارت ایران برگزار گردید.

در ابتدای جلسه، آقای دکتر **سرکار**، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، و دبیر کمیته منتخب انجمن، گزارشی از فعالیتهای انجام شده در خصوص برگزاری انتخابات، ارائه کرد و ضمن قدردانی و سپاس از سفارت

ج. ا. ا. و رایزنی فرهنگی بابت حمایت از انجمن، عنوان کرد که انجمن، همواره به کمک معنوی دوستداران فارسی نیازمند است.

سپس آقای دکتر ک. ام. سیف‌الاسلام خان، از استادان پیشکسوت زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، در سخنانی اظهار داشت: ملت بنگلادش بخشی از زبان و تاریخ و فرهنگ خود را مدیون ج. ا. ا. و شخص رهبر کبیر انقلاب امام خمینی هستند. وی افزود نباید تنها به داشتن یک انجمن فارسی بسنده کرد و باید بیش از اینها تلاش بکنیم.

آقای دکتر حسینی فائق، سرپرست رایزنی فرهنگی نیز در سخنانی کوتاه ضمن تشکر از همه عزیزانی که برای احیای مجدد انجمن تلاش کرده اند، بخصوص جناب آقای نفر، آقای دکتر کهدویی و استادان دانشگاه داکا، گفت: رایزنی فرهنگی سفارت ج. ا. ا. در مسیر شکوفایی انجمن فارسی از هیچ گونه تلاشی دریغ نخواهد کرد.

آقای دکتر محمد عیسی شاهدی، رئیس جدید انجمن، در سخنانی از کلیه عزیزانی که برای باقی ماندن انجمن و حفظ آن تلاش کرده بودند، تشکر کرد و زبان فارسی را هویت و تاریخ مشترک دانست. ایشان به نقش استاد اعزامی، بویژه استاد کهدویی، اشاره کرد و تأسیس «انجمن احیای زبان فارسی» در ۲۵ سال پیش، با همکاری آقای علی اورسجی، رایزن فرهنگی وقت و...، و احیای مجدد آن را پس از سکوت ۱۴ ساله، مدیون وی دانست.

۹. رونمایی از کتاب «شاعر و شعر ایران معاصر»

کتاب «شاعر و شعر ایران معاصر»، با گردآوری، ترجمه و تحلیل پروفیسور عبدالصبور خان، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

داکا، و با ویرایش دکتر محمد کاظم کهدویی، (بخش فارسی اشعار) توسط انتشارات «شوبها» به تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۸ به چاپ رسید.

مراسم رونمایی از کتاب یادشده، روز ۱۹ بهمن در بیست و یکمین نمایشگاه ملی کتاب بنگلادش، با حضور آقای دکتر سید حسن صحت، راین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دکتر محمد ابوالکلام سرکار، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، استاد کهدویی استاد اعزامی، استاد علی امام، از بزرگترین نویسندگان معاصر بنگلادش، و تعدادی از نویسندگان و دانشجویان، در محل غرفه ناشر، در نمایشگاه کتاب داکا، از آن رونمایی شد.

در این برنامه استاد کهدویی درباره کتاب مزبور و مترجم آن سخنرانی مختصر ارائه فرمود و همچنین دکتر سید حسن صحت، علی امام و... سخنرانی کردند.

شایان یادآوری است که استاد دکتر عبدالصبور خان در این کتاب پنجاه شعر از ۵۰ شاعر معاصر، به فارسی و بنگالی همراه با تصویر و زندگینامه شاعر، با مقدمه‌ای در خصوص شعر معاصر فارسی به چاپ رسیده که با نیما یوشیج آغاز شده و با شعر مرحومه نجمه زارع در ۳۳۶ صفحه به پایان رسیده است.

غزلی از استاد کهدویی با عنوان «بانو» همراه با عکس و مختصری از زندگینامه ایشان نیز در این کتاب درج شده است.

بخش سوم: کهدویی در نگاه استادان ایران

از آنجا که استاد کهدویی در بسیاری از همایشها، سمینارها، و کنفرانسهای ملی و بین المللی، در داخل و خارج کشور ایران حضور داشته و مقالات علمی و ادبی خود را ارائه داده اند، و همچنین دبیری علمی بعضی همایشها نیز بر عهده ایشان بوده است، در نگاه اهل ادب و فرهیختگان دانشگاهی، فردی آشنا و شناخته شده هستند.

در اینجا دیدگاه و خاطرات بعضی از استادان و فرهیختگان، که نگارنده سطور، به سبب حضور در همایشها، با آنان آشنایی پیدا کرده بودم، آورده می شود، و از اینکه دعوت اینجانب را لبیک گفته اند، بسیار ممنون و سپاسگزارم:

خاطره‌ای از دکتر محمدکاظم کهدویی

دکتر کاووس حسن‌لی

شاعر، پژوهشگر، دارنده کرسی حافظ پژوهی،

مدیر مرکز حافظ شناسی و استاد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه شیراز، ایران / آبان ۱۳۹۹ / شیراز

آقای دکتر محمدابوالکلام سرکار استاد محترم دانشگاه داکا در بنگلادش، به پاس فعالیت‌های آقای دکتر محمدکاظم کهدویی در گسترش زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش، می‌خواهند مهرنامه‌ای برایشان سامان دهند. چند بار از بنده درخواست یادداشتی برای این میهن‌نامه داشتند. با سپاس از ایشان، خوشبختانه امروز توانستم یکی از خاطره‌هایی را که از آقای دکتر کهدویی در ذهنم ماندگار شده است، بنویسم تا بخشی از وامی را که بر گردن دارم، پرداخته باشم.

هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو این جاست نه هر که سر بترشد قلندری داند

(حافظ شیرازی)

۱. هر کدام از ما وجوهی داریم که از زاویه‌های مختلف می‌توان به این وجوه نگاه کرد. برای مثال کسی که در یک دانشگاه عضو هیأت علمی است، از چند زاویه می‌توان او را نگریست و ارزیابی کرد: از نظر آموزشی، از نظر پژوهشی، از نظر اجرایی و ... از دید آموزشی از یک معلم دانشگاهی انتظار می‌رود:

- در دروسی که بر عهده دارد، دانش لازم را داشته باشد؛ همواره به‌روز باشد؛

- از تازه‌ترین رخدادهای یافته‌های مربوط به آن درس آگاهی داشته باشد؛

- برای انتقال مطالب از بهترین شیوه‌های آموزشی استفاده کند؛

- با دانشجویان خود همواره به عدالت رفتار کند؛

- و ...

از دید پژوهشی انتظار می‌رود:

- اهل تحقیق و نوجویی باشد و برای خود برنامه‌ی روشن تحقیقاتی داشته باشد؛

- در جریان تحقیقات رشته‌ی خود باشد و تازه‌ترین دستاوردهای پژوهشی را مطالعه کند؛

- روش‌های پژوهش در رشته‌ی تخصصی خود را بشناسد و از مناسب‌ترین آن‌ها برای تحقیقات خود استفاده کند؛

- در انتشار نتایج تحقیقات خود، همیشه امانت‌دار باشد.

- و ...

از نظر اجرایی انتظار می‌رود:

- در کنار کار آموزشی و پژوهشی در پیشبرد امور اجرایی محیط کار خود مشارکت کند؛
- در مسوولیت‌های اجرایی که به او سپرده می‌شود، منضبط و قانون‌مدار باشد؛
- برای بهبود وضعیت محیط کار خود دارای ایده‌های جدید اجرایی باشد؛
- و ...

یک عضو هیأت علمی معمولاً با این معیارها و مانند آن‌ها سنجیده و ارزیابی می‌شود؛ اما آیا به‌راستی این‌گونه معیارها برای ارزیابی کافی‌ست؟ آیا اگر معلمی همه‌ی این ویژگی‌ها را به‌شایستگی داشت، او را می‌توانیم صاحب کمال بدانیم؟ آیا این معیارهای سه‌گانه، واقعاً ابزار کافی برای شناخت شخصیت یک معلم دانشگاهی هستند؟! آیا حتی با برخورداری کامل از این وجوه سه‌گانه دانش‌آموز یا دانشجویی که زیر دست چنین معلمانی پرورده می‌شود، معنویت لازم را برای رسیدن به کمال می‌آموزد یا تنها فردی متخصص و منضبط بار می‌آید؟

راست آن است که وجوه انسانی و معنوی یک معلم بر همه وجوه دیگر او مقدم است. یک استاد دانشگاه، پیش از آن که معلم باشد، یک انسان است؛ به همین دلیل بیش از آن، و پیش از آن که ارتقای علمی، آموزشی و مدیریتی او در کمالش نقش‌آفرین باشند، خلق و خوی انسانی، معرفت درونی و رفتار معنوی اوست که مسیر کمال را برایش هموار می‌کند.

۲. معنویت را با هر رویکردی که نگاه کنیم، یک عنصر مشترک میان همه‌ی این رویکردها وجود دارد و آن «آشتی کردن با امور متعالی»ست، به گونه‌ای که شخص به یک زلالی درونی برسد. همان که گذشتگان به آن تهذیب نفس می‌گفتند.

«مکارم اخلاق» یعنی «اخلاق بزرگوارانه» همواره در کانون توجه تعلیم دینی بوده است و آن‌چه از مکارم اخلاق که بر آن تأکید شده، مواردیست همچون: رعایت حقوق دیگری، عدالت‌جویی، مهرورزی، گذشت و بخشش، خویش‌داری، بردباری و شکیبایی، اشتراک در اندوه و درد دیگران و احترام به دیگری ... این‌ها همه از بنیان‌های اخلاقی و معنوی هستند.

حال باید پرسید: آیا شرایط تحقق این شعارها در جامعه تا چه میزان فراهم است؟! آیا متولیان تعلیم و تربیت برای تحقق این اهداف چه برنامه‌ی کارآمدی دارند؟ چه تمهیدات روشنی اندیشیده شده تا کودکان از پایه با مفاهیم معنوی آشنا شوند و با فاصله‌گیری از صورتگرایی، از رفتارهایی که به تقویت بنیه‌ی معنوی آن‌ها می‌انجامد لذت ببرند؟!

در بیشتر نظام‌های آموزشی، همواره تأکید بر پیشی گرفتن و جلو زدن از دیگران است. بسیاری از شرایط در مراکز آموزشی برای رقابت عناصر صوری پایه‌ریزی شده است، نه تمرین اخلاق معنوی.

اگر استادانی تلاش خود را برای ساخت انسان‌های متعالی و پرورش معنویت شاگردان خود به کار بگیرند، کجا و با چه ابزاری قابل شناسایی و تشویق و تقویت است؟ دانشگاه‌ها جز دانش‌اندوزی، دانش‌مداری و دانش‌محوری به چه چیزی توجه دارند؟!

بحرانی که امروز در اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق پژوهشی در سراسر جهان وجود دارد از کجا نشأت گرفته است؟! آیا از همین دانش بدون بینش، از همین علم بدون معنویت و از همین صورت بدون معنا برنیامده است؟!

۳. در نیمه‌ی اسفند سال ۱۳۹۶ همایشی با عنوان نخستین همایش بین‌المللی «ادبیات زبان همدلی» در شیراز برگزار گردید که من دبیر علمی این همایش بودم. در این همایش بجز سخنرانان ایرانی، مهمانانی از ارمنستان، ترکیه، عراق و اقلیم کردستان نیز حضور داشتند. یکی از سخنرانان مهمان در این همایش جناب آقای دکتر محمدکاظم کهدویی استاد محترم دانشگاه یزد بودند.

با گروهی از مهمانان و سخنرانان همایش برای صرف ناهار به سالن غذاخوری یکی از هتل‌های شیراز رفته بودیم. دکتر کهدویی مثل همیشه با رویی گشاده و خلقی خوش، و با لهجه شیرین یزدی همنشینان خود را که اطراف میز نشسته بودند، سرگرم کرده بود.

مقدار غذایی که برای افراد آورده شده بود بیش‌تر از میزان خوراک بسیاری از افراد بود. در نتیجه بخشی از غذاها اضافه بود. دکتر کهدویی از پیشخدمت رستوران درخواست ظروف یک‌بار مصرف کردند. ظرف‌ها را برداشتند و سر یک‌یک میزها رفتند و از حاضران خواستند که اگر غذایشان بیش‌تر از میزان مصرفشان است مقدار اضافی را پیش از آن‌که دست‌خورده شود در ظرف‌های یک‌بار مصرف بریزند. حدود هفت‌هشت ظرف یک‌بار مصرف پر شده بود.

غذاها را در یک کیسه‌ی تمیز پلاستیکی گذاشتند و از غذاخوری بیرون رفتند. من که رفتار ایشان را زیر نظر داشتم، پشت سرشان رفتم تا ببینم چه تصمیمی دارند.

کنار میدان اطلسی بودیم. رفتند حوالی همان میدان. و مدتی ماندند و غذاها را میان کارگرانی که آنجا بودند و بعضی از رهگذران نیازمندی که مطالبه می کردند، پخش کردند و برگشتند. وقتی برمی گشتند، قدم هایشان سبک تر و صورتشان شادمانه تر و برق چشمانشان فرورنده تر بود...

هر کس دکتر **کهدویی** را بشناسد می داند که این گونه رفتارهای انسانی از عادت همیشگی اوست. بدون این که دربند شوون ساختگی (پرستیژ) و موقعیت علمی و اجتماعی خود باشد، با فروتنی و مهربانی به بایستگی های انسانی و وظایف وجدانی خود تکیه دارد و این همان چیزی ست که امروزه بیش از همیشه مراکز آموزشی و علمی ما به آن نیازمند است. یعنی تربیت معنوی و اخلاقی جوانان در کنار آموزش های علمی آنان.

شاید کسانی باشند که با دلایل خودشان از همین گونه رفتارها نیز انتقاد داشته باشند و آن را روشی مناسب برای کمک به دیگران ندانند. اما آن چه به یاد من مانده این است که اگر دکتر **کهدویی** در آن مهمانی، مانند دیگران عمل می کردند، و انگیزه ای معنوی و درونی ایشان را به این رفتار برنمی انگيخت، یا رعایت موقعیت علمی و اجتماعی ایشان را از این رفتار بازمی داشت، مقدار زیادی غذا به اسراف، دور ریخته می شد در حالی که کسانی در چند قدمی آن مکان نیازمند آن غذا بودند.

دکتر **کهدویی** استادی پژوهش گر، معلمی وظیفه شناس و مدیری تواناست... اما بیش از همه ی این ها، چیزی که او را به کمال می برد، این است که او انسانی وارسته، فروتن و مهربان است. تندرست، شادمان و سربلند بماند.

کهدویی، استادی عزیز و گرانمایه

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران - ایران

شکر و سپاس خداوند بزرگ را که طاعتش موجب قربت است و افزونی نعمت.

از دست وزبان که برآید کز عهده شکرش به در آید

همچنین درود فراوان بر پیامبر گرامی (ص) و امامان بزرگوار (ع)، اولیای کرام و رهروان آنان باشد، بویژه انسان‌های والا و حق‌جویی که جامع خصائل خوب خدایی و انسانی، یکتا پرستی با صدق و صفا، و توجه و تعهد به خواست‌های به حقّ - همیشه و همواره با چهره گشاده و باز - با کوچک و بزرگ، غنی و فقیر، عالم و عامی برخورد می‌کنند و داد انصاف می‌دهند، و صفات پسندیده جزو سجدیه اخلاقی و رفتار همیشگی آنان است. این گونه افراد شایسته احترام اند و سزاوار هر گونه لطف و مرحمت: آنچه تو داری همه خوبان دارند.

به راستی همکار عزیز و دوست خلیق و مهربان ما، جناب دکتر محمد کاظم کهدویی، صاحب هرگونه صفاتی که انسان‌های خوب دارند می باشد بویژه حسن خلق، بذله‌گویی و شوخ طبعی ایشان - صرف نظر از علم و دانش مختلف و قابلیت‌های فراوان دیگر - وی فردی قابل احترام و ستودنی است، زیرا - در طول سال‌ها آشنایی که بالغ بر سی سال می‌شود، با آن عزیز در چندین سمینار بازآموزی استادان در هند و کنفرانس‌های داخلی، با هم خاطرات خوبی داشتیم.

چنانکه عرض شد، **کهدویی** انسانی سختکوش و فردی خودساخته، بی ریا دور از هر گونه تظاهر، مهربان، نکته سنج و بذله گو، صاحب حوصله در فراگیری مسائل علمی و ادبی و رعایت امور مذهبی، با عشق و علاقه سختی‌ها را تحمل کرد و با کوله باری از تجربه و دانش - حاصل سال‌ها تدریس و تحقیق و تألیف - در نهایت سلامت به کار خود ادامه می‌دهد.

باری از درگاه ایزد منان سلامت، سعادت و موفقیت برای آن بزرگ و دوست مهربان داریم. ۹۹/۱۰/۸

دکتر محمد کاظم کهدویی

ادبی ادب محور

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران

دانشیار دانشگاه پیام نور یزد

دکتر محمد کاظم کهدویی در زمره استادان اخلاق‌گرای دانشگاه یزد است که همه سجایای پسندیده اخلاقی در حیات او به چشم می‌خورد. نظام فکری او مبتنی بر نظام اخلاق اسلامی و ادب محوری است، که آبشخور تفکر ادب‌گفتاری وی به اسلام ناب محمدص) می‌رسد.

ادب و اخلاق یکی از محوری‌ترین بنمایه‌ها در زندگی عملی دکتر کهدویی است و زمینه ساز رشد و بستر آراسته شدن ایشان، به تربیت اسلامی و سبب آبرو و احترام او نزد خدای، تعالی، و در میان جامعه دانشگاهیان است؛ از اینرو او از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای، چه در حوزه رفتاری و چه در حوزه گفتاری، در میان جامعه دانشگاهیان برخوردار است.

همه ادیبان، متفق القول، اخلاق نیکوی دکتر محمد کاظم کهدویی را ستوده‌اند. صیت فضایل، کمالات، محسنات اخلاقی و معنوی او از بلاد ایران زمین به چین، هند، بنگال، تاجیکستان و... کشیده شده است. ادب، با کمال انسانی مرتبط است. به هر اندازه سطح خرد و عقل انسان بالاتر رود، بر ادب او افزوده می‌شود؛ زیرا ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را بهتر درک می‌کند و به همین دلیل بی‌ادبی همیشه نشانه بی‌خردی است.

نگارنده در طول ۲۵ سال اشتغال به کارم در یزد و آشنایی با دکتر کهدویی مشاهده کردم که ادب و حسن خلق سرلوحه زندگی استاد است. برخی از اهم اخلاق نیک و ادب محوری در حیات دکتر کهدویی

عبارتنداز: رسا، شفاف و بلیغ سخن گفتن، بهره مندی از سخن پاک، سنجیده سخن گفتن، نرم‌خویی و نرم‌زبانی، تبری از تهمت، دشنام و ناسزاگویی در هنگام سخنوری، فروتنی و شکسته نفسی و

درمجموع، ادب محوری یکی از محوری‌ترین بنمایه در زندگی عملی دکتر کهدویی است و بهترین همراه و همنشین خرد ورزی در زندگی، همین ادب محوری دانسته شده است. یکی از مهمترین آثار و نتایج ادب محوری، اصلاح جامعه است؛ زیرا که ادب، عبارت است از اصلاح رفتارهای شخصی که در نهایت به اصلاح جامعه منتهی می‌گردد. تبیین شگرد و شیوه اصلی سبک زندگی دکتر کهدویی کوششی برای آشنا ساختن نسل جوان با دستاوردهای نسل‌های گذشته در رفتار است. امید که سرلوحه و سرمشق دیگر استادان قرار گیرد.

کهدویی؛ استادی پر تلاش و خستگی‌ناپذیر

دکتر حسن ذوالفقاری

استاد دانشگاه تربیت مدرس

استاد مدعو به دانشگاه شانگهای چین

یکی از کسانی که همواره به عنوان مروج زبان فارسی در آن سوی مرزها شناخته می‌شود، استاد دکتر محمدکاظم کهدویی است. نیک مردی از کویر و از اهالی یزد که به سخت‌کوشی و نجابت و مردمداری شهره‌اند. او را به تلاش و کوشش در کارهای علمی و اجرایی می‌شناسیم. استادی مهربان با دانشجویان و خوش‌رو و خوش برخورد با همکاران. وقتی با لهجه زیبا و خوش یزدی حرف می‌زند، به دل می‌نشیند. هم خوب حرف می‌زند و هم حرف‌های خوب می‌زند. علت جذب دانشجویان او در کلاس، همین دقیقه است که آنان را به زبان فارسی و آموزه‌های عمیق آن علاقه‌مند می‌کند. سالیانی دراز است که در حوزه ادب عرفانی تحقیق می‌کند و دهها مقاله از این رهگذر نوشته است. کوشش او در تأسیس و اداره فصلنامه علمی کاوش‌نامه دانشگاه یزد ستودنی است.

جز خدمات علمی و اجرایی در دانشگاه یزد که مرهون تلاش‌های آن استاد ارجمند است، طی چندین مأموریت به خارج از کشور، نقش مهمی در توسعه روابط فرهنگی و آموزش زبان فارسی داشته است. او طی دوران سیاسی سخت افغانستان به آنجا رفت و در آن شرایط دشوار کوشید با همزبانان ما تعامل خوبی داشته باشد. در کنار مباحث فرهنگی رایزنی‌های علمی، از تحقیق در فرهنگ عامه آنجا نیز غافل نبود. وقتی مقاله «سنگردی‌های پَنجشیر و ترانه‌های روستایی ایران»، (پژوهشنامه ادب غنایی، (۱۲): ۱۰۵-۱۲۸) او را خواندم از دقت نظر و ارائه اطلاعات جالب

به وجد آمدم. یا مقاله «خوشحال خان ختک، پشتون پارسی گوی». (مجله ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، دوره جدید، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۳. صفحه ۲۸۱-۲۶۳) و نیز کتاب ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه هم از دستاوردهای این سفر اوست.

در مأموریت و اعزام به دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (SISU) چین نیز طی مدت اقامت خود خدمات ارزنده‌ای کرد. او با تالیف دو جلد کتاب تاریخ ادبیات فارسی برای دانشجویان دوره کارشناسی این دانشگاه نوشت تا آنان را با تاریخ ادبیات و نمونه‌هایی از شعر و نثر ادب فارسی آشنا کند. استادان و دانشجویان این دانشگاه هم خاطرات خوشی از حضور او در این دانشگاه دارند.

در مأموریت خود به بنگلادش در سال ۱۳۹۷ با توجه به نبود ارز و مشکلات پیش آمده در کمال استقامت فعالیت‌های خود را متوقف نکرد و به اجباری که تعیین شده بود به کشور باز نگشت و مأموریت خطیر خود را ادامه داد. اگرچه در سال ۱۳۷۳ هم برای اولین بار به عنوان استاد اعزامی پس از انقلاب اسلامی به دانشگاه داکا در بنگلادش رفت، در آن سال در تمام بنگلادش، تنها در دانشگاه داکا سه نفر دانشجو در سال آخر لیسانس درس می‌خواندند، اما امروز، قریب به هزار نفر دانشجو در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، ام فیل (پیش‌دکتری) و دکتری در دانشگاه‌های راجشاهی، در شهر راجشاهی در شمال بنگلادش، و چیتاگنگ، در جنوب بنگلادش در کنار خلیج بنگال، و دانشگاه داکا در پایتخت تحصیل می‌کنند. حضور او در بنگلادش توأم با مطالعه در ادبیات آن منطقه بوده که از این رهگذر چندین مقاله نوشته است؛ مثلاً: پارسی

گویان ایرانی در دوره حکومت قطبشاهیان و عادلشاهیان کاوشنامه (مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه یزد، سال هشتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶) چندین کتاب را هم مربوط به این منطقه نگاشته یا تصحیح کرده است؛ مثل کتاب عرفان و تصوف؛ نفوذ آن در هند و بنگلادش که در مجمع ذخائر اسلامی قم منتشر شده است.

در تمام این ماموریتها او خود را فقط یک معلم آموزش زبان فارسی نمی دانست، بلکه با همت ستودنی، مروج فرهنگ و آن هم فرهنگ ناب ایرانی بود. از سخنرانیهای فرهنگی تا برگزاری نشستهای علمی و دوره-های دانشافزایی و برگزاری جشنوارههای فرهنگی و برپایی نمایشگاه و بازدید علمی و کارنامه پربرگ این استاد عزیز، افتخاری برای ایران و شاگردان او و دانشگاه یزد است تا قدر استاد بدانند. عمری طولانی با عزت و سلامت برای این استاد کوشا و گرانمایه آرزو دارم. از دانشگاه داکا و استادان و سروران گرامی هم سپاسگزارم که حق استادی را به جا آورده و این یادنامه را به یادبود دکتر **کهدهویی** عزیز به انجام رساندند و حق-گزاری شایسته خود را نشان دادند. ۱۲ نوامبر ۲۰۲۰.

یادداشتی کوتاه برای دوستی دیرین و یاری شیرین

(محمد کاظم کهدویی)

دکتر محمد تقوی

استاد گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

یزد، شهر و سرزمینی است با مردمانی سازگار و پرتلاش و کم توقع. من این توفیق را داشته‌ام که در طول دوران تحصیل و کار و تدریس، با چندین و چند تن از مردمان این سرزمین دوستی و همنشینی و معاشرت داشته باشم. این دوستیها همواره برای من خوشایند و مفید و درس آموز بوده است. یکی از این مردان نام‌آور و کم‌نظیر بی شک **محمد کاظم کهدویی** بوده است.

کهدویی را اولین بار با چهره‌ای متفاوت در دوران تحصیل در دورهٔ لیسانس ملاقات کردم که در یک تابستان و یک اردوی دانشجویی بود. پس از گفتگویی کوتاه او را بسیار خوش‌مشرّب و باصفا یافتم و دوستی ما از همانجا آغاز شد. بعد از آن در مقطع فوق لیسانس توفیق همدرسی با این مرد شریف و دوست داشتنی نصیب من شد و همواره او را انسانی بزرگوار و برادری مهربان و دوستی خوش بیان یافتم که هرگز از مصاحبت او آدمی سیر نمی‌شد. دوستی ما بتدریج خانوادگی شد و تا امروز ادامه داشته است. با یادآوری این خاطرات به یاد شعر **سعدی** افتادم که می‌فرماید:

جانا بهشت صحبت یاران همدم است دیدار یار نامتناسب جهنم است

البته به لطف خدا من تجربهٔ مضمون مصرع دوم را نداشته‌ام. برای من یاد و خاطره ایشان - که عمرشان پردوام و سلامتشان مستدام باد - هرگز فراموش شدنی نیست.

دکتر **کهدویی** در تمام عمرش برای رسیدن به هر آنچه که مایه افتخار می‌دانست کوشیده است. سرگذشت او برای همه ما درس آموز بود. وی انسان پرتلاش و استادی فرهیخته و اهل مدارا و خوش خلق و طناز با چهره‌ای همیشه گشاده است. در مقام تعلیم و استادی همواره بر تعظیم و بزرگداشت دانشجویان همت گماشته است و کسانی که تحت تعلیم و آموزش وی بوده‌اند چه بسا تأثیر خلق نیکوی او را فراموش نکنند. در کار علمی همواره با پشتکار و همت بوده است و از تمام اوقات خود برای مطالعه و آمادگی برای تدریس و تحقیق بهره می‌گیرد.

من از حدود ۳۳ سال پیش با دکتر **کهدویی** آشنایی داشتم و هیچ نقطه تاریکی در شخصیت و اندیشه این مرد دانشمند و با اخلاق و مردمدار ندیده‌ام. او در عین حال شور زندگی و تلاش همیشگی را در حد جوانان داراست و از روحیه‌ای بسیار بالا برای انجام کارهای دشوار برخوردار است. همدلی و همراهی با دانشجویان در هر زمینه‌ای از خصلت‌های برجستهٔ ایشان است. به نظر من اعتبار یک استاد فقط در این نیست که مقالات بشمار و یا آثار ماندگار از او باقی بماند؛ تربیت شاگردان و نقش آفرینی موثر در حوزه کاری که به او محول شده است، بسیار مهم است. نقش ایشان در گسترش زبان و ادبیات فارسی و کار فرهنگی در خارج از کشور بسیار پرثمر بوده است؛ چه در نقش رایزنی فرهنگی ایران در افغانستان و چه در مقام استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های شانگهای و بنگلادش، بویژه دانشگاه داکا.

من می‌دانم که غربت چه دشواری‌هایی دارد؛ اما این را هم می‌دانم که خُلق نیکو و سازگار ایشان چگونه هموار کننده راه و باعث تداوم تلاشها برای انجام ماموریت‌های دشوار بوده است.

اینکه دانشگاه داکا و بویژه استاد محمد ابوالکلام سرکار تصمیم گرفته تا از استادی ایرانی که خادم زبان و فرهنگ فارسی است تقدیر کند، یا اثری در باره او به چاپ برساند، کاری شایسته و آموزنده و سزاوار سپاسگزاری است.

همکلاس دوره فوق لیسانس و دکتری

خانم دکتر منظر سلطانی

دانشیار دانشگاه خوارزمی، تهران

دوران دانشجویی پر از خاطرات تلخ و شیرین است که بخش عمده شیرینی‌های این دوران، به واسطه وجود همکلاسی‌ها و هم دانشگاهی‌هاست. هنوز خاطره شیرین صدق و صفا و صمیمیت دانشجویان آن دوران در ذهنم نشاط ایجاد می‌کند. دانشجویان در آن دوران جنگ و پس از آن بسیار با هم مهربان بودند و در واقع طوری همدیگر را یاری می‌کردند که گویا همگی اعضای یک خانواده هستند. از جمله آن عزیزان آقای دکتر محمدکاظم کهدویی هستند که رابطه اجتماعی و انسانی خوبی با دیگر همکلاسی‌ها برقرار کرده بودند و من از جمله کسانی بودم که این سعادت نصیب شد که با ایشان و همسرشان رابطه خانوادگی محترمانه و صمیمانه ای برقرار کنم و آن عزیزان در آن دوران همچون خواهر و برادری گرمی در زندگی من اثرگذار بودند و هنوز خاطره گرمی محبت آنان در آن دوران برایم عزیز و شیرین است. ایشان در دوران ارشد یک سال جلوتر از من بودند و من گاهی برای گرفتن جزوات و کتاب‌ها به آنها مراجعه می‌کردم.

حتی فرزندان ما، با توجه به محبت آقای دکتر کهدویی و همسر نازنینشان با هم رابطه خوبی پیدا کردند که این رابطه خانوادگی، همچنان ادامه دارد و آنان، در این دنیای پرتنش، از همفکری و ایده‌های علمی و هنری یکدیگر بهره‌مند می‌شوند.

ایشان که از ورودی‌های دوره هفتم کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس بودند، همچون سایر هم‌ورودی‌هایشان رفتاری عالمانه و محترمانه داشتند. رفتارشان با همکلاسی‌ها و یا با ما که از دانشجویان دوره هشتم

بودیم بسیار صمیمانه و توأم با همفکری و مشورت‌های خیرخواهانه بود. ضمن آنکه کوشش و توان علمی ایشان سبب شد بلافاصله در دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شوند و بعد که عضو هیأت علمی دانشگاه یزد شدند، کماکان از فعالیت‌های علمی و پژوهشی ایشان که در قالب مقالات و سخنرانی‌های متعدد بود بهره‌مند می‌شدیم و از جمله فعالیت‌های ایشان دبیری علمی همایش‌های متعدد بود که همایش بزرگداشت شاعر آزادی‌خواه فرخی یزدی در سال ۱۳۸۳ از آن موارد بود که بنده نیز در آن حضور داشتم و در آنجا متوجه توان مدیریتی و اجرایی ایشان شدم که با سعه صدر با مهمانان همایش برخورد می‌کردند و با برنامه‌ریزی‌های دقیق و مدبرانه همایش بسیار خوبی برگزار کردند که موجب رضایت فراوان شرکت‌کنندگان شد. در آن چند روزه هم فرصتی پیش آمد که با خانواده عزیز ایشان تجدید دیدار کنم که موجب زنده شدن خاطرات خوش گذشته شد.

از کارهای زیبای ایشان در آن همایش بدرقه مهمانان در فرودگاه یزد بود که تصویر محبت‌آمیز ایشان و خانواده محترمشان همچنان در ذهنم نقش بسته است. بدون شک با حسن خلق و دلسوزی و به دور از حب و بغض که از ایشان سراغ دارم اگر در یک دانشگاه همکار بودیم می‌توانستم از رشد علمی بیشتری برخوردار باشم.

این نوشته کوتاه به یاد دوران خوش دانشجویی در دانشگاه تربیت مدرس در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ شمسی نوشته شد که این همراهی همواره به یادگار باشد و گرامی داشته شود.

آبان ۱۳۹۹

چند خاطره و دیگه‌یچ

(به بهانهٔ ارج نهادن به کوششهای علمی دکتر کهدویی گرامی)

دکتر باقر صدری نیا

استاد دانشگاه تبریز

دوست پرتلاش و قدرشناسم جناب دکتر محمدابوالکلام سرکار، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، طی نامه و تماسهای مکرر تلفنی از من خواسته اند تا در مجموعه‌ای که برای ارج نهادن به کوششهای علمی و آموزشی استاد ارجمند دکتر محمدکاظم کهدویی، در طول سالهای حضور و خدمت در دانشگاه داکا، در دست تدوین دارند، سهم ناچیزی برعهده بگیرم.

کاش مجالی و حسّ و حالی بود تا در اجابت درخواست دکتر محمدابوالکلام عزیز مقاله‌ای سزاوار ایشان و صفا و سماحت دکتر کهدویی گرامی تقدیم بدارم، دریغ که در این ایّام غمبار کرونایی که «ز منجنیق فلک سنگ فتنه می بارد» و هر دم از نو غمی به مبارکباد می‌آید و هر لحظه خبری حزن‌آور دل و جان و ذهن و ضمیر را می‌آشوبد، انبوه مشغولیتها و دلمشغولی‌ها، حال و مجالی برای ادای احترام درخور و ارج نهادن به تلاشهای بی‌شائبهٔ دکتر کهدویی ارجمند، در خدمت به زبان و ادب و فرهنگ ایران زمین در فراسوی مرزها باقی نمی‌گذارد، از این رو هم باید از دکتر محمدابوالکلام گرامی پوزش خواست هم از دکتر کهدویی گرانمایه.

نام دکتر کهدویی مرا به سالهای دور می‌برد، به دوران جوانی، به نخستین سالهای دههٔ هفتاد شمسی. اولین بار او را در اطاق استادان دانشگاه آزاد کرج دیدم، جوانی با ریشی بلندتر از ریشهای متعارف و

متداول آن روزگار، با این حال خوش سیما و برازنده. برخلاف بسیاری از محاسن داران آن ایام، نشانی از عبوس زهد در سخن و سیمایش نبود، عهده‌دار تدریس چند واحد درسی شده بود و ظاهراً برای نخستین بار. در همان دقایق نخست دو خصوصیت را در او آشکار دیدم، در سالهای بعد که مجال مصاحبت هرچند محدود، اما مکرر پیش آمد، به درستی تشخیص نخستین مؤیدات پر تعدادی یافتیم. آن دو خصوصیت یکی صمیمیت و خوش محضری او بود و دیگری بی ادعایی او. او از همان آغاز یک رنگ می‌نمود، به سهولت می‌توانست با کسانی که برای اولین بار می‌دید سر سخن بگشاید و صمیمی شود.

به یاد دارم که در همان دقایق نخستین آشنایی از چند تنی که حضور داشتیم، سؤالی پرسید در مورد درسی که عهده دار تدریش بود، بی آنکه پروای حرف و حدیث دیگران را داشته باشد؛ همین پرسش او در باب آنچه در موردش تردید داشت، گواه خلوص و بی ادعایی او بود، زمان آن همکاری کوتاه‌تر از آن بود که به الفتی بینجامد. پس از آن مدتها از او بی خبر بودم. چند سال بعد، من تبریزی شدم و او یزدی، گاه گاهی همدیگر را در کنگره‌ها و همایشها می‌دیدیم، مخصوصاً در همایشهای انجمن ترویج زبان فارسی.

در اکتبر ۲۰۰۱ با هم در هند بودیم، به دعوت انجمن استادان آن دیار، برای شرکت در کنگره سالانه استادان زبان فارسی سراسر هند. کنگره در شهر پتنه مرکز ایالت بیهار برگزار می‌شد، شهری شلوغ و شگفت در کرانه رود گنگ، مهمان انجمن استادان بودیم، شادروان استاد دکتر **اظهر دهلوی** و دکتر **اختر مهدی** از دانشگاه **جواهرلال نهرو** میزبانمان بودند، در فاصله نشستهای علمی همایش، گاه گاهی گپی با هم

می‌زدیم، آنجا بود که مطلع شدم چندسالی به بنگلادش اعزام شده بود و در دانشگاه داکا تدریس می‌کرد. پس از اتمام برنامهٔ همایش در واپسین شبی که در پتنه بودیم، شب شعری، یا به تعبیر هندیان "شام غزلی" تدارک دیده شده بود، در محوطهٔ کتابخانهٔ خدابخش، و من چقدر از این اصطلاح شام غزل خوشم می‌آمد، گروهی قوّل دعوت کرده بودند که شعر فارسی را با لحن هندیان می‌خواندند و چه دلنشین و وجد انگیز بود این نوا و نغمهٔ پارسی خوانان هند. قوّل، برنامه را با غزلی از **حافظ** آغاز کرد:

این خرقه که من دارم در رهن شراب اولی
این دفتر بی معنی غرق می ناب اولی
چون عمر تبه کردم چندان که نگه کردم
در کنج خراباتی افتاده خراب اولی

او جوانی خوش چهره و سیاه چرده بود با صدایی دلنواز و تأثیر گذار، غزل **حافظ** را جز یک بیت تا آخر خواند، مصراعها و ابیاتی را مکرر کرد و شوری در مجلس افکند. درحالی که قوّل می‌خواند، کسانی از جمع بر می‌خاستند و به جایگاه قوّلان می‌رفتند و پولی را دور سر او می‌گرداندند و در کنارش می‌نهادند، برخی نیز از بزرگی از بزرگان محفل درخواست می‌کردند تا دردادن پول همراهی‌شان کند، و به جای آنان او مبلغ مورد نظر را به قوّل نثار کند، رسم خوشایندی که در جای دیگر ندیده بودم، روان استاد **امیرحسن عابدی**، پدر زبان فارسی هند، شادباد که چندین بار به دعوت و درخواست این و آن همراهی‌شان کرد و درحالی که دست فرد همراه را گرفته بود، پول را دور سر قوال گرداند. شعرحافظ که تمام شد، قوّل غزلی از **امیر خسرو دهلوی** را آغاز کرد و شوری

شگفت آفرید، کم نبودند کسانی که نشسته دست می افشاندند و در حال جذبه از خود و جمع بی خبر بودند. قوَال همچنان می خواند:

نمی دانم چه منزل بود شب جایی که من بودم
به هرسو رقص بسمل بود شب جایی که من بودم
پری پیکر نگاری سرو قدی لاله رخساری
سراپا آفت دل بود شب جایی که من بودم
رقیبان گوش بر آواز و او در ناز و من خاموش
سخن گفتن چه مشکل بود شب جایی که من بودم
تا رسید به این بیت :

خدا خود میر مجلس بود اندر لا مکان خسرو
محمد شمع محفل بود شب جایی که من بودم
قوَال بیت را مکرر کرد و چنان شور و غوغایی در محفل برانگیخت
که قلم چو منی را یارای توصیفش نیست.

اکنون کسانی از جمع آن محفل انس و عرفان به دیار باقی شتافته
که از آن جمله اند، استاد امیر حسن عابدی، استاد اظهر دهلوی از
استادان هند، استاد دکتر بهمن سرکاراتی، و دکتر سید امیر محمود
انوار و شاید کسان دیگر نیز، خداوند روان یکایشان را شاد بدارد و
رحمت و مغفرت خود را ارزانی شان کند.

نام همه شرکت کنندگان ایرانی این کنگره را به خاطر ندارم، به جز
شادروانان دکتر سرکاراتی و دکتر انوار، استاد دکتر جلیل تجلیل و
دکتر علیمحمد مؤدنی از دانشگاه تهران، دکتر محمود درگاهی از
دانشگاه زنجان، خانم دکتر مریم خلیلی جهانتیغ و آقای دکتر بارانی از
دانشگاه سیستان و بلوچستان و بالاخره دکتر کهدویی از دانشگاه یزد، و

چند تن دیگر. شب به یاد ماندنی بود آن شب، نمی‌توان حس و حال آن محفل را گزارش کرد، به قول **امیر خسرو دهلوی** "سخن گفتن چه مشکل بود شب جایی که من بودم".

نام دکتر **کهدویی** ذهن مرا همچنان به تکاپو می‌دارد و هر خاطره‌ای خاطره دیگر را به یاد می‌آورد، باید نقطه پایانی بر این یادایدها نهاد، این است که از تفصیل حضور در هشتمین همایش سالیانه انجمن ترویج در دانشگاه زنجان در شهریور ۱۳۹۲ و گشت و گذار در شهر و دیدن آثار تاریخی آن می‌گذرم و با یاد آخرین دیدار در شیراز سخن را به پایان می‌برم.

در ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ در شیراز بودیم، در همایش بین‌المللی «ادبیات زبان همدلی» که برگزار کننده آن دانشکده خبر شیراز بود، دوست مشترکمان دکتر **کاووس حسن لی**، دبیر علمی همایش بود و به دعوت او توفیق حضور در شیراز و دیدار دوستان و زیارت مزار **ابن خفیف**، **شیخ** و **خواجه** و **خواجو** دست داده بود. هر دو سخنران جلسات همایش بودیم به اتفاق دوستان و همکارانی از دانشگاه‌های مختلف ایران، ترکیه، ارمنستان و عراق.

شب در لابی هتل بزرگ شیراز در باب گسترش مناسبات علمی به گفتگو نشستیم، علاوه بر دکتر **کهدویی**، دکتر **حسن لی** از دانشگاه شیراز، دکتر **میرباقری فرد** از دانشگاه اصفهان، دکتر **علی گوزل یوز** از دانشگاه استانبول و دکتر **واسکانیان** از دانشگاه ایروان نیز حضور داشتند. فرصت مغتنمی بود برای مبادله تجربه‌ها و تعمیق آشناییها. فردای آن شب پس از پایان گرفتن نشستهای همایش با هماهنگی خانم **اشرف-السادات کمانی**، شاعر شیرازی، به اتفاق دکتر **میرباقری فرد** و دکتر

کهدویی به دیدار استاد **عبدالعلی دستغیب**، نویسنده و منتقد ادبی نامدار شیراز رفتیم و چندساعتی را به گفتگو با ایشان گذرانیدیم. در آن سفر بود که دکتر **کهدویی** از آمادگیش برای عزیمت دوباره به بنگلادش خبر داد و من درکار او مانده بودم که پس از سالها خدمت در افغانستان و حضور چند ساله در بنگلادش باز هوای غربت و عزیمت به سرش افتاده است، آن هم به کشوری که قبلاً حضور در آن جا و صعوبتهایش را تجربه کرده است. مدتی بعد خبر حضورش را در دانشگاه داکا از دکتر **محمدابوالکلام** شنیدم و دراین یکی دو سال اخیر از طریق ایشان جویای احوالش می شدم و یک بار نیز باز ایشان واسطه خیری شد و تلفنی همکلام شدیم.

دکتر **کهدویی** در آموزش زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان دانشگاه داکا توفیق درخور تحسینی داشته است، تعدادی از دانشجویان دوره نخست حضور او در بنگلادش اکنون خود استاد زبان فارسی در دانشگاههای این کشورند. دوست پر تلاشمان، دکتر **محمدابوالکلام**، به عنوان مدیر گروه زبان فارسی دانشگاه داکا، در گفتگوهایی که هرچند هفته یکبار به صورت تلفنی با یکدیگر داشتیم، همواره کوششهای علمی تأثیرگذار دکتر **کهدویی** را می ستود. بی گمان توفیق او در بنگلادش محصول تلاشهای بی شائبه او بود.

برای دکتر **کهدویی** عزیز تندرستی و توفیقات روز افزون آرزو می-کنم و از اهتمام دکتر **محمدابوالکلام** سرکار گرامی در فراهم آوردن این مجموعه سپاسگزارم.

مردی خوش چهره و شیرین گفتار

دکتر احمد غنی‌پور ملک‌شاه

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه مازندران، ایران

روزهای پایانی پاییز ۱۳۹۲ بود که باخبر شدم، باید برای یک سخنرانی در همایش **ابوریحان بیرونی** که به کشور بنگلادش دعوت شده-ام، مهیای رفتن شوم. ماجرای خرید بلیت، خود داستانی دارد. بگذریم.

با دوست و همکار صمیمی و عزیزم، **مرتضی** عازم تهران شدیم. تازه به پلیس راه آمل رسیده بودیم که صف‌های طولانی خودروها و باران شدید با زبان بی‌زبانی به ما می‌گفت که کولاک و برف فراوان زمستانی، راه را بسته است. با خود می‌اندیشیم که آیا برای پرواز داکا به فرودگاه بین‌المللی **امام خمینی** می‌رسیم؟ ما که به دیگران گفته بودیم به سفر خارج می‌رویم، آیا باید به خانه برگردیم؟

در همین افکار بودیم که ناگهان، راننده، مسیر خودرو را تغییر داد و به سرعت حرکت کرد. یک لحظه گمان کردیم که مسافرتمان تمام شده و باید به آغوش گرم خانواده بازگردیم. راننده با آرامشی وصف‌ناپذیر به من و دوستم گفت: اصلاً نگران نباشید. من شما را به فرودگاه می‌رسانم. و پا بر روی پدال گاز نهاد و شتابان از راه فیروزکوه به سوی تهران؛ و هیچ کس هم از او نپرسید که به کجا چنین شتابان؟ ...

هوایما، آرام آرام در فرودگاه دوحه بر زمین می‌نشست و من هیچگاه این همه پرندۀ آهنی در یک جا ندیده بودم و حسرت می‌خوردم که چرا چنین مرکزیتی نباید در کشور ایران باشد. حدود ۲۰ دقیقه در فرودگاه دوحه، سوار اتوبوس بودیم تا به سالن انتظار رسیدیم و آنجا، یک پس از دیگری، استادان زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه‌های مختلف می‌دیدیم و آشنا می‌شدیم. از میان آنان، مرد میان‌سالی با کت و شلوار قهوه‌ای،

توجه مرا به خود جلب کرد. موهای سفیدش را از راست به چپ بر روی سرش آراسته بود. عینک باریکی بر روی بینی خود داشت و گهگاهی از پشت عینک، نگاهی هم به اطراف و دیگران می‌انداخت. به ما نزدیک شد و دیدم که فارسی، سخن می‌گوید و لهجه شیرین یزدی دارد. با مختصر آشنایی و تعارف، چنان مهر او در دلم نشست که احساس می‌کردم باید دست از او برندارم و به دامنش متوسل شوم. از خودش و از محل کارش پرسیدم. رفتار و گفتارش نشان می‌داد که بسیار پخته و آبدیده است و سال‌ها در گذر زمان، تجربه‌های بسیار اندوخته است. هیچ تمایل نداشتم که او را دست بدهم؛ می‌خواستم که همیشه با ما بماند؛ اما چه کنم که دوستداران زیادی داشت و با یک لحظه غفلت من از نظرم ناپدید شد. دوست داشتم دوباره او را ببینم و با او، هم‌سخن شوم.

صبح روز همایش، باز هم توفیق دیدار با آن مرد خوش‌لهجه و شیرین‌گفتار یزدی دست داد. همه، او را می‌شناختند و مراجعات بسیار افراد به او، حکایت از این داشت که او در اینجا، آشناست. بعدها فهمیدم که به عنوان استاد اعزامی، چند سالی در داکا زندگی کرده و برای زنده نگه داشتن زبان فارسی در شبه‌قاره، زحمت بسیاری کشیده است. صمیمیت و بی‌آلایشی برخورد و رفتارش، آدم را به سوییچ جلب و جذب می‌کرد و آدمی دوست داشت که در کنار او و با او، هم‌کلام شود. موضوعی نبود که شما مطرح کنی، و ایشان با بیتی یا حکایتی از آثار پیشینیان، آن را تأیید نکند و همین امر، جذابیت او را دو چندان می‌کرد. هیچ وقت فکر نمی‌کردم که پس از داکا، رابطه ما چنان صمیمی و ماندگار باشد و سال‌ها ادامه پیدا کند. آن مرد خوش‌چهره کوتاه‌قامت دوست‌داشتنی، کسی نبود جز دکتر محمد کاظم کهدویی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.

فردی مثبت با چهره ای گشاده

دکتر مرتضی محسنی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه مازندران، ایران

در فرودگاه دوحه قطر، برای رفتن به دانشگاه داکا جهت شرکت در نخستین همایش بین‌المللی **ابوریحان بیرونی** بود که فردی مثبت را با چهره‌ای گشاده دیدم. در نخستین نظر، جذبه‌ای درونی مرا به سوی ایشان کشاند. کم‌کم سر صحبت گشوده شد و از هر دری سخن به میان آمد؛ از فرودگاه دوحه تا داکا چند ساعتی نبود؛ اما در همین چند ساعت چنان دل‌ها به هم گره خورد که گویی سال‌ها با هم آشنایی داریم. همدلی‌ها و رفاقت‌ها و دست‌گیری‌های جناب آقای دکتر **محمدکاظم کهدویی** چنان بود که مرا به دام خود کشاند. اخلاق کریمانه ایشان، صیاد دل‌هاست.

در نخستین نظر، استاد **کهدویی**، هم دل داد به سخنان دیگران، هم گوش‌ها را با نوای گرم و جان‌بخش خویش نوازش کرد. شنیدن سخنان دیگران و گفت‌گو با مخاطبان، یکی از ویژگی‌های شخصیتی آقای دکتر کهدویی است. «گفت‌گو» گم‌شده‌ای است که جهان، به دنبال آن است و ما در جهان اسلام چقدر به آن سخت نیازمندیم!

گفت‌گو با دیگران است که استاد **کهدویی** را در عرصه آموزش و پژوهش و فعالیت‌های فرهنگی و گفتمانی موفق و سربلند کرد. استاد **کهدویی** هم در دانشگاه‌های ایران و هم در دانشگاه‌های دیگر کشورهای جهان از بنگلادش گرفته تا هند و چین و افغانستان، برای آموزش زبان و ادبیات فارسی عاشقانه و بی‌ادعا، کوشید و از جان برای آموزش و رونق زبان و ادبیات فارسی مایه گذاشت.

عشق زایدالوصف ایشان به فرهنگ انسانی او را بر آن داشت تا با همه مخاطبان از هر قشر و جنس و طبقه‌ای و با هر رنگ و زبان و دینی کنار بیایند و با همه‌ی آنان هم‌دل و هم‌زبان شوند. عشق به پیشرفت همه‌جانبه‌ی جوامع به ویژه کشورهای مسلمان، به استاد **کهدویی** چنان توان و نیرویی داد که سن و سال را به سُخره گرفت.

این عشق ستودنی ایشان به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ سترگ ایرانی-اسلامی، بر خانواده‌ی ایشان از همسر گرامی تا فرزندان ارجمندشان تأثیر گذاشت؛ چنان‌که خانواده‌ی استاد پایه‌پای ایشان در سفر و حضر همراه ایشان هستند.

بزرگ‌واری‌های خانواده و همسر گرامی ایشان در مهمان‌نوازی‌ها و مهمان‌داری‌های ایشان بر کسی پوشیده نیست. این اخلاق ایشان که متأثر از مهمان‌نوازی حضرت **ابراهیم خلیل** است در ایشان نمودی به تمام و کمال یافته است. شیوه‌ی زندگی استاد **کهدویی**، هم برای ایرانی‌ها و هم مشتاقان زبان و ادبیات و فرهنگ ایرانی-اسلامی در ایران و بیرون ایران، الگویی سرآمد و کارآمد است.

خداوند ایشان و خانواده‌ی ارجمندشان را و همه‌ی دلدادگان زبان و ادبیات فارسی را تندرست بدارد. برای همه‌ی دوستان و مشتاقانی که برای برکشیدن فرهنگ انسانی از ایران گرفته تا شبه قاره‌ی هند بویژه کشور عزیز بنگلادش می‌کوشند، کامیابی و سربلندی و فرجامی نیک آرزومندم. جا دارد در این جا از همه‌ی استادان دانشگاه‌های بنگلادش، استادان عزیز دانشگاه داکا بویژه جناب آقای دکتر **محمد ابوالکلام** سرکار سپاس‌گزاری و قدردانی کنم.

دکتر کهدویی استادی پژوهشگر

دکتر فاطمه مدرسی

استاد دانشگاه ارومیه، ایران

دکتر کهدویی یکی از بزرگ‌مردان ادب و فرهنگ ایران است که چه در ایران و چه خارج از مرزهای این مرز و بوم، عاشقانه گام‌های بلندی در راستای ارتقای زبان فارسی و ادبیات ایران برداشته است، زیرا ایشان به مانند استاد ارجمند دکتر سرکاراتی بر این اعتقادند: «دوست داشتن ایران یعنی حرمت این مرز و بوم کهن و مردم آن را نگه‌داشتن، گذشته خود را خوار نشمردن، میراث خود را از بین نبردن و زبان پارسی را که از ارکان هویت ملی است، به الفاظ بیگانه نیالودن. دوست داشتن ایران، یعنی از مرزهای میهن خود در برابر هجوم دشمنان دفاع کردن و از آن مهم‌تر، از مرزهای ذهن و جان خود و ذهن و جان فرزندان‌مان در برابر تهاجم‌های فرهنگی محافظت کردن. دوست داشتن ایران، یعنی دل به مهر ایرانیان باختن و خود را به زی تازی و فرنگی در نیالوردن. دوست داشتن ایران، یعنی آرم نیاکان خود را نگه‌داشتن» (سرکاراتی، ۱۳۹۲: وب سایت دائرة المعارف بزرگ اسلامی).

دکتر کهدویی استادی است از آن استادان نژاده ایرانی، که

ادب درس را توأم با ادب و عزت نفس دارد. نخستین آشنایی با ایشان در کنگره سبک آذربایجانی و سپس در همایش با شکوه و از یاد نرفتنی فرخی یزدی بود که به راستی درایت و مدیریت برجسته ایشان شکوه و رونق خاصی به محفل ادبی بخشیده و همگان را مفتون خویش ساخته بود. نکته بسیار ظریف و جالب کنگره که توجه مرا به خود جلب کرد، سخنرانی جذاب و شیرین دکتر کهدویی بود و موقعی که ایشان مشغول

خوشامدگویی به مدعوین و گزارش کارهای علمی همایش بودند، متوجه شباهت بسیار زیاد دکتر کهدویی با فرخی یزدی شاعر دوره مشروطه که همایش هم برای یادبود و ارج نهادن به مقام شاعری وی بود، شدم، شباهتی انکارناپذیر. شاعری که لبش را دوختند اما هرگز از حق جویی و حق گویی دست برنداشت. گویی این خصیصه همه یزدی‌ها است چرا که دکتر کهدویی عزیز نیز چنین است. مردی شاد، انسان دوست، مهربان و همکار و برادری متعهد به هرچه انسان است و انسانی. این‌ها صفات و فضایی هستند که افزون بر کارهای پژوهشی و آموزشی و مدیریتی، دکتر کهدویی را چنین برجسته و محبوب ساخته است.

بعد از پایان سخنرانی‌ها و هنگام پذیرایی در آن همایش، آهنگی دلنشین با شعری بسیار زیبا و دل‌انگیز در سالن طنین‌انداز بود. وقتی از شاعر شعر ترانه جويا شدم، دکتر کهدویی با حجب و متانت ذاتی و با لبخندی ملایم و همیشگی گفتند که با اجازه شما، من این ترانه را سروده‌ام. در این مختصر برآنیم که آثار و فعالیت‌های پژوهشی دکتر کهدویی را در چند بعد مختلف مورد بررسی قرار دهیم؛

برجسته‌ترین ویژگی دکتر کهدویی، جامع‌الاطراف بودن و احاطه وی بر حوزه‌های مختلف فرهنگ و ادب و هنر ایران است؛ بدین معنی که علم ایشان محدود به یک زمینه یا شاخه‌ای خاص از علوم نمی‌شود و در بیشتر شاخه‌های علوم انسانی و ادبیات صاحب‌نظر هستند؛ نگاهی اجمالی به کارنامه علمی استاد، مؤید این نکته است.

اگرچه قصد دارم که به منظور تکمیل مطالب خود، زندگی استاد کهدویی را بیان کنم، اما یقین دارم که آقای دکتر سرکار، نویسنده و

تدوینگر این مجموعه، زندگی استاد را ذکر خواهند کرد؛ بنابراین از تکرار آن خودداری می‌کنم.

باید به این نکته اشاره داشت که دکتر **کهدویی** به معلمی و تدریس در دانشگاه دلبستگی بسیاری دارد، چنان‌که افزون بر آثاری که از قلم سترگ و پرتوان که استاد در کارنامه علمی خویش جای داده، می‌توان از ثمره حضور در محضر درس و بحث عالمانه ایشان به صدها خوشه‌چین علم و معرفت ایشان اشاره کرد که از دریای معرفت و لطایف دقایق دانش استاد جرعه‌ها نوشیده‌اند و هم‌اکنون در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی این مرزوبوم به تدریس، تحقیق و پژوهش اشتغال دارند. دانشجویان ایشان او را استادی فاضل و پر قریحه و شیوه تدریس او را خلاقانه و شیرین می‌دانند، زیرا که او با علم و معرفتی که دارند، دارای قدرت بیان و توانایی انتقال مطالب بسیاری هستند و کلاس درس وی، به گفته دانشجویانش، محیطی سرشار از شادمانی، پویایی و تحرک است. سلوک و رفتاری که ایشان با دانشجویان و همکاران دارند، در کمتر کسی می‌توان یافت. ایشان به واقع نمونه‌ای عالی استاد و زبان و ادبیات فارسی است. در این‌جا به‌طور اجمالی اشاره‌ای خواهیم داشت به زندگی علمی و فعالیت‌های مدیریتی و آموزشی دکتر **کهدویی**، در دانشگاه‌های یزد، بنگلادش، افغانستان، و هند و ارمنستان، که چشمگیر و ستودنی است.

آقای دکتر **کهدویی** در طی مدت خدمتش کارهای بسیار درخشان و منحصربه‌فردی در دانشگاه انجام داده و دستاوردهایی ماندنی از خود به جای گذاشته است که می‌تواند راهنمای نسل‌های آینده باشد. آثار دکتر **کهدویی** حوزه‌های گسترده‌ای را از ترجمه و ویرایش گرفته، تا تألیف و تصحیح و ... در برمی‌گیرد.

چاپ حدود ۷۰ مقاله (علمی-پژوهشی، ترویجی، مروری و ...) در مجلات داخلی و خارجی، ارائه‌دهنده بیش از ۹۰ مقاله، همراه با ارائه یا چاپ، در کنفرانس‌های داخلی و خارجی. راهنمایی حدود ۵۰ رساله دکتری و کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی. داوری بیش از ۳۰ پایان-نامه دکتری و ارشد و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی-ادبی و پژوهشی از سراسر کشور و ویرایش علمی و ادبی: ۷ کتاب و مجموعه مقالات، حاکی از تلاش‌های علمی دکتر کهدویی است.

مقاله‌های دکتر کهدویی افزون بر تازگی نظریات طرح شده در آن، به سبب نثر باشکوه و بهره‌گیری از عوامل ادبی در حوزه ادبیات هم قابل بررسی است. نثر استاد در آثارش بسیار پخته، فصیح و پرمایه است. با این وصف، دل‌بستگی به زیبایی‌های جملات و فخیم بودن زبان پژوهش‌های ایشان، مانعی برای پذیرش مستند بودن آن نمی‌گردد. اما، به حقیقت، فرم و شیوه نگارش هنرمندانه مقاله‌های استاد، خواننده کتاب را مجذوب خویش می‌سازد.

نگارش و تصحیح و تدوین کتاب‌های گزیده احوال و آثار عین-القضات، «بانت سعاد»، (شرح فارسی قصیده بُرده) «تذکره شمع انجمن»، «پیغام جمال»، «تذکره عقد ثریا»، «نگارش مطلوب» (درست‌نویسی برای همه)، «ترگیستان»، (ترجمه منظوم کتاب رامایانا) «عرفان و تصوف و نفوذ آن در هند و بنگلادش»، «از نگارش تا شناخت»، صدای ادب ۱ (گزیده تاریخ ادبیات ایران)، «صدای ادب ۲» (گزیده تاریخ ادبیات معاصر) «گل‌بانگ سربلندی» (خلاصه مقالات پنجمین همایش انجمن ترویج) «در مکتب حقایق» (جشن نامه استادان به صورت مجموعه مقالات)، «مثنوی معنوی»، (داستان پادشاه و کنیزک)، «شاهنامه فردوسی»

(گزیده داستان‌های رستم و سهراب و رستم و اسفندیار) مثنوی در صفت بنگاله (از ابوالبرکات منیر لاهوری)، دیوان **عبداللہ عبیدی** و... نشانگر توانمندیهای دکتر **کهدویی** در نگارش و تألیف و تصحیح و... است.

از زمینه‌های مورد علاقه دکتر **کهدویی** همان‌طور که در فهرست کتاب‌های ایشان دیده می‌شود، تصحیح متون بر پایه دقیق‌ترین شیوه‌های علمی بوده و او با پشتکار وافر و فرهیختگی تمام آثار تصحیحی متعددی را در کارنامه علمی خویش دارند. بی‌تردید کتب خطی، بخشی از میراث فرهنگی یک جامعه محسوب می‌شوند. این کتاب‌ها اسناد آثار ارزشمندی هستند که شناسنامه فرهنگی، تاریخی، ادبی و قومی یک ملت را شکل می‌دهند. نسخه‌های خطی به عنوان منابع اصلی و مهم برای پژوهش درباره علوم انسانی، به ویژه تاریخ، ادبیات، علوم دینی، فلسفه، نجوم و دیگر دانش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این آثار اندیشه‌های مکتوبی هستند که نیازمند شناسایی، حفظ و نگهداری می‌باشند. یکی از موارد حفظ و نگهداری این آثار، تصحیح این متون می‌باشد. یکی از موارد بسیار مهم هم در تصحیح متون، توجه به مسایل زبان‌شناسی، خاصه تحولات زبانی آن و معناشناسی است. فردی که به تصحیح متون می‌پردازد، باید از مقدمات زبان‌شناسی و تغییر و تحول واژگان هم از نظر صورت و هم از جهت معنا و همچنین تحول قواعد دستوری آگاهی داشته باشد. این همان نکته‌ای است که در آثار دکتر، کاملاً مشهود است.

علاوه بر تدریس و نوشتن و تصحیح کتب و مقالات متعدد، ایشان مدیریت و عضویت چندین موسسه علمی را داشته و برآستی در هر عرصه‌ای که گام نهاده است، با تدبیر و کارآیی، اثرات مثبت و ثمربخشی از خود به جای نهاده، چه در کارهای مدیریتی و چه در دبیر علمی

همایش‌ها و چه به عنوان عضو انجمن‌های علمی. در این جا بخشی از کارهای مدیریتی ایشان ذکر می شود:

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه یزد، رئیس دانشگاه شهید مطهری واحد یزد، رئیس دانشگاه پیام نور منطقه چهار کشور، رایزن فرهنگی سفارت ج. ۱. ایران در کابل (افغانستان)، رئیس دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد، و همچنین عضویت در سازمانها و نهادهای مختلف، از جمله دیگر توانمندیهای ایشان است.

بزرگترین فضیلت و خصلت این مرد آزاداندیش این است که فارغ از تنگ اندیشی و تنگ نظری و یکسونگری است، از این رو هر کس که با وی هم صحبت شود، خیلی زود با وی احساس همدلی و دوستی می نماید. در چند سفری که در خدمت ایشان برای شرکت در کنفرانس به هند و شهرهای مختلف ایران داشتیم، این صفت بارز وی جلب نظر می نمود.

همچنان که ذکر شد شخصیت دکتر کهدویی را از چند جنبه می توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. به هر حال ایشان هم معلم هستند و هم ادیب، هم نسخه شناس، هم نویسنده، هم مؤلف و پرداختن به همه این جنبه ها فرصت مفصل تری می طلبد تا بتوان تبحر ایشان را در همه این زمینه ها نشان داد. در این مجال اندک به این مقدار بسنده می - کنیم و امیدوارم که استاد عمری پر برکت و طولانی داشته باشند و فرصتی دیگر دست دهد و جشن نامه ای در خور برای ایشان ترتیب داده شود.

سفیر فرهنگ و فرزاندگی

دکتر امیرحسین مدنی

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه کاشان

استاد دکتر محمدکاظم کهدویی از بزرگ‌مردانی است که علم و ادب و اخلاق را یک جا در خود جمع دارد و شفقت و مهربانی و دلسوزی در رفتار و سلوک ایشان به خوبی به چشم می‌خورد؛ به گفتهٔ حافظ: «با حسن ادب شیوهٔ صاحب نظری بود». خوب به یاد دارم که در مصاحبهٔ دکتری، استاد بر خلاف بسیاری از همقطاران خود در دانشگاه‌های دیگر که عمدتاً به قصد تحقیر و با آرزوی درماندن دانشجو از پاسخ، از وی آزمون می‌گرفتند، ایشان با رویی گشاده با دانشجویان – و از جمله خود من – گفت و گو می‌کردند و از صمیم قلب از پاسخهای مثبت شکفته می‌شده و چقدر به مخاطب خود روحیه، اعتماد به نفس و انگیزه می‌بخشیدند. این رفتار و روحیهٔ امیدبخشانه و انرژی بخش، در تمام طول مدت تحصیل و دروسی که افتخار شاگردی در محضر استاد را داشتم، همچنان و هرروز، افزون تر و عمیق تر می‌شد. استاد پیوسته در کلاس‌های خویش دانشجویان را به نوشتن و قلم فرسودن تشویق می‌کردند و در این راه، از هیچ مشاوره و کمکی دریغ نکرده و سخاوتمندانه فرصتشان را در اختیار دانشجویان قرار می‌دادند.

به زعم استاد، دانشجوی دکتری، پیوسته باید بخواند و بنویسد و به هیچ روی در قالب کلاسها و دروس تعریف شدهٔ آموزشی محدود نشود. حقیر در سایهٔ این تشویق‌ها و دلسوزی‌های پدرانۀ استاد در ترم دوم دکتری موفق شدم اولین مقالهٔ علمی – پژوهشی خود را با همکاری استاد در مجلهٔ وزین «کاوشنامه» دانشگاه یزد و با عنوان «بررسی مفهوم عرفانی

فتوح نزد صوفیه» چاپ کنم و البته این همکاری و ارتباط همچنان ادامه داشت تا بدانجا که استاد، راهنمایی مرا در رساله دکتری با عنوان: «بررسی آثار و اندیشه های شیخ احمد جام» بر عهده گرفتند و شاگرد خویش را بیش از پیش رهین لطف و ادب و اخلاق خویش نمودند. در روز دفاع از رساله نیز، استاد با اینکه در خارج از کشور بودند، بزرگوارانه خود را به جلسه دفاع رسانیدند و با شرف حضور خود، روز و خاطره خوشی را در ذهن و ضمیر من رقم زدند.

بنده همواره از دو خوی و خصلت استاد **کهدویی** با تحسین یاد کرده و سعی کرده ام در خدمت معلّمی خویش، آن دو صفت را چاشنی کار و تدریس خود کنم: یکی همان مهر و شفقت و دلسوزی استاد نسبت به دانشجویان است و اینکه همواره فراتر از کلیشه های درس و کلاس و نمره، نیکی به یاران را فرصت و غنیمت می شمارند:

ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا! (حافظ)

باری! استاد تا جایی که امکان داشت پیوسته به این توصیه **حافظ** عمل می کردند. فراموش نمی کنم سال اول دکتری، گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه یزد برای کلیه دانشجویان دکتری ۱۳۸۷، چهار واحد درس زبان گذاشته بود و البته این دروس برای ما بسیار سنگین و فرصت سوز بود. دکتر **کهدویی** در آن زمان ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی را بر عهده داشتند. ما دانشجویان ادبیات بارها نزد ایشان رفته، از سختی کار و استرس و اضطراب نمره زبان شکایت می کردیم. ایشان پدرا نه ضمن یادآوری فواید زبان آموزی، بسیار از نگرانی ما می کاست و بارها به استادان زبان انگلیسی - در حد معقول - توصیه می کرد که

ضمن رعایت قانون، با رأفت و انعطاف بیشتری با دانشجویان برخورد کنند و البته این توصیه ها و زحمات استاد تا حدودی فایده بخش هم بود. دومین خصلت و دغدغه قلبی استاد، همان است که سالیان سال در راه آن، فرصت و نیرو و انرژی صرف کرده و کوشیده اند که قند پارسی و شیرینی آن را به بنگاله ببرند تا همه طوطیان هند شگرشکن شوند. آری! دغدغه و همت استاد در گسترش زبان شیرین پارسی به آن سوی مرزهای ایران و سال ها تدریس و آموزش و تحمل غم غربت و چه بسا محروم شدن از بسیاری از منافع و فواید ملی و دانشگاهی، قابل تحسین و ستودنی است:

اهل نظر دو عالم در یک نظر ببازند

عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد (حافظ)

عشق به ادب و بزرگان و شاعران پارسی، استاد را بر آن داشته که خوانِ کرمی فراهم آورد و بر این نطعِ کرم و ذوق و ادب و عشق، دیگران هم بنشینند و بهره ببرند و زله بردارند و همواره بر صاحب این خوان درود و آفرین نثار کنند. به یقین زحمت و همتِ بلند مدت استاد **کهدویی** در آموزش زبان پارسی به مشتاقان و مهجوران و به اشتراک گذاشتن تجارب «عاشقی و رندی و نظربازی» با دیگران، خدمتی است که جز از عاشقان و سینه چاکان روزگار بر نمی آید و تا «گنج عشق» در دلی نباشد، نمی توان چنین عشقبازی کرد:

دلنشین شد سخنم تا تو قبولش کردی

آری! آری! سخنِ عشق نشانی دارد (حافظ)

با آرزوی سلامتی و سرافرازی روزافزون برای استاد **کهدویی** و سایر سفیرانِ عشق و فرهنگ و ادب. (۹۹ / ۷ / ۱)

استادی کوشا و دقیق

پروفسور علی محمد مؤذنی

استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی

پردیس البرز، دانشگاه تهران، ایران

بسیار خوشحالم که دانشگاه داکای بنگلادش، به پاس خدماتی که جناب آقای دکتر **که‌دویی** انجام داده‌اند، در صدد تدوین ارجنامه‌ای هستند و بحق این کار را که انجام می‌دهند، باعث تشویق بیشتر استادان می‌شود که در نواحی مختلف جهان، به کار تدریس و تحقیق می‌پردازند و دامنهٔ زبان فارسی را گسترش می‌دهند و غنای بیشتری به آن نواحی می‌دهند.

من از سالیان دراز است که با جناب آقای دکتر **که‌دویی** آشنا هستم؛ چه از آن زمانی که در دانشگاه تهران مشغول تدوین رسالهٔ دکتری بودند، و از همان زمانی که تصدی تدریس در دانشگاه‌های مختلف ایران و بخصوص در شبه قارهٔ هند، و در بنگلادش مخصوصاً، این اشتیاق را داشتند و از نزدیک شاهد فعالیت فوق‌العاده ایشان در این امر بودم و به سبب همین کوشا و دقیق بودن، مدتها به عنوان رایزن فرهنگی ایران در افغانستان منصوب شدند و کارهای ارزشمند فرهنگی را به شایستگی انجام دادند.

در سمینارهای مختلفی که ما با همدیگر بودیم، چه در پاکستان، مخصوصاً در هندوستان، شاهد این صداقت و صمیمیت و جدیت کاری ایشان بودم و این مسأله باعث شده که من بتوانم به صورت اجمال، چند کلامی دربارهٔ ویژگیهای اخلاقی و علمی ایشان بیان کنم.

من خودم چون در کشورهای مختلف تدریس داشتم، به عنوان مدرّس کرسی زبان و ادبیات فارسی در پاکستان بوده‌ام، در هندوستان، و جاهای دیگر که سر می‌زدم، به صورت کوتاه مدت، این دشواریهای تدریس و دشواریهایی که برای استادی که در ایران همه چیز برایش مهیاست؛ از آب و هوا و خوراک و مسائل دیگر، خیلی دشوار و سخت است، در جاهای دیگر که آب و هوا متغیر است و چه بسا در شبه قاره و بنگلادش که گرمای زیاد در بعضی از فصلها هست که واقعاً طاقت فرساست؛ همچنین از نظر بهداشت، از نظر مسائل دیگر، واقعاً این را تحمل کردند و افرادی که بدین صورت پیشقدم می‌شوند و وزارت علوم ایران، این استادان را به جاهای مختلف اعزام می‌کند، سختی و صعوبت کار اینها را من درک می‌کنم.

در هر صورت، هم از دانشگاه داکا، و هم از کشور بنگلادش، و از همکاران عزیزی که مدرّس آنجا هستند، بویژه جناب آقای دکتر محمدابوالکلام سرکار، که این زمینه را فراهم کردند، به عنوان اینکه یک خاطره‌ای از ایشان بماند و باعث تشویق دیگران بشود، من سپاسگزار هستم و امیدوارم که خداوند سلامت به تمام دوستان، و به ایشان بدهد که ان‌شاءالله همچنان مصدر خیرات و برکات، و تدریس در خصوص زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی باشند.

استاد کهدویی و بعضی نکات علمی و اخلاقی

دکتر سیدعلی اصغر میرباقری فرد

استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی

ما می‌توانیم استادان و معلمان را که در رشته‌های علمی، از جمله رشته زبان و ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند، به دو گروه تقسیم کنیم: یک گروه کسانی که همه هم و غمشان این است که کوشش کنند به مبانی آن علم دست پیدا کنند و بعد تحقیقات و پژوهش‌هایی از آن علم به دست بدهند؛ اما اینکه چه وظیفه‌ای نسبت به آن بستر آموزشی و علمی نظام آموزشی و آن فضایی که باید علم جریان داشته باشد، در خودشان احساس نمی‌کنند و توجه چندانی به این وظیفه مهم ندارند که یک استاد و معلم علاوه بر اینکه باید از جهت علمی خود را تقویت کند، حتماً این وظیفه را هم برعهده دارد که در فراهم کردن زیرساخت‌ها و به روز رساندن نظام علمی و پژوهشی و آموزشی و به معنای دیگر در بازسازی مستمر و همیشگی آن فضاهایی که علم باید جریان پیدا کند، آنجا هم وظیفه‌ای بر عهده دارند و این وظیفه را باید انجام بدهند؛ اما یک گروه به این وظیفه توجهی ندارند و فقط به ارائه یافته‌ها و بروندهای علمی می‌پردازند.

دسته و گروه دوم کسانی هستند که علاوه بر اینکه از جهت علمی و اشراف بر مبانی تخصصی احاطه پیدا می‌کنند و بروندهای علمی خیلی خوبی به دست می‌دهند این افراد نسبت به آن فضای آموزشی و علمی، نظام آموزشی و علمی، آن بستر و مجراهایی که باید علم در آنها جریان پیدا کند، نسبت به ایفای وظیفه خود در این نظامها و این فضاها و بسترهای علمی هم حساس هستند و احساس مسئولیت می‌کنند و وظیفه خودشان می‌دانند که حتماً در رونق بخشیدن و به‌روز رساندن و

سامان دادن آن بستر علمی و نظام علمی و آموزشی و پژوهشی اثرگذار باشند، و اتفاقاً این دسته دوم، در ارائه برونادهای علمی هم موفق‌ترند؛ به این سبب که یافته‌های علمی درست با اشراف بر تار و پود یک نظام علمی می‌تواند متناسب با نیازهای آن نظام علمی عرضه بشود؛ و گروه دوم، ضرورت‌ها و مسائل و مشکلات و نیازها را بهتر می‌شناسند. در همه رشته‌ها این دو گروه از معلمان و استادان را می‌توانیم پیداکنیم.

در رشته زبان و ادبیات فارسی هم ما همین قاعده را صادق و جاری می‌بینیم. و می‌خواهم اینجا عرض کنم که با این مقدمه، آقای دکتر **کهدویی**، استاد بزرگوار زبان و ادبیات فارسی، که در دانشگاه یزد خدمت می‌کنند و پرورش دانشجو، شاگرد و همین‌طور ارائه یافته‌ها و برونادهای علمی مشغولند، در شمار معدود کسانی هستند که علاوه بر کوشش‌های علمی و رسیدن به مراتب ارزشمند تخصصی، سخت کمر بسته‌اند تا وظیفه خودشان را نسبت به نظام آموزشی و علمی خودشان، در داخل کشور، در دانشگاه، و در خارج کشور به خوبی ایفا کنند.

از زمانی که، در واقع از سالهای بسیار دوری که آقای دکتر **کهدویی** را بنده می‌شناسم، این روحیه در ایشان همیشه وجود داشت از دوران دانشجویی و بعد هم وقتی در کسوت هیأت علمی در آمدند و مشغول فعالیت شدند، به همین سبب، جایگاه این دسته از افراد از جمله آقای دکتر **کهدویی**، خیلی جایگاه مهم و اثرگذاری است و این دسته از افراد علاوه بر اینکه یافته‌های علمی‌اشان کمک می‌کند به ارتقای پایه‌های علمی، در واقع، انجام وظایف و رسالت‌هایشان هم در این که بتوانند در کنار تحقیق و آموزش کوشش کنند که ظرفیت‌های بزرگ را به وجود بیاورند تا دانشجویان بیشتری با علاقه بیشتر در این عرصه ورود پیدا کنند، زبان و ادبیات فارسی در جاهایی که نیاز به کمک دارد، به کمکشان بشتابند و مسائل و تعالیم و مجموعه نیازهایی که در این حوزه

وجود دارند، در حد توانشان کمک کنند. آقای دکتر کهدویی، از این دست همکاران عزیز و بزرگواری هستند که انصافاً وجودشان در خدمت رشته زبان و ادبیات فارسی است، به معنای واقعی ایشار می‌کنند و چه بسا در این راه سختیهای زیادی را هم تحمل کرده‌اند، اما هیچ وقت دست از کوشش بر نداشتند.

نکته دیگری که در باب شخصیت آقای دکتر کهدویی باید عرض کنم، این است که ایشان، علاوه بر اینکه در مسائل علمی خیلی خوب می‌کوشند و کارهای ارزشمندی انجام می‌دهند، در مسائل اجرایی خیلی چابکند و بسیار روان، کار را پیش می‌برند و به همین سبب، مسئولیتها و کارهایی که بر دوش ایشان قرار می‌گیرد، حتماً به خوبی انجام می‌گیرد، و بنده توفیق داشتم این موضوع را از نزدیک، از سال‌های گذشته، بخصوص از پنجمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی که در یزد برگزار شد و آقای دکتر کهدویی، دبیر علمی این گردهمایی بودند، این همکاری نزدیک را تجربه کنیم، و از آن پس ایشان در انجمن ترویج زبان و ادب فارسی هم منشأ خدمات ارزشمندی بودند و هستند، چه در قالب مسئول کارگروه بین الملل انجمن ترویج، چه به عنوان عضو هیأت مدیره انجمن ترویج، دوره‌ای به عنوان نایب رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، و چه در اوقاتی که در واقع به شیوه‌های مختلف، در قالب مسئولیت‌های مختلف با انجمن مرتبط بودند. به همین سبب، وجود ایشان برای انجمن خیلی مغتنم است. برای مجموعه زبان فارسی، خانواده زبان و ادبیات فارسی، و ایشان نه فقط در انجمن ترویج، یا در دانشگاه یزد در حیطه کارهایی که در بخش‌های مختلف در حوزه زبان و ادبیات فارسی مسئولیتی را می‌پذیرند، چابک کارها را انجام می‌دهند.

یکی از ویژگی‌های دیگر آقای دکتر کهدویی این است که روابط عمومی قوی‌ای دارند. خیلی خوب ارتباط برقرار می‌کنند با ظرفیت گویی و با آن قریحه ذاتی که در ایشان وجود دارد، یک ارتباط صمیمی و عمیقی

در کوتاه ترین زمان ممکن با مخاطبشان برقرار می کنند و این برای کسانی که مسئولیت علمی دارند و قرار است با دانشجویان و استادان آن حوزه تخصصی، یا کسانی که خارج از آن حوزه تخصصی به سر می برند و نیاز هست که مسئولیتی را بر عهده داشته باشند و کاری را انجام بدهند، این ویژگی اخلاقی خیلی کمک می کند، و آقای دکتر **که‌دویی**، از این ویژگی، بخوبی برخوردارند. با صداقت رابطه صمیمی برقرار می کنند و این رابطه صمیمی در انجام مسئولیتها به ایشان خیلی کمک می کند و به همین خاطر است یکی از کارهایی که ایشان در این سالهای طولانی انجام دادند، خدمت به زبان و ادب فارسی خارج از مرزهای کشور ایران بوده، و هر جایی که نیاز به ایشان بوده در خارج از کشور، به سبب همین روحیه مسئولیت پذیری، این یک، دوم هم به این سبب که بخوبی می توانند ارتباط برقرار کنند با هر جمعیتی با هر گروهی، با هر طیف مخاطبی، این ارتباط عمیق را برقرار می کنند و به همین سبب در مسئولیتها و مأموریتهایی که در خارج از کشور بر عهده داشتند در هر کجا بودند بخصوص در بنگلادش، به خوبی موفق بودند و کوشش کردند که یک ارتباط خوب و منسجم بین استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، در بنگلادش و دیگر جاهایی که مأموریتی برعهده داشتند، از جمله افغانستان، در واقع توانستند این ارتباط را برقرار کنند و همینطور رابطه آنها را با ظرفیتهای داخل کشور، با دانشگاهها و مراکز علمی، استادان، دانشجویان، این ارتباط را استوار و منسجم، به سامان برسانند و به همین خاطر در شمار استادان موفق هستند که در خارج از کشور هم توانسته اند با دانشگاههایی که به آموزش زبان و ادبیات فارسی، و ایران شناسی توجه می کنند و این فعالیتهای در آن دانشگاهها جاری و ساری هست، توانسته اند در این مأموریتها و مسئولیت هایشان هم موفق باشند.

نکته آخری که می خواهم عرض کنم، در باب آقای دکتر کهدویی، این است که ایشان چون با نگاه انسانی به همه طیف‌های مخاطب نگاه می‌کنند، در هر جامعه‌ای و در هر کشوری وارد می‌شوند، با توجه به اینکه به خوبی هم می‌توانند ارتباط برقرار کنند، این توانایی و استعداد را دارند، وقتی در کشوری مشغول فعالیت می‌شوند، خود را اهل کشور می‌دانند؛ از خانواده آن کشور به شمار می‌آیند و به همین خاطر هضم می‌شوند در جامعه‌ای که در آنجا مسئولیتی بر عهده دارند، در کشوری که قرار است به آموزش زبان و ادب فارسی کمک کنند، و در هر جایی که آقای دکتر کهدویی رفتند، این کار انجام گرفته و اتفاق افتاده، و بویژه در بنگلادش، این موضوع خیلی برجسته است.

آقای دکتر کهدویی، وقتی از بنگلادش سخن می‌گوید، گویی از خانه خودش صحبت می‌کند، از موطن خودش صحبت می‌کند، و بدرستی همه جا را وطن خودش می‌داند، و هیچ تفاوتی بین موطن اصلی خودش و محل مأموریت خودش قائل نیست. مرزها را در میان نمی‌بیند، و به همین سبب همه را یک امت، یک ملت، یک جامعه می‌بیند و به همین خاطر، به هر اندازه که در توان داشته باشند، در آن جامعه به خدمت مشغول می‌شوند. انشالله وجود با ارزش و ذی جود آقای دکتر کهدویی، دوام سلامت و توفیق داشته باشد و همچنان در خدمت به زبان و ادبیات فارسی، موفق باشند.

از آقای دکتر سرکار و همکاران بزرگوار ایشان هم که اخلاق مدار کوشیدند که در نکوداشت و بزرگداشت آقای دکتر کهدویی گام بردارند، من صمیمانه سپاسگزارم و این همتشان را تحسین می‌کنم و کوشش- هایشان را ارج می‌نهم و برای این بزرگواران سلامت و توفیق آرزو می‌کنم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بخش چهارم: کهدویی در نگاه فرهیختگان بنگلادش

آنچه که بیش از هر چیز به چشم می آید، فعالیتها و کوششهای علمی و ادبی استاد **کهدویی** در بنگلادش است و همراهی و همگامی با استادان و دانشجویان زبان و ادب فارسی است و جایگاهی که ایشان در قلب و دل عاشقان فارسی دارد، وصف ناپذیر است. در اینجا نمونه هایی از نگاه و بیان خاطرات دوستداران استاد **کهدویی** ذکر می شود تا اندکی از ارادت آنان به استاد نمایانده شود:

همچنان شاداب و بانشاط

دکتر کلثوم ابوالبشر مجومدار

پروفسور بازنشسته گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

اولین شخصیت مهم که همیشه در دل ما زنده می ماند، **استاد محمدکاظم کهدویی**، است که برای ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی و تشویق فرهنگ ایرانی، کارهایی گرانمایه در این سرزمین انجام داد. ایشان بار اول ماه اسفند ۱۳۷۲ اینجا آمدند و ماه تیر ۱۳۷۵ رفتند، تقریباً دو سال و چهار ماه بین ما بودند. بار دوم از ماه شهریور ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۳۹۹ به مدت دو سال بنگلادش بودند. وی یکی از مهمترین و بااخلاص ترین و خوش اخلاق ترین استادان بودند. مثل آفتاب بودند، و همه دانشجویان و استادان فارسی، مثل ستارگان منظومه شمسی اطراف وی گردش می کردند. در خانه فرهنگ ایران در داکا و مؤسسه زبانهای نوین هم تدریس داشتند.

در زمان اولین حضور ایشان با همکاری آقای علی اورسجی، رایزن فرهنگی ایران، کتابهای خوبی بررسی و ویرایش شد و به چاپ رسید؛ مثل: فرهنگ بنگالی - انگلیسی - فارسی، زندگی و احوال و آثار قاضی نذراالاسلام، خدمتگزاران زبان فارسی و... .

با زحمت بسیار و کوشش وی، اولین بار استادان فارسی دانشگاه داکا، در دوره یازدهم و دوازدهم باز آموزی فارسی همراه وی به دهلی، هند مسافرت کردند. در سال ۱۹۹۵/۱۹۹۶م. ایشان در سمینار حافظ شیرازی در بمبئی هند هم شرکت کردند. بنده با وی همراه بودم. (دسامبر - ژانویه ۱۹۹۶م.) شاگردان خانه فرهنگ از وی خیلی راضی بودند. ایشان هم درباره حضور بار اول تأثرات خود را اینطور بیان کرده است:

«در هر حال، دو سال و سه ماه و بیست روز در سرزمین بنگلادش به سر بردم، با همه مردم همدل بودم، و با همکاران دانشگاهی همدل و همزبان، هر روزش خاطره بود و هر لحظه‌اش به یاد ماندنی.» (مجله یاد. ص ۲۹).

در زمان دکتر کهدویی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران، حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی از دهم اکتبر تا سیزدهم اکتبر ۱۹۹۵م. به بنگلادش تشریف آوردند و روابط سیاسی و فرهنگی و ادبی بین ایران و بنگلادش مستحکم و پایدار گردید و سنگ بنای ساختمان فارسی را در محوطه دانشگاه داکا بر زمین گذاشته شد که بعد از سالهای طولانی نتیجه آن را امروز می بینیم.

دکتر **کهدویی** خیلی زود از ما جدا شد. مراسم تودیع وی، در ماه جولای ۱۹۹۶م. در سالن مؤسسه زبانهای نوین، و سپس در محل رایزنی فرهنگی ایران برگزار شد در زمان وی نخستین بار شاگردان فارسی به بازدید موزه ملی شاه‌باغ و سونارگاؤن رفتند. با پشتیبانی و همکاری استاد **کهدویی**، آن زمان با خانه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نخستین رابطه‌ها ایجاد شد.

استاد کهدویی، در ماه شهریور ۱۳۹۷ دوباره وارد بنگلادش شد و در ماه شهریور ۱۳۹۹ به ایران برگشت. ۲۵ سال گذشته و گردش روزگار، سر و روی استاد را سفید کرده است، اما ۲۵ سال قبل که استاد **کهدویی** را در کلاس و کارهای علمی فعال دیدم؛ ۲۵ سال بعد نیز همانطور شاداب و با نشاط بودند، به نظر من بیشتر از قبل فعال و با انرژی در کلاس حضور پیدا کردند. در حضور دوباره، برای دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاههای بنگلادش چند کتاب درسی هم نوشته و به چاپ رسانیده و چند کتاب برای چاپ آماده است. با علاقه بسیار و صمیمانه استادان و دانشجویان را دوست داشتند. بنده به خداوند متعال برای وی تندرست و سلامتی آرزومندم و امیدوارم سایه پربرکتش بر سر استادان و دانشجویان فارسی سراسر جهان مستدام بماند.



مهربانی را از او بیاموزیم

دکتر محمد شمیم خان

استاد بازنشسته گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه راجشاهی، بنگلادش

دانشمند و محقق دکتر **محمد کاظم کهدویی**، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، ایران، یکی از استادان فرزانه به شمار می‌آید، و نه فقط در ایران، بلکه در افغانستان، بنگلادش، پاکستان، چین، هندوستان، و در میان فارسی‌گویان بسیار شهرت دارند و صاحب‌قدر شناخته می‌شوند.

آشنایی با استاد **کهدویی** استاد اعزامی به گروه زبان و ادبیات فارسی، در سال ۱۹۹۴ میلادی در مؤسسه زبانه‌های نوین دانشگاه داکا صورت گرفته بود. شایان یادآوری این است که وقتی بنده برای دکتری زبان اردو، تحت نظارت سرکارخانم دکتر **کلثوم ابوالبشر**، کار پایان نامه را شروع کرده بودم. دکتر **کهدویی** در همین مؤسسه در اتاق فارسی برای استادان و دانشجویان کلاس فارسی گذاشته بودند. فرصت غنیمت شمردم و در کلاسشان شرکت نمودم. طوری یادم هست که دکتر **کهدویی**، درس علم عروض و قافیه شروع کرده بودند؛ ولی توفیق نشده بود که بیشتر در آن کلاس شرکت بکنم.

در همین زمان یک نامه از طرف آقای **علی اورسجی** راین محترم فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران داکا دریافت نمودم و مطلع شدم که بورسیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران آماده شده و در گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران، هر چه زودتر باید ثبت نام بشود. با

سرکار خانم کلثوم و دکتر کهدویی مشورت کردم که چه کار بکنم؟ همه گفتند باید به ایران بروید.

برای به رفتن به ایران، آماده شدم و تصمیم به رفتن گرفتم و کارهای اداری نیز در دانشگاه راجشاهی انجام شد. هنگام رفتن به ایران، استاد کهدویی یک نامه به گروه زبان و ادبیات فارسی تهران نوشت و ده هزار ریال به من داد و گفت که پیش خودتان داشته باشید. آقای کهدویی را در نزد خدای متعال دعا کرده بودم. این داستان بسیار طولانی است و نمی توانم در اینجا بیان کنم.

یک روز بنده، از کتابخانهٔ دانشکدهٔ علوم انسانی بیرون آمده بودم و می خواستم که به منزل بروم ؛ ولی یکباره، یک چهرهٔ آفتابی و درخشان، با من روبرو شد. این دکتر کهدویی بود. خیلی خوشحال شدم. احوالپرسی کردم و حال و احوال بنگلادش هم از ایشان پرسیدم. دکتر کهدویی هم خوشحال شدند و در بارهٔ کار پایان نامهٔ بنده سؤالاتی کردند. بعد هم با هم رفتیم سالن چایخوری، قبل از خداحافظی، ایشان از من دعوت کردند و گفتند که شما به دانشگاه یزد شریف بیاورید. خوشحال می شویم، ولی توفیق نشد که در دانشگاه یزد این استاد پر اخلاق و با محبت را زیارت کنم.

سال ۱۹۹۷ میلادی، یک همایش بین المللی به مناسبت بزرگداشت سلمان ساوجی در شهر ساوه برگزار شده بود. در این همایش، دکتر کهدویی نیز حضور پیدا کرده بودند و از دیدن ایشان خیلی خوشحال شدم؛ تقریباً سه روز با هم بودیم. استادان فارسی از کشور های مختلف در این همایش حضور پیدا کرده بودند پژوهشگرانی، از کشورهای

افغانستان، بنگلادش، پاکستان، چین، و هند شرکت داشتند و مقاله های خود را ارائه کردند که بسیار جالب و تحقیقی بود.

مجمع استادان فارسی جهانی، که در سال ۱۹۹۷ میلادی در تهران برگزار شده بود، با دکتر کهدویی به مدت کوتاه ملاقات شده بود. آن موقع ایشان از افغانستان تشریف آورده بودند، با هم نشستیم، گپ زدیم، حال و احوال استادان بنگلادشی را جويا شدند. محبت و قدردانی استاد را نمی توانم فراموش کنم.

دکتر کهدویی، سال ۲۰۱۸ میلادی، دوباره به عنوان استاد اعزامی به گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا تشریف آوردند و ما نیز از این استاد خوش قلب و مهربان بسیار مستفیض شده و می شویم.

به تاریخ نوزدهم ماه دسامبر ۲۰۱۹ میلادی یک سمینار در گروه زبان و ادبیات فارسی راجشاهی، به مناسبت بزرگداشت شادروان دکتر محمد کلیم سهرامی و خدمات وی به زبان و ادبیات فارسی برگزار شده بود. در این نشست، آقای دکتر حسن صحت رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در داکا نیز حضور داشتند و سمینار را رونق بخشیده بودند.

شایان ذکر این است که، آقای دکتر کهدویی، همسرشان، و یک استاد ایرانی (خانم ملکزاده) مستقیماً از تهران آمدند و در این نشست ادبی حضور پیدا کردند. اینکه آنها چقدر زحمت کشیده بودند و تا چه اندازه ما را دوست می دارند، واقعاً نمی توانم به زبان بیاورم و بیان کنم. برای آنان از عمق قلب و دل خود صمیمانه تشکر و سپاس عرض می کنم.

اولین سمینار بین المللی ادبی، تاریخی و فرهنگی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه راجشاهی، بیستم و بیست و یکم دسامبر ۲۰۱۹ برگزار شده بود. آقای دکتر **کهدویی**، علاوه بر خواندن مقاله خود، همه مقالات فارسی را که در این سمینار خوانده شدند، ادیت و ویرایش کردند، و به چاپ نیز رسید. قابل توجه این است که در اختتامیه این سمینار، یک مراسم باستانی ایران؛ یعنی شب یلدا با کمک دکتر **کهدویی** و همسرشان برگزار شد و ما در این جشن شرکت نمودیم و لذت بردیم.

۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی آخرین برنامه ادبی در دانشگاه ما به مناسبت بزرگداشت **حافظ شیرازی** و **رابیندرانات تاگور** بود. مقاله خوانی دکتر **کهدویی** و دکتر **محمد کمال الدین** این سمینار را پررونق کرد. رئیس دانشگاه، معاون رئیس دانشگاه، سفیر محترم ج.ا. ایران، رایزن محترم فرهنگی ایران در داکا، دکتر **کهدویی**، دکتر **همدانی** و سایر استادان و دانشجویان در این جلسه حضور پیدا کرده بودند.

خدمات این استاد بزرگوار به عنوان پرچمدار زبان و ادبیات فارسی، و پیوند دهنده فرهنگ ایران و بنگلادش پایدار خواهد ماند، برای ایشان عمر طولانی از نزد خداوند متعال مسألت می دارم.

هدیه درد و سوز دل

خانم شمیم بانو

استاد زبان فارسی، مؤسسه زبانهای نوین
دانشگاه داکا، بنگلادش

اگرچه بین ایران و بنگلادش هزاران کیلومتر فاصله وجود دارد، اما پیوندهای قلبی و فرهنگی بین ایران و بنگاله خا‌رهای فاصله مکانی و زمانی را با محبت خویش گل نموده است:

طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر
کاین طفل یکشبه ره صدساله می‌رود

قرنها پیش لسان‌الغیب **حافظ شیرازی** قند پارسی را به بنگاله اهداء نمود و حلاوت آن هنور بر لب و زبان بنگاله جاری و ساری است:
شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می رود

در سال ۱۹۹۴م. هدیه گلی؛ یعنی استاد محترم جناب دکتر **محمد کاظم کهدویی** از سرزمین گلستان ایران به بنگاله اهداء شد و بوستان پنگاله مشک فشان؛ ولی متأسفانه هنوز مشام ما ذوق تمام نبرده، و بلبان لب به سرودن نغمه جشن بهاران باز نکرده بودند که ساعت خدا حافظی فرارسید. بلبان به فغان آمده‌اند. البته در راه عشق، از درد و سوز هجر و فراق گزیری نیست. آه و ناله سرمایه عشق است، لذا گنجینه خاطرات گرمی‌اش همیشه در صندوق قلب ما محفوظ خواهد ماند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جناب دکتر **محمد کاظم کهدویی**، نخستین استاد اعزامی ایران به بنگلادش بود که شمع علم و

ادب، اخلاق عالیّه و چراغ دینی و فرهنگی را در این منطقه برافروخت و در حالی که چراغ زبان فارسی در وسط بادهای طوفانی بنگاله افتان و لرزان مانده بود، استادان، محققان و دوستداران فارسی، همراه با سفارت و خانه فرهنگ ایران در زنده نگاه داشتن این زبان کوشا بودند. در همین هنگام پیر مغان ما استاد **کههدویی**، با سوزش درون، از ایران آمد و به این چراغ رو به خاموشی جلا و روشنی بخشید. دانشجویان فارسی پروانه وار گرد این شمع علم طواف می کردند. تعداد روز افزون دانشجویان فارسی در بخش فارسی دانشگاه داکا نشانگر این امر است.

در بین ما کمتر کسی است که بلبل شیراز، **حافظ** را نشناسد. بلبل یزد را چطور؟! آری این افتخار ماست که شاعر بلند آواز، بلبل یزد، **محمد کاظم کههدویی** بین ما سرودها سرود. ما امیدواریم همان طور که در دیوان **حافظ** ورقی از تاریخ بنگال ضبط شده است، در دیوان بلبل یزد ما هم خاطرات تلخ و شیرین به ثبت برسد.

استاد **کههدویی**، سفیر علمی، فرهنگی و قلبی ایران به بنگلادش بود. او مهمانی بود که هدیه علم و ادب را آورد و پیوند فرهنگی ما را استوار و مستحکم کرد و اکنون رسولی است که صمیمیت قلبی ما را به سرزمین ایران می برد.

جناب استاد **کههدویی** از بنیانگذاران انجمن فارسی بنگلادش نیز بودند و مانند ستارگان انجم افلاک، در میان این انجمن درخشیدند، زبان طوطیان هند، قاصر است که درد و سوز هجرش را شرح دهد. طوطیان بنگاله با دل شکسته و مضطرب، هجر بلبل یزد را بدرقه کردند.

در سال ۲۰۱۸ میلادی (۱۳۹۷ خورشید) دیگر بار دانشگاه داکا، به نور قدوم استاد **کهدویی** روشن گشت و جمع کثیر استادان (حدود ۱۰ نفر) و دانشجویان (حدود ۵۰۰ نفر) از فیض وجود استاد **کهدویی** بهره مند شدند. و دانشگاههای دیگر نیز بی بهره نماندند، و این لطف خداوند بزرگ بود و هست که چنین نعمتی را دیگر بار به ما ارزانی داشت. اگرچه این بار نیز هنوز کاملاً دماغ ما از عطر وجود استاد معطر نشده بود که بار دیگر خداحافظی کردند و از جمع ما رفتند، و اگرچه خود با خوشی و شادمانی به کشور خود بازگشتند، اما قلب و روح ما از این جدایی و فراق، به لرزه درآمد و خاطر ما را اندوهگین ساخت. از خداوند، تعالی، موفقیت ایشان را در هر کجا که باشند، مسألت می داریم. والسلام

دکتر محمد کاظم کهدویی « محبوبترین استاد در زندگی ما »

دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

نمی دانستیم چطور به زبان فارسی تکلم کنیم، چطور فارسی بنویسیم و بخوانیم؛ اما دلمان خوش بود که دانشجوی رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی هستیم در دانشگاه داکا. خجالتها کشیدیم، نگرانیهایی داشتیم، و برای آینده غمگین می شدیم. در همین وضع روانی و نگرانی، استادی به نام دکتر محمد کاظم کهدویی، به عنوان استاد اعزامی از دانشگاه یزد ایران، به گروه فارسی و اردوی دانشگاه داکای آن زمان (نام گروه فعلی «گروه زبان و ادبیات فارسی») تشریف آوردند که این حادثه یک تاریخی جدید برای گسترش زبان، ادبیات و ایرانشناسی ایجاد شد.

استاد کهدویی شخصیتی است بسیار دوست داشتنی، و روش تدریس و تحقیق وی بسیار تأثیرگذار بود که هنوز هم نزدیک به هزار دانشجو و سی نفر استاد فارسی، در دانشگاههای دولتی بنگلادش، با کمال احترام و ادب به این استاد روشنفکر ایران زمین عشق می ورزند و به یاد خیر ایشان هستند و با نیکی یادآوری می نمایند. روزی که استاد وارد کلاس ما شده بودند، شعری از دیوان شمس خواندند و ما را به آینده امیدوار ساختند:

« نوبت کهنه فروشان در گذشت نو فروشانیم و این بازار ماست »

ایشان یکی یکی از ما احوالپرسی می کردند، مشکلات روحی و درسی ما را تشخیص می دادند و شروع به معالجه می کردند. الحمدلله در اسرع وقت وارد یک محیط زبان آموزی مناسب شده بودیم که برای آموختن ادبیات فارسی و درک متون عرفانی و فلسفی فارسی آینده ساز بود.

استاد کهدویی معلمی شاگرد دوست و شاگرد پرور هستند که از نزدیک ملاحظه کردیم؛ هم در ایران و هم در بنگلادش، شاگردان فارسی غیر ایرانی را به شیوه ویژه و صمیمانه خویش درس می دهند و خود به خود دانشجویان به فارسی جلب می شوند. یادم هست که در زمان دانشجویی خودمان گاهی اوقات ایشان دانشجویان را در محیط آزاد به طبیعت می بردند و یکی یکی عناصر زیبای طبیعت را به فارسی معرفی می نمودند. گاهی به منزل خود دعوت می کردند و سر سفره، فارسی یاد می دادند.

در دوره دکتری بنده (۱۹۹۹-۲۰۰۲م.) که در دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بودم، هر موقعی که با مشکلات مختلف رو به رو می شدیم، با استاد تماس می گرفتیم و از بزرگواری و دلداری خود، بی درنگ حمایت می کردند. در روزهای پایانی دوره دکتری، استاد، اینجانب را به خانه خود در استان یزد دعوت کردند. سفر با قطار بود، وقتی به یزد رسیدیم. ایشان برای استقبال در ایستگاه قطار آمدند و به منزل بردند. دیدم که همسر محترم این بزرگوار سر سفره غذاهای بنگلادشی گذاشتند و در تلویزیون هم برنامه بنگالی نشان می دادند. خودم خیلی متعجب شدم و بی نهایت لذت بردم. دست سرکار خانم استاد دکتر کهدویی درد نکند....

استاد کهدویی شاعر است و همیشه با شعر و ادب و فلسفه زندگی می‌کند. هر ملاقات با ایشان با شعر و بیانات ادبی شروع می‌شد و با همان حال و هوا به اتمام می‌رسید. چند کلامی به یاد استاد و برای ایشان قلمی کرده‌ام:

ای استاد بزرگوار!

دانش و بینش تو الهام الهی است

از آشنایی با شما

راه سهمگین و تاریک، آفتابی شد

خوب و بد مخلوط است

در سرشت و ذات آدمی نهفته است

اما،

خوبی و زیبایی از آنِ توست،

که همیشه با آن پرورده‌ای

تقصیری، یا کمی و کاستی،

در جهان معرفت و ادب، اگر که دیده‌ای

ببخش! ببخش! ما مسافریم

که فرصت کمی برای عذر خواهی است

نو نهالانیم پرورده شما

آنچنان که شاعری غریب گفته است:

«نو نهالش دست پرورده تو بود

ارمغانش هم ره آورده تو بود»

سخنی چند دربارهٔ استاد محمد کاظم کهدویی

دکتر محمد نورالهدی

پروفسور، بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه راجشاهی، بنگلادش

استاد دکتر محمد کاظم کهدویی یکی از دانشمندان بزرگ ادبی و ستارهٔ درخشندهٔ فارسی ایران است. وی اولین استاد اعزامی فارسی در بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا بود. ایشان استادی مهربان و صمیمی بود. بنده خودم از اولین گروه دانشجویان این استاد در دانشگاه داکا بودم.

وقتی که ایشان در بنگلادش تشریف داشتند، من دانشجوی دانشگاه داکا بودم. خودم شاهد بودم که استاد کهدویی همیشه برای دانشجویان بسیار زحمت می کشید. او سعی می کرد به دانشجویان را خوب درس بدهد. برای درس دادن هیچ وقت خاصی نبود و همیشه برای دانشجویان وقت می گذاشتند.

استاد کهدویی در کشورهای گوناگون، به عنوان استاد اعزامی درس داده و بار دوم هم بعد از بیست و چهار سال به بنگلادش آمدند. در این موقع نیز ایشان بسیار زحمت کشید. و به تدریس و کارهای علمی هم مشغول بود. ایشان فقط در ایران مشهور نیست، در شبه قارهٔ هند و پاکستان و بنگلادش شهرت دارد. ایشان را در بنگلادش استاد مطلوب زبان و ادبیات فارسی می گویند.

او یکی از دانشمندان برجسته و استادانی است که دو مرتبه زبان و ادبیات فارسی را در بنگلادش تدریس می کند. دکتر کهدویی، در ادبیات فارسی محققاً صاحب نظر هستند و بی شک در این زمینه ها تألیفات پر

ارزشی دارند و علاقه‌مندان علم و دانش را راهنمایی می‌کنند. بنده خودم با راهنماییهای ایشان استاد دانشگاه شدم.

ایشان برای گسترش و ترقی زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش بسیار زحمت کشیدند. به سبب کوششهای ایشان در بنگلادش، دانشجویان، استادان و محققان فارسی افزوده می‌شوند. ایشان همیشه برای دانشجویان مهربان و غمخوار هستند.

دکتر **که‌دویی**، استادی است که همیشه با دانشجویان به خوش‌زبانی و خوشدلی درس می‌داد و گفتگو می‌کرد. مثل این استاد دلسوز و مهربان هیچ استادی نبوده و در آینده نیز نخواهد آمد. همهٔ استادان فارسی بنگلادش با حمایت و کمک ایشان در زندگی خود رشد و ترقی پیدا کردند. ما امیدواریم و دعا می‌کنیم که این استاد بزرگ ما هزار سال با سلامت زنده بماند و چراغ فارسی در سراسر جهان روشن باشد. خدا حفظشان بکند.

استاد دوران‌دیش و برجسته، دکتر محمد کاظم کهدویی

دکتر طارق سراجی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند بخشنده دستگیر کریم خطا بخش پوزش پذیر

پیش از این هم در یک مقاله خود گفته بودم که استاد خودم را به شمع تشبیه می‌کنم و می‌دانم که شمع می‌سوزد و اطراف خود را درخشان می‌کند. جسارت و جرأت ندارم به حضور استاد خود از خودمان چیزی بنویسم. درهر صورت چند جمله درباره استاد دکتر محمد کاظم کهدویی نوشته‌ام که شاید عاری از اشتباه نباشد. بدین خاطر از استاد خواهش می‌کنم که مرا ببخشند.

در سال ۱۹۹۴ میلادی با استاد اعزامی دکتر کهدویی آشنایی صورت گرفته بود. سالی که ایشان به عنوان استاد اعزامی از جمهوری اسلامی ایران به دانشگاه داکا، برای اولین بار به بنگلادش تشریف آورده بودند؛ من شاگرد سال دوم کارشناسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا بودم. در آن زمان، نام دپارتمان، «گروه فارسی و اردو» و رئیس گروه زنده‌یاد سرکار خانم استاد دکتر کنیز بتول بود. با شنیدن خبر ورود استاد اعزامی، درمیان ما نوعی شادی و خوشحالی و هیجان به وجود آمده بود؛ مثل اینکه از شادمانی در پوست خود نمی‌گنجیدیم.

شایان یادآوری است که من از همان ابتدا علاقه و اشتیاقی به ثبت-نام و تحصیل در گروه فارسی نداشتم. اما، کم کم به زبان فارسی و این گروه علاقه‌مند شدم. یکی از دلایل این دوستی و شیفتگی تشریف آوردن

استاد **کهدویی** بود. در اوایل تحصیلات خود در رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در داکا بجز دکتر **جلیلی** از هیچ ایرانی فارسی یاد نگرفتم. پس از آن در دانشگاه داکا جناب آقای **علی اورسجی**، رایزن اسبق فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، به ما فارسی درس داده بود. سپس پیش آقای دکتر **کهدویی** در ابتدا مثنوی **مولانا جلال الدین رومی** را خواندیم. استاد، ابیات مثنوی را بدینگونه تشریح و ترجمه می-کرد که ما مثل شاگردان سال پنجم دبستان آموختیم و نیاز به دوباره خواندن هم لازم نبود؛ گرچه ما آنقدر فارسی بلد نبودیم. استاد همیشه به ما با جدیت تمام می-گفت: «حتمًا دفتر اوّل مثنوی را حفظ داشته باشید.» یک روز استاد در کلاس همگی ما را کمی سرزنش کرد و بویژه به من گفت: «آقای **طارق**! تو دانشجوی ممتازی هستی، چرا شعرهای گوناگون فارسی را حفظ نمی-کنی؟ حتی مثنوی؟ یک روز در آینده معلم فارسی این گروه خواهید بود. آن زمان نیاز به این سخنان من را احساس خواهید کرد.

در واقع حرف‌های اصیل آن زمان استاد **کهدویی** را هنوز هنوز احساس می-کنم. من عین حال هم پیشبینی و آینده نگری و دوراندیشی و هوشمندی استاد **کهدویی** را متعجب هستم. به نظرم استاد واقعی باید اینچنین باشد.

من چندین بار به خانه استاد **کهدویی** که در خیابان **کمال آتاترک**، در محل «بنانی» قرار داشت، رفتم. یک روز همسر محترم استاد، هنگام ناهار من را بدون غذا رها نکرد. آن روز همسر محترم استاد برایم غذایی به نام «میرزا قاسمی» درست کرده بود. آن غذا خیلی خوشمزه بود که هنوز هم در خاطرم مانده است.

گاه گاه من با همکلاسم آقای ابوالهاشم به خانه استاد می رفتیم. آن وقت پسرِ استاد (امین) کوچک بود و شیطانی می کرد. ما با استاد در موارد گوناگون زبان و ادبیات فارسی صحبت می کردیم که هر سخن و هر کلمه ایشان آموزنده بود. ما اگر موردی را متوجه نمی شدیم؛ استاد کهدویی با نمایش به ما توضیح می داد.

از آن زمان من داستان های کوتاه فارسی برای نیوزلتر کودکان به زبان بنگلا ترجمه می کردم. یک روز استاد کهدویی یک داستان کوتاه با عنوان «پیرزن و کوزه» که دختر استاد کهدویی، خانم زینب کهدویی نوشته بود؛ به من داد و گفت: «این را به زبان بنگلا ترجمه کنید.» من آن را ترجمه کردم و در مجله نیوزلتر کودکان چاپ گردیده بود. اینچنین ترغیب و تشویق او برای یادگیری فارسی گرایش پیدا کرد.

استاد یک بار جهت شرکت در سمینار بین المللی از بنگلادش به هند رفت. آن زمان من یک دانشجوی عادی بودم با وجود این استاد به من از هند نامه ای ارسال کرده بود که بی تردید آن ترغیب و تشویق و الهام بخش من برای فراگیری زبان و ادبیات فارسی بود. هنوز هم زبان متن آن نامه در خاطر من است. این برایم خیلی تعجب آور بود که یک استاد برجسته، شاگرد معمولی خود را از دور فراموش نکرده است، این هم برایم آموزنده بود و این چنین سخاوت او مرا در مرحله تحصیل فارسی یک قدم جلوتر برد.

این نکته شایان ذکر است که ما هرگاه که به ایران می آمدیم، نزد مسؤولان وزارت علوم و فناوری و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران می رفتیم و درخواست برای حضور دوباره استاد برجسته، دکتر محمد کاظم کهدویی می کردیم. بویژه در سال ۲۰۱۱ میلادی بنده

کمترین با همکاری استاد دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان درخواستی را نوشته و به خدمت جناب آقای دکتر محمد باقر خرمشاد، رئیس اسبق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی جمهوری اسلامی ایران تقدیم کردم. تا آنجایی که می‌دانم، بعداً براساس آن با لطف مسؤولان وزارت علوم این کار صورت گرفته بود و در سال ۱۳۹۷ شمسی، استاد بعد از ۲۲ سال دوباره به این سرزمین سبز بازگشت. حتی درخواستی از طرف گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه راجشاهی هم اینجانب با همکاری دکتر محمد کمال‌الدین نوشتم.

از زمانی که ایشان در مرحله دوم به بنگلادش آمد، اطلاعات و معلومات زیادی از ایشان کسب کرده‌ام. در بین من و استاد هیچ فاصله‌ای، همانند مرحله اول نبود. به همین دلیل فرصت بیشتری برای صمیمیت با استاد **که‌دویی** فراهم شده است.

من و آقای دکتر **که‌دویی** غزلیات **حافظ شیرازی** را برای دانشجویان سال چهارم و شعرهای **منیر لاهوری** (مثنوی در صفت بنگاله) را برای دانشجویان کارشناسی ارشد باهم درس می‌دادیم. روش تدریس جناب **که‌دویی** واقعاً برای همه ما مثال زدنی و قابل تقلید است. استاد گاهی اوقات به اتاق من تشریف می‌آورد و اطلاعات و معلومات بیشتری و بهتری را به من می‌داد. دکتر **که‌دویی** شعرهای زیادی را حفظ دارد. او نمونه‌هایی از شعر را به عنوان اثبات و دلیل می‌آورد که من از دیدن آنها بسیار متعجب می‌شدم. استاد، مردی بسیار خوش طبع است. او طنزهای مختلف را برای ما می‌گفت. در داستان‌های طنزآمیز وی عناصر آموزنده وجود داشت. من بخاطر شیوع بیماری‌های همه‌گیر از استفاده درس‌های ایشان محروم شدم. در حال حاضر معلمی مانند ایشان

در این جامعه بسیار مورد نیاز است. من از خداوند متّان برای تندرستی و سلامتی و عمر طولانی استاد کهدویی خواهانم.

من همه وقت مرهون منت آن استاد بزرگوار هستم و خواهم بود. در پایان بیتی از شاعر عرفانی حافظ شیرازی برای حُسن ختام می آورم:

تو را چنان که تویی هر نظر کجا ببند

به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک

(غزل شماره ۳۰۰)

استاد دکتر محمد کاظم کهدویی

الگوی استاد معنوی

دکتر عبدالصبور خان

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

سال ۱۹۹۴ میلادی بود. بنده دانشجوی سال دوم فوق لیسانس فارسی گروه فارسی و اردو بودم (آن زمان نام گروه زبان و ادبیات فارسی، گروه فارسی و اردو بود). یکی از روزهای بعد از تعطیلات عید فطر که دانشگاه تازه باز شده بود، ما همه به گروه آمدیم. شنیدیم یک استاد اعزامی از ایران به گروه ما تشریف آورده‌اند.

کمی بعد در اتاق سمینار گروه (معمولاً در دانشگاه ما هر گروه یک اتاقی دارد که در آنجا یک کتابخانه وجود دارد و دانشجویان درسها و کتابها مطالع می‌کنند و جلسه‌های داخلی گروه بین استادان و دانشجویان در این اتاق برگزار می‌شود). جلسه معرفی استاد کهدویی، که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اولین بار به عنوان استاد اعزامی به گروه ما تشریف آورده‌اند، برگزار شد.

در این جلسه سرکار خانم دکتر کلثوم ابوالبشر، آقای دکتر کهدویی را به عنوان استاد اعزامی به دانشجویان و استادان معرفی کردند. چند نفر استاد فارسی و اردو (سرکار خانم کنیز بتول (رئیس گروه)، آقای پروفیسور دکتر محمد عبدالله، سرکار خانم دکتر کلثوم ابوالبشر، سرکار خانم دکتر ام سلمی، سرکار خانم زینت آرا شیرازی، آقای ابوموسی محمد عارف بالله در این جلسه حاضر بودند، و ما تعداد دانشجوی فارسی هم خیلی کم بودیم. در فوق لیسانس سه نفر: آقای

ک. م. سیف الاسلام خان، آقای محمد نور الهدی و آقای محمد محسن الدین میا، در سال سوم لیسانس یک نفر: آقای محمد عبدالقادر، در سال دوم لیسانس ما سه نفر: آقایان محمد شاه جلال، محمد کبری و بنده حقیر، و در سال اول لیسانس پنج نفر: آقایان طارق سراجی، محمد ابو الهاشم، محمد منظور الحق، محمد ممتاز العالم و محمد قمرالاسلام، کلاً دوازده نفر. ما دیدیم یک جوان خوشرو و پر توان با ریش و موهای سیاه، خود را پشت تریبون قرار دادند و بنای سخنرانی را گذاشتند. هر لفظشان بسیار جذاب بود و برای ما شادی آور بود. و در لابلای حرفهایشان این قدر از شعرهای فارسی به زبان می-آوردند که ما را متعجب می ساخت و بر علاقه ما به زبان و ادبیات فارسی، بیش از پیش می افزود.

از چند روز بعد، استاد کهدویی تدریس به ما را شروع کردند. به ما که در دوره لیسانس بودیم زبان فارسی درس می دادند. و به آنهایی که در فوق لیسانس بودند، هم زبان فارسی درس می دادند و هم ادبیات فارسی. کلاس زبان با هم برگزار می شد. یعنی دانشجویانی که در کلاسهای لیسانس بودیم، دسته جمعی در کلاس زبان شرکت می کردیم. استاد طرز خاصی داشتند. با حرکتهای دست و پا، با تصویر کشیدن روی تخته سیاه واژه هایی که برای ما نا آشنا بودند، یاد می دادند.

فراموش نکنیم که، در آن زمان، در کشور ما مواد درسی فارسی خیلی اندک بود. نه یک فرهنگ فارسی به بنگلا وجود داشت و نه مثل امروز امکانات اینترنتی و یوتیوبی و... وجود داشت. پس، غیر از این صورت با حرکات و دست استاد چاره ای نبود. خوب یادم است، یک روز برای یاد دادن واژه "عنان" در روی تخت سیا چه قشنگ یک سر اسب کشیدند و

در دهانش عنان کشیدند و به ما یاد دادند که "این است عنان". و در روز دیگر برای یاد دادن فعل «ادرار کردن»، (شاشیدن) در گوشه کلاس نشستند و با نقش بازی به ما نشان می‌دادند که "این است ادرار کردن".

گاه گاه استاد **کهدویی** به بهانه اردو، ما را برای آموزش بیشتر میدانی، بیرون از کلاس و در خیابان می‌بردند و در آنجا به ما فارسی یاد می‌دادند؛ مثلاً یک روز ما را بردند به موزه ملی بنگلادش، در آنجا بساری از نسخه‌های خطی فارسی به نمایش گذاشته شده بود. استاد تک تک نسخه‌های خطی را به ما معرفی کردند، و واژه‌های مشترکی که در آن نسخه‌های خطی وجود دارند، که هم به زبان فارسی هم به زبان بنگالا رواج دارند، به ما نشان دادند.

یک روز به عنوان اردو، ما را بردند به سونارگاؤن (سونارگاؤن)، که پایتخت قدیمی کشور ماست و امروزه متروکه و محل گردشگری است. در نزدیک آن مقبره **غیاث‌الدین اعظم** شاه است که حکمران بنگالا بود و همزمان با **حافظ شیرازی**، و **حافظ** را به بنگالا دعوت نموده بود. استاد ما را به دیدار مقبره **غیاث‌الدین** بردند و در کنار مقبره او ما همه دسته جمعی ایستادیم و استاد همان شعری را که **حافظ** به جواب دعوت **غیاث‌الدین** نوشت، خواندند:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

و همان تاریخ را برای ما توضیح دادند. گرچه این تاریخ را کم و بیش همه می‌دانستیم، ولی قبل از این، اکثر ما نمی‌دانستیم که در اینجا مقبره **غیاث‌الدین** وجود دارد. وقتی که استاد ما را درباره این مطلع ساختند، ما از دیدن این مقبره شگفت زده شدیم.

استاد **کهدویی** گاه گاه ما را به منزلشان هم دعوت می نمودند و سر سفره، ما را با غذاهای ایرانی آشنا می ساختند؛ مانند جوجه کباب، چلو کباب، میرزا قاسمی، قورمه سبزی و... از این نوع غذاهای ایرانی اولین بار ما در منزل استاد دیدیم و خوردیم. حتی طرز پختن این غذاها را هم به ما یاد می دادند. حتی اگر در پله ها یا در راهروها یا در کوچه ها با استاد ملاقات می شد، استاد با خوشرویی و صمیمانه ما را گلباران الفاظ شیرین می کردند و واژه های فارسی یاد می دادند.

ما بزودی از رفتار صمیمانه و مهربانسان شیفته استاد شدیم و در درون ما یک قدرت معنوی ایجاد شد و علاقه ما به زبان و ادبیات فارسی بیش از پیش افزایش یافت و از فعالیت استاد **کهدویی** گروه ما رونق پیدا کرد و در نتیجه این، در سال بعدی در سال اول لیسانس فارسی از بیش از ۴۰ نفر داوطلب، ۲۴ نفر موفق شدند و ثبت نام کردند.

استاد **کهدویی** در کنار تدریس، به تهیه مواد درسی هم اهمیت دادند و با همکاری آقای **علی اورسجی**، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکای آن زمان، با یک گروه محقق فارسی دان بنگالی شروع به تدوین فرهنگ فارسی-بنگالی-انگلیسی کردند. و در سال ۱۹۹۵م به مناسبت سفر جناب آقای **اکبر هاشمی رفسنجانی**، رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران آن زمان، به بنگلادش، به کوشش رایزنی فرهنگی ایران در داکا، کتابی با عنوان "گزیده احوال و آثار قاضی نذر الاسلام (شاعر ملی بنگلادش)" به زبان فارسی چاپ شد، که مختصر زندگی نامه **قاضی نذر الاسلام** و گزیده بیست شعر او به زبان بنگالا و ترجمه فارسی آن است، استاد **کهدویی** این کتاب را هم ویرایش کردند و بر آن مقدمه نوشتند.

ولی افسوس این که، در طی مدت کوتاه، ناخواسته مدت مأموریت استاد در بنگلادش به پایان رسید و در ماه جولای (ژوئیه) ۱۹۹۶م استاد از ما خداحافظی کردند و به وطن خود برگشتند. ما ماندیم و تشنگی ما.

خدا را شکر که برای سیراب ساختن تشنگی ما، در سپتامبر سال ۲۰۱۸م دوباره این استاد برجسته را به عنوان استاد اعزامی، خداوند، تعالی، به ما اهدا نمود. ما از صمیم دل خوشحال شدیم و از خدا تشکر کردیم. و استاد هم وقتی که دید ۲۷ سال پیش نهالی که در باغ فارسی بنگلادش کاشته بودند، امروزه به عنوان یک باغ بسیار درخت فارسی مکمل شده؛ از آن ۱۲ نفر شاگردشان ۸ نفر در دانشگاه های گوناگون بنگلادش زبان و ادبیات فارسی تدریس می کنند، به جای یک دانشگاه در ۴ دانشگاه بنگلادش گروه فارسی مستقل کار می کند، و این دانشگاهها ۲۸ نفر استاد فارسی دارند، و در خود دانشگاه داکا، بیش از ۴۰۰ نفر دانشجو فارسی درس می خوانند، بسیار خوشحال شدند.

خوشبختانه این دفعه بنده شخصاً از استاد بیش از پیش مستفیض شده‌ام؛ زیرا در سال چهارم لیسانس و فوق لیسانس استاد یک کلاس می گرفتند که بنده در آن کلاسها حاضر می شدم و به بچه ها کمک می کردم؛ ولی واقعیت این است که، به بهانه این کمک، من خودم از کلاسهای استاد، بسیاری از چیزها یاد گرفتم. استاد همیشه می گویند: اتاق کلاس برای ما مانند مسجد است. به خاطر این، من همیشه با وضو به کلاس وارد می شوم. استاد این را هم می گویند: «یک استاد همیشه باید در فکر درس و تدریس، پژوهش و تحقیق باشد». خود استاد هم همیشه این قول را در زندگی خودشان عمل می کنند.

ولی متأسفانه، این مدت دفعه دوم هم مثل حباب بزودی تمام شد. و در تاریخ ۲۰ ماه اوت ۲۰۲۰م. (۳۰ مردادماه ۱۳۹۹) استاد از ما خدا حافظی کردند و با اهل خود پیوستند. در این دفعه، بنده شخصاً خاطراتی که با استاد دارم، اگر بنویسم یک کتاب خواهد شد. از وقتی که استاد در محیط دانشگاه داکا سکونت گرفته بودند، ما دو نفر، یعنی من و دکتر **محمد ابوالکلام سرکار**، هر صبح با استاد پیاده روی می کردیم و پیرامون و اطراف دانشگاه را می گشتیم و در طی قدم زدن هم چیزهای بسیاری از استاد یاد می گرفتیم. من از استاد بسیار خواهش می کردم که خاطرات خودشان را بنویسند. استاد هم از اصرار بنده به عنوان "سفر به سرزمین سبز" خاطراتی شروع کرده بودند که قسمت اول یعنی خاطرات سفر اولش تمام شده. امید است که بزودی قسمت دوم آن هم بزودی به پایان برسد و به عنوان کتاب به زیور چاپ آراسته گردد.

همه می دانند که استاد **کهدویی** بیش از بیست هزار بیت فارسی را در حفظ دارند؛ ولی شاید این را نمی دانند که خود استاد نیز دارای نبوغ شعری هم هستند. و در کنار تألیف کتابهای درسی، گاه گاه شعر هم می - سرایند. بنده از استاد بسیار خواهش می کردم که این عادت را ادامه بدهد تا بزودی ما یک مجموعه اشعار از استاد دریافت کنیم. استاد هم قول دادند. ما منتظر مجموعه اشعار **محمد کاظم کهدویی** هستیم.

در حال حاضر، که استاد در کشور ما تشریف ندارند، باز هم با ما در تماس هستند. هر وقتی که در مورد یک واژه یا یک عبارت فارسی از استاد کمک می خواهم، استاد بیدرنگ توسط تلگرام یا واتساپ جواب می - دهند و مسئله من حل می شود. به نظر من استاد دکتر **کهدویی** نه فقط یک استاد معنوی هستند، بلکه یک استاد دائمی و استاد همیشگی هم هستند. و بنده افتخار دارم که شاگرد این استاد بی نظیر هستم.

ای کوکب پر فروغ فارسی

دکتر محمد کمال‌الدین

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه راجشاهی، بنگلادش

دانشمند و محقق و استاد بزرگ دانشگاه یزد، ایران، دکتر محمد

کاظم کهدویی، یکی از معروفترین و نام‌آورترین استادان، و ستارهٔ آسمان ادب فارسی هستند.

برای بنده این افتخار و توفیق نصیب شده که در سال ۱۹۹۴ م. در روزگار اوایل دانشجویی دورهٔ لیسانس در دانشگاه داکا، الفبای فارسی تا ادبیات فارسی را از نزد جناب استاد تحصیل کردم. یک استاد ایرانی که آنقدر برای آموزش و پرورش دانشجویان فارسی زحمت بکشد، بهترین نماد، دکتر **کهدویی** است.

جزوه‌های کتابهای درسی را همیشه در کیف می‌گذاشتند، هر دانشجویی که نیاز داشت، به او تحویل می‌دادند. ایشان نه فقط زبان و ادب فارسی را به ما درس دادند، بلکه مثل یک راهنمای زندگی پرارزش بودند. ایشان مدل زندگی ما هستند.

ای کوکب پر فروغ فارسی

جهان از تو روشن شد و رونق گرفت

گرچه دکتر **کهدویی** بار دوم هم به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا تشریف آوردند؛ ولی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، که تازه مستقل شده را نیز رونق بخشیدند. حضور ایشان در همایش بین‌المللی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، اجلاس **حافظ و تاگور**، بزرگداشت دکتر **کلیم سهسرامی**، شب یلدا، دورهٔ دانش افزایی، نشست ادبی **مولوی** و غیره در دانشگاه راجشاهی جایگاه گروه را به بالا رسانده است.

مجموعه مقالات همایش بین المللی مهمترین نشانه زحمات ایشان است که مشتمل بر ۱۱ مقاله فارسی است و توسط دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه راجشاهی چاپ شده است. ما تمام استادان و دانشجویان و خانواده دانشگاه راجشاهی، از سایه علمی و فرهنگی ایشان بسیار بهره مند شدیم. خانواده محترم ایشان، که همسفر ایشان به راجشاهی بودند، هم در سرما و هوای خنک فصل زمستان در راجشاهی خیلی زحمت کشیدند و از ایشان بسیار سپاسگزاریم.

جناب استاد **کهدویی**، برای گذراندن روزهای تعطیلات دانشگاهی با خانواده از بنگلادش به ایران رفته بودند. آن زمان وقتی ایشان از طرف ما دعوت شدند، خانواده و کارهای مهم اداری در ایران را ترک نمودند و مستقیم از فرودگاه بین المللی داکا به دانشگاه راجشاهی تشریف آوردند. این یک نمونه عشق و محبت و مهربانی به ما بوده است. آن زمان ایشان دست خالی نیامدند، بلکه به مناسبت دوره دانش افزایی زبان و ادبیات فارسی بهترین هدیه برای ما آورده بودند که کتاب «مجموعه گل» بود. الحمدلله کتاب مجموعه گل از طرف گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی در زمان حضور ایشان در بنگلادش به چاپ رسید. کتابی که مشتمل بر مضامین: علم بدیع، نگارش و درست نویسی، روش تحقیق، دستور زبان فارسی، عروض و قافیه است. همه دانشجویان و استادان فارسی زبان از این کتاب مهم بهره مند می شویم.

دکتر کهدویی گرچه استاد دانشگاه بودند، ولی زمینه کارهای ایشان غیر از تدریس دانشگاهی هم فعال و گسترده بود. خصوصاً شرکت در سمینارها، کنفرانسهای ملی و بین المللی حضور ایشان خیلی پر ارزش بوده است. ایشان در دنیای امروز یک نماینده جاودان است که تمام زندگی خودشان را برای پیشرفت و احیای زبان و ادبیات فارسی و ایران شناسی

در جهان فدا کرده. همیشه کارهای علمی، فرهنگی، آموزشی را بالاتر از کارهای شخصی و خانوادگی به طور اولویت به حساب آورده است. رابطه قلبی ما با ایشان ناگسستنی است، حتی هر جای دنیا باشند، هرزمانی که مزاحم ایشان می شویم، بلافاصله به ما جواب مثبت می-دهند. این نشانه عشق و محبت و مهربانی جناب استاد به ماست.

دکتر **کهدویی**، بار اول که در سال ۱۹۹۴م. به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا، بنگلادش تشریف آوردند. آن زمان فقط ۳ نفر استاد فارسی در دانشگاه داکا در حال تدریس بودند. وقتی پس از ۲۴ سال بار دوم به عنوان استاد اعزامی به بنگلادش تشریف آوردند تعداد استادان محترم در چهار دانشگاه بنگلادش؛ دانشگاه داکا، دانشگاه راجشاهی، دانشگاه چیتاگانگ و دانشگاه گلنا نزدیک به ده برابر یعنی ۳۰ نفر شده. تمام استادان زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش دانشجوی مستقیم یا غیر مستقیم جناب استاد **کهدویی** می باشند.

آرزوی قلبی از خداوند متعال داریم که جناب استاد هر جای دنیا باشند، سلامت، پیروز، سربلند و شادکام باشند. در پایان احساس درونم را بدین گونه می خواهم بیان کنم:

هرگز نمی توانیم فراموشان کنیم
جهان فارسی بنگاله پر از بوی گل وجود شماست
«مجموعه گل» بهترین هدیه شما به ماست
و برای ما همیشه ماندگار خواهد بود.
۲۰۲۰/۱۲/۲۰م.

شخصیت علمی دکتر محمد کاظم کهدویی

دکتر محمد نورعالم

دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه چیتاگانگ، بنگلادش

استاد دکتر محمد کاظم کهدویی از شخصیت‌های برجسته در جهان ادبیات فارسی، و از چهره‌های شناخته شده در شبه قاره، خصوصاً در ایران، پاکستان، هند و بنگلادش هستند. ایشان در سال ۱۳۳۵ خورشیدی/۱۹۵۶م در یکی از روستاهای یزد چشم به جهان گشود. روزگار کودکی و نوجوانی را در آنجا گذراند. وی تحصیلات ابتدایی را از اول تا ششم دبستان، در محل زادگاه خود به پایان رساند و سپس عازم تهران شد.

در اسفندماه سال ۱۳۷۲ به عنوان مدرس اعزامی جمهوری اسلامی ایران به دانشگاه داکا، در کشور بنگلادش اعزام شد که تا تیر ماه ۱۳۷۵ در این کشور فعالیت داشت.

دکتر کهدویی، اولین استاد اعزامی از ایران به دانشگاه داکا، بنگلادش، پس از انقلاب اسلامی بود (اسفند ۱۳۷۲ تا تیرماه ۱۳۷۵) و مدت ۲ سال و ۴ ماه در دانشگاه داکا تدریس کرد. وی برای دومین بار در سال ۱۳۹۷ خورشیدی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به دانشگاه داکا اعزام شد که پایان مرداد ماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی مأموریت وی پایان یافت.

فعالیت‌های آموزشی دکتر کهدویی از سال ۱۳۷۰ خورشیدی، در دانشگاه یزد ادامه دارد و علاوه بر نگارش کتابها و مقالات فراوان، و

مسئولیتهای متعدد، راهنمایی تعداد زیادی رسالهٔ دکتری و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی به عهده داشته، و در کنفرانسهای علمی نیز در کشورهای مختلف؛ مانند: هند (دهلی، آگرا، علیگره، رامپور، احمد آباد، امریتسر، بمبئی، بیجاپور، پتنا، بنارس، حیدرآباد) تاجیکستان، افغانستان، بنگلادش، ویتنام، تایلند، ژاپن و چین. شرکت کرده‌اند و دنیایی از دانش و تجربه با خود دارند که در هنگام آشنایی و مصاحبت با ایشان، می‌توان شاهد بود.

بنده خیلی خوشحالم که به لطف و مهربانی خداوند منان بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا درباره این استاد بزرگ مجموعه مقالات چاپ و منتشر می‌کند. من افتخار دارم که شاگرد این استاد بوده و هستم. در سال ۱۹۹۵م وقتی من در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا سال اول لیسانس بودم، استاد دکتر **کهدویی** را دیدم و در کلاس‌های ایشان شرکت نمودم. به مناسبت‌های مختلف، به اردو می‌رفتیم، و در جاهای مختلف با ایشان در سفرهای علمی شرکت می‌کردیم. همیشه شاهد برادری، محبت و دوستی از این استاد بودم و هیچ‌وقت علامت خستگی از ایشان ندیدم.

در سال ۲۰۱۸م. استاد کهدویی با پرفسور دکتر **محمدابوالکلام سرکار** رئیس بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا که به دانشگاه چیتاگانگ سفر کردند، چهره و انرژی استاد کهدویی را مثل همان سال ۱۹۹۵م. دیدم. فقط به جای مو و ریش سیاه، این بار سفید شده بود.

ما استادان و شاگردان دانشگاه چیتاگانگ بخش زبان و ادبیات فارسی، از ایشان تقاضا داشتیم که استاد ما می‌خواهیم از شما درس

بگیریم، استاد گفتند که باشد، من هر دو ماه برای تدریس، از دانشگاه داکا به دانشگاه چیتاگانگ می‌آیم. از شنیدن این خبر بین شاگردان فارسی بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگانگ خوشحالی و شادی و پیروزی بود. بنده و خانم اسماء اختر استادیار این بخش، با دو استاد برجسته مزبور خدمت پرفسور دکتر افتخارالدین چودهوری، ریاست دانشگاه چیتاگانگ رفتیم. رئیس دانشگاه چیتاگانگ خیلی اظهار خوشحالی کردند و برای تدریس ایشان در دانشگاه چیتاگانگ گفتند که یک نامه بنویسید تا اجازه بدهم. چند مرحله ریاست دانشگاه چیتاگانگ از من برای آن نامه خبر گرفتند. از طرف بخش زبان و ادبیات فارسی و رئیس دانشکده علوم انسانی هم نامه مکتوبی به ریاست دانشگاه دادم. همه چیز درست شد؛ ولی متأسفانه، بالاخره از این نعمت الهی محروم شدیم. اما از طریق اینترنت همیشه با این استاد بزرگ ارتباط دارم و درباره مشکلات علمی از ایشان کمک می‌گیرم.

از خداوند منان برای سلامتی و تندرستی و حیات طولانی این استاد بزرگ و عاشق الهی مسألت دارم.

دکتر محمد کاظم کهدویی استادی پر تلاش و با اخلاص

دکتر محمد عطاء الله

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه راجساهی

استاد **محمد کاظم کهدویی** یک ستارهٔ بزرگ و درخشان در ادبیات فارسی بنگلادش است. او دو دفعه به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا، بنگلادش تشریف آورد. اولین بار که تشریف آورده بود، آن وقت من هنوز به صورت دانشجو در دانشگاه ثبت نام نکرده بودم. ولی بعد از ثبت نام در بخش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا تا قبل از دیدن استاد **کهدویی** دربارهٔ او از برادران بزرگ و از استادان محترم آنقدر تعریف و تعارف شنیدم که نمی توانم با زبان توضیح بدهم.

اولین بار با استاد **کهدویی** در دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ملاقات شد که من به عنوان مدیر گروه، و استادان دیگران از سراسر جهان در آن دانشگاه، در یک همایش بین المللی شرکت کرده بودیم.

در آن همایش از کشور ما بنگلادش، استاد بنده دکتر ک. ام. سیف الاسلام خان و دکتر عبدالصبور خان و دکتر محمد نور عالم (مدیر گروه فارسی دانشگاه چیتاگانک) هم شرکت کرده بودند. ایشان مرا در آن همایش به استاد **کهدویی** معرفی کردند. بعد از دیدن استاد همهٔ صفت‌هایی که دربارهٔ او قبلاً شنیده بودم، از رفتارهای خوب و صمیمی او تماماً یکی یکی نزد من مثل آئینه ظاهر شده بود.

در همان ملاقات اول، استاد مرا اینقدر محبت کرده بود که گویی مرا از مدتها قبل می شناسد. یک آدم از طرف انسانیت، اخلاقیات و بشریت چگونه اینقدر فوق‌العاده و بهتر می‌شود؟ بدون دیدن استاد

کهدویی هیچکس نمی تواند بفهمد. بعداً از آنجا شنیدم که استاد **کهدویی** شاید دوباره به دانشگاه داکا به عنوان استاد اعزامی تشریف بیاورند.

وقتی که استاد دوباره به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا آمدند، دلم خیلی می خواست که استاد را به دانشگاه راجشاهی دعوت کنم؛ ولی استاد قبل از دعوت من بطور همسفر، بارایزن جمهوری اسلامی ایران در داکا دکتر **سید حسن صحت** در دانشگاه راجشاهی تشریف آوردند(مثل داستان سفرنامه **ناصر خسرو**: چون نزدیک یاران و اصحاب آمدم یکی از ایشان شعری پارسی می خواند، مرا شعری در خاطر آمد که از وی در خواهم تا روایت کند. بر کاغذی نوشتم تا به وی دهم که این شعر بر خوان. هنوز بدو نداده بودم که او همان شعر به عینه آغاز کرد.) بعد از دیدن استاد را در دانشگاه راجشاهی من خیلی خوشحال شده بودم و با خود فکر کردم که خدای، تبارک تعالی، مقصود دل من را روا کرد. این تشریف آوردن، اصلاً بزرگی و عظمت ایشان را نشان می دهد.

استاد **کهدویی** همیشه در این فکر بود که چگونه استادان محترم و دانشجویان عزیز فارسی می توانند از او بیشتر مستفید بشوند. او بعد از حضور دوباره در دانشگاه داکا، سه چهار بار به دانشگاه راجشاهی تشریف آورده بود.

با شرکت استاد در دانشگاه راجشاهی، یک همایش بین المللی و یک دانش افزایی برگزار شده بود. برای موفقیت این دو برنامه استاد اینقدر زحمت کشید که بدون دیدن، و فقط با نوشتن، توضیح دادن ناممکن است. چه بخورد، یا کجا بخوابد؟ اصلاً ایشان به این مطلب فکر نمی کرد؛ مثلاً یک شب اول خیلی سرد بود، پتوی خود را به مهمان دیگر ایرانی داده بود، ولی به ما خبر نداد، شاید استاد خواسته بود که بدون پتو شب

را بگذراند. وقتی استاد **نورالهدی** در آن شب برای رسیدگی به مهمانسرا رفته بود، متوجه شده بود که استاد پتو ندارد؛ پس از منزل خود برای استاد پتو برده بود؛ ولی استاد **کهدویی** بارها گفته بود که ببخشید لطفاً زحمت نکشید، پتو نیاز ندارم... .

اکثر اوقات، در برنامه دوره دانش افزایی من با استاد بودم. بنده خودم شاهد بودم که استاد در زمان اجرای کلاس و برنامه، به سبب سرما خوردگی و بی خوابی مریض بود، ولی به هیچکس نگفت و همان وضعیت را گذراند و نگذاشت کسی بفهمد که استاد مریض است. من متعجب شده بودم که این احوال بی خوابی و مریضی استاد بر کارهای او هیچ تأثیری نگذاشته و همواره بر وظیفه خود فعال و کوشا بودند.

استاد می گفت که اتاق کلاس، نزد من مثل عبادتخانه یا مسجد است، برای این من هیچوقت بدون وضو به کلاس وارد نمی شوم. از این قول ما می فهمیم که استاد چقدر پرهیزگار و متقی هستند؛ به عنوان یک استاد اعزامی در درون او هیچ غروری و تکبری دیده نمی شود. اینکه کجا زندگی کند و کجا بخوابد و چی بخورد. هیچ وقت به این جهات نگاه نمی کند. قبل از اختصاص مسکن برای ایشان، از طرف دانشگاه داکا، استاد خیلی زحمت کشید و اذیت شد، باز هم بدون هیچ شکایتی برای گسترش و ترقی زبان و ادبیات فارسی در این کشور همیشه کارهای مهمی را انجام داد.

استاد **کهدویی** از نظر من، یک انسان کامل و موفق است. به عنوان یک استاد و یک انسان، تمام کمالات را در خود دارد. من به درگاه خدای تعالی دعا می کنم که هر جایی که هستند، موفق و موید باشند.

استاد دکتر کهدویی و آموزش عالی فارسی در بنگلادش

دکتر محمد بهاء الدین

استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

انسان به خواست خالق مطلق به زمین می آید و پس از مدتی خاص دوباره از آنجا می رود. در این دنیای رفت و آمد، برخی از افراد با کارهایشان همیشه به یاد ماندنی و تحسین می شوند. آنها در خلقت همان خوبی هستند که برای خلقت نیز نعمتند. همانطور که در پرتو آموزش خوب خود را روشن می کنند و آشکار می سازند، فرصتهایی را با آموزش خوب برای دیگران نیز ایجاد می کنند. آنها معیار آفرینش و آموزش را تعیین می کنند. همانطور که خود را با آمیزه ای از دانش و خرد غنی می کنند، در این مسیر به راهنمایی دیگران نیز می پردازند.

پروفسور دکتر محمد کاظم کهدویی یکی از آن افراد نادر و با استعداد است که در طول زندگی، خود را درگیر دانش و تحقیق می کند. هیچ خستگی و غفلتی در مسیر دانش وی وجود ندارد. هنگام گشتن در مسیر ظریف تحقیق، هیچ وقت هیچ نوع تنبلی او را تحت تأثیر قرار نداد؛ بنابراین در حال حاضر، وی به عنوان یک متفکر ایده آلیست در پیگیری آموزش، دانش، تحقیق و حکمت شناخته می شود.

در مورد دهه نود قرن گذشته مسیحی صحبت می کنم. من تازه در دانشگاه داکا ثبت نام کرده و به عنوان دانشجو پذیرفته شده بودم. کلاسها نیز در گروه فارسی شروع شده بود؛ اما من، نامی ناآشنا از اساتید شنیدم. آنها با احترام و عشق فراوان این نام را بر زبان می آوردند، او را به یاد داشتند و از او سپاسگزاری می کردند. نام مبارک ایشان،

دکتر محمد کاظم کهدویی بود، که از سه دههٔ اخیر به عنوان استاد شهرت زیادی کسب کرده است. من شنیدم که او به عنوان استاد اعزامی آمده و دو سال و چهار ماه در گروه ما تدریس کرده بود. ما به عنوان جدید الورود پذیرفته شدیم و او با تجربهٔ بنگلادش به ایران بازگشت. حیف بود که ما او را ندیدیم؛ اما احساس گرما از شخصیت وی در گروه احساس کردیم. من بارها سخنان وی را از دکتر ک. م. سیف الاسلام خان، استاد خودم شنیده بودم؛ گرچه او را ندیدم به او علاقه‌مند و ارادتمند شدم.

من در آزمون پذیرش گروه مقام اول را کسب کرده و به مطالعه، کلاسهای منظم و تمرین دانش خیلی اختصاص داده بودم. در میان همهٔ اینها، من علاقه مند شدم که استاد کهدویی را ببینم. سپس برای اولین بار حضور مورد انتظار او را در نشریهٔ یادگار که به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد گروه فارسی منتشر شده بود، دیدم. در آن یادگار، مقاله-ای طولانی از استاد کهدویی با عنوان "دو سال در میان شما" منتشر شده بود.

زبان مادری ما بنگالی و زبان مادری آنها فارسی است. اما هنگام تحصیل در گروه فارسی، عشق اصیل به فارسی در من متولد شد. من در آن زمان فارسی را خیلی بلد نبودم، حتی نمی توانستم فارسی را خوب بخوانم. اما جاذبهٔ قلبم را نسبت به استاد کهدویی احساس می‌کردم. در آن زمان سعی کردم مقالهٔ او را با نقص آموزش و محدودیتهای دانش بخوانم. با کمال تعجب متوجه شدم که گرچه هنوز از نظر زبان به او

نزدیک نشده‌ام، اما از نظر روابط روحی بسیار با او نزدیک هستم. رمز و راز این است که در مقاله او شعری در مورد این موضوع ذکر شده است:

پس زبان همدلی خود دیگر است

همدلی از همربانی بهتر است.

بالاخره زمان با من عدالت کرد. انتظار طولانی برای دیدن استاد **کهدویی** به پایان رسید؛ اما در آن زمان من دیگر دانشجو نبودم، قبلاً به عنوان مدرس به گروه فارسی پیوسته بودم. استاد **کهدویی** برای شرکت در یک سمینار بین المللی به بنگلادش آمد. وی در یک ساختمان مسکونی در منطقه اوتارا در پایتخت داکا اقامت داشت. دکتر سیف-الاسلام خان مرا به آن خانه برد و در آنجا با استاد **کهدویی** روبرو شدیم. او یک قدرت هیپنوتیک دارد، این همان چیزی است که من در نگاه اول او را درک کردم. او از سر تا پا یک استاد واقعی، و نمونه‌ای از یک محقق کامل است. هر سه نفر ما مدت طولانی را در آنجا گذرانیدیم، تمام مدت زمانی که او ما را خوشحال و مجذوب نگه داشت.

استاد **کهدویی** وقتی برای بار دوم به این کشور بازگشت پیشرفتهای زبان و ادب فارسی، باعث شد که انگیزه بیشتری به او بدهد. وی به عنوان یک استاد اعزامی در دفعه دوم خود، به کار خستگی ناپذیر برای بهبود کیفیت آموزش و تحقیقات در گروه ما ادامه داد. این بار نه در تصور، حتی نه در یک ملاقات لحظه ای، اما ما دو سال کامل این خوش شانسی را داشتیم که او را ببینیم. دانش، مهارت، تجربه، شخصیت و ذوق او قابل مقایسه نیست. علاقه قلبی وی به استادان، دانش آموزان و عاشقان فارسی واقعاً چشمگیر است. الهام او از درس و تدریس، تکمیل تحقیقات و ساختن ذهنیت پیشرفته یک موفقیت بزرگ برای ماست. او نه تنها از

دانشگاه داکا راضی بود، بلکه در صورت لزوم به دانشگاه راجشاهی، و گاهی دیگر به دانشگاه چیتاگنگ هم می‌رفت. فقط یک هدف داشت؛ اطمینان از آموزش و تحقیق با کیفیت در زبان و ادبیات فارسی. چنین محقق فداکار آموزش و پرورش دوستانه در جامعه امروز بسیار نادر است.

پروفسور **که‌دوی** با دقت تمام قسمت مربوط به بنگلادش را در نوشته‌ها و تحقیقات خود آورده است. وی به فارسی چندین مقاله در مورد بنگلادش نوشته که در ارزیابی ارزش تاریخ، سنت و تحقیقات بسیار قابل توجه است. در پرتو این نوشته‌ها، علاقه، عشق و اهمیت زیاد وی درباره بنگلادش نمایان شد.

در اینجا چند نمونه از نوشته‌های وی در مورد بنگلادش ذکر گردیده است: "فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ی دانشگاه داکا مجموعه حکیم حبیب الرحمان"، "زبان فارسی و روابط فرهنگی ایران و بنگلادش"، "عرفان و تصوّف و نفوذ آن در هند و بنگلادش"، "زندگی و احوال قاضی نذراالاسلام، شاعر ملی بنگلادش" و غیره.

استاد **که‌دوی** در دو دفعه از لحاظ استاد اعزامی چهار سال و چهار ماه در بنگلادش گذراند. غیر از این، او در زمانهای دیگر هم به این کشور تشریف برده و مشارکت خود را در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی تأیید کرده است. او همچنین بیش از سه دهه اخیر در فکر، کار و کمک‌های قابل توجهی به آموزش عالی در بنگلادش بوده است. با پایان یافتن ماموریت و فعالیت‌های چشمگیر اخیر دو ساله نام برده، در تاریخ ۲۰ جون ۲۰۲۰م از سوی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا مراسم تودیع و خداحافظی با آن استاد بزرگوار برگزار شد. اگر چه به سبب کرونا، روزهای تعطیلی دانشگاهها بود، اما استادان علاقه‌مند، خود را به محلّ

سالن دانشکده علوم انسانی رساندند. در آن مراسم استادان گروه و رایزن فرهنگی ایران و معاون وی و تعدادی از افراد دیگر، به صورت برخط نیز ارتباط برقرار بود و استادان از دانشگاههای دیگر بنگلادش و همچنین هند که استاد را می شناختند و از محضر نامبرده بهره برده و شاهد فعالیت‌های وی بودند، به سپاس‌گزاری و قدردانی از زحمات‌های این استاد اعزامی پرداختند.

من نیز در آن مراسم وداع استاد احترام و تشکر ویژه خود را نسبت به وی ابراز کردم و سخنان خود را با شعر زیر خاتمه دادم:

خداحافظ ای خواب شیرین ما
 خداحافظ ای عشق دیرین ما
 خداحافظ ای سر به سر زندگی
 خداحافظ ای دین و آیین ما
 خداحافظ ای ناله‌های شبانه
 خداحافظ ای عاشق بی بهانه
 خداحافظ ای شور عشق و جدایی
 خداحافظ ای لحظه آشنایی
 خداحافظ ای چشمه روشنایی
 خداحافظ ای قربت و آشنایی
 خداحافظ ای قصه ناتمام
 خداحافظ ای روح خواب و خیالم.

استاد فراموش ناشدنی

دکتر محمد عثمان غنی

مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه راجشاهی، بنگلادش

دکتر محمد کاظم کهدویی استاد اعزامی در دانشگاه داکا بود. این استاد بزرگوار و محقق ماهر، استاد دانشگاه یزد، رئیس دانشکده ادبیات، و کتابخانه مرکزی دانشگاه یزد در ایران بوده. و در دانشگاههای: یزد، کابل، دهلی، داکا و راجشاهی تدریس کرده و بیش از صد مقاله، کتابهایی چون گزیده آثار عین القضات، بابت سعاد، تذکره شمع انجمن، پیغام جمال، نگارش مطلوب، نرگستان، عرفان و تصوف، از نگارش تا شناخت، در مکتب حقایق، آیینہ تعلیم، دیوان عبیدی، و مثنوی در صفت بنگاله را تألیف و... تصحیح کرده است، و به تدوین و گردآوری ایشان، کتابی به نام «مجموعه گل» از گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه راجشاهی، بنگلادش نشر شده است، شامل: مختصری از نگارش، پژوهش، دستور و آرایه های ادبی؛ در این مختصر سعی شده است که هر یک از عنوانهای دروس به صورت خیلی خلاصه آورده شود تا فهم و فراگیری آن برای دانشجویان غیر فارسی زبان آسان باشد.

اگرچه استاد کهدویی استاد اعزامی دانشگاه داکا بوده، ولی چند دفعه در دانشگاه راجشاهی تشریف آورده است. در همایش بین المللی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و در همایش گروه زبان و ادبیات فارسی مقاله خوانده. دوره دانش افزایی فارسی که در دانشگاه راجشاهی برگزار شده است، دکتر کهدویی در آن دوره تدریس کرده. ایشان در دل استادان و دانشجویان دانشگاه راجشاهی چنان جایی گرفته است که هیچوقت فراموش کردنی نیست. خدا حیات ایشان را طولانی بسازد و صحت و سلامت ببخشد.

استادی شکیبا و توانا

احسن الهادی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه داکا

استاد دکتر محمد کاظم کهدویی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد یکی از استادان مشهور زبان و ادبیات فارسی ایران و نزد فارسی زبانان است. او از دانشسرای عالی یزد مدرک کارشناسی و از دانشگاه تربیت مدرس مدرک کارشناسی ارشد و از دانشگاه تهران مدرک دکتری را گرفت. در زندگی شغلی رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه یزد، رئیس دانشگاه پیام نور منطقه ۴ کشور، رایزن فرهنگی ایران در افغانستان، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه یزد، استاد اعزامی به دانشگاه شانگهای چین، و دوبار در دانشگاه داکا به عنوان استاد اعزامی بود که کار خود را به خوبی انجام داد.

قبل از آمدن به دانشگاه داکا در دفعه دوم، در سال ۲۰۱۸، درباره ایشان، بارها شنیده بودم. وقتی که به خدمتشان رسیدم، مجذوب شخصیت استاد گرامی شدم. بسیار چیزها از این استاد یاد گرفتم. از ویژگیهای استاد کهدویی صداقت بود با پشتمانه ای محکم برای مطالب خویش، دانشجویان نیز می توانستند در سایه اعتماد ایشان چیزها بیاموزند، عشق بورزند و عمل نمایند. از یک سخن استاد خیلی خوشم می آمد که می گفتند: بنده همیشه با وضو وارد کلاس می شوم، چون وقتی که در کلاس درس می دهم و ذکر خداوند می شود، فرشتگان الهی از در و دیوار می آیند و به ما نظاره می کنند و درود می فرستند. بدین سبب من در کلاس با مواظبت و توجه کامل کار خود را انجام می دهم.

خصوصیات، ویژگی‌ها و تکنیک‌های بسیاری از تدریس استاد **کهدویی** آموختم که باعث موفق شدن یک معلم می‌شود. استاد می‌گفتند که: در کلاس شور و اشتیاق داشته باشید تا دانش‌آموزان بتوانند این هیجانات را احساس کنند و به آسانی عشق و علاقه معلم را به کار خود و موضوع مورد بحث و تدریس را تشخیص دهند. هر روزه به برنامه ریزی و آماده کردن دروس بپردازید و همیشه سر وقت در کلاس بیایید. کلاس را سر وقت شروع و تمام کنید، انتظار داشته باشید تا دانشجویان نیز سر وقت در کلاس بیایند. آنان را به این کار تشویق کنید. برای دانشجویان وقت صرف کنید و امکان خلاقیت به آنان بدهید. با آنان دوستی و مهربانی کنید و همیشه متبسم باشید و به آنها توجه کنید. با دانشجویان همیشه با احترام رفتار کنید.

در چند کلاس با استاد **کهدویی** حاضر بودم. استاد سر وقت در کلاس حاضر می‌شدند. دانشجویان هر چند که سؤال می‌کردند، دلخور نمی‌شدند، بلکه با شکیبایی جواب ایشان را می‌دادند. ذره ذره موضوعات را برای دانشجویان توضیح می‌دادند و آشکار می‌کردند. هیچ وقت در کلاس خسته نمی‌شدند و وقت کلاس را کم نمی‌کردند. بسیار کارهای ترجمه با کمک استاد انجام دادم. اگر کارهای ترجمه می‌آمد، تا این پشتم را داشتم که استاد هست، می‌توانستم آن کار را تمام کنم.

استاد **کهدویی** بسیار به ما کمک کردند. وقتی که برای کارهای پژوهشی نزد ایشان می‌رفتم، با صمیمیت وقت می‌دادند. مشکل هرچندی بود نزد ایشان حل می‌شد. من خوشبختم که با استاد **کهدویی** در برنامه‌ها و در کلاسهای ایشان به عنوان مترجم حاضر بودم. سخنرانیهایشان را به زبان بنگلا ترجمه می‌کردم. ایشان آهسته و آرام سخنرانی می‌کردند و همیشه توجه شنوندگان را جلب می‌کردند. در شاخه سخنرانیهای دینی و ادبی مهارت کامل داشته بودند.

ایشان برای گسترش علم و دانش علاقه فراوان داشت و برای کسب علم و دانش با علما و شعرا ملاقات می‌کرد. او می‌توانست خیلی زود با مردمان ارتباط عاطفی و روحی پیدا بکند. در برنامه‌های علمی و دینی که دعوت می‌کردم، ایشان سر وقت در آن مجلس حاضر می‌شدند. استاد چند بار هم در خانه من حاضر شد که این باعث افتخار من است.

ایشان عالمان دین را خیلی دوست می‌داشت؛ چونکه اکثر عالمان دینی بنگلادش فارسی می‌دانستند. او می‌گفت: در این کشور معمولاً علما و بزرگان با شعر فارسی مأنوس هستند. علما و خطبا برای اظهار دانش بیشتر خود به شعرهای سعدی، حافظ، عطار، جامی، مولانا و غیره استناد می‌کنند و اصولاً شعر و شاعران فارسی با ادب و فرهنگ این مردم عجین شده است؛ به همین سبب من این مردم را دوست می‌دارم.

استاد **کهدویی** در بنگلادش استاد استادان زبان و ادبیات فارسی است. حدود ده نفر از استادانی که امروز به مرتبه استادی رسیده‌اند، از دانشجویان ۲۵ سال پیش استاد بوده‌اند. از دانشجویان استاد، اکنون در زمینه زبان و ادبیات فارسی بنگلادش نسل جدیدی پیدا شده است.

استاد **کهدویی** بهترین انسانی است که من دیدم. کسی که لایق تمام خوبیهای دنیاست؛ یک استاد خوب، استاد اخلاق، و حرفه‌ای و آزموده در کار.

اگر کرونا نبود شاید استاد اینطور زود از بنگلادش خداحافظی نمی‌کرد. دعا می‌کنم که ایشان دوباره به بنگلادش تشریف بیاورند تا بیشتر از این، مطالب از استاد یاد بگیرم.

چند روز با استاد کهدویی

محمد کمال حسین

مدرس مؤسسه زبانهای نوین

دانشگاه داکا، بنگلادش

در سال ۱۹۹۹ میلادی برای نوشیدن شراب عشق فارسی در دانشگاه داکا در بخش فارسی و اردو ثبت نام کرده بودم. آن وقت کتابی به نام "گزیده احوال و آثار قاضی نذر الاسلام" در کتابخانه سمینار گروه دیدم. در آن کتاب، نامی دیدم که استادان قبلاً آن نام ذکر کرده بودند، نه فقط نام مبارکشان گفته بودند، بلکه اضافه کردند که یک استاد ایرانی اینجا بودند که با مهربانی و محبت درس دادند و راهنمایی کردند. مردی خیلی دانا بود، ولی عادت عام و رفتار او خیلی معمولی و ساده و مهربان بود. نام شریف ایشان دکتر **محمد کاظم کهدویی** است. بعد از شنیدن آن نام مبارک حیران بودم کی آن استاد محترم را می توانم ببینم و چشمم را روشن کنم.

از استادان پرسیدم که آن بزرگمرد کی هستند که همیشه شما اینطور از ایشان تعریف می کنید و نام گرامی ایشان از لبان دور نمی شود؟ استادان گفتند: او کسی بود که با وضو در کلاس وارد می شد و اتاق کلاس را عبادتخانه می دانست. او استاد اعزامی ایرانی بود؛ ولی ما هیچ وقت احساس نمی کردیم که او یک خارجی است، بلکه همیشه فکر می کردیم که ایشان یک عضو خانواده ما هستند. ایشان نه فقط استاد بودند، بلکه یک دوست و رفیق صمیمی ما بودند. چون یک استاد آنطور نمی شود، آنطوری که آقای دکتر **کهدویی** بودند. فقط یک دوست خوب می تواند آنطور بشود.

به هر طریقی بود وی کوشش می کرد تا بچه ها زبان فارسی یاد بگیرند. دانشجویان فقط در کلاس، درس نمی خواندند، بلکه رفتار و ادب و مهر او را هم یاد گرفتند. در این فکر عمیق افتادم که یک استاد چطور در دل شاگردان اینطور جا می گیرد؟ بنده دانشجوی تازه وارد، آن چهره مبارک را با چشم خود ندیدم، ولی در آینه دل یک عکس خوبی را حفاظت کردم و لحظه شماری می کردم که کی وی را می توانم ببینم.

الحمدلله بالاخره در سال ۲۰۱۸ میلادی آن آرزو به حقیقت پیوست و "قند پارسی به بنگاله آمد".

وقتی که یک عزیز، به عنوان استاد اعزامی از ایران به بنگلادش تشریف آورد، مردی بود با موی سفید، چهره اش نورانی بود، در چهره اش یک لبخند جاری بود، با وی ملاقات شد. ابتدا وی سلام فرمود و گفت از ایران به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا آمده است. من وی را با آن عکس دل مقایسه کردم و فهمیدم که او باید دکتر محمد کاظم کهدویی باشد. گمان ما راست بود رفتار وی، تعریفش را آشکار می کرد.

هرچه که وی را دیدم و به او نزدیکتر شدم، روز به روز تعجب کردم که یک نفر عالی مقام، چگونه اینطور با ملایمت رفتار می کنند. شاید ایشان دانشمندی والا و انسانی کامل هستند؛ برای اینکه ممکن شد. بعد از چند روز فهمیدم که قول استادان درباره آقای کهدویی صد در صد راست بود. او نه فقط یک استاد، یا یک فرد هستند، بلکه به عنوان یک مؤسسه خویش را می نمایند. وقتی که درس به ذهن دانشجویان نمی آمد، او فقط یک لبخند می زد و دوباره شروع می کرد و یک جمله را ده جور تشریح می دادند تا به ذهنشان برسد. همیشه مشکلات ادبی دانشجویان و استادان را حل می کردند تا برایشان اطمینان حاصل می شد.

هر یک لبخند او مثل یک علاج مریض بود. خوشبختی اینست که سرانجام یک دانشمند حقیقی را از نزدیک دیدم.

با او صدها خاطره دارم. کدام را بیان، و کدام را ترک کنم؟ در حقیقت احساسات دل را نمی شود با نوشته اظهار کرد. اینجا فقط خاطره‌ای با او را ذکر می‌کنم:

روزی در سال ۲۰۱۹ میلادی، با استاد بزرگ، از داکا به چیتاگانگ، با هواپیما همسفر شدیم. صندلی ما هم با هم بود. در طی دو روز، از وی موضوعات زیادی را یاد گرفتم. ما برای شرکت کردن یک جلسه عارفانه به آنجا رفته بودیم. استاد **که‌دویی** مقاله‌ای پژوهشی درباره تصوف نوشت بنده آن مقاله را به زبان بنگلا ترجمه کرده بودم و در موقع ترجمه کردن احساس کردم که مقاله قشنگ و زیبا را چطور باید نوشت؟

دو روز و شب با هم بودیم و به داکا برگشتیم؛ ولی در مدت ۴۸ ساعت خیلی چیزها در ذهنم جمع کردم که هیچ وقت فراموش نمی‌شود.

روزی خانم دکتر **کلثوم ابوالبشر** گفت که "استاد **که‌دویی** مثل یک آفتاب بود. همه دانشجویان فارسی و استادان فارسی مثل ستارگان شمسی اطراف وی گردش می کردند". اصلاً الفاظی نیست که با آن بتوانم او را کاملاً تعریف کنم و هیچ کلمه‌ای درباره تعریف وی کافی و کامل نیست.

روزی به خانه استاد **که‌دویی** رفته بودم با دست خود چای درست کردند و میوه‌ها و شیرینیها آوردند و مهمان‌نوازی کردند. آن وقت فهمیدم که درخت هرچه میوه زیادی داشته باشد، شاخه‌اش پایین‌تر می‌آید. روزی درخواست داشتم که چند کتاب به عنوان پی دی اف و شعر جدید ایرانی را بطور نرم افزار دریافت کنم، استاد فقط لبیک گفت و سر را کمی

تکان داد و صدایی آمد "چشم". استاد خیلی زحمت کشید و آنها را درست کرد و خودش به بنده زنگ زد تا آن را از خانه اش بیاورم. فهمیدم که نشان استاد و محقق همین است.

اصلاً احساس نکردم که وقت چطور زود می‌گذرد. وی ضیای زبان و ادبیات فارسی مثل کشورهای دیگر بنگلادش را هم شعله‌ور ساختند و نورانی و گسترده کردند. سهم او را دانشجویان فارسی بنگلادش هیچ وقت فراموش نمی‌کنند. اصلاً فراموش کردنی نیست. این افتخار من است که ساقی من هم استاد **کهدویی** هستند و از نوشیدن شراب علمشان بی‌هوش شدم و آرزو دارم در آینده هم بمانم و از ایشان دانش بیاموزم.

دکتر محمد کاظم کهدویی:

آنکه کلامش جاودانه می ماند

پروفسور سراج الحق

سردبیر اسبق، نیوزلتر بزرگسالان

نشریه راینی فرهنگی ج. ا. ایران

داکا، بنگلادش

قبل از نوشتن درباره دانشمند والامقام و دوست صمیمی من دکتر محمد کاظم کهدویی، احساس می کنم که مقدمه ای کوچک لازم است.

سخن این است که بنده ۱۹ سال سردبیر مجله نیوزلتر بزرگسالان، نشریه راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا، بودم. قبل از آن هم ۴ سال در جمهوری اسلامی ایران مشغول کار بودم. به همین سبب با گروه های گوناگون مردم ایران در ارتباط بودم. بویژه در راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش به عنوان مدیر بخش بنگالی و سردبیر نیوزلتر، مشغول کار بودم، به همین دلیل با سفیران ایران و نمایندگان دولتی و غیر دولتی ایران که به بنگلادش تشریف می آوردند، ارتباط صمیمی با ایشان برقرار می شد یکی از آنان دکتر کهدویی است.

دکتر محمد کاظم کهدویی، اولین بار در سال ۱۹۹۴م. به عنوان استاد اعزامی از دانشگاه یزد ایران، به گروه فارسی و اردوی دانشگاه داکای آن زمان (نام گروه فعلی «گروه زبان و ادبیات فارسی») تشریف آوردند. شایان ذکر است که بنده هم زمانی به کار تدریس مشغول بودم بدین خاطر با ایشان تشابه شغلی داشتم؛ علاوه بر این، پسر، طارق سراجی، دانشجوی آن گروه بود که الان استاد آن گروه است.

دکتر کهدویی، گاه گاهی به رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آمد و رفت داشت؛ این هم جنبه دیگری از ارتباط شغلی است؛ بنابراین، با **دکتر کهدویی** بسیار خاطرات دارم.

به سبب چهار سال در ایران ماندن، نسبت به زبان فارسی بیشتر علاقه‌مند شدم. از طرف دیگر، بنده از زمان پاکستان (وقتی که بنگلادش به عنوان پاکستان شرقی محسوب می‌شد)، به ادبیات **اقبال لاهوری**، خیلی علاقه داشتم و الآن هم دارم؛ لیکن درک و احساس اشعار مشکل بود. به خاطر اقامت در ایران، مقداری مطالعات و آموزش فارسی یاد گرفتم. ولی با آمدن استاد **کهدویی**، و همنشینی با ایشان، در این زمینه بیشتر پیشرفت کردم.

بنده شعر **اقبال**، بویژه «پیام مشرق» را شروع به مطالعه کردم. برای فهمیدن و درک موضوعات پیچیده، به یاد استاد **کهدویی** افتادم. آقای **کهدویی**، آن وقت در منطقه «بنانی» زندگی می‌کردند. من از منطقه دانمندی گاه گاه به آنجا می‌رفتم. و ساعتهای طولانی با ایشان گفتگو می‌کردم. چه قدر با محبت و صمیمانه درباره دشواریها توضیح می‌داد، و تا گفتن تمام نمی‌شد، ادامه می‌داد نمی‌توانم اینهمه لطف و بردباری را توضیح بدهم.

یک بار که اکادمی مطالعات اقبال تحت نظر من بود، دکتر **کهدویی** را به یک برنامه آن دعوت کرده بودم. ایشان آن قدر پر اطلاع سخنرانی کردند که باعث تعجب حضار شده بودند.

بار دیگر که به عنوان «جاتیوا مانگولیر کابی» (شاعر مانگل ملی) به یاد **محمد مزمل حق** برنامه سخنرانی برگزار کرده بودیم، از استاد **کهدویی** نیز دعوت کرده بودم. رقعهای درباره شاعر یادشده به وی داده

بودم، اما ایشان بواسطه سخنرانی عالمانه خود، حاضران برنامه را بسیار خوشحال و متعجب کردند، اینکه یک ادیب ایرانی درباره یک شاعر بنگالی اینقدر احساسات دارند، واقعاً حاضران در برنامه متعجب شده بودند. در این برنامه شاعران و ادیبان برجسته بنگلادش سخنرانی کردند؛ مانند **محمد مکمل حق** پسر شاعر، کابی (شاعر) **اسد چودھوری** و...

یک بار استادان و دانشجویان گروه فارسی به بازدید منطقه سونارگاؤن (ناحیه قدیمی داکا) رفتند. آقای **کهدویی** هم رفتند. بنده هم رفتم. تمام روز با غذا خوری و مسابقه های گوناگون و بازی و شادی گذشت. برای دیدن مهارتهای **کهدویی** در بازی همه متعجب و حیران شدند. سخن اصلی این است که وی یک استاد و دانشمند خارجی بود، ولی آنهمه مهارت و توانمندی از خود نشان داد.

به مناسبت برگزاری سالگرد تأسیس سازمان ملل، یکبار در اکادمی بنگلا برنامه‌ای برگزار شد. در این برنامه کارمندان سفارتخانه‌های گوناگون مقیم در بنگلادش حضور داشتند و شاعرانی بومی و خارجی، اشعار و سروده‌های خود را خواندند. **دکتر کهدویی** که مرا به همراه خود برده بود، با سرودن و خواندن شعری همه را به تعجب انداخت. یادم هست که نام آن شعر بود "هوشیار سازمان ملل!" آقای **ابوموسی محمد عارف بالله** شعر را به زبان بنگلا ترجمه کرده بود.

بنده در سال ۲۰۰۲م. در همایش بین‌المللی استادان زبان فارسی در تهران شرکت کردم. **دکتر کهدویی** یک روز در لابی هتل لاله با من ملاقات کرد. با وی دختر کوچک و داماد خودش هم حضور داشت. مرا به ایشان معرفی کرد. بسیار صحبت شد. درباره همه آشنایان و دوستان در داکا احوال پرسیدند. با هم چای هم نوشیدیم.

یک روز دیگر هم در اتاق من در هتل حضور پیدا کردند. دست ایشان یک جعبه میوه خشک بود، گفتند که این برای طارق آورده‌ام. پسر طارق سراجی یکی از دانشجویان مورد علاقه وی است. نسبت به او بسیار محبت دارند و این هدیه که آورده‌اند، نشانه محبت و صمیمیت ایشان است.

برگزار کنندگان همایش یادشده، آن لحظه کتاب پنج جلدی *دانشنامه ادب فارسی* به اتاق من رسانیدند، به خاطر سنگینی این کتاب، من می‌خواستم که واپس بدهم، استاد کهدویی گفتند که کتاب ارزشمندی است، ببرید برای طارق، به درد می‌خورد.

وی برای بار دوم، سال ۲۰۱۹م. به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا تشریف آوردند، تا ۲۰۲۰م. که آنجا بودند، از نیویورک بواسطه تلفن بسیار گفتگو می‌شد. جقدر صمیمیت! جقدر لطف و مهربانی! زبان از گفتن عاجز است.

بعضی اوقات یک نفر خارجی، مانند یک هم‌میهن خویشاوند می‌شود. این به سبب رفتار و صمیمیت ایشان است. همانطور نیز خاطرات یک نفر به عنوان یادگاری در قلب دیگری جاودانه می‌ماند، دکتر کهدویی براستی اینطور آدمی است. ما همه یک روز می‌رویم و به فنا می‌رسیم و تباه می‌شویم؛ اما آنچه بر صفحات کاغذ نقش می‌بندد، جاودانی است و گم نمی‌شود و این نوشته‌ها در یاد و خاطره‌ها باقی می‌ماند و گاه آیندگان را نیز به جنبش و حرکت می‌آورد و به لرزه می‌اندازد. این است کارهای نادر روزگار. به قول رابیندرانات تاگور:

هر چیزی که با چشم دیده می‌شود، چیزی ناچیز و بی ارزش نیست
امروز شاید گمان رود که ناچیز است

نایاب از این جهان جایگاه اندکی دارد
افراد نادر در این جهان ناکام هستند.

رئیس سابق گروه زبان و ادبیات فارسی، عزیز و دلبندم، پروفیسور
محمد ابوالکلام سرکار، به یاد دکتر کهدویی، ارجنامه‌ای گردآوری
می‌کند، برای این خبر خوشحال شدم و به خواهش وی دربارهٔ دوست
عزیزم، دکتر کهدویی این مقالهٔ مختصر را نوشتم. (۲۰ جنوری ۲۰۲۱،
نیویورک، آمریکا).

حافظ نیامد تو آمدی

دکتر محمد عیسی شاهی

رئیس انجمن فارسی بنگلادش

استاد **محمد کاظم کهدویی** وقتی به سرزمین بنگلادش آمد، گویا بلبل‌پریشان بود در جستجوی دلبران در یک گلستان خزان زده ویران. بله، او آمد و سرود دل‌داری را نواخت. گلستان فارسی بنگال که روزی آرزوی مهمان‌نوازی **خواجه حافظ** را داشت، بعد از سال‌های دراز **محمد کاظم کهدویی** را یافت. او مهمان عالم رؤیا بود. بستر دل‌ها به استقبال او گل‌باران شد. گلستان با نغمه سرایی بلبلان از خواب‌گران زمستان بیدار شد. گل‌ها شکفته و باد بهاران بر محیط درسگاه دانشگاه داکا مشک فشان شد.

بله! **دکتر کهدویی** در دانشگاه داکا به عنوان استاد اعزامی ایران، به منزلهٔ احیاگر فارسی در سرزمین بنگلادش بود. او استادی بود که تمام وجودش در فکر و اندیشهٔ دانشجویان فارسی، و تعالی دانش آنان مستغرق بود. دانشجویان هم توانستند از وجود این استاد دلسوز کمال استفاده را ببرند.

حضور دکتر کهدویی همزمان بود با مأموریت جناب آقای **علی اورسجی** رایزن محترم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا. آقای **اورسجی** خودش نیز در تحکیم پیوند دیرینه بین ایران و بنگلادش تاریخ ساز بود. همکاری صمیمی این دو بزرگوار، وزش بهار جدید در فضای فارسی بنگلادش را به وجود آورد و همه جا را معطر نمود. هنوز خوشبویی آن به مشام ما می‌رسد.

آقای علی اورسجی رایزن وقت، در یک مراسم دولتی بنگلادش، قول داده بود که به پاس ارادت فرهنگ دوستان بنگلادش، نسبت به ایران و شعرای ایران، شرح حال زندگی قاضی نذرالاسلام را به زبان فارسی تهیه و چاپ نماید. از قضا قرعۀ نوشتن این کتاب به فال این دیوانه خورد. برای ویرایش این کتاب، چند تن از صاحب نظران تبحر خودشان را به آزمایش گذاشته بودند. بالاخره آقای کهدویی آمد و ویرایش این کتاب را نهایی نمود. و به مناسبت سفر تاریخی حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری وقت ایران، به بنگلادش در سال ۱۹۹۵م. این کتاب به حلیۀ چاپ آراسته شد. مایۀ خوشحالی بود که طی یک مراسم بزرگ با حضور وزیر ارشاد اسلامی ایران و مقامات بلند پایه فرهنگی و دولتی بنگلادش این کتاب رونمایی شد.

استاد کهدویی در محیط دانشگاه، به جای این که بر کرسی عز و شأن بنشیند، ترجیح می داد دوست دانشجویان باشد و در کلاس و خارج از کلاس همراه و همنوای آنها باشد. اگر دانشجویان نمی توانستند به علت عدم آشنایی با فارسی، مطالب استاد را درک کنند، این بزرگوار با حرکات جوارح و یا اندام تلاش داشت مفهوم را به ذهن دانشجویان برساند که بسیار مثمر ثمر بود. با این روش بود که استاد توانست بیشترین توجه و محبوبیت دانشجویان را جذب نماید. به نظرم یکی از امتیازهای تفوق این استاد بر دیگر استادان فارسی همین روش بود.

در کنار تدریس، آقای کهدویی در خصوص معرفی فرهنگ بنگالی و نایبۀهای این سرزمین، مقالات متعددی نوشت. بخصوص با گسترش دادن مطالب کتاب شرح و حال قاضی نذرالاسلام شاعر ملی بنگلادش که شیدای ایران و حافظ و خیام بود مقالات زیادی به رشته تحریر

در آورد. حضور نویسنده در کنار مقبره قاضی نذرا لاسلام در جوار مسجد مرکزی دانشگاه داکا اعتبار و ارزش این مقالات را دوچندان کرد. عنوان یکی از کتابهای اینجانب "بلبل ایران حافظ شیرازی" بود. آقای کهدویی معرفی نامه‌ای روی این کتاب نوشت و به کیهان فرهنگی تهران ارسال کرد. نوشتار ایشان با تیترا "حافظ در کتابفروشی بنگلادش" چاپ شد ولی متأسفانه اسم دکتر کهدویی به عنوان معرف این کتاب چاپ نشد. وقتی استاد کهدویی کپی این مجله را به من اهدا کرد، ناراحتی از این ناسپاسی در چهره استاد ملموس بود.

در اولین برخورد استاد کهدویی در بنگلادش تمام توجه بنده را که به عنوان دانشجوی فارسی و اردوی دانشگاه داکا ثبت نام کرده بودم به خود جلب نموده بود. از دیدن استاد چه شوقی و چه سروری صحرای درونم را درنوردیده بود، از احساسات شعرگونه‌ام پیداست. زهی سعادت بود که این شعر را در مراسم استقبالیه استاد در تالار مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه داکا در حضور سفیر ایران و رئیس دانشگاه داکا قرائت کرده بودم و باعث ایجاد اعجاب حضار شده بود. این شعر بعداً در کتاب خدمتگزاران فارسی در بنگلادش با عنوان "مهمان عالم رویا" به چاپ رسید. نویسنده کتاب، دکتر محمد کلیم سهسرامی استاد دانشگاه راجشاهی، یکی از پیشتازان ترویج فارسی در بنگلادش بود و توسط رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ماه مارس ۱۹۹۹م در داکا به چاپ رسید.

استاد کهدویی این همای سعادت، بعد از ۲۲ سال، در ماموریت دیگر در آسمان زبان و ادبیات فارسی بنگلادش پدیدار شد که همان دوستی و برکات را به ارمغان آورد. این بار هم کارهای اینجانب در ارتباط

با مثنوی پژوهی را در گزارشها انعکاس داد. بخصوص در یک کنفرانس مجازی (آن لاین) **مولوی** شناسی در دانشگاه اصفهان فرصتی فراهم آورد تا شمه‌ای از فعالیتهای خودم در ارتباط با **مولوی** پژوهی را برای محافل استادان بزرگ در ایران در میان بگذارم. اینک از اطاله کلام در باره این خدمتگذار علم و ادب دست برداشته سروده خود را که در استقبال ایشان سروده بودم، پاورقی این شعر در کتاب خدمتگزاران فارسی در بنگلادش چنین است، درج می‌نمایم:

مهمان عالم رویا*^۱

در ناز و عشوه کسی مستغرق بودم

دیشب در خواب تمام وقت

همچو مرغ در قفس افتاده دلم پر می زند از سپیده دم

تو هم با چه درد فراق آمدی ای دوست کنارم

بنشین تا یکی یکی باز کنم اندوه دلم را

گویم چه طاقت فرسا بود غم یافتن و نیافتن او.

گویا بر سر دو راهی رویاً و یقظه سرگردانم

تکرار رویاً است که باز می بینم در عالم بیتابی

آیا او تو بودی!

تو بودی که مرا مستغرق نگهداشتی تمام شب؟

آری تو بودی

۱. پاورقی این شعر در کتاب «خدمتگزاران فارسی در بنگلادش» چنین است: شاهدی این شعر را به مناسبت مراسم استقبال از جناب آقای **محمدکاظم کهدویی** استاد مدعو ایرانی که از طرف دپارتمان فارسی و اردوی دانشگاه داکا در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۹۴م (هفتم آذرماه ۱۳۷۳ هـ) برگزار شده بود، قرأت نمود که مورد استقبال گرم حضار قرار گرفت.

هرچه دستم دراز کردم همانند سایه
 دامن کشان دورتر رفتی
 و حالا در ظهور یافتن یک رویای زیبا چه مسرتی دارد
 لطفاً دو قطره گرم اشک سرورم را
 بر گوشه دامن بگیر
 و آزمایش کن
 جان من!
 این محبت دل سوخته شاهی را نوازش پذیرش فرما
 که قصه عشق و ارادت را می نگارد بر آبروی تو
 با چشمان خیره بر دو چشم مهرآگین تو
 ای مهمان که از عالم رؤیا آمدی
 ای مرغ آشیان ترک کرده باغ دلها
 باز کن دامن بالت را و فرود آ
 رواق منظرم باز است به سوی تو
 تخت روحم آراسته ام بهر تشریف فرمایی تو
 به نغمه سرایی پرداز ای بلبل
 در گلستان خزان زده فارسی
 از نوای دل انگیزت باد بهاران به رقص آید
 نو عروسان چمن از شوق تمنا دامن بدرند
 بلبلان این گلستان وفا که ملتمس **حافظ** بود
 امروز در جشن استقبال در میخانه گشودند
حافظ نیامد، تو آمدی که اجابت و نیابت حافظی
 آمدی به جنوب شرق که مطلع خورشید است
 افقی روشن سوی تماشاگاه راز

هوای همنوایی دارم زین وادی حرمان
کزین خرابات با تغزل **حافظ** سودای رندی دارم.
خواهم گرفتار "خال لب" آن دوست شوم
که رمز زیبایی کائنات درش پنهان است
بخا را و سمرقند دل را نثار کنم به پای آن ترک شیرازی
بیا و دستگیری کن
زلف خمیده را ریسمان زنخدانم کن
که خواهان پروازم
به آسمان ذوق جاوید **سعدی**
بر دنیای پهناور حماسه **فردوسی**
در جام جهان نمای **خیام**، خود و خدا را بینم
بر بال هدهد **عطار** به شکار سیمرغ روم
سبوی عشق **نظامی** را تا آخر نوشم
شیدایی سرور کائنات جامی را بهانه شفاعت کنم
می خواهم در نوای دلگداز نای رومی
در ژرفای حقیقت غرق شوم و گم شوم
باز با نفیر اسرافیل زمان
پیر جماران
در بستر اسرار خودی **اقبال** گلچینی کنم
صحراهای رموز بیخودی را یکی پس از دیگری
طی کنم و برسم به آن دیار که لا تنتهی.

دکتر کهدویی در آینه خاطرات

دکتر محمد ابوالبشر

کتابدار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا

در اواخر سال ۱۹۹۷م. زمانی که تازه دانشجوی دانشگاه داکا شده بودم، درباره استاد ایرانی مطالبی شنیدم، استاد دکتر محمدکاظم کهدویی، که برای مطالعه رشته زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره، چند مقاله که از ایشان در نیوزلتر چاپ شده بود، خواندم، و با خواندن این مقالات با دانش و تحقیق استاد کهدویی آشنا شدم و از بزرگان و استادان خود، در خصوص دانش و تکنیک درس و تدریس و عشق عمیق ایشان به فارسی اطلاع یافتم. پس از اتمام دانشجویی و استخدام به عنوان کتابدار، در بخش زبان و ادبیات فارسی، در سال ۲۰۱۷م. متوجه شدم که استاد کهدویی، دوباره برای تدریس در دانشگاه داکا منصوب شده است.

پس از شنیدن این خبر، شخصیت و خصوصیات ایشان، در برابر چشمم شناور شد و دلم گفت که استاد کهدویی را خواهم دید. سرانجام ایشان در سال ۲۰۱۸م. به بنگلادش رسید. هنگامی که اولین بار استاد را دیدم، پس از شنیدن گفتار و دیدن رفتار ایشان، تمام دانش قبلی در خصوص ایشان، در یک لحظه از بین رفت. من دیدم که استاد کهدویی شخصیت فوق العاده‌ای است. در شخصیت ایشان، هرگز در مورد درس و تدریس، مشغولی یا عذرخواهی نبود.

وقتی که من درباره درک مطلب شعر یا نسخه خطی فارسی از ایشان وقت می‌خواستم، با خوشحالی جواب می‌دادند. در پایان درس به

نظر من می‌رسید که او یک استاد نیست، بلکه یک دائرةالمعارف است. او منبع دانش فارسی برای استادان، محققان و دانشجویان بود؛ علاوه بر این، در دانشهای دینی، بویژه در زمینه قرآن و حدیث ماهر بود. به عنوان سخنران دعوت می‌شدند و در خانقاهها و دربارهای صوفیه مناطق مختلف کشور سخنرانی می‌کردند.

من با یک خاطره سخن خود را به پایان خواهم برد... بنده به عنوان کتابدار گروه زبان و ادبیات فارسی درباره علم و دانش و مطالعات استاد کهدویی، این نتیجه به نظرم رسید که استاد **کهدویی** خودش یک کتابخانه زنده است.

در سال ۲۰۱۸م. استاد در منطقه دانمندی در کوچه شماره ۴ زندگی می‌کرد. یک روز رئیس وقت گروه زبان و ادبیات فارسی، آقای دکتر محمدابوالکلام سرکار به من گفت که استاد **کهدویی** بیمار شدند، پس به دیدار ایشان باید رفت. من هم با ایشان، به زیارت استاد رفتم. من به خانه استاد رسیدم و تب ایشان را اندازه گرفتم و دیدم ۱۰۳ درجه سانتیگراد است. آقای استاد به سبب تب می‌لرزید. سریع ریختن آب به سر ایشان شروع کردم. حدود ۲ ساعت بعد از ریختن آب، تب شروع به کاهش کرد. وقتی استاد یک کمی بهتر شد از رختخواب بلند شد. من تعجب کردم که در این حال بیماری می‌خواهد برای ما پذیرایی کند. ما خیلی پریشان شدیم. ایشان می‌خواستند که خودشان برای ما چای درست کنند؛ این است اخلاق استاد **کهدویی**. همان وقت این فکر هم در ذهنم رسید که این بنده خدا به مفهوم واقعی استاد است و برای گسترش زبان و ادبیات فارسی اینجاست.

استادی چون شمع تابناک

مظهرالاسلام

دانشجوی سابق لیسانس و فوق لیسانس

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

و دانشجوی کارشناسی ارشد

دانشگاه علامه طباطبایی، ایران

معلم یا استاد به شخص یا کاراکتری گفته می‌شود که با تعلیم و مسیر آموزشی‌اش، راه را نشان داده و هدف را می‌کارد. به قول ایرانیان: معلم کسی است که تنها ماهی نمی‌دهد، بلکه ماهیگیری را نیز یاد می‌دهد. اگر قرار بر این باشد که بعد از پیامبران اسمهای کسی در اولویت بگیرد، بدون شک آن اسمها و شخصیتها معلمان هستند و بس. به قول حضرت رسول اکرم(ص): «أَجُودُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَ عِلْمَهُ». (بخشنده‌ترین شما پس از من، کسی است که دانشی بیاموزد، آنگاه دانش خود را بپراکند).

ما در گذار زمان با استادان زیادی آشنا می‌شویم؛ اما بعضی از آنان در ذهن ما آنگونه نقش می‌بندند که با آن خاطرات می‌سازیم و هرگز خاطراتی را که با چنین استادان پرورده‌ایم، فراموش نمی‌کنیم. یکی از این آموزگارانی که همیشه در ذهن من ماندگار می‌ماند، استاد دکتر **کهدویی** است. استاد **کهدویی** چنان انسان مهربان، بزرگوar و خوش قلبی است که نه تنها دانشجویان دانشگاه داکای بنگلادش، بلکه سایر دانشجویان از دانشگاههای مختلف این کشور، از درسهای ایشان بهره‌مند گردیده‌اند.

استاد دکتر محمد کاظم کهدویی یکی از دانشمندان ادیب و شاعر برجسته ایرانی است که در سرزمین بنگلادش تلاش فراوانی نمودند تا پیام جهانی زبان فارسی را توسعه داده، همگانی بسازند. اینجانب همیشه افتخار می‌کنم که مدت طولانی زیر نظر ایشان جویای دانش بودم. خوب به یاد دارم وقتی من به دنبال پاسخ این پرسش بودم که "معلم چیست، دانش آموز چیست؟" و وظیفه شان نسبت به همدیگر چه می‌باشد؟ با شرکت در جلسات ایشان پی می‌بردم معلم آن کسی است که در ضمیر دانش آموزان برای طلب علم و دانش تشنگی ایجاد می‌کند و بعد برای رفع آن راههای متنوع را پیشنهاد می‌نماید تا دانش‌آموز به آن جهت داده شده و نیازهای علمی‌اش را برآورده نماید. فکر می‌کنم دوستان من هم در این مورد موافق باشند که با وجود ضعف مهارت‌های شنیداری، خواندنی و نوشتاری فارسی ما در دوران آموزگاری ایشان در بنگلادش، در حالی که از فایل‌های صوتی دیگران کمتر متوجه می‌شدیم. اما وقتی ایشان صحبت می‌کرد به گونه کامل منظورشان را می‌دانستیم. نمی‌دانستم دلیلش چه باید باشد؛ اما الان درک می‌کنم ایشان به ما احساس امن و آرامش می‌داد و صمیمانه از عمق درون صحبت می‌کرد.

دکتر در کلاس آموزش زبان، برنامه های درسی را به گونه همه جانبه طراحی می‌کرد که هم آموزش زبان هم محتواهای متنوع از جمله ادبیات، ایران شناسی، فلسفه اسلامی، آموزش فرهنگ در آن شامل شده به دانشجو منتقل می‌نمود. به یاد دارم که استاد در جلسات دانشگاهی آنچنان درباره کشور ایران، نویسندگان، شاعران، فرهنگ و تمدن ایرانی به ما به گونه ای آگاهی می‌بخشیدند که در دل ما مهر ایران شعله ور می‌گردید و دوست داشتیم تا با فرهنگ و ادبیات و تمدنش بیشتر آشنا

بشویم و همین‌گونه شد بعد از اتمام تحصیل با کمک و دستگیری این استاد بزرگوار به ایران سفر کردم و در دانشگاه معتبر علوم انسانی (دانشگاه علامه طباطبائی) شروع به تحصیل کردم. از این استاد خاطرات زیادی را می‌توانم به شما بازگو کنم؛ اما نمی‌دانم کدام یک را در اولویت قرار بدهم؟!

به خوبی به یاد دارم یک زمانی استاد در بنگلادش بیمار شده بود، من به رسم میزبانی پیش ایشان رفتم تا پرستاری کنم؛ اما داستان برعکس شده بود، ایشان با وجود اینکه تب شدید داشتند، شروع به مهمان‌نوازی من کرد. خیلی خجالت کشیدم؛ ولی با وجود تواضع و بزرگی ایشان من تلاش می‌کردم تا خاطره خوبی از خود در نزد این استاد داشته باشم؛ استاد در این هنگام چندتا کتاب کلاسیک فارسی از جمله دیوان پروین اعتصامی و ادبیات تطبیقی را برایم باز کرده و به توضیح پرداخت. در آن هنگام برای من این انگیزه ایجاد گردید که استادان بزرگ و رسالت‌مند در تمام شرایط زندگی خود به دنبال آموزاندن و نشر علم و دانش بدون در نظر داشت هیچ محدودیتی هستند که به حق استاد دکتر کهدویی یکی از نادرترین آموزگاران رسالت‌مند دوران خود است.

در ضمن من هروقتی که با واژه‌های دشواری روبه‌رو می‌شدم، بدون هیچ نوع تردیدی برای حل معضلات آموزشی‌ام به استاد پیام می‌فرستادم، ماندگاری خاطرات ایشان در این است که بدون هیچ تعلل و زمان‌کشی‌ای معضلات واژگانی و سایر مشکلات آموزشی را با تفسیر کامل پاسخ داده و حل می‌کرد.

حتی هنگامی که از دانشگاه فارغ التحصیل شدم، دوست داشتم که در کلاسهای ایشان شرکت نموده و از آموزشهای زبان فارسی بهره‌مند

گردم، من دیگر با وجود فراغتم حق اشتراک را در کلاسها نداشتم، که خوشتبخانه مرکز رایزنی فرهنگی ایران، امکان اشتراک در کلاسهای ایشان را برایم فراهم کرد و درسهای زیادی حتی بعد از دوران دانشجویی از ایشان آموختم.

معمولترین و زیباترین جمله ایشان برای تفهیم کامل مطالب و ایجاد رغبت به آموزش برای دانشجویان، این بود که: «بچه ها گوش کنید، اینها درسهای زندگی است.».

به یاد دارم که بعد از ختم کلاس ما با استاد به طرف خوابگاه برمی-گشتیم، در خیابانهای منتهی به خوابگاه هم مشغول درس بودیم. استاد یکی یکی شعر می گفت و ما گوش می کردیم. بچه ها هم سؤال می کردند و استاد جواب می داد. من ناخودآگاه آن منظره های زیبا را با منظره زیبای خیابانهای آتن تشبیه می کنم. جایی که فیلسوفان بزرگ جهان با پیروانشان به گفتمانهای علم و دانش می پرداختند.

باور من این است که وجود و حضور استادانی چون دکتر **که‌دویی** برای تفهیم و نشر دانش برای نسل بشر بدون رعایت مرزهای جغرافیایی ارزشمند و مهم بوده و به حضور شان نیز مفتخرم.



استادِ معرفت، انسانیت

راحله اختر

دانشجوی سابق لیسانس و فوق لیسانس

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

و دانشجوی کارشناسی ارشد

دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

عشق و تعلیم از نخستین اوستاد	کو به ما آموختن را یاد داد
کو نهاد افروز و یاد آموز ماست	وینچنین معلول بی علت خدا است
این به تاریکی چراغ افروختن	سر الاسرار است این آموختن
چشم نابینای دل بینا کند	سینه ها را ثانی سینا کند(شهریار)

اول از همه باید بگویم بنده خیلی خوشحالم که دانشجوی استاد بزرگوار **محمد کاظم کهدویی** هستم. زمانی که من دانشجوی سال چهارم کارشناسی رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا بودم، استاد آنوقت به دانشگاه ما تشریف آوردند. قبل از تشریف آوردن ایشان همهٔ استادان بزرگوارم به ما گفتند این برای ما فرصت بزرگی است و ما خوشبختیم که استاد در دانشگاه ما تشریف می آورند، و از این فرصت بهره کافی را ببرید.

اولین برخورد، شیرین و خاطر انگیزه بود. در اولین جلسه دیدار ایشان دربارهٔ شاعر ملی ما **قاضی نذراالاسلام** سخنرانی کردند. به زبانی شیوا و رسا. در آن زمان، زبان فارسی من خوب نبود؛ اما من تمامی حرف های استاد را متوجه شدم و این اولین تجربه تشویق من بود. رفتار استاد خیلی مهربان و دوستانه بود. من خیلی ناامید بودم از اینکه شاید نتوانم

زبان فارسی را خوب یاد بگیرم؛ اما استاد بر عکس من، همیشه به من انگیزه می داد و تشویق می کرد و می گفت: فارسی شما خوب است، باید زیاد درس بخوانید و تمرین کنید.

استاد وقتی به تدریس زبان و ادبیات فارسی می پرداختند، خیلی سعی می کردند درسهایی را که تدریس می کنند همه دانشجویان متوجه شوند؛ بنابراین گاهی اوقات استاد در کلاس نقاشی می کرد و یا با استفاده از زبان بدن به تدریس درسها می پرداخت. داستانهای مختلف در کلاس ارائه می کردند حتی استاد در کلاس آیات قران مجید و حدیث شریف می گفتند. استاد نه فقط زبان و ادبیات، بلکه فلسفه، فرهنگ، معرفت، انسانیت و درباره زندگی نیز به من آموخت. در حال حاضر بنده دانشجوی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی ایران می باشم. استاد به من خیلی کمک کرد و زحمت کشید تا این بورسیه را بگیرم و در ایران تحصیل را ادامه بدهم. جناب آقای دکتر **کاظم کهدویی** نه فقط یک استاد، بلکه یک شاعر، فیلسوف، زبان شناس و روانشناس است.

چراغ افروخته

شیخ محمد نجم الاسلام

دانشجوی سابق لیسانس و فوق لیسانس

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا ، بنگلادش

جلال الدین محمد بلخی رومی، در شعرش چنین می‌فرماید:

«دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد

به زیر آن درختی رو که او گلهای تر دارد»

وقتی بنده این شعر را می‌خوانم، در دل خودم احساس می‌کنم که

رومی بلخی خودش به من می‌گوید که استاد دکتر **محمد کاظم**

که‌دویی از دل خبرهایی دارد و این استاد گرامی خودشان یک درختی

است که آنجا پر از علم و دانش است، اگر دنبال کسب علم و دانش

هستید، زیر سایه دکتر **که‌دویی** بنشینید و از آنجا علم و دانش

دریافت کنید. از خداوند یکتای بی همتا شکر گزارم که یک استاد اعزامی

مثل دکتر **که‌دویی** را در دانشگاه خودم یافتم و توانستم نزد این استاد

مهربان درس بخوانم. در زمان دانشگاهی، وقتی بنده دانشجوی لیسانس

بودم، از استادان گروه ما راجع به دکتر **که‌دویی** می‌شنیدم. استادان

گروه ما هم، شاگردان دکتر **که‌دویی** بودند. آنها همیشه راجع به دکتر

که‌دویی ذکر می‌کردند و از ایشان ستایش می‌کردند. آن وقت بنده از

دلم می‌خواستم ای کاش استاد **که‌دویی** دوباره به بنگلادش می‌آمدند!

یک روز خداوند متعال، خواهش این بنده حقیر را قبول کرد و شنیدم که

یک استاد اعزامی به گروه ما می‌آیند که نام ایشان دکتر **که‌دویی** است.

در آن لحظه دلم پر از شادی شده بود.

با استاد **کهدویی** خاطرات زیادی دارم، هم در کلاسهای دانشگاهی و هم در کلاسهای رایزنی فرهنگی ایشان، در کلاس دیپلم شرکت می-کردم. گرچه این بنده، اول از استادان گروه خودم درس زبان و ادبیات فارسی را یاد گرفته بودم، وقتی نزد دکتر **کهدویی** شدم، احساس کردم وارد باغ زبان و ادبیات فارسی شدم. از کلاسهای استاد بسیار لذت می بردم. از کلاسهای این استاد دلسوخته چیزهای بسیار ارزشمندی را یاد گرفتم که بدون ایشان هرگز ممکن نبود.

کمال همنشینی استاد **کهدویی** در من بسیار اثر کرده بود. روزی از استاد شنیدم که ایشان تقریباً بیست هزار بیت شعر فارسی را حفظ کرده اند، از شنیدن این بنده خیلی تعجب کرده بودم و فکر کرده بودم که چگونه ممکن است یک بنده خدا اینقدر بیت شعر فارسی را حفظ کرده باشد. این مطلب در این بنده حقیق تأثیر کرد و از آن پس بنده هم حفظ کردن بیت شعر فارسی را شروع کردم.

در یک روز دیگر استاد **کهدویی** در کلاسمان فرمودند که من وقتی به کلاس می آیم، با وضو می آیم و وقتی درس می دهم، چنین فکر می کنم که این یک عبادت است و نگاه خداوند بزرگ بر من است. بنده از این قول استاد، بسیار متأثر شدم و از آن به بعد تصمیم گرفتم که بنده هم وقتی به کلاس می آیم با وضو بیایم.

از محبت دکتر **کهدویی**، بنده یک روز مقالات ایشان را در اینترنت جستجو کردم و تقریباً ۵۰ مقاله را دریافت کردم و به صورت دو جلدی برای خودم چاپ کردم. بنده از اشعار دکتر **کهدویی**، یک غزل و یک

قطعه را حفظ کردم که هنوز هم حفظم هست. این کارها فقط از محبت استاد کهدویی بود.

جدایی از این استاد بزرگوار برای من خیلی سخت بود، لحظه برگشتن دکتر کهدویی به ایران، سخت‌ترین لحظه زندگی من بود. در آخر، بنده فقط از "فیه ما فیه" راجع به دکتر کهدویی چنین نقل می‌کنم -

"چراغ افروخته، چراغ نا افروخته را بوسه داد و رفت"

تجلی حرفهای استاد

بادلِ میا

دانشجوی کارشناسی ارشد

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

عارفان با عشق عالم می شوند بهترین مردم معلم می شوند

عشق با دانش متمم می شود هر که عاشق شد معلم می شود

استاد **که‌دویی**، استادی است که ما از ایشان درس، سواد، دانش و زبانی شیرین را آموختیم و دریچه‌ای از دنیای دیگری را به روی ما گشودند، با این زبان شیرین فارسی به فرهنگ و ادبیات پربار ایران قدم نهادیم.

کلاسهای ایشان واقعاً برای ما جذاب و چشمگیر بود. وقتی ایشان سر کلاس وارد می‌شدند و کلاس را آغاز می‌کردند، تجلی حرفهایشان احساس می‌کردم؛ بویژه در کلاسهای «شاهنامه فردوسی». من فکر می‌کردم که **رستم**، همسرش **تهمینه**، **سهراب** و صدای اسب **رستم** در پیش روی ماست. استاد، طوری فارسی حرف می‌زدند، که من احساس می‌کردم ایشان بنگالی حرف می‌زنند. من از کلاسهای ایشان خیلی لذت می‌بردم.

من بارها به منزلی که ایشان سکونت داشتند، می‌رفتم، می‌دیدم ایشان چقدر مهمان‌نواز هستند. وقتی استاد در خوابگاه بین‌المللی زندگی می‌کردند، هر لحظه‌ای که فرصت می‌شد، ما یک گروه نزد ایشان می‌رفتیم و دور یک سفره می‌نشستیم و غزلیات **حافظ** را می‌خواندیم، و استاد فال **حافظ** می‌گرفت؛ اما افسوس که الان جای ایشان خالی است...

ما خوشبختانه با استاد **که‌دویی** یک روز به موزه ملی بنگلادش رفته بودیم و مطالبی چشمگیر و ارزشمند به دست آوردیم. بیشتر وقت ما

در موزه در گالری نسخه‌های خطی فارسی گذشت. هرگز این تصویر از یادم نمی‌رود. با کوشش استاد **کهدویی** اولین بار در بنگلادش، آزمون سامفا برگزار شد. دانشجویان دانشگاه‌های مختلف بنگلادش در محیط دانشگاه داکا جمع شدند و در آزمون هم شرکت کردند. یک رابطه بین ما درست شد که هیچوقت شکسته نخواهد شد. استاد **کهدویی** همیشه کوشش می‌کردند چنین نکات مهمی را به ما یاد بدهند:

۱. هیچ وقت در زندگی تون نا امید نشوید. افتادید، دوباره بلند شوید. شکست خوردید، دوباره، دوباره، دوباره،...
۲. هیچ وقت از کار، دلخسته و ملول نشوید.
۳. یک لحظه از آموختن، از یاد گرفتن دور نشوید؛ یعنی حتی یک دقیقه هم آموختن را رها نکنید.
۴. از کارهای بزرگ نترسید.
۵. خدا را هیچ وقت فراموش نکنید، یعنی اگر یک کاری انجام می‌شود، بگویید: خدا را شکر که شد؛ اما یک موقع این کار نمی‌شود، بگویید که خوب شد که نشد. اگر نمی‌آید، خدا نمی‌خواهد.
۶. جوینده یابنده باشد؛ یعنی خواستن توانستن است.
۷. اگر واقعا می‌خواهید، متخصص ادبیات بشوید، باید بخوانید.
۸. هیچ وقت از خدا چیزی به زور نخواهید، یعنی بگویید: خدایا اگر خیر است، درست کن.

برای گسترش و تقویت زبان و ادبیات فارسی در کشورهای مختلف جهان، نام ایشان جاویدان است. برای ایشان از صمیم قلب از خداوند منان دراز عمری آرزومندم. من این را خدمت استاد عرض می‌کنم که شما این را باید بدانید که همیشه در قلب و جان مردم بنگلادش هستید.

خاطرات ماندگار

صائمه اختر

دانشجوی سال چهارم لیسانس
گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه داکا، بنگلادش

زندگی متنوع است. برخی از حوادث در زندگی بشر وجود دارد که براحتی از صفحه‌های حافظه پاک نمی‌شوند. آنها در اعماق قلب جای دائمی می‌گیرند. یکی از این موارد، آشنایی من با استاد **که‌دویی** بود. اگرچه پروفیسور **محمدکاظم که‌دویی** بنگلادشی نبود، اما روزهایی که با ایشان گذرانده بودم، هرگز او را به عنوان استاد اعزامی خود به حساب نیاوردم. وی را به عنوان یکی از استادان مورد علاقه خود در دانشگاه خود پیدا کرده بودم.

می‌توانم اولین روز را به یاد بیاورم که او کلاس ما را در سالن «آر سی مجومدار» (R.C Mojumdar) در دانشگاه داکا شروع کرد یک روز ایشان، قبل از شروع کلاس، حدود ۱۰ دقیقه قبل رسیده بود. آن روز او به ما گفت... «من در کلاسهای خود را مانند عبادتم رفتار می‌کنم، هر روز قبل از شروع کلاس خود وضو می‌گیرم و فکر می‌کنم فرشتگان مرا تماشا می‌کنند». از آن روز او در قلب من جای گرفت.

او در زمانی که قلب من تشنه عشق به یادگیری زبان و ادبیات فارسی بود، عطش مرا فرو نشاند. وی همچنین هنگام تدریس برخی کلمات و جملات بنگالی را می‌گفت. نمی‌دانم چطور اینقدر سریع آن را فراگرفته بود. تلفظ زبان بنگالی از دهان او بعد دیگری به خوانش ما می‌بخشد. نحوه آرائه وی بسیار سرزنده بود. ما به راحتی می‌توانستیم کلاس درس را درک کنیم.

می توانم روز دیگری را در دانشگاه به یاد بیاورم. روزی بارانی بود. باران شدیدی می بارید. بیشتر دانشجویان فکر می کردند که استاد اعزامی امروز در کلاس شرکت نمی کند. بنابراین آنها به خوابگاه رفته بودند. فقط تعداد کمی از دانشجویان منتظر مانده بودند، من هم یکی از آنها بودم. من جلو دروازه پشت ساختمان هنر (سمت R.C Mojumder) ایستاده بودم. ناگهان متوجه شدم که یک آقایی از سالن R.C Mojumder به سمت ساختمان هنر می آید، و سر خود را با کیف سیاه خود پوشانده است. وقتی کیفش را برداشت، متوجه شدم که او، استاد **کهدویی** است.

از آن روز، او استاد عزیز من است. براستی می توانم بگویم، من از هر کلاس او لذت بردم. من می دانم که او چقدر سعی کرد تا بهترین کار و فداکاری خود را به ما ارائه دهد. هنوز تلاوت او از آیات قرآن و خواندن غزلیات **حافظ** در گوشم زنگ می زند. او یکی از بهترین استادانی است که من دیده ام. خداوند او را با برکاتش یاری دهد و بالاترین افتخار را در این زندگی و زندگی بعدی به او عطا کند.

در راه زندگی، شما افراد بزرگی را با قلب عالی به دست خواهید آورد. برای ما زندگی او فوق العاده شگفت انگیز به نظر می رسد. این افراد هدیه ارزشمند زندگی ما از جانب خداوند متعال هستند. استاد **کهدویی** یکی از هدایای گرانبها در زندگی من است. من می توانم اطمینان دهم که یاد و خاطر او هرگز از زندگی من پاک نخواهد شد. او در قلب و روح من خواهد ماند. یک جمله ارزشمند وجود دارد: «یک معلم خوب مانند یک شمع است، خود را برای روشن کردن راه دانش آموزان خود مصرف می کند».

استاد **محمد کاظم کهدویی** نمونه کاملی از این امر است.

استاد کهدویی بی مثال و بی نظیر

شوجان پرویز

دانشجوی سال چهارم لیسانس

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه داکا، بنگلادش

تاریخ: ۱۶ دسامبر ۲۰۲۰

استاد گرانقدر کهدویی

شما نزد من

دریای علم هستید

به عنوان استاد

شما بی مثال و بی نظیرید

من خیره مانده‌ام

از دیدن شخصیت شما

گفته‌های شما

دنیای فکر مرا باز کرده است

من خیره مانده‌ام

از پشتکار شما

من خیره مانده‌ام

از دیدن تبسم و لبخند مهربان شما

من ندیده‌ام

استادی اینقدر مهربان

من ندیده‌ام

استادی را

اینقدر عاشق تدریس و کلاس
من فراموش نخواهم کرد هرگز
پند و اندرز و سخنهای شما
کارهای ادبی، درس فارسی شما
و شما ای استاد
در دل این تاریخ
در زبان و ادبیات
فارسی، بنگلادش
جاودان می مانید
از گروه ادبیات دانشگاه یزد
تا به دانشگاه داکا
راجشاهی و چیتاگونگ
همه جا ستایش شماست،
جای شما
در دل استادان و دانشجویان بنگلادش
جاودانه است
هرگز فراموشتان نمی کنیم.

استادی متین و فروتن

امیراحسان خسروآبادی

دانشجوی سابق گروه رشته برق و الکترونیک

دانشگاه داکا

من امیراحسان خسروآبادی هستم که در دانشگاه داکا مشغول به تحصیل در رشته برق و الکترونیک بودم و افتخار آشنایی و شاگردی استاد محمدکاظم کهدویی را در بنگلادش به دست آوردم. در مدت حدود یک سال و اندی که با ایشان ملاقات داشتم، ایشان را فردی متین، باهوش، با سواد و بسیار فروتن یافتم از در همه حال به فکر تحصیل و آموزش دانشجویان و استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا بودند و علاوه بر وظایف خود، از هیچ کمکی برای رشد و تعالی سطح علمی دانشجویان خود دریغ نمی کردند.

من چند ماهی به علت کسالت، مزاحم ایشان شدم. در این مدت، سبک کاری و زندگی ایشان را از نزدیک مشاهده کردم که بسیار مورد توجه من قرار گرفت. شیوه و برنامه روزانه کاری ایشان بسیار قابل تأمل بود. از صبح زود، کار آماده سازی مطالب برای درس کلاسهای دانشگاه را آغاز می کردند، بعد از اتمام کلاسها در هنگام ناهار به کتاب صوتی گوش می دادند و بعد از آن و استراحتی کوتاه، شروع به مطالعه و تحقیق برای مقالات خود می کردند؛ همچنین در بعضی از روزها در هنگام عصر، پذیرای جمعی از دانشجویان خود برای رفع اشکال و یا شعر خوانی و روان خوانی بودند.

بنگلادش به سبب جمعیت بسیار زیاد، دارای ترافیک بسیار پر حجم است؛ به طوری که مسیر کوتاهی که باید در نیم ساعت طی شود، گاهی

ساعتها به طول می انجامد، ایشان از این فرصت برای ضبط صدای خود و نوشتن سفرنامه و تجربیات خود استفاده می کردند و بعد از رسیدن به خانه نکات مهم ضبط شده را به متن تبدیل می کردند. در هر حال تا انتهای شب مشغول کار بودند؛ به طوری که من در این مدت هرگز نتوانستم حتی برای یک بار با ایشان رقابت کنم و پا به پای ایشان کار کنم. ماشاءالله انرژی بسیار عجیب و زیادی دارند که به غیر از ملاقات با ایشان به گونه دیگر قابل وصف نیست. در زمانهایی که کنفرانس و یا همایش علمی برقرار بود کار ایشان بیشتر از قبل هم می شد؛ اما با تمام توان سعی به همکاری و مدیریت شرایط داشتند.

با توجه به اختلاف سطح علمی بسیار زیاد ایشان با من که یک دانشجوی ساده در رشته مهندسی بودم رفتار ایشان با متانت و بسیار فروتنانه بود؛ علاوه بر این، تجربیات شخصی خود را در اختیار من قرار می دادند. ایشان به من سلوک علمی را در مقاله نویسی یاد دادند. سلوک علمی به این معناست که احترام استادان و اعضای مشغول در پروژه به نحو احسن حفظ بشود و از زحمات آنها به طور مناسب تقدیر شود و در صورت همکاری از آنها نیز نام برده شود، صرف داشتن ایده و نوشتن آن به صورت مقاله و چشم پوشی از زحمات دیگران نشانه فضل و یا کمالات علمی نویسنده نیست؛ علاوه بر این، ایده نو با اشتراک با اندیشمندان و استادان با تجربه صیقل می یابد و رشد می کند که باعث ارتقای نتیجه نهایی مقاله می شود.

همچنین ایشان در تفهیم مسائل و توضیح آنها سعی به ساده گویی و بیان مثالهای متعدد برای من داشتند و شخصاً فردی بسیار نکته سنج و تیزبین هستند. من از ایشان در مورد یکی از ابیات مشهور **حافظ** پرسیدم

و اشاره به حاتم بخشی شاعر کردم. شیطنتی بود از جانب من، برای بیان سه شعر از شاعران دیگر که بعد از **حافظ** آن ابیات را سرودند. شعرها به قرار زیر است:

حافظ:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بَخشم سمرقند و بخارا را
صائب تبریزی در جواب می گوید:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بَخشم سر و دست و تن و پا را
هر آن کس چیز می بخشد ز مال خویش می بخشد
نه چون **حافظ** که می بخشد سمرقند و بخارا را
شهریار، بعدها این شعر را در جواب دو شاعر می گوید:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بَخشم تمام روح و اجزا را
هر آنکس چیز می بخشد بسان مرد می بخشد
نه چون صائب که می بخشد سر و دست و تن و پا را
سر و دست و تن و پا را به خاک گور می بخشند
نه بر آن ترک شیرازی که برده جمله دلها را

ضیایی در جواب شعرای پیشین خود می گوید:
اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بَخشم همه عقل و حواس و هوش و دلها را
من آن چیزی ببخشم کز وجودش «حال» می آید
نه چون «بهجت» که می بخشد تمام روح و اجزا را

اما جواب استاد کهدویی در تفسیر شعر حافظ به گونه‌ای متفاوت و دور از انتظار من بود. ایشان معتقد به این تفسیرند که در مقاله‌ای در مجله پژوهشی دانشگاه تهران نیز به بیان آن پرداخته‌اند. خال هندو، نشانه اخلاص است که در مراسمی که هندوها انجام می‌دهند، بعد از طی تمام مراحل و پاک شدن از پلیدیها، بر صورت ایشان قرار می‌دهند؛ از طرفی سمرقند، محل جمع شدن مهندسان، معماران، صنعتگران و ... بوده و نماد دنیاست، و بخارا محل جمع شدن عارفان، علمای دین و ... بوده، و نماد آخرت است.

شعر از نظر استاد کهدویی دارای تفسیر زیر می‌باشد:

اگر آن زیباروی دلربا، به مرحله اخلاص کامل و توحید رسیده باشد، من به خاطر ارزش زایدالوصف اخلاص او، هر دو جهان خود(دنیا و آخرت) را فدای او می‌کنم.

من برای ایشان آرزوی طول عمر، سلامتی و موفقیت روز افزون دارم و امیدوارم روزی به سطح علمی و رفتاری ایشان در زندگی خود برسم.

بخش پنجم: کهدویی در نگاه استادان خارجی

آقای دکتر کهدویی، به سبب ماموریت‌هایی که به کشورهای مختلف داشته و در مراکز علمی، به امر تدریس مشغول بوده اند و یا مقالات علمی و ادبی خود را ارائه کرده اند، دوستان همدل و همراه نیز یافته‌اند، و بنا به درخواست نگارنده این سطور، از بعضی استادان و فرهیختگان در خصوص استاد کهدویی، مطالب محبت آمیز و پیامهای صمیمانه خود را ابراز داشته‌اند که در اینجا مواردی خیلی محدود، آورده می‌شود:

الف) افغانستان

سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ استاد کهدویی به عنوان رایزن فرهنگی در کشور افغانستان، به عنوان اولین رایزن فرهنگی، پس از اسلامی، حضور داشت این در این مدت سر منشأ بسیاری از خدمات علمی و فرهنگی گردید. در عرصه‌های مختلف حضور چشمگیر داشت و علاوه بر وظیفه رایزنی فرهنگی، در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل نیز تدریس می‌کرد و همواره یاد و خاطره وی در قلب و دل مردمان آنجاست. چند نمونه از دل‌نوشته‌های مسئولان، استادان و دانشجویان آن سرزمین آورده می‌شود:

پس از ایشان، جز یکی دوبار، دیگر به رایزنی نرفتم

سیدعلی محمد اشراقی

استاد دانشکده ادبیات

دانشگاه کابل، افغانستان

نوشتن خاطره درباره رویدادها و اشخاص و جاهای گوناگون اگر در فاصله‌ی زمانی دور اتفاق می‌افتد، احتمال سهو و اشتباه و فراموشی بسیار زیاد است و اکنون در چنین وضعیتی قرار گرفته‌ام که ناچار پس از حدود ۱۶-۱۷ سال درباره‌ی یکی از بهترین سال‌های زندگی و بودنم در دانشگاه کابل چیزی بنویسم. دوست عزیز ما جناب داکتر سرکار، استاد دانشگاه داکا در بنگلادش، از این بنده خواهش نوشتن خاطره‌هایم را در ایام حضور جناب داکتر محمد کاظم کهدویی، استاد دانشگاه یزد ایران، در سال‌های آغازین دهه‌ی هشتاد به صفت رایزن جمهوری اسلامی ایران در کابل و همکاری ایشان را با دانشگاه کابل بنویسم. این خواهش ایشان مرا به یاد این دو بیت از شاعری انداخت که نامش را نمی‌دانم:

استاد پینه‌دوزی روزی به گیزنش گفت

کاین کفش دلبر ماست، باید نکو بریدن

گیزن به عجز نالید، سر را به سنگ مالید

کز دوست یک اشاره، از ما به سر دویدن

گزیری نداشتیم؛ چون پای دوستی عزیز و گران قدر دیگری در میان بود، اشاره‌ی جناب ایشان را لبیک گفتیم با همان عذر معقول که اگر در نوشتن خطایی برود، گناه همه‌ی تقصیرات به دوش حافظه و بعد زمان خواهد بود.

مردی ناآشنا با قد نسبتاً میانه، چهره‌ی گلگون، اندامی نسبتاً فربه، موهای سر و ریش کوتاه و سپید، با گام‌های تند و تیز به دیپارتمنت زبان

و ادبیات فارسی دری دانشگاه کابل رفت و آمد داشت. چندی بعد گفتند که وی رایزن فرهنگی ایران است. من که از روی عادت بسیار زود با کسی نمی جوشم، معمولاً هنگام روبه رو شدن با وی خود را به کناری می کشیدم. این کار، افزون بر خصلت و طبیعت ذاتی ام، یک دلیل دیگر هم داشت و آن ایرانی بودن ایشان بود که برای من کمی خطر داشت؛ چون من، و جمعی دیگر از استادان، به دلیل علاقه مندی جدی به زبان فارسی، متهم بودیم به ایران گرایی و ایران دوستی؛ اما برای من، این مشکل دوچند شده بود: شیعه بودن، فارسی زبان بودن. در کشور ما سال هاست که این دو، سند و دلیل بسنده بر ایران گرایی یا ایران دوستی کسی شده می تواند.

به هر حال جناب ایشان درخواست کرده بودند که در دیپارتمنت درسی برایشان داده شود تا به محصلان بیاموزانند. این درخواست ایشان در سهم گیری تدریس در دانشگاه کابل با پاسخ مثبت دیپارتمنت مواجه شد و مسئول گروه از من خواست تا در تدریس مضمون "شعر غنایی" فارسی، همکاری ایشان را بپذیرم. درس مشترک آغاز شد و پس از یکی دوبار رفتن به درس و صحبت های گرم و صمیمانه ی ایشان، دانستم که حال و هوای دیگری دارد و در کنار پرجنب و جوش بودن، خوش سیمایی و خوش برخوردی، جاذبه ی بسیار نیرومند روحی و عاطفی هم دارد و با چندبار نشست و برخاست با وی، آدمی را گرویده و مجذوب خویش می سازد و دل ها را با هم نزدیک می کند. درس هایش با دعا و حمد و نعت آرام و ملایم آغاز می یافت. در جریان توضیح بیت ها، شاهدهای شعری فراوان از سخنوران دیگر نقل می کرد و گاهی در این کار چنان مثال های شیرین و دلکش می آورد که در پرتو آن ها بیت متن اصلی فراموش می شد. آیت و حدیث بسیار در لابه لای توضیحات می آورد؛ اشاره به نکته های تاریخی،

تلمیحات، آرایه‌های ادبی، ظرافت‌های واژگانی و دستوری و... درس‌هایش را حلاوت و جذابیت کم‌نظیر می‌داد. در فرجام هر درس، بازهم چیزی در زیر لب زمزمه می‌کرد و دست‌ها را به رویش می‌کشید؛ یعنی درس را با دعا و ثنا شروع می‌کرد و با دعا و ثنا پایان می‌داد.

زمینه‌سازی برای سفر به تاجیکستان

در خانه مصروف کار بودم که صدای زنگ تلفون بلند شد. در روی صفحه دیدم که نام داکتر **کهدویی** افتاده بود. پس از سلام و احوال‌پرسی، گفت: (شاید) ششمین همایش استادان زبان فارسی در شهر دوشنبه ی تاجیکستان به میزبانی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود. نامه‌ی رسمی آن را با یکی از استادان دیگر دانشگاه پی‌گیری کنید.

من که از سال‌ها آرزوی دیدار شهرهای آسیای میانه را در دل داشتم، اما با معاش و امکانات ناچیز ما سفر کردن به آن‌جا ممکن و میسر نمی‌شد، به این پرسش پاسخ مثبت دادم. فردای آن روز با یکی از استادان دیپارتمنت، از بام تا شام کار آن نامه را در دانشگاه پی‌گرفتیم. در پایان آن روز، مشکلی پیش آمد و از رفتن منصرف شدم.

مدتی گذشت و من که هر لحظه حسرت رفتن در دلم موج می‌زد، اندوهگینِ نافرجام ماندن آن سفر بودم؛ اما در کنج دلم هر دم آهی سرد می‌نشست و از ژرفای آن‌جا سوزی دردناک بیرون می‌شد و آرزوی رفتن به آن سرزمین در دلم خلجان می‌زد. همان بود که در شامگاه یک روز باز هم نام داکتر **کهدویی** در صفحه‌ی تلفون افتاد و پس از سلامی کوتاه، با لحن شیرین فارسی پرسید: آقای **اشراقی** چطور شد کار دعوت‌نامه؟ گفتم: نشد. بگو مگو تمام شد و خدا حافظی کردیم. بازهم انباری از ناامیدی بر سرم ریخت و رفتن به تاجیکستان نشد که نشد. اما در دلم

امیدی روییده بود که این سفر شدنی ست. یکی دو روز بعد، پس از صدای زنگ تلفون، باز هم این **که‌دویی** بود که پرسید: گذرنامه ی شخصی داری؟ گفتم بلی. گفت فردا برو به سفارت تاجیکستان؛ من با ایشان صحبت کرده‌ام؛ به شما ویزه می‌دهند.

از شوق فراوان دیدن تاجیکستان، شب بر سرم روز نمی شد. فردای آن، با اندک دشواری به محوطه ی سفارت راه یافتیم. حدود ساعت دوازده چاشت پس از گرفتن ویزه، سفارت را به قصد "سرای شمالی" ترک گفتم. دقیقاً ساعت یک پس از چاشت، موتر (اتومبیل) به سوی ولایت کندز در شمال کشور حرکت کرد. آقای **که‌دویی** در مسیر راه و شب، ساعت به ساعت زنگ می‌زد و احوالم را می‌گرفت.

شب را در خانه‌ی یکی از دوستان در منطقه‌ی سیدآباد کندز گذشتاندم. طبق وعده‌ی آقای **که‌دویی**، با دو هم‌سفر دیگر ما که از پاکستان آمده بودند، باید یک‌جا می‌شدم. فردا صبح با آن دو مهمان دیگر راهی "بندر شیرخان" شدم. میانه‌های ماه اسفند/حوت بود و دو کنار شاهراه کندز به بندر شیرخان، با رنگ سبزه‌ی نودمیده چشم‌ها را نوازش می‌کرد. گذشتن از بندر با کشتی، از روی دریای آمو برایم نخستین تجربه‌ی رفتن بر روی آب بود و به همین دلیل پر از شور و هیجان؛ اما فاصله بسیار اندک بود و پس از لحظاتی به کنار دیگر دریای آمو پیاده شدیم. در همان مدت بسیار کوتاه، خیالاتم زمان‌ها و عصرها را درنوردید و حکایت نظامی عروزی سمرقندی را در چهارمقاله به یادم آورد و گذر نصر فرزند احمد سامانی از دریای آمو و این بیت‌های رودکی:

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی...

ریگ آموی و درشتی راه او زیر پایم پرنیاپرنیان آمد همی

سوی دیگر دریای آمو، حال و هوای دیگری داشت. تا نزدیکی‌های شهر دوشنبه، در دو کناره راه، تا چشمت کار می‌کرد، زمین‌های کشتی بود و کار و تولید. خانه‌های مسکونی در فاصله‌های بسیار دور از هم بود. جزئیات وارد شدن ما به شهر دوشنبه و چگونگی رفتن به هوتل(هتل) و در فردای آن شرکت در همایش فراموشم شده است.

شب برای صرف غذا در جایی با فاصله ی اندک از هوتل رفتیم. روبه‌رویم در میز سالون غذا، دوستان ایرانی نشسته بودند. پس از اندکی دانستم که یکی از آن‌ها داکتر میرجلال‌الدین کزازی است. با هم معرفی شدیم و سر صحبت با تفاوت کاربرد واژه‌ها در کابل و تهران باز شد. یکی از آن واژه‌ها "مسکه" در برابر "کره" بود. تا واژه‌ی "مسکه" را از زبانم شنیدند، بی‌درنگ گفتند که این واژه از "مشک" آمده و منسوب به آن است و برای آسانی در تلفظ، "ش" آن به "س" بدل شده است.

فردای آن‌روز ما را به اتاقی بزرگ رهنمایی کردند. مهمانان هرکدام به نوبت مقالات‌شان را خواندند. من هم مطلب کوتاهی درباره‌ی ارزش‌ها و جایگاه زبان فارسی در حوزه‌ی فرهنگی و تمدنی ما خواندم.

آشنایی با گنجینه‌ی نسخه‌های کهن خطی فارسی در تاجیکستان، دانشگاه دولتی و رفتن در صنف‌های درسی دانش‌جویان آن‌جا، به نمایندگی از مهمانان کشور صحبت در سالون بزرگ دانشگاه پیرامون وضعیت زبان فارسی در وطن ما، دیدار از تندیس بزرگ اسماعیل سامانی و سفر به یکی دو شهر دیگر در تاجیکستان، آشنایی با استاد احمد سمیعی گیلانی و داکتر میرجلال‌الدین کزازی و سخن‌رانی‌اش با واژه‌های سچه و سره‌ی فارسی، خاطره‌های فراموش‌ناشدنی سفر به

تاجیکستان، همه در سایه توجه و محبت‌های بی‌آلایش جناب داکتر **کهدویی** میسر شده بود.

باری که برای دیدار ایشان به رایزنی رفتم مرا به انبار کتاب‌های کمکی و تازه‌رسیده از ایران رهنمایی کرد و جمعی از کتاب‌های برابر به رشته و طرف نیازم را با اخلاص و گرمی فراوان به من اهدا کرد. در همان نوبت بود که به من پیشنهاد پذیرفتن مدیریت فصل‌نامه‌یی را کردند که تازه به گفته‌ی خودشان، بودجه‌ی چاپ آن را از ایران آورده بودند که البته من از پذیرفتن آن شانه خالی کردم. اکنون که در قفسه‌های کتاب‌خانه‌ی کوچکم کتاب‌های اهدایی وی را می‌بینم خاطرات ایام حضورش در کابل تازه می‌شود و دلم را به شور و تپش می‌اندازد.

یکی از کارهای ماندگار و فراموش‌ناشدنی جناب داکتر **کهدویی** در ایام خدمتش در کابل، حضور وی در نشست‌های مقدماتی استادان دیپارتمنت برای آغاز مجدد درس‌های دوره‌ی ماستری/کارشناسی ارشد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل است. جناب ایشان پس از به ثمر رسیدن آن کوشش‌ها و شروع درس‌ها، در پی زمینه‌سازی برای سفر استادان به ایران بودند. در یک نوبت، اکثر استادان دیپارتمنت به دعوت شورای گسترش زبان فارسی، زیر نام "دانش‌افزایی" برای مدت سه هفته مهمان آن جا بودند. نشستن در پای درس‌های استاد **سمیعی گیلانی**، داکتر **سیروس شمیسا** و جمعی دیگر از بزرگان دانش و ادب آن جا، دیدار از کاخ نیاوران، آشنایی با مرکز حکمت و فلسفه، پذیرایی گرم فرهنگستان ایران، شرکت در یک محفل نقد کتاب با حضور داکتر **شمیسا** و... غنیمت‌هایی بودند که با وساطت ایشان سامان یافته بود.

دوره ی خدمت ایشان در کابل همزمان بود با آغاز تحولات پس از طالبان در کشور ما که در نهادهای علمی و فرهنگی ما هیچ چیزی از گذشته نمانده بود. **دکتر کهدویی** با درک همین نکته به انتقال کتاب از ایران برای کتابخانه‌های دانشگاه‌های نویناد کشور ما توجه بیش‌تر داشتند و تا جایی که به یاد دارم از دانشگاه ننگرهار در شرق کشور ما، دانشگاه البیرونی در ولایت کاپیسا و دانشگاه تخار در شهر تالقان یاد می‌کردند. هیچ نمی‌توان از یاد برد که در اکثر سال‌های دهه‌ی هشتاد، حداقل یکی‌دو محفل در تالار کتابخانه‌ی دانشگاه به پشتوانه‌ی رایزنی و هم‌کاری دیپارتمنت فارسی دری برگزار می‌شد. رایزنی در پایان، به استادان و دانش‌جویان مقاله‌خوان و جمعی از شرکت‌کنندگان محفل کتاب و هدایای دیگر پیشکش می‌کرد.

بی‌گمان در تاریخ رایزنی فرهنگی ایران در کابل، کسی را که بتوان از لحاظ علمی و شخصیتی با او سنجید، نمی‌توان یافت. او عاشق علم و معرفت و زبان فارسی بود؛ نه تنها به زبان فارسی عشق می‌ورزید که به هرکه به زبان فارسی گپ می‌زد، به هرکه زبان فارسی یاد داشت، به هرکه زبان فارسی را دوست داشت، عشق می‌ورزید. در این عشق ورزیدن، زبان فارسی، زبان مهر و محبت، زبان شور و شوق، زبان عاطفه و احساس، زبان نجوای خلوتگاه‌های اهل عشق و ایمان، **زبان فردوسی و سنایی و عطار و مولوی و سعدی و حافظ** و... در زبانش بود و سحر و جادو می‌کرد.

می‌دانم که با نوشتن این خاطره‌ها حقش ادا نشده است؛ اما این قدر می‌شود که یادش را گرمی بدارم و در دلم گرم و صمیمانه بیوسمش.

با حلاوت قند پارسی

داکتر سرو رسا رفیع‌زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه رنا

کابل، افغانستان

دانشجوی سال سوم ادبیات فارسی دانشگاه کابل بودم که یکی از استادان دانشکده گفتند که قرار است بعد از این برای بزرگداشت از بزرگان زبان فارسی، برنامه‌هایی داشته باشیم. من که خودم بزرگداشت از **مولانا و عطار** را در کارنامه‌ی دانش‌جویی خود داشتم و با چنان برخورد‌های خصمانه از جانب برخی از اعضای دیپارتمنت روبه‌رو شده بودم؛ مخصوصاً داکتر **سرور همایون**، که با این خبر نزدیک بود از تعجب شوکه شوم. ناباورانه روز موعود به تالار کتاب‌خانه رفتم و دیدم که واقعاً به همت راینی فرهنگی سفارت ایران در کابل، برنامه‌ای برای **حافظ** برگزار شده است. برنامه‌ی خوبی بود و بجز استادان و دانش‌جویان ادبیات، از بخش‌های دیگر نیز آمده بودند. از وزارت تحصیلات عالی هم آقای داکتر **سیدعسکر موسوی** و چند تن دیگر آمده بودند. سخنرانان یکی پی دیگر پشت میز خطابه می‌رفتند و حرف می‌زدند تا این که مجری، اسم ناآشنایی را خواند. مردی که موهای سرو ریشش کاملاً سفید بود و چهره‌ای زیبا و نورانی داشت، با تواضع رفت و جلو مهمانان قرار گرفت. سخنانش حلاوت قند پارسی را به خوبی در خود حل کرده بود که با چاشنی طنزهای ظریف، شنندگان خسته را سر حال می‌آورد. در ضمن سخنانش گفت که حاضر است در دانشکده‌ی ادبیات افتخاری تدریس کند. مجذوب رفتار و گفتارش شده بودم. برنامه که تمام شد، رفتم نزدیک و در حالی که تردید داشتم نام خانوادگی‌اش را درست تلفظ می‌کنم یا نه،

گفتم: ببخشید آقای دکتر کهدویی، من سرو رسا هستم و خیلی دوست دارم این سِمِستِرِ متون نثر برای مان تدریس کنید. خیلی خوش حال شدند و پس از دوندگی‌ها و هماهنگی‌ها، آن سمستر با استاد گلستان را خواندیم. درس پرباری بود و با خاطره خوشی به پایان رسید. بعد از ختم سمستر استاد گفتند که در تعطیلات زمستانی، جلسات هفتگی تحلیل شعر حافظ را در رایزنی فرهنگی ایران برگزار خواهند کرد. همان شد که با تنی چند از هم‌کلاسی‌هایم قرار گذاشتیم در طول سه ماه تعطیلی، چهارشنبه‌ها خدمت استاد برسیم و از حافظ بشنویم. در یکی از چهارشنبه‌ها، که برف سنگینی کابل را دربر گرفته بود، من و دوستانم اسما، که دانش‌جوی سال سوم بود، برای درس حافظ رفتیم. سرما سخت، برف سنگین و ما را هم به شدت خنک گرفته بود، در کنار بخاری و اتاق گرم، صحبت‌های ما گل کرده بود و استاد در باره افغانستان می‌پرسید و ما جواب می‌دادیم. منتظر بودیم که دانش‌جویان دیگر بیایند؛ ولی از ساعت شروع درس بیش از ۴۰ دقیقه گذشت و کسی نیامد. استاد گفت عیبی ندارد؛ من شما دو نفر را دو ملت حساب می‌کنم و درس را شروع می‌کنیم. آن روز استاد برای ما دو نفر این غزل را شرح کردند:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند

سال بعد در شروع سِمِستِر بهاری، به استاد گفتم که باز هم تدریس متون نظم ما را به عهده بگیرند و استاد استقبال کرده برای ما مثنوی تدریس کردند و هفته‌ای یک روز استاد به صنف ما می‌آمدند. هنوز سه چهار هفته از سمستر نگذشته بود و روز سه‌شنبه که درس مثنوی داشتیم، منتظر آمدن استاد بودیم. ایشان که همیشه سر موقع در صنف

حاضر می‌شدند، آن روز برخلاف معمول دیر کردند. مجبور شدم به ایشان زنگ بزنم که هیچ‌گاه این کار را نکرده بودم. از آن طرف صدای استاد را که بغض کرده بود، شنیدم: ما را راه نمی‌دهند، از من دعوت می‌کنند، آن وقت کارت عبور وسایط برای ماشینم نمی‌دهند! گفتم بگذارید هماهنگ کنیم و بیاییم دم در به استقبال‌تان. گفتند که حالا برگشته‌ام و از دانشگاه فاصله گرفته‌ام. خیلی ناراحت شدم و به استاد قول دادم که کارت وسایط برای موتر استاد بگیرم. رفتم از جانب دانشکده نامه‌ای برای ریاست دانشگاه و از آنجا به معاونیت و همین‌طور سلسله‌مراتب را تا مدیریت ترانسپورت طی کردم و با عصبانیت و گله از این که با مهمان و استاد محترمی برخورد نامناسبی شده است، همهٔ مسئولان دانشگاه را در هر شعبه‌ای به باد انتقاد گرفتم و تا ساعت ۳:۳۰ عصر کارت عبور تهیه شد و به نام و شمارهٔ پلیت موتر (پلاک ماشین) ایشان صادر شد. فردا اول وقت کارت را گرفته و دم در رایزنی فرهنگی خدمت‌شان رساندم و از آن پس استاد در تمام ساعات درسی‌شان به‌موقع می‌رسیدند؛ بدون هیچ ممانعتی در هنگام ورود به دانشگاه.

استاد در مدتی که در کابل بودند، با تمام وجود تلاش کردند تا با نهادهای مختلف فرهنگی روابط نیک برقرار کنند. در زمان ایشان بیشترین برنامه‌های فرهنگی مشترک میان ایران و افغانستان برگزار شد. نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی ایران را نیز ایشان راه‌اندازی کردند و به کتابخانه‌های متعددی در شهر کابل و سایر شهرها و ولایات در دورهٔ ایشان کتاب‌های بیشماری اهدا گردید.

سال ۱۳۸۵ بود و به نظر می‌رسید ماموریت استاد در کابل به پایان رسیده و به همین مناسبت مراسم تودיעی در سفارت ایران برای ایشان

برگزار شده بود. از نهادهای مختلف فرهنگی افراد زیادی دعوت شده بودند. من هم به نمایندگی از دانش‌جویان دانشگاه کابل و دانش‌جوی صنف‌های استاد آنجا بودم. وزیر اطلاعات و فرهنگ، داکتر سیدمخدوم رهین نیز از جمله مدعوین و سخنرانان بود. وقتی وزیر به جایگاه نطق رفت، ضمن تشکر از کارکردهای استاد در سال‌های اقامت شان در کابل، گفت که وزارت اطلاعات و فرهنگ جناب آقای داکتر کهدویی را حایز تحسین و تقدیر دانسته است و برای شان لوح سپاس اهدا می‌کند. آنگاه مجری، استاد را خواست تا به روی استیژ برود و وزیر هم به پیشکار خود اشاره کرد تا لوح سپاس را بیاورد. با کمال تأسف دیدیم کاغذی لوله‌شده که با نخی پیچیده شده بود، به دست وزیر داده شد. وزیر نخ را از آن برگرفت و لوح تقدیر را که کاغذی بدون قاب بود، باز کرد و به دست استاد داد و در حالی که هردو از چهار گوشه کاغذ گرفته بودند، عکس انداختند. اگر استاد آن عکس را داشته باشند، می‌شود در کنار این خاطره چاپ شود.

در آن روز من به دو علت ناراحت بودم: یکی رفتن استاد از کابل که غنیمتی بودند و مایه دلگرمی برای اهل فرهنگ و دیگری به این شهکار وزارت فرهنگ که چگونه نتوانسته بودند از پس تهیه یک قاب ساده برای یک ورق ۴۴ برآیند!

آخرین روزهای ماموریت استاد در کابل بود که جهت اشتراک در مقطع کارشناسی ارشد به دانشگاه کابل مراجعه کردم؛ ولی آنان از پذیرش و ثبت نام امتناع کردند. همین شد که افغانستان را به قصد ایران ترک کردم و در دانشگاه فردوسی مشهد در مقطع کارشناسی

ارشد ثبت نام کردم. قبل از سفر به ایران، استاد را در کابل ملاقات کردم و از ایشان مشوره‌هایی در مورد درس و بحث در دوره کارشناسی ارشد گرفتم. ایشان شماره تلفون همراه ایران‌شان را به من دادند تا در مواقع لازم با ایشان تماس بگیرم. به دلیل فشار درس و اشتغال به درس و مطالعه، کمتر توانستم به ایشان زنگ بزنم و در ارتباط باشم؛ ولی خوش‌بختانه در چندین همایش و برنامه علمی، استاد را ملاقات کردم و دیدارها باربار تازه شد.

تیرماه سال ۱۳۸۷ از پایان‌نامه کارشناسی ارشدم، که مطالعه لهجه فیض‌آباد بدخشان بود، دفاع کردم و قصد داشتم که برای همیشه به کشور برگردم. لذا تصمیم گرفتم که چند هفته ایران‌گردی کنم. ابتدا از تبریز شروع کردم و بعداً به اردبیل و از آنجا تهران و بعد اصفهان و کاشان رفتم. مقصد بعدی شهر یزد بود. با استاد تماس گرفتم و قرار گذاشتیم در شهر یزد همدیگر را ببینیم. با اتوبوس از کاشان به سمت یزد راه افتادم و صبح وقت، قبل از طلوع آفتاب به یزد رسیدم. استاد در ترمینال منتظرم بودند و از من استقبال کردند. فقط یک روز فرصت داشتم که یزد بمانم و باید هر چه زودتر به مشهد برمی‌گشتم. در همان یک روز استاد زحمت زیادی متقبل شدند و تقریباً اکثر جاهای دیدنی یزد را نشانم دادند و در مورد هر کدام معلومات لازم و مفید هم ارائه کردند و من همه را یادداشت کردم. ناهار هم مهمان خانم نازنین‌شان بودم و بعد از ادای نماز، دوباره به سمت جاهای دیدنی یزد رفتیم و از بازار هم شیرینی، پشمک و برخی محصولات صنایع دستی مخصوص یزد خرید کردیم و نزدیک‌های غروب به گردش‌مان پایان دادیم. استاد با وجود خستگی، مرا تا ترمینال مشایعت کردند و من به مشهد بازگشتم.

بعد از آن که در سال ۱۳۸۸ در مقطع داکتری در دانشگاه فردوسی مشهد پذیرش گرفتم، کماکان ارتباطم را با استاد حفظ کردم و گاه‌گاهی به ایشان زنگ می‌زدم و احوال‌شان را می‌پرسیدم. آخرین بار ایشان را در سال ۱۳۹۷ در همایش گفت‌وگوهای فرهنگی که با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران و دانشگاه کابل تدویر شده بود، ملاقات کردم. من هم در این همایش مقاله‌ای داشتم تحت عنوان "جریان‌شناسی شعر زنان افغانستان" و استاد هم با عنوان "عرفان و تصوف و ادب فارسی" مقاله‌شان را ارائه کردند. دو سه روزی که در کابل بودند، سعی کردم بیشترین ساعات فراغت‌شان در معیت‌شان باشم و شبی که فردایش پرواز داشتند، در لابی هتل به دیدارشان رفتم و بازهم از ایشان مثل همیشه آموختم.

برای جناب آقای دکتر کهدویی، سلامتی، موفقیت و عمری طولانی و پربرکت از خدای مهربان طلب دارم و امیدوارم باز هم فرصتی فراهم آید تا استاد را ببینم. کابل، ۱/ ۱۱/ ۱۳۹۹

به یاد داکتر محمد کاظم کهدویی

داکتر سیدعسکر موسوی

وزارت تحصیلات عالی

کارته‌ی سخی، کابل،

افغانستان

از سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ خورشیدی که در وزارت تحصیلات عالی در نقش مشاور آموزشی کار می‌کردم، با کسان بسیاری آشنا شدم؛ چه خارجی و چه داخلی. یکی از این کسان داکتر محمد کاظم کهدویی بود که نمی‌دانم او را داخلی بدانم یا خارجی، زیرا کشورهای ایران و افغانستان را، صرف نظر از نگاه جغرافیای سیاسی، نمی‌شود دو کشور خواند؛ به‌ویژه برای اصحاب فرهنگ و زبان و تاریخ و ادب.

از این رو، با داکتر کهدویی همیشه این گرفتاری را داشتم که او را بیگانه بخوانم، که خود صاحب خانه است، یا خودی بدانم که مثلاً از آن سوی خط مرزی سیاسی سال‌های ۱۸۹۰ میلادی است؟

باری، روزی بنا بر رسم معمول، از دفتر وزیر مرا خواستند. وزیر تحصیلات عالی، شادروان داکتر شریف فایض بود که خود بیشتر از من این دغدغه‌ها را داشت. به مجرد ورود به دفتر وزیر، داکتر شریف فایض به لهجه‌ی هراتی به من گفت:

برادر! امروز سفیر ایران می‌آید تا رایزن جدید فرهنگی را به ما معرفی کند؛ شما هم تشریف داشته باشید؛ چاشت هم مهمان ماستند. آقای مهرور همه‌ی آمادگی‌ها را گرفته است؛ ولی به نظم و ترتیبات و پاکی باید بیشتر توجه داشته باشیم.

-کی می‌آیند؟ من پرسیدم.

-نیم ساعت دیگر.

به ساعت کلان دفتر وزیر نگاه کردم، عقربه‌ی ساعت، ۱۱ پیش از چاشت را نشان می‌داد. از دفتر وزیر بیرون شدم و رفتم به اتاق روبه‌روی دفتر وزیر که اتاق چند کاره بود: برای ملاقات خاص، پذیرایی مهمان‌های خاص و محل مشوره و بحث‌های خاص.

میز را چیده بودند و همه چیز آماده بود؛ تنها منتظر غذا و مهمان‌ها بودند: حدوداً هشت نفر.

ساعت ۱۱:۳۰ بود و در دفتر وزیر پشت میز بیضی شکل نشسته بودیم. یک طرف میز، داکتر شریف فایض، من و زنده‌یاد نجیب نظیف رئیس ارتباط خارجه، و طرف روبه‌روی ما آقای محمدرضا بهرامی، سفیر، داکتر محمد کاظم کهدویی رایزن فرهنگی و آقای دین پرست یکی از مسئولان سفارت ایران نشسته بودیم. هردو طرف اعضای‌شان را معرفی کردند؛ پس از تعارفات رایج و بی‌روح، صحبت‌ها گل انداخت.

داکتر فایض رو به مهمان‌ها گفت: سروکار شما بیشتر با این دو نفر است و امیدوارم که دشواری پیش نیاید. تعارفات خاص ایرانی شروع شد: اول آقای بهرامی و بعد داکتر کهدویی. سفیر بهرامی را پیشاپیش دیده بودم و می‌شناختم؛ اما آقایان کهدویی و دین پرست را برای نخستین بار بود که می‌دیدم. دین پرست لهجه‌ی شمالی داشت هرچند کمی تهرانی شده بود؛ ولی کهدویی از کجای ایران باید باشد؟ رو به کهدویی پرسیدم: شما اهل یزد نیستید؟ چشم‌هایش همه برق زد. کهدویی با شگفت‌زدگی پرسید:

-بلی، چطوری شما دانستید؟ گفتم که در زمان شاه همراه یک دوست یزدی به دهی رفتیم به نام کهدو در یزد....

و بقیه تاریخچه‌ی کهدو را داکتر **کهدویی** تا آخر با تفصیل گفت.

پس از نان چاشت، با وزیر مهمان‌ها را تا زینه‌های ساختمان وزارت بدرقه کردم و برگشتم، و داستان آشنایی من با داکتر **کهدویی** چنین آغاز شد.

بارها به دفتر داکتر **کهدویی** در رایزنی فرهنگی ایران رفتم، تنها و با همراه. ده‌ها کار را بی هیچ دشواری راه انداختیم و از همه مهمتر هرگاه که در رایزنی نوبت به «خورش قیمه» بود او زنگ می‌زد و من اگر می‌توانستم بی‌هیچ تعارفی تا آن‌سوی شهر می‌رفتم.

ده‌ها دانشگاه افغانستان را با همکاری داکتر **کهدویی** صاحب کتاب‌خانه ساختیم؛ با تمام نیازهایشان، و برای ده‌ها دانشجو، بورسیه‌ی تحصیلی و ویزا فراهم کردیم.

یکی از نمونه‌ها، دیپارتمنت زبان فارسی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ننگرهار بود. رسم براین است که رؤسای دانشگاه‌ها نیازهای‌شان را رسماً به وزارت می‌فرستند. رئیس دانشگاه ننگرهار از وزارت خواستار ایجاد و فعال‌سازی چند دیپارتمنت قبلی شده بود. ما همه را در برنامه‌ی گسترش تشکیل و بودجه‌ی سال گرفته بودیم؛ اما برای همه بودجه نداشتیم. معمولاً هربخش را از یک‌منبع تمویل و تأمین می‌کردیم. طبعاً فاکولته‌ی انجینیری (دانشکده‌ی مهندسی) را از سفارت آمریکا، انگلیسی را از سفارت بریتانیا و باز گشایی دیپارتمنت فارسی را باید از رایزنی فرهنگی ایران کمک می‌گرفتیم. این کارها را معمولاً من می‌کردم.

وقتی با داکتر کاظم کهدویی تماس گرفتم و گفتم که در گذشته دانشگاه ننگرهار دیپارتمنت زبان فارسی داشت که به دلایل جنگ‌ها و نابه‌سامانی‌ها سال‌ها بسته مانده و حالا رئیس آن در خواست داده است تا بازگشایی شود ... هنوز حرفم تمام نشده بود که گفت: لطفاً یک شماره‌ی تماس به من بدهید تا من مستقیماً با خودشان تماس بگیرم و نیازمندی‌های‌شان را بدانم. شماره‌ی تماسی دادم و به وزیر هم موضوع را گزارش دادم. ۴۸ ساعت بعد داکتر کهدویی پشت تلفون بود و به لهجه‌ی یزدی-تهرانی گفت:

«من توی شهر جلال آبادم. امروز ۷۵ جعبه کتاب عجلتاً به دانشگاه تحویل دادیم با چیزهای دیگر و حالا دنبال نجّارم تا قفسه‌های کتاب‌خانه را بسازند. من چند روزی در این شهر می‌مانم تا کار به اتمام برسد. اگر کار بیشتری هم باشد بگوئید تا من هستم اجرا شود.»

این زبان یک عاشق فرهنگ و زبان فارسی است، نه زبان یک رئیس رایزنی فرهنگی ایران.

*

دیپارتمنت زبان فارسی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه کابل، یک زمان داکتری ادبیات هم می‌داد. در سال‌های ۱۳۸۰ خورشیدی بیشتر استادانش لیسانس بودند و در نتیجه سطح آموزش بسیار پایین بود. من با داکتر سرور مولایی (که آن زمان رئیس دانشگاه بامیان بود)، با استادان دیپارتمنت فارسی (زنده‌یاد داکتر همایون، داکتر قویم، داکتر بنووال، داکتر یمین و داکتر حصاریان) چندین جلسه گرفتیم و کارهای تدریس دوره‌ی ماستری (فوق لیسانس) ادبیات فارسی را پی گرفتیم.

این نشست‌ها گاهی بسیار گسترده‌تر می‌شد و دیگر استادان دیپارتمنت نیز حضور به هم می‌رساندند. استاد **ساکایی** (حالا داکتر **ساکایی**) یک عضو دیگر بود؛ اما کسی که پایه‌ی اصلی کار ما بود داکتر **محمدکاظم کهدویی** بود که گمان می‌کنم به عنوان استاد مهمان تدریس هم می‌کرد. وی برای آغاز دوره‌ی ماستری زبان فارسی تلاش می‌کرد.

راه‌اندازی کتاب‌خانه‌ی مخصوص در دیپارتمنت زبان فارسی از زمان او آغاز شد و در گزینش متون ادبی قدیم و جدید، کوشش می‌کرد معتبرترین‌ها را برگزیند.

وقتی که از ایران کتاب می‌رسید، داکتر **کهدویی** با استفاده از نقطه‌ی ضعف من، که «خورش قیمه» بود، مرا در دفتر کارش در رای‌زنی دعوت می‌کرد؛ اما اول می‌رفتیم تمام کتاب‌ها را رؤیت می‌کردیم بعد می‌نشستیم پای سفره‌ی گرم او که گاهی نتیجه‌ی سرانگشتان بانو **کهدویی** بود، و بعد سفارش یک قاشق سرکه‌ی سیب بعد از غذا و صحبت‌های مفصل در مزایای «آب درمانی» و سرکه‌ی سیب؛ اما محور عشق او این بود که بداند کجای افغانستان دیپارتمنت فارسی دارد و نیاز به کتاب و کمک.

یک بار هم دوست خوش‌نویسی را از ایران دعوت کرده بود که در کابل آموزش رایگان خوش‌نویسی برگزار کند. از من خواست که شعری را برگزینم تا آن هنرمند چیره‌دست به رسم یادگار بنویسد. من این فرد را از مثنوی مولانای بلخی خواندم:

ای بسا ابلیس آدم‌رو که هست پس به هر دستی نماید داد دست

و آن دوست در کاغذهای از پیش مهذب شده با مهارت خاصی نوشت و به من هدیه کرد. این شعر سال‌ها در سرِ درِ دفتر کارِ ام جا خوش کرد و از آن نسخه‌ها و عکس‌ها گرفته شد و به خانه‌ها و دفاتر دیگر راه پیدا کرد.

هر که از من می‌پرسید، می‌گفتم: **داکتر محمد کاظم کهدویی** هدیه داده است.

باری، کار رسمی او در کابل به سر آمد و بایست برمی‌گشت به ایران. یادم است که چندان خوش نبود، بدجوری هوای کابل او را گرفته بود؛ مگر باید می‌رفت. روز خداحافظی فرارسید؛ باز او بزرگواری کرد و به دفتر من آمد و به رسم یادگار، کتابی را با عنوان "ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه" (برگرفته از دایرةالمعارف آریانا) که در کابل فراهم آورده بود با یک نسخه "دیوان حافظ شیرازی" به خط بانو **فریبا مقصودی**، اولین کتابت دیوان **حافظ** به خط زنی خوش‌نویس از عصر **حافظ** تا عصر حاضر. هر دو کتاب، و نیز چون روان ناآرام و ارادت مرا نسبت به خداوندگار بلخ می‌دانست، "کلیات شمس تبریزی"، مطابق با نسخه‌ی تصحیح شده‌ی استاد **بدیع‌الزمان فروزانفر** را نیز به رسم یادبود آورده بود.

من این یادآوری‌ها را به عنوان برگی از ادب و سپاس می‌نویسم و با این شعر **حافظ** به پایان می‌برم:

آن سفر کرده که صدقافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش!

۱۱ دلو ۱۳۹۹

ب) پاکستان

استاد **که‌دویی**، عملاً در پاکستان تدریس نداشتند، اما سفر به پاکستان، و بازدید از مرکز تحقیقات مشترک ایران و پاکستان، و همچنین رایزنی‌های فرهنگی ایران در اسلام‌آباد و راولپندی، و دیدار با بعضی از استادان پاکستانی در کنفرانسهای بین‌المللی در ایران، فرصتی بود برای آشنایی بیشتر ایشان با استادان فارسی پاکستان. و همین مقدار اندک، باعث به وجود آمدن خاطرات خوب و صمیمی بین آنان شد که نمونه‌هایی از آن در ذیل آورده می‌شود:

محمد کاظم که‌دویی: استاد جهان‌دیده

دکتر عارف نوشاهی

ادارهٔ معارف نوشاهی، اسلام‌آباد، پاکستان

تا جایی که حافظهٔ پیرانه سری‌ام یاری می‌کند، بنده که از سال ۱۹۷۶ به بعد رفت و آمد به ایران دارد و حشر و نشر با اکثر استادان ایرانی داشته‌ام، قسمت نشده که استاد جهان‌دیده **محمد کاظم که‌دویی** را از نزدیک بینم. علّتش جز این نبوده که مسکن و مأوای ایشان در یزد است و بنده در سفرهایم به ایران تاکنون به یزد نرفته‌ام. یک سال پیش که ایشان در داکا بوده‌اند، البته گوشم به صدای گوش نواز ایشان آشنا شد؛ ولی این دوری مکان و جسم باعث نشد که بنده از فیضهای معنوی **استاد که‌دویی** که برای جامعهٔ انسانی به بار آورده‌اند، محروم مانم. در سال ۱۳۸۶ وقتی به تصحیح ایشان «تذکرهٔ شمع انجمن» تألیف **نواب صدیق حسن خان** در ایران چاپ شد، بنده نسخه‌ای تهیه کردم و دیدم که استاد چقدر زحمت کشیده‌اند.

داد و ستد فرهنگی و ادبی بین ایران و شبه قاره (شامل سه کشور بنگلادش، پاکستان و هندوستان) سابقه ممتد قرن‌ها دارد. آن گونه که بنده مطالعه کرده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که داد شبه قاره بیشتر از ستد بوده است، یعنی میزان کار فضایی شبه قاره برای ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی چند برابر حجم کار ایرانیان برای شبه قاره است؛ ولی وقتی رزومه استاد کهدویی را دیدم، متوجه شدم که ایشان بخشی از عمر عزیز خود را صرف و وقف خدمت به فرهنگ فارسی در شبه قاره نموده‌اند؛ چه از لحاظ تدریس زبان فارسی که مدتی در هند و بنگلادش بوده اند، و چه از نظر تصحیح متون شبه قاره که به همت ایشان تاکنون چندین کتاب چاپ شده است.

در کارنامه ایشان با دیدن نامه‌های تذکره شمع انجمن (۱۳۸۶ش)، تذکره عقد ثریا مصحفی (۱۳۸۸ش)، نرگستان ترجمه منظوم کتاب رامایانا (۱۳۹۲ش)، عرفان و تصوف و نفوذ آن در هند و بنگلادش (۱۳۹۳)، دیوان عبیدی (۱۳۹۹ش)، تذکره شام غریبان (تصحیح، آماده چاپ) بر خود می‌بالم که لااقل یکی از استادان ایرانی، در داد، به شبه قاره پیشگام بوده است. زحمات استاد کهدویی موجب خرسندی و مباهات است. خداوند متعال بر عمر و سلامت استاد عزیز کهدویی مزید برکت برافزاید و ما شاهد بیش از پیش دست آوردهای ایشان برای شبه قاره باشیم. این دعا از من و از جمله جهان آمین باد.

شنبه، ۱۱ بهمن ۱۳۹۹ش / ۳۰ ژانویه ۲۰۲۱

فرهاد شیرین صفت

دکتر حمیرا شهباز

مربی، بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه نومل، اسلام آباد، پاکستان

۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی، دامن بیستون، من غریب و شهر فرهادان. نصف شب و سالون پذیرش دانشگاه رازی کرمانشاه، من حیران و پریشان، منتظر راهنمایی میزبانان، ایستاده با یک دختری، **رامیلا** **عزیزی** از افغانستان.

"سلام خانم! کلید اتاق تون رو دریافتین؟" یک صدایی مهربان. دیدم کسی است، شاید یکی از همسفران، که با ما از تهران چند دقیقه پیش بدینجا رسیده یا یکی از میزبانان. نمی دانستم کی بود. "فعلاً، نه، سلام!"، من گرانی خواب را تحمل کرده، پاسخ دادم با نیم خستگی و لبخندان.

ازین به بعد، کلید هم پیدا شد و در هم وا. راه هم معلوم شد و هم راهنما. احترام و مهربانی ایشان هر دم بود با ما، از سالون غذا خوری تا تالار همایشگاه، گاهی در همنشینی بعنوان هیت رئیسه در نشست تخصصی همایش یا در گردش گاه ها. بسیار محترم، بافرهنگ و باصفا. وقتی که بر می گشتیم در چند روز از همایش به تهران در مهمانسرا، بیشتر معرفی شدیم در راه.

درست یادم نیست، می گفتند از یزد هستند، از فامیل و فرزندان هم یاد کردند، اما آن که فراموشم نشد، این است که آدم خوبی بودند. یک قدر مشترک از همه شگفت آور بود که ایشان با استاد بنده دکتر **مهر نور محمدخان**، آشنا بودند. سالها پیش، در دانشگاه تهران از ایشان زبان و ادبیات اردو یاد گرفته بودند و می توانستند یک کمی زبان اردو بفهمند و

بگویند. هر چند که همدلی از هم زبانی بهتر است، باز هم، در غربت با یک هم زبان آشنا شدن کمتر از بهتر نیست.

مسافرت تمام شد، اما همسفری باقیست. در فضای مجازی، نصف ملاقات داریم. هر وقتی که مشکلی علمی، ادبی دارم، چه معنای یک کلمه فارسی، یا یک شعر نا پیدا مفهوم، یک مشکل تدریسی، یا یک راهنمایی علمی، نمی دانم چه ها. ایشان همیشه فقط به نزدیکی یک کلیک هستند. همیشه پاسخ می دهند، راهنمایی می فرمایند، مشورت می دهند، نصیحت می کنند. از همایشها، و کارگاههای علمی خبر می-رسانند. مواد درسی فراهم می آورند. خواستار ویدیو ها و آدیوها برای تدریس درس درک شنیدن و غیره شدم، هر وقتی که چیزی مفید در می یابند، می فرستند. از طریق کلاس مجازی به عنوان: "همگام با شاهنامه" به مفهوم شعر فردوسی آشنایی بخشیدند و گاهی در گروه واتس اپ بنام "قند بنگاله" حافظ را شرح دادند. اصلاً از خدمت زبان و ادبیات فارسی خسته نمی شوند.

رفتند بنگلادش به عنوان یک استاد اعزامی. این شد نسبت مشترک دیگری. بنده هم محصل بخش فارسی دانشگاه داکا بودم. در سال ۲۰۱۰ میلادی مدرک دانشوری (ایم فل) دریافتم به زبان و ادبیات فارسی. از چشم وی باز دیدم کوچه ها و خیابانهای شهر داکا، راهرو و رهروان دانشگاه داکا:

... باز از آن کوچه گذشتم

همه تن چشم شدم...

نه رمیدم، نه گسستم ...

در تماس با ایشان خود را در صحبت استادان خود دانستم. سرکار خانم دکتر کلثوم ابوالبشر (استاد راهنمای بنده، شایسته صد تحسین، لایق صد احترام)، دکتر عبدالسلام (استاد گرانقدر)، دکتر طارق (یک انسان مخلص)، دکتر عبدالصبور (چاره گر مشکلات من)، اساتید بخش اردو... همه را نزدیکتر حس کردم. دانشگاه داکا که راه کار و همکاری علمی - پژوهشی بر ما بسته با وی گله کردم، اما همیشه امید خوبی نشان داد. با حضور مردانی صاحب‌دل، دانش‌پرور و با حوصله چون دکتر محمد ابوالکلام سرکار، چنین امید واقعاً معنی دارد.

من همیشه معتقد بودم که معلمان ایرانی آدم‌های فوق‌العاده‌ای هستند. چندین بار ایران بودم، در چندین همایش ترویج زبان و ادبیات فارسی حضور پیدا کردم، دوره‌های دانش‌افزایی هم شرکت داشتم. هر مسافرت همیشه یک گونه حاصل‌ماندگار داشت. می‌شناختم دکتر محمد حسین تسبیحی، دکتر محمد مهدی توسلی، دکتر تقی پورنامداریان، دکتر علی پدram میرزایی، دکتر حکیمه دسترنجی... یک نام بیشتر اضافه شد، "دکتر محمد کاظم کهدویی". چه خوب شد.

خسته نباشد! همیشه سلامت باشد!

عاشق فارسی!

فرهاد شیرین صفت!

ج) چین

خلاصه‌ای از فعالیتهای استاد کهدویی در شانگهای (۱۳۹۰ - ۱۳۹۲)

استاد کهدویی در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۰ خورشیدی، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، به عنوان استاد، به دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای چین اعزام شد و از فردای آن روز، فعالیتهای خود را در دانشگاه شروع کرد.

الف) فعالیتهای تدریس در کلاسهای درس، که معمولاً سه یا چهار روز در هفته، از صبح تا شب ادامه داشت.

ب) فعالیتهای جنبی که معمولاً هم با استقبال دانشجویان روبرو بود و موارد مختلفی چون برگزاری سمینارها و شعر خوانی و اجرای سرود و... را شامل می‌شد.

گردشهای علمی که گاهی برای آموزشهای عمومی و فهم بیشتر کلمات و شناخت بیشتر طبیعت و محیط اطراف، با دانشجویان، به بخشهای مختلف دانشگاه یا خیابان یا پارک صورت می‌گرفت و دانشجویان، با ابزار و ادوات و عناصر طبیعی و اسامی و کاربرد و رنگها و اشکال و اوزان و اوقات، آشنایی بیشتر پیدا می‌کردند.

برگزاری مراسم مختلف در گرامیداشت بزرگان دینی و شعر و ادب و فرهنگ ایران، اعیاد باستانی؛ بویژه نوروز، و... از جمله اموری بود که بدانها می‌پرداخت.

شعر خوانیهای دسته جمعی و حفظ موارد ادبی و تاریخی به صورت جنبی که اهمیت خاصی داشت.

بازدید دانشجویان از نمایشگاه‌های برگزار شده از سوی ایرانیان، و همکاری با آنان، از دیگر فعالیت‌های استاد بود.

دعوت از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و هیأت‌های نمایندگی ایرانی، برای حضور در دانشکده و بازدید از گروه و صحبت کردن با دانشجویان، که باعث دلگرمی و امیدواری آنان در جهت فراگیری هرچه بهتر زبان فارسی می‌شد.

تهیه مجله، کتاب، و منابع درسی و پژوهشی فارسی، اعم از کاغذی یا الکترونیکی از ایران، برای دانشجویان و استادان فارسی، تا بتوانند بیشتر و بهتر به امر پژوهش بپردازند.

تدوین جزوه‌های درسی به صورت کتاب برای استفاده بهتر دانشجویان در کلاس درس؛ مانند: «نگارش و درست نویسی»، «تاریخ ادبیات ایران تا مشروطیت»، «تاریخ ادبیات معاصر ایران» و... که دانشجویان ضمن فراگیری زبان فارسی، با تاریخ ادبیات و فرهنگ ایرانی هم آشنا می‌شدند.

تشویق و ترغیب نمایندگی فرهنگی ج.ا. ایران، به منظور حمایت و همکاری با بخش فارسی که در نهایت به ایجاد اتاق ایران شناسی در دانشکده زبانهای شرقی و بخش فارسی گردید و به صورت یکی از زیباترین و مؤثرترین گروه‌ها در بین ۱۰ گروه زبان خارجی آنجا در آمد.

برگزاری کلاسهای آموزش زبان فارسی رایگان، در سالن انتظار محل اقامت، برای دانشجویان تاجیکستانی، الجزایری، مغربی و چینی که داوطلبانه فارسی می‌آموختند.

همکاری با پروفیسور **جان هون نین**، استاد دانشگاه پکن، در شرح رباعیات خیام.

همکاری با استاد **ژان لی مینگ**، در تدوین و اصلاح و ویرایش فرهنگ چینی - فارسی، و کتاب آداب و رسوم مردم چین.

سخنرانی و قرائت مقاله در مراسم‌هایی که به مناسبت‌های مختلف ملی و آیینی در کنسولگری ج.ا. ایران برگزار می‌شد.

استاد **کهدویی** سرانجام در تیرماه سال ۱۳۹۲ پس از دو سال و سه ماه خدمات علمی - ادبی و فرهنگی، به کشور خویش بازگشت. در حالیکه دو نفر از دانشجویانش در دوره دکتری ادبیات فارسی به ادامه تحصیل پرداختند و تعدادی نیز به عنوان مترجم در شرکتهای فعال چینی در ایران، به کار مشغول شدند.

در ادامه، مختصری از خاطرات استاد، از زبان همکاران ایشان آورده می‌شود:

استاد کهدویی در چین

دکتر چنگ تونگ

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی
و رییس دانشکده آسیایی و آفریقایی
دانشگاه شانگهای، چین

دکتر محمدکاظم کهدویی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳م. از طرف
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران به عنوان استاد زبان و ادبیات
فارسی به دانشگاه مطالعات بین‌الملل شانگهای اعزام شد.

سخت کوشی و تلاش ایشان در کار، خاطرات عمیقی بر دل دوستان
چینی گذاشت و ما با ایشان دوستان خوبی شدیم. با زحمات جناب آقای
دکتر کهدویی "مرکز پژوهش فرهنگ ایران" در این دانشگاه توسط
سرکنسولگری ایران در شانگهای تأسیس شد. این مرکز بستر خوبی برای
توسعه زبان فارسی در دانشگاه مطالعات بین‌الملل شانگهای ایجاد کرد. ما
یک بار دیگر از دکتر کهدویی سپاسگزاریم.

خاطره ای در خصوص آقای دکتر کهدویی

لیو هویی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه بین الملل شانگهای، چین

آقای دکتر محمد کاظم کهدویی، دوسال به عنوان استاد اعزامی در گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین الملل شانگهای چین، فعالیت داشتند. طی آن دو سال، ایشان برای دانشجویان کلاسهای فارسی پیشرفته و تاریخ ادبیات فارسی، نشستهای ادبی و علمی را برگزار می کردند، و همچنین متون درسی به نام «صدای ادب» برای دانشجویان فراهم کرده اند که تا به امروز ما با هم از این کتاب دو جلدی بهره مند شده ایم.

دکتر کهدویی مردی مؤدب، صاحب دل و دوست نواز است. همه اساتید و دانشجویان این گروه ایشان را دوست داشته و به ایشان احترام گذاشته اند. تقریباً هشت سال است که ایشان به ایران برگشته اند، ولی دل من همیشه برای این دانشمند سفید موی تنگ شده است. امیدواریم در آینده نزدیک باز هم در شانگهای از ایشان پذیرایی کنیم.

استاد کهدویی، مثل پدر

لادن

دانشجوی سابق استاد کهدویی
دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای

نام فارسی من **لادن** است و یکی از شاگردان دکتر **محمد کاظم کهدویی** هستم و ایشان را خیلی دوست می‌دارم، بسیار انسان مهربان است و همیشه به ما کمک می‌کند.

بعد از فارغ‌التحصیل شدن، من با چند نفر از همکلاسیهایمان آمدم ایران برای کار. آن موقع دکتر **کهدویی** دورهٔ مأموریتشان در چین تمام شده و به ایران برگشته بودند. چون برای اولین بار ما آمدم ایران، با هیچ کسی آشنایی نداشتیم. دکتر **کهدویی** مثل پدر ما، خیلی به ما کمک کردند هم از لحاظ زبان و هم از لحاظ زندگی. ما را دعوت کردند به خانه دخترشان در تهران، غذای سنتی ایران را برای ما درست کردند. ما مثل یک خانواده دور هم نشستیم و شام خوردیم و گفتگو کردیم. هیچ وقت آن شب به یاد ماندنی، از یادم نمی‌رود.

با کمک استاد، بسیاری از اشعار و دیگر مطالب که متوجه نمی‌شدیم، توانستیم بفهمیم و درک کنیم. مثلاً معنی بیت:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند.

را با کمک آقای دکتر و رفتار ایشان، کاملاً فهمیدم.

این را هم اضافه می‌کنم که اسم چینی من **Wei Liheng** است. در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۳ م. دانشجوی دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای، و شاگرد استاد **کهدویی** بودم و همیشه شاگرد ایشان هستم. الان تهران هستم و در یک شرکت دولتی چین کار می‌کنم.

د) هندوستان

استاد **که‌دویی**، درسه دوره بازآموزی ۱۵ روزه استادان فارسی هند، در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ خورشیدی در شهر دهلی پایتخت هندوستان حضور داشته و متون نظم و نثر و نگارش و بلاغت را تدریس کرده است. همین حضور و تدریس باعث شد که استاد **که‌دویی** به عنوان عضوی از انجمن استادان فارسی هند، در کنفرانسهای مختلف آن انجمن در شهرهای آگرا، احمدآباد، امریتسر، بمبئی، بنارس، بیجاپور، پتنا، حیدرآباد، دهلی، رامپور، علیگره، کلکته، و... شرکت کند به مقاله‌های علمی و ادبی خود را ارائه دهد؛ بنابراین می‌شود گفت که با قریب به اتفاق استادان فارسی در سرزمین هندوستان آشنایی دارند.

ایشان از جمله کسانی که با استادان بزرگی چون: پروفیسور **نذیر احمد**، **امیر حسن عابدی**، **اظهر دهلوی**، **شریف حسین قاسمی**، **اسدعلی خورشید**، **بانو آذرمیدخت صفوی**، استاد **علیم اشرف خان** و غیره، آشنایی و نشست و برخاست داشته است.

بعضی از استادان بزرگوار فارسی هند، محبت‌های خود را نسبت به استاد **که‌دویی**، به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند که نمونه‌هایی از آن در ذیل آورده می‌شود:

استادی محبوب و هند آشنا

دکتر شریف حسین قاسمی

استاد بازنشسته دانشگاه دهلی، هند

سال ۱۳۹۵ خورشیدی، برای من سال خوشبختی و شادکامی بود که دانشگاه یزد از من دعوت کرد. در مراسمی مجلل، به مناسبت جشن سال احداث بخشی فارسی در این دانشگاه شرکت نمایم و از محضر استادان فارسی این دانشگاه به ویژه جناب استاد محمد کاظم کهدویی استفاده کنم. بنده همراه با خانم خود نزدیک به یک هفته در مهمانخانه دانشگاه یزد، که در باغی دلگشا قرار دارد، به سر بردم.

برای ما هندی‌ها که خدمتگزار زبان و ادبیات فارسی هستیم، دیدار از ایران، به هر صورت و نوع که باشد، باعث افتخار و خوشوقتی است. از پیش می‌دانستم که هند از قدیم روابط نزدیکی با یزد داشته است. تعدادی از تاجران یزد به شبه قاره هند رفت و آمد داشته و کالاهای آنجا را به این شهر، برای فروش می‌آورده‌اند؛ افزون بر این، صاحبان علم و ادب نیز از آن سرزمین به این کشور فارسی دوست آمدند و محیط ادبی اینجا را با حضور و فعالیتهای ادبی خود سرگرم می‌داشتند؛ از جمله اختری یزدی به هند آمد، ادایی یزدی که در وطن خود متهم به الحاد شده بود، به هند پناه برد. **الفتی یزدی** که در علوم ادبی و فنون ریاضی دستگاهی فراهم نموده بود، در صله این بیت:

مشت خاشاکیم و داریم آتشی همراه خویش

دور نبود گر بسوزم از شرار آه خویش

از «خان‌زمان» هزار روپیه دریافت کرد.

زمانی یزدی، در دوره سلطنت شاه عباس ماضی به سر می برد و مذهب تناسخ داشت. دیوان حافظ شیرازی را جواب گفت و به این شاه، به این امید که پاسخ مثبتی خواهد یافت تقدیم نمود؛ ولی شاه عباس به او گفت: خدا را چه جواب خواهی گفت؟

همچنین سالک یزدی، شاعر دیگری از یزد است که به هند آمد و در خدمت قطب شاه، والی حیدرآباد، به سر برد، و افسون یزدی در دربار اکبر شاه تیموری خدمات شایان ادبی را انجام داد.

برای بنده، یزد به این جهت هم دارای کششی خاص بوده که استاد گرامی و دوست عزیز ما خدمتگزاران به زبان و ادب فارسی در هند (جناب آقای دکتر محمد کاظم کهدویی) در دانشگاه یزد مشغول تدریس هستند و در حالی که ایشان بعضی اوقات به سمت رایزن فرهنگی کشور خود در کشورهای دیگر خدمت انجام می دهند، ولی خوشبختانه در آن هنگام در یزد تشریف داشتند. حضور ایشان در دانشگاه یزد، باعث آشنایی سریع اینجانب با استادان مهربان و دانشمند آن دانشگاه شد.

در مراسمی که به مناسبت سالروز احداث گروه فارسی برگزار گردید، من شاهد احترام و محبوبیت جناب آقای دکتر کهدویی در جامعه دانشگاهی شدم و این گویای شناسایی علم و دانش استاد و تقدیر از آن بوده است.

جناب آقای استاد کهدویی، در شبه قاره هند، بویژه در هند، استاد شناخته شده ایرانی هستند. ایشان در تعداد زیادی از جلسه های انجمن استادان فارسی سراسر هند در دانشگاههای مختلف، در گوشه و کنار هند، لطفاً، شرکت کرده اند، و افزون بر این در کنگره ها و گردهماییهای ملی و بین المللی که در هند درباره مطالعات فارسی در هند برگزار می

شد، شریک فعال می بوده اند، و همچنین در دوره‌های دانش افزایی شرکت کرده‌اند و ما از سخنرانی‌های جناب استاد فیض‌ها برده‌ایم؛ از این لحاظ، جناب دکتر **کهدویی** در نظر ما هندی‌ها، مثل یک استاد دانشمند می‌باشند؛ چون بنده در تعداد زیادی از این گونه گردهمایی‌ها افتخار شرکت داشته‌ام و متوجه شده‌ام که جناب استاد در هند بیشتر درباره موضوع‌های متنوع زبان و ادب فارسی در هند سخنرانی‌های تحقیقی ایراد فرموده‌اند، این چنین سخنهای عالمانه جناب استاد، برای همه ما هندی‌ها باعث تشویق شده است؛ چون استاد گرمی در جلسه‌های ما با علاقه مندی زیاد شرکت می‌کرده‌اند. عدم حضور ایشان باعث اندوه خاطر همه ما می‌شود.

جناب استاد **کهدویی**، علاوه بر مسؤولیت رایزنی فرهنگی در افغانستان، دو دوره هم به عنوان استاد اعزامی در بنگلادش کشور همسایه و دوست ما خدمات شایسته‌ای برای ترویج و احیای زبان و ادبیات فارسی در آن کشور انجام داده‌اند، استادان فارسی بنگلادش که با بیشتر آنها آشنایی دارم، معترف خدمات استاد در زمینه‌های فرهنگی هستند. ایشان همواره تلاش کرده‌اند که موضوع پیشبرد روابط فرهنگی بین ایران و شبه قاره مورد توجه در حلقه‌های دولتی ایران و شبه قاره قرار گیرد؛ در اثر آن، چنان که شنیده‌ام، در محفلی ادبی که در آنجا برگزار می‌کنند، ذکر خیر جناب استاد طنین انداز است.

چون در یزد بودم، جناب استاد از روی لطف، بیشتر ساختمانهای تاریخی و فرهنگی یزد را به ما نشان می‌دادند و این بناهای یزد را چنان به تفصیل معرفی می‌کردند که گویا ایشان تاریخ این بناها را با توجه مطالعه کرده و قادر بر بیان جزئیات تاریخی و سبک معماری آنها هستند.

باید عرض شود که استاد با لطایف و ظرایف که گنجینه پایان ناپذیر آنها در ذهن ایشان محفوظ است، سخنان خود را جالب تر و جاذب تر در می آورند.

ما دوبار مهمان جناب آقای دکتر، برای شام، در منزل مجلل ایشان بودیم؛ مسئولیت این مراسم بدیهی است به دوش خانم محترم ایشان بود که با کمال هنرمندی از این عهده برآمدند.

آنچه برای ما در منزل آقای دکتر باعث خوشحالی و تشویق بوده کتابخانه بسیار غنی در یکی از طبقات منزل ایشان بوده است. هزارها کتاب چاپ ایران و هند که حالا به آسانی به دست نمی آیند، با نظمی خاص، در قفسه ها در این کتابخانه جای گرفته اند؛ این کتابخانه حاکی از علاقه مندی مفرط استاد با کارهای تحقیقی در زمینه فرهنگ و زبان و ادب فارسی است که ماحصل آن چند کتاب ارزشمند است که استاد تا کنون به چاپ رسانده اند. تصحیح آثاری که در هند به نگارش آمده اند، بویژه تذکره های شعرای فارسی، منجر به محبوبیت بیشتر ایشان در شبه قاره هند شده است.

آقای دکتر **کهدویی** روشی، یک کمی جداگانه از دیگران را در تصحیح متون تذکره ها اتخاذ نموده اند.

در تصحیح متن «تذکره شمع انجمن»، تألیف **نواب صدیق حسن خان**، طریق کار را که اتخاذ کرده اند، باید برای دیگران که این گونه کارهای علمی ادبی را انجام می دهند، راهنما باشد. ایشان بعد از نقل احوال هر شاعر در شمع انجمن، اسم تذکره هایی دیگر را هم در زیر آن ذکر کرده اند که ترجمه آن شاعر در آنها آمده است افزون بر این، اطلاعات اساسی درباره شعرا که در شمع انجمن نیامده، از تذکره های

دیگر در پاورقی ثبت فرموده‌اند. در اثر این زحمت و کار تحقیقی جناب استاد، حالا احتیاج به این نیست که برای به دست آوردن احوال کامل شعرا، دنبال تذکره های دیگر سرگردان باشیم؛ همچنین نوآوریهای دیگری در تصحیح این تذکره علاوه بر فهرست‌های اعلام اشخاص، مکانها، و کتابها که معمولاً در چاپهای معیاری تذکره ها و غیره به اهتمام ترتیب داده می شود، فهرست اسامی شعرا بر اساس پراکندگی جغرافیای است که باعث شده بنده به آسانی اسمهای چند نفر شاعر از یزد در هند را شناختم و در آغاز این معروضات آوردم.

متوجه شدم که جناب استاد، به آثار مختلف فارسی که در هند نگاشته شده اند، عنایت بیشتری دارند و تعدادی از آنها را به سبک و روش خاص خود مرتب نموده و تصحیح کرده و به چاپ رسانده اند؛ بنابراین تمایل به آثار فارسی نوشته شده در هند، باید استاد گرامی را از جمله هند شناسان حساب کنیم و انتظار داشته باشیم که این علاقه مندی استاد محترم با تاریخ زبان و ادب فارسی در هند، باعث چاپ اینگونه آثار در آینده هم خواهد شد و ما هم از اینها استفاده خواهیم کرد و استاد گرامی بیش از پیش مورد احترام فارسی دوستان شبه قاره قرار خواهد گرفت.

زندگانی طولانی با سلامتی و تندرستی برای استاد دکتر **کهدویی** آرزو می‌کنم و این بیت خدمت استاد تقدیم می‌دارم و این تنها از طرف بنده نیست، بلکه از طرف همه خدمتگزاران به فارسی در هند است.

ای غایب از نظر که شدی همنشین دل

می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستم

جناب آقای پروفیسور محمد کاظم کهدویی، استاد بین‌المللی

پروفیسور آذرمیدخت صفوی

رئیس انجمن استادان فارسی سراسر هند
بنیانگذار و مشاور و رئیس قبلی مرکز تحقیقات فارسی،
رئیس قبلی گروه زبان و ادبیات فارسی
رئیس قبلی دانشکده ادبیات فارسی
دانشگاه اسلامی علیگر، علیگر - هند

استاد گرانقدر زبان و ادب فارسی، جناب آقای دکتر محمد کاظم کهدویی، از خداوندان علم و فضیلت و سروران فکر و فرهنگ ایران هستند که با خدمات پر ارج و شایسته خود در راستای فروغ شعر و ادب فارسی و ایجاد و استحکام روابط فرهنگی بین ایران و کشورهای خارجی نه فقط در ایران، بلکه در سرزمینهای مختلف مثل هند و بنگلادش و افغانستان و آسیای میانه شناخته می‌شوند.

مساعی جمیله این فاضل گرامی برای شناساندن و زنده نگهداشتن فرهنگ و تمدن و علم و ادب کشور بلند آوازه ایران و حفظ اقتدار اسلامی و برای ایجاد یک جامعه همدلی و دوستی و همزیستی درین عصری که آکنده است با تهاجم فکری و فرهنگی و زشتیهای اخلاقی لایق تحسین و قدردانی است :

جَرَس را تیز تر می خوان چو ذوق نغمه کم یابی

زادگاه جناب آقای دکتر کهدویی منطقه تاریخ ساز و با فرهنگ ایران (یزد) است و ما همگان می‌دانیم که «یزد» در رشد و نمو این نابغه فکری و فرهنگی این «سرزمین آزادگان» سهمی بسزا داشته است. ایشان پس از کلاسهای ابتدایی تحصیلات خود را در دانشگاه تهران ادامه دادند

و دکتری زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از دانشگاه تهران دریافتند. استاد راهنمای ایشان جناب آقای پروفیسور **مظاهر مصفا** محقق و مدون و منتقد معروف ایران بودند.

آقای کهدویی از سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱م) کار تدریس را در دانشگاه یزد شروع کردند. علاوه بر ادبیات فارسی ایشان درسهای عربی، فلسفه، منطق، فقه و اصول، علم کلام و جهان بینی و غیره را هم فرا گرفته اند. مسئولیتهای علمی و اجرایی و فرهنگی جناب آقای **کهدویی** در ایران و خارج از ایران گوناگون بوده است. بعضی از آنان را اینجا یاد آور می‌شویم: رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه یزد، رئیس دانشگاه پیام نور منطقه چهار کشور، رایزن فرهنگی سفارت جمهوری ایران در کابل، رئیس دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، رایزن فرهنگی در کشور چین، استاد اعزامی در بنگلادش و غیره.

حقیقت آن است که دکتر **محمدکاظم کهدویی** یک شخصیت بین‌المللی هستند و نه فقط در ایران کارهای علمی پژوهشی و اداری را انجام داده اند، بلکه فعالیتهای این استاد بزرگوار در کشورهای مختلف جهان به چشم می‌خورد. ایشان در سال ۱۳۷۲ به عنوان استاد اعزامی به دانشگاه داکا در بنگلادیش اعزام شدند و برای حدود سه سال در آن سرزمین علم و فرهنگ کارهای تدریسی و علمی را به عهده داشتند، و بار دیگر نیز از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه داکا اعزام شدند که تا پایان مردادماه سال ۱۳۹۹، آگوست ۲۰۲۰ م. در آنجا حضور داشتند.

مقاله‌ها و کتابهای آقای دکتر کهدویی در کشورهای خارج هم به چاپ رسیده است: «صدای ادب» که گزیده ای از تاریخ ادبیات کلاسیک و معاصر ایران می باشد، در دو جلد از دانشگاه شانگهای چین، و داستان معروف پادشاه و کنیزک از مثنوی معنوی با مقدمه و داستانهای رستم و سهراب و رستم و اسفندیار که سر آمد داستانهای شاهنامه فردوسی بشمار میرود، از دانشگاه داکا، بنگلادش چاپ شده است.

علاوه بر کارهای پژوهشی، ایشان توجه ویژه به گسترش و بسط و استحکام زبان فارسی در کشورهای خارجی دارند و نظر به همین مقصود است که متون کلاسیکی فارسی را برای دانشجویان غیر فارسی زبانان انتخاب و تدوین فرموده اند که در دانشگاه داکا چاپ می شود؛ مثلاً غزلیات حافظ، بوستان و گلستان سعدی، رباعیات عرفانی، گزیده اشعار فارسی هند، گزیده ای از متون سیاست نامه، قابوس نامه، متون عرفانی و غیره.

مروری بر آثار علمی دکتر کهدویی به ما نشان می دهد که با وجود آنکه تخصص ایشان در رشته زبان و ادب فارسی است، تصنیفات و تالیفات و مقالات این استاد دانشمند تقریباً همه موضوعهای اصیل و مهم علمی را و احاطه نموده و در کنار هم جا داده است؛ مثل تاریخ و زبان شناختی و عرفان و نقد و سنجش ادبی و مباحث لغوی و اخلاقی و هرمنوتیکی و ادیان و فلسفه و دستور زبان و غیره. باید متوجه باشیم تمام این مطالب متقاضی مطالعه دقیق و تعمق و ژرف بینی و دقت نظر می باشد و آقای دکتر کهدویی مثل یک متخصص برجسته وارد مباحث مختلف و متنوع می شوند و به تجزیه و تحلیل آن می پردازند و برای

خواننده توضیح می‌دهند. ما از معنی یابی و دقت نظری استاد گرامی هم استفاده می‌کنیم و هم لذت می‌بریم. حقیقت آن است که با بررسی و مطالعه آثار ایشان راه کارهای تازه برای شناخت فرهنگ و ادب ایران و تفهیم فکر و فلسفه و تاریخ اسلام برای ما گشوده می‌شود.

بنده با کمال خوشحالی و ابراز ارادت در خدمت این استاد ارجمند می‌خواهم عرض کنم سالهاست که افتخار ملاقات و آشنایی با ایشان دارم. خاطره خوبی دارم از آن ملاقات اول که در دانشگاه علیگر در هند بوده. آن وقت بنده رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی بودم و همایش بین‌المللی ترتیب داده بودم. جناب آقای دکتر **کهدویی** زحمت سفر بر خود نهاده برای شرکت در همایش تشریف آوردند و بعنوان مهمان ویژه در مراسم افتتاحیه سخنرانی فرمودند. در جلسه‌های علمی کنفرانس حضور ایشان و گفتگوهای فاضلانه ایشان موجب افتخار و تشویق شرکت کنندگان بود.

علاوه بر آن آقای دکتر **کهدویی** مقاله ای بسیار پر مغز راجع به ادبیات انقلاب اسلامی ارائه دادند. خوانندگان گرامی، تا آن وقت در هند اطلاعات کافی درباره ادبیات انقلاب در دسترس ما نبود. آقای دکتر در مقاله خود ویژگیها و خصایص فکری، و لسانی ادبیات انقلاب را معرفی کرده با تشریح و توضیح لازم آن را بیان فرمودند. افتخار دارم مقاله ایشان بعنوان «نگاهی به ادبیات انقلاب اسلامی ایران» را در مجموعه سخنرانیهای همایش بچاپ رسانده ام.

بعد از آن بار ها در ایران و در هند در کنفرانسها و سمینارها ملاقات شده است و سالهاست که باهم در تماس هستیم. انجمن استادان فارسی سراسر هند که بنده ریاست آن را به عهده دارم، مدیون منت و

مرحمت‌های آقای دکتر **کهدویی** می‌باشد. ایشان با کمال میل در کنفرانس سالیانه انجمن استادان شرکت کرده با سخنرانی‌های ارزشمند خود همه ما را مستفید فرموده اند.

در آخر، به گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، بنگلادش و استادان محترم، مثل آقای پروفیسور **محمد ابوالکلام سرکار** و همکاران ایشان باید تبریک عرض کنم که ارج نامه برای آقای پروفیسور **محمد کاظم کهدویی** را به چاپ می‌رسانند. واقعاً ایشان با کشور بنگلادش رابطه خصوصی و ویژه دارند و سالیان دراز برای تدریس و کارهای علمی مختلف با بخش فارسی دانشگاه داکا وابستگی داشته اند. بنده از طرف خودم و از طرف انجمن استادان فارسی سراسر هند توفیق بی شمار استاد ارجمند جناب آقای دکتر **کهدویی** با شادمانی و سلامتی و علو درجات و افزونی مرتبه از درگاه ایزد منان مسألت می‌نمایم.

دقیق و مستند در ادبیات فارسی شبه قاره

پروفسور علیم اشرف خان

استاد بخش فارسی

دانشگاه دهلی، هند

وقتی استاد گرامی جناب آقای پروفسور محمدابوالکلام سرکار، مدیر سابق، بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا به من تلفن زدند و نامه رسمی هم فرستادند که من هم در مورد استاد محمدکاظم کهدویی بنویسم که ایشان بزودی آن را چاپ و منتشر خواهند کرد، بنده گفتم که من عمل جراحی آب آوردن چشم را به تازگی انجام داده ام و نمی توانم چیزی بنویسم، ولی اصرار آقای پروفسور محمد محمدابوالکلام سرکار همین بود که من هم درباره استاد کهدویی که استاد اعزامی از طرف دولت ایران به داکا بودند و بتازگی برای مدت کوتاهی دوباره در داکا تشریف آوردند، مطلبی بنویسم.

من ایشان را از سالهای قبل، وقتی بنده دانشجو بودم و در کارشناسی ارشد یا پیش دکتری درس می خواندم ایشان را دیده بودم در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو که برای کنفرانسها معمولاً تشریف می آوردند یا برای بازآموزی فارسی که حدوداً ۲۵ سال پیش در هند سالیانه برگزار می شد.

وقتی اولین بار من ایشان را دیدم، سال ۱۳۷۳ خورشیدی بود که برای بازآموزی استادان فارسی هند به دهلی آمده بودند، او را مثل یک هندی الاصل فهمیدم و فکر کردم که یک هندی هم می تواند این قدر فصیح فارسی تکلم کند، ولی بعداً متوجه شدم که او ایرانی است و یک استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی که در یزد تدریس می کند. بعد از این،

سلسله ملاقات با استاد **کهدویی** زیاد شد. من هم آن موقع در بخش فرهنگی خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران مشغول کار بودم و با استاد **کهدویی** چندین مرتبه ملاقات داشتم هر مرتبه که ایشان را زیارت می-کردم احساس من شدید می شد که با ایشان باید زیاد صحبت کنم.

من مقالاتی که بیشتر در زمینه ادبیات فارسی شبه قاره ایشان در سخنرانی کنفرانسها در هند ارایه دادند با دقت گوش کردم و به این نتیجه رسیدم که اطلاعات استاد **کهدویی** درباره زبان و ادبیات فارسی شبه قاره خیلی دقیق و مستند و معتبر هست و بررسی ایشان واقعاً شایسته یک استاد برجسته ادبیات فارسی هست.

وقتی ایشان به عنوان استاد اعزامی در دانشگاه داکا بو دند، کتابی متعلق به **نذراالاسلام** تدوین کردند که تعلق ایشان به آن سرزمین بنگلادش را خاطر نشان می سازد. در آخر من دیدم وقتی که ایشان اشعار **حافظ شیرازی** را برای اساتید و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی توضیح می دادند چقدر جالب و مستند بوده که برای بنده هم آموزنده بود. استاد وقتی درس می دهند با تمام کتب مأخذ بررسی و تحلیل را در نظر دارند و با نهایت دقت و دلجمعی کلاس را برگزار می کنند.

وقتی استاد **شریف حسین قاسمی** در یزد بوده اند آن موقع ملاقات و مهمانی استاد **کهدویی** را به خاطر می آورند و از ایشان یاد می کنند و من فکر می کردم که ای کاش من هم آنجا می بودم و با استاد **کهدویی** شرف ملاقات را داشتم. ولی ما می دانیم که "یار زنده صحبت باقی" انشاالله حتما موقعی می رسد که به خدمت استاد **کهدویی** می رسم و از دانش و علم بی پایان او استفاده می کنم. من آرزوی موفقیت استاد با صحت و سلامتی ایشان با پروردگار منان مسألت می نمایم.

شخصیت شاخص و مبرز استاد دکتر محمد کاظم کهدویی

پروفسور سید محمد اسد علی خورشید

رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی

رئیس مرکز تحقیقات فارسی

دانشگاه اسلامی، علیگره هند

به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید
شخصیت برازنده و متماز استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد
کاظم کهدویی در دنیای فارسی ناشناسا نیست؛ وجود شریف آقای
پرفسور کهدویی خیلی پویا، پر تحرک و پرنیرو و مشفق و بامحبت و
دلسوز می باشد.

گیریابی و ربایندگی و جذابیت وجود پُر یمن ایشان را اولین بار در
سال ۱۳۷۵ ش در دهلی، دوران دوازدهمین دوره سمینار باز آموزی
استادان و مدرسان زبان فارسی که از طرف رایزنی فرهنگی جمهوری
اسلامی ایران در دهلی از تاریخ ۱۹ الی ۳۱ خرداد ماه، برابر ۸-۲۰ ژوئیه
۱۹۹۶ م برگزار شده بود، دریافتم.

این استاد سرشناس و برجسته در سال ۱۳۳۵ خورشیدی برابر با
سال ۱۹۵۶ میلادی در روستای صادق آباد پیشکوه یزد، چشم به جهان
گشود. فوق لیسانس را از دانشگاه تربیت مدرس تهران در ۱۳۶۹ ش، و
دکتری زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۷۵ ش از دانشگاه تهران
دریافت کرد و از سال ۱۳۷۰ ش برابر ۱۹۹۱ م تدریس خود را در دانشگاه
یزد آغاز کرد.

پیش از پیوستگیش با دانشگاه یزد، او از سال ۱۳۶۰ ش در مدارس
راهنمایی و سالهای ۶۱ - ۱۳۶۲ در دبیرستانهای شهرستان کرج به

عنوان مربی تربیتی تدریس کرد. از این رو مدت اشتغال به تدریس وی نزدیک به چهل سال می رسد. در این مدت چهل سالگی خدمت فارسی، سهم این سرآمد و فایق فراموش ناکردنی است و هیچ وقت نمی توان از دست داد.

دکتر کهدویی دو بار به عنوان استاد اعزامی جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه داکا، بنگلادش خدمات برارنده خویش را انجام داده است و در دانشگاه کابل، افغانستان و دانشگاه شانگهای، چین و نیز در هند و ارمنستان هم خدمات شایسته در گسترش زبان و ادبیات فارسی را انجام داده است و از حیث رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان هم منصوب شده بود.

شخصیت جناب آقای استاد دکتر **کهدویی** قوه جاذبه فراوانی را داراست. هویت و شخصیت ایشان مانند مغناطیس چنان آهن ربایی می کند که دامن خاطره بدون قصد و اراده گرفتار کرشمه های وجود نازنینش می آید. روش و رفتار دکتر **کهدویی** با دانشجویان در کلاسهای بسی مطبوع، دلنشین و باطراوت می باشد و همه وقت با شادابی و شادمانی و با نزهت و خرمی و مهربانی سلوک می کند.

بیش از پانزده اثر علمی گرانبها از قلم دکتر **کهدویی** به وجود آمده که از آنها: گزیده احوال و آثار عین القضا، بانت سعاد، تصحیح تذکره شمع انجمن، پیغام جمال، تصحیح تذکره عقد ثریا، تصحیح نرگستان، عرفان و تصوف و نفوذ آن در هند و بنگلادش، تصحیح دیوان عبیدی، و مثنوی در صفت بنگاله، و غیره را می توان نام برد؛ علاوه بر این، بسیاری از مقاله های پر ارزش ایشان در مجله های علمی و تحقیقی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

بدون تردید می توان گفت که جناب آقای دکتر محمدکاظم کهدویی یکی از چهره‌های برجسته و دلپذیر ادبیات فارسی است و ایشان را در زمره استادان بزرگوار و عالیقدر زبان و ادب فارسی معاصر ایران به شمار می توان آورد و در حیطه فرهنگ و ادب فارسی درجه لیاقت شایستگی وی به اثبات می رسد.

شخصیت او همه را تحت تأثیر قرار می دهد و نقش فریبا و زیبای تشخص استاد بر قلب همه «کالنقش فی الحجر» ثبت می شود.

بنده خدمت همه استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکای بنگلادش، مخصوصاً خدمت دوست عزیز و گرامی جناب آقای پرفسور دکتر محمدابوالکلام سرکار تبریکات صمیمانه عرض می نمایم که ایشان در جهت بزرگداشت چنین استاد ارجمند و به پاسداری خدماتش پیشگامی سزاوار نموده اند و سوغات شایسته ای در شکل این ارجنامه در قالب معرفی فعالیتها و خدمتگزاریهای ارزشمند استاد کهدویی به چاپ می رسانند.

از ایزد منان صحت و سلامتی و موفقیت و سربلندی و پیروزمندی جناب استاد کهدویی را خواستارم و دعاگو هستم که ایشان مانا باشند و توانا و سرسبز و کامروا و آرزومندم:

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد
وجود نازکت آزرده گزند مباد

استادی برجسته و شیرین کلام

محمد عابد حسین

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پتنا، بیهار، هند

من یک یادداشت نامه آماده کرده بودم. راجع به استادان ایرانی که در دورهٔ تابستانی از آنها استفاده کرده بودم، چیزی نوشته بودم. الآن با سعی بسیار، نتوانستم پیدا کنم. در خاطرم این زمان جز این چیزی محفوظ نیست که، استاد **محمد کاظم کهدویی**، استاد برجسته و شیرین کلام بود. با بلاغت و بیان بخوبی درس می داد. نحوهٔ تدریس استاد خیلی پر لطف و عالمانه بود. فتوکپی برگزیده‌ای از دروس خودشان را به ما اهدا کردند. اینقدر بخوبی یادم هست که از محضر استاد، ما شرکت کنندگان در سه دورهٔ تابستانی (سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ خورشیدی) استفاده کردیم. دیگر هیچ در ذهنم نیست.

بخش ششم: سخن نمایندگان سیاسی و فرهنگی

استاد **کهدویی**، در دوران مأموریت خود در خارج از ایران، همواره با نهادهای سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران همچون سفارت و رایزنی فرهنگی، همکاریهای علمی و ادبی داشته و در تهیه و چاپ آثار و مقالات علمی، تلاشهای شایسته‌ای به کار برده است که معمولاً اهل سیاست و فرهنگ از ایشان به نیکی یاد می‌کنند.

اگرچه متأسفانه به سبب بُعد زمان و مکان، امکان دریافت مطلب از مسئولان سیاسی و فرهنگی، به حد کافی میسر نشد، اما نمونه‌هایی به عنوان مثال در این جا آورده می‌شود:

حامل قند پارسی

عباس واعظی دهنوی

سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش

استاد ارجمند و خلیق جناب آقای **دکتر کهدویی** در زمره حاملان قند پارسی به دیار بنگال به حساب می‌آیند که از شهر تاریخی یزد، با حدیث سرو و گل و لاله، و سوار بر شیرینی کلام لسان الغیب، از خطه تخت سلیمان، کام بنگال و جمع مشتاقان، دانشجویان و اساتید زبان و ادبیات فارسی را شیرین نمودند و پیوند وثیق فرهنگی دو ملت را استحکام و قوام درخوری بخشیدند.

تخصیص ارج‌نامه‌ای برای این استاد بزرگوار بدان جهت سزاوار است که در دو مرحله در این دیار، رحل اقامت افکند و رنج غربت و مشکلات را بر خود هموار نمود؛ به خاطر دارم زمانی که موضوع اعزام مجدد ایشان به

بنگلادش مطرح گردید، اساتید و علاقه مندان فرهنگ و ادبیات فارسی بشدت استقبال کردند و درخواست تسریع و قطعی شدن حضور ایشان در مقام استاد اعزامی بودند، خاطرات شیرین و همت استاد را می ستودند و حضور مجدد وی را به فال نیک می گرفتند و براستی نیز چنین بود.

با حضور ایشان خاطرات شیرین گذشته تکرار شد؛ گرچه فاصله ماموریت قبلی با فعلی استاد، قریب به ربع قرن بود، و مردی کهن شده بودند، ولی همچنان نشاط و شور جوانی در تمامی تلاشهای این مرد شریف و بزرگوار مشهود بود و همچون پدری دلسوز به نورافشانی و افاضه علمی در جمع دانشجویان و اساتید همت گماشت.

بنده در همان مدت کوتاه شاهد تلاشهای جناب آقای دکتر کهدویی و تمامی فعالیتها و پیگیری ایشان در امر پیشرفت و توسعه آموزش زبان و ادبیات فارسی و احیای تشکیلاتی بودم که این رشته را نهادینه و ماندگار نماید که بعنوان نمونه می توان به راه اندازی مجدد "انجمن زبان فارسی بنگلادش" اشاره نمود.

مزید توفیقات جناب آقای دکتر کهدویی و دست اندرکاران تهیه این ارج نامه وزین را از خداوند معلم بیان خواستارم.

اسوه اخلاق و نمونه عملی ارزش‌های انسانی و اسلامی

علی اورسجی

رایزن فرهنگی ج. ا. ایران در بنگلادش

بین سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ ش. (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ میلادی)

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

دکتر محمد کاظم کهدویی، نامی آشنا در عرصه‌های فرهنگی و ادبی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی بنگلادش است که از دیر زمان یعنی دهه‌های ۷۰ و ۹۰ و داخل پرانتز، (۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ و ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ م.).

روزگاری که در دانشگاه‌های بنگلادش کمتر از تعداد انگشتان دست، دانشجوی فارسی مشغول تحصیل زبان و ادبیات فارسی بودند و استادان این رشته به جز ۳ یا ۴ تن بیشتر نبودند، دکتر کهدویی به عنوان پیشگام استادان اعزامی از ایران، بعد از انقلاب اسلامی، وارد کشور بنگلادش شد و در دانشگاه داکا مشغول آموزش و تدریس زبان و ادبیات فارسی گردید. در آن موقع رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی هم در کلاسهای آموزش زبان فارسی خود مشغول جذب فارسی آموزان آزاد بود که در تعامل و همکاری نزدیک با بخش فارسی و اردوی دانشگاه داکا و راجشاهی، در حال گسترش برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در این محیطهای دانشگاهی بود. با ورود دکتر کهدویی و آغاز تدریس وی، شور و حال وصف ناپذیری در محیط دانشگاهها و مراکز فرهنگی پدیدار گشت. احاطه علمی و شیوه بسیار جذاب و ابتکاری استاد کهدویی و اخلاق نیکوی مردمی وی باعث دگرگونی و جنبش محسوس در وضعیت گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا و رایزنی فرهنگی گردید. آوازه حضور استاد در شهر داکا و دیگر شهرهای بنگلادش، به دنبال برگزاری

سمینارها و گردهماییهای فرهنگی و آموزشی و علمی در زمینه زبان و ادبیات فارسی و روابط فرهنگی ایران و بنگلادش طنین انداز شد.

بنگلادش رابطه تاریخی و فرهنگی عمیقی با ایران بزرگ و جمهوری اسلامی بعد از انقلاب داشته و دارد و فرهنگ و ادبیات این کشور نیز تحت تأثیر شدید منابع غنی و گرانقدر اسلامی و فارسی است. مثنوی معنوی و دیوان شمس **مولانا جلال الدین بلخی**، گلستان و بوستان **سعدی**، شاهنامه **فردوسی** و آثار گرانقدر **نظامی گنجوی**، **عطار** نیشابوری، **خیام** و دهها شاعر و عارف بزرگ جهان اسلام و ایران که به زبان فارسی است و معارف اسلامی قرآنی را گسترش داده و پایههای تمدن اسلامی و ایرانی را در این کشور مستحکم نمودهاند، عرصه تدریس و تعلیم استاد بزرگوار گردید. نشستهای علمی، عرفانی و آموزشی، که با حضور عالمانه وی برگزار می گردید، موجب جذب صدها دانشجو و فارسی آموز در دانشگاه و مراکز فرهنگی شد.

از عمده فعالیتهای استاد می توان تربیت استادان و مربیان ذی قیمت فارسی برای دانشگاهها، تهیه و تدوین متون آموزشی فارسی، تدوین لغت نامه فارسی-بنگالی- انگلیسی، آموزش مستقیم زبان و ادبیات فارسی در کلاسهای درسی بخش فارسی دانشگاهها، کنفرانسهای علمی و آموزشی، برگزاری دوره های دانش افزایی فارسی برای استادان و مربیان فارسی، آموزش شعرخوانی فارسی و تدریس متون عرفانی مثنوی معنوی و دیگر آثار گرانقدر شعرا و نویسندگان بزرگ اسلام و ایران نام برد.

از برکات وجود و حضور دکتر **کهدویی** در بنگلادش، گسترش بخشهای فارسی و افزایش تعداد دانشجویان و استادان و مربیان فارسی در پایتخت، یعنی داکا و شهرهای مهم راجشاهی، چیتاگونگ و دیگر شهرها بود. در اثر تشویق و راهنمایی ایشان، بسیاری از مربیان و دانشجویان برای ادامه تحصیل دوره های عالی دکترای فارسی به ایران

اعزام گردیده و با موفقیت این دوره‌ها را گذرانده و با اخذ درجهٔ دکترای فارسی به بنگلادش برگشته‌اند و در حال حاضر در کرسیهای تدریس زبان فارسی مشغول فعالیت آموزشی و علمی فرهنگی هستند.

گرچه در این میدان مقدس علمی و فرهنگی، استادان بزرگ و مهم دیگری هم تاثیرگذار و نقش آفرین بوده‌اند که هر یک در جای خود قابل تقدیر و ارج گذاری می باشند، استادان گرانقدری چون مرحوم دکتر **صراف**، دکتر **احمد تمیم داری**، دکتر **ظفري**، دکتر **بشیری** و... که شرح فعالیتها و تلاشهای شان مستلزم نگارش مقالات جداگانه است.

دکتر **محمدکاظم کهدویی** اسوهٔ اخلاق و نمونهٔ عملی ارزشهای انسانی و اسلامی است. در بین طبقات دانشگاهی، فرهنگیان، علما و شعرا، هنرمندان و دانشجویان چهرهٔ محبوب و مثال زدنی است. حضور شاداب و چهرهٔ جذاب وی در بین اقشار مردمی نیز قابل ذکر است. قطعاً یاد و نام این استاد بزرگ زبان و ادبیات فارسی اعزامی ایران برای همیشه در بخشهای فارسی دانشگاههای بنگلادش و مجامع فرهنگی و ادبی و ملی مذهبی آن کشور و مردم دوست داشتنی آن دیار باقی و جاوید خواهد ماند.

امیدواریم همچنان فعالیتهای علمی و آموزشی این استاد بزرگ ادامه یابد و دیگر دانشجویان و فارسی دوستان و عاشقان و علاقه مندان به فرهنگ و تمدن ایران اسلامی از آن بهره مند گردند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از جناب آقای دکتر **محمدابوالکلام سرکار**، استاد گرانقدر زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، که با دعوت از استادان و فرهنگیان و شخصیتهای علمی و فرهنگی در جهت تهیه و تدوین ارجنامهٔ استادان زحمتکش زبان و ادبیات فارسی اهتمام ورزیدند، تشکر و قدردانی نمایم. امیدوارم این اقدام نیکو جایگاه استادان تلاشگر را در مجامع علمی و فرهنگی نمایان سازد.

دکتر کهدویی استاد اعزامی شایسته و محبوب استادان

سیدموسی حسینی

رایزن سابق فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا

در آغاز، به استادان، دانشجویان، و خدمتگزاران عرصه زبان و ادب فارسی در کشور دوست و برادر، بنگلادش سلام و درود می‌فرستم و موفقیت و سربلندی‌شان را از خدای متعال خواهانم.

یکم: نام استاد دکتر **محمدکاظم کهدویی**، برای استادان و دانشجویان زبان فارسی در بنگلادش، به خوبی آشناست. آشنایی اولیه اینجانب با دکتر **کهدویی**، غیابی بود. در دوره‌ای که دوست گرامی و دیرینم آقای **علی اورسجی** مسئولیت رایزنی فرهنگی در داکا بنگلادش را عهده دار بود (۱۳۷۷-۱۳۷۱) بنده از زبان آقای **اورسجی** نسبت به خدمات و تلاشهای آقای دکتر **کهدویی** در زمینه ترویج و گسترش زبان فارسی در بنگلادش آشنا شدم. آقای دکتر **کهدویی** در آن دوره، به عنوان استاد از سوی جمهوری اسلامی ایران به بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا اعزام شده بود.

دوم: تا آنکه توفیق یارم شد و در فروردین ۱۳۹۴ در سمت رایزن فرهنگی به داکا اعزام گردیدم. در دیدارهای نخستین که با استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه های بنگلادش مانند: دانشگاه داکا، راجشاهی، چیتاگنگ و... داشتم، در گفتمان استادان عزیز، هرگاه که از خدمات شایسته علمی و آموزشی استادان پیشین اعزامی از ایران یاد می‌شد، نام دکتر **کهدویی** برجستگی نمایانی داشت. آنان از او به عنوان استادی شایسته، فداکار و مردمی یاد می‌نمودند که در طول مأموریت، وقت خود را صرف خدمت به استادان، پژوهشگران و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی و ترویج فرهنگ و ادبیات ایران صرف نموده بود. آنان می‌گفتند که

دکتر **کهدویی** همواره در خدمت استادان و دانشجویان و علاقه‌مندان زبان فارسی بود، درب خانه اش برای علاقه‌مندان زبان و فرهنگ ایران، بازبود، و از هیچگونه کمکی در این راه نسبت به استادان و دانشجویان از خود دریغ نمی‌کرد.

سوم: با تلاشهایی که طی مأموریت اینجانب در بنگلادش صورت گرفت، همچنین با همدلی و پیگیری جدی استادان گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه راجشاهی و مساعدت و حسن نیت رئیس وقت دانشگاه راجشاهی، سرانجام، بخش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه راجشاهی به پیروزی بزرگی دست یافت و از دیگر زبانها جدا گردید و هویتی مستقل پیدا کرد.

چهارم: پس از این موفقیت بود که بنده از جایگاه رایزن فرهنگی، طی مکاتبه با مسئولین ذیربط، خواستار اعزام دو استاد از ایران برای بخشهای فارسی دانشگاه داکا و راجشاهی شدم. با توجه به اشتیاق و اظهار علاقه فراوان استادان زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش که همواره از دکتر **کهدویی** به نیکی یاد می‌کردند و همچنین ارادت غایبانه‌ای که شخصا به ایشان داشتیم، در مکاتبات خود با ایران به صراحت درخواست نمودم آقای دکتر **کهدویی** نیز در فهرست استادان اعزامی به داکا قرار گیرد. گرچه انتخاب استاد اعزامی بر عهده وزارت علوم ایران است و رایزن فرهنگی نمی‌توانست به غیر از پیشنهاد، در انتخاب استاد اعزامی دخالتی داشته باشد، اما پیگیریهای مستمر رایزنی سبب شد که جناب دکتر **کهدویی** در فهرست استادان اعزامی به بنگلادش قرار گیرد. اطمینان دارم که شخص دکتر **کهدویی** نیز خدمت و حضور در جمع استادان حق شناس زبان و ادبیات فارسی بنگلادش را بر سایر کشورها ترجیح داده بود. و چنین شد که خداوند برای دومین بار به دکتر **کهدویی**، توفیق

خدمت به علاقه‌مندان زبان فارسی در بنگلادش را عطا کرد و خوشنودی و مسرت استادان زبان فارسی را فراهم ساخت.

پنجم: آقای دکتر **کهدویی** در دومین مأموریت خود، در اوایل شهریور ۱۳۹۷ وارد بنگلادش گردید. حضور ایشان در بنگلادش از سویی خوشحالی قلبی بنده را فراهم ساخت؛ زیرا که انتظارها پایان یافت و تلاشها در اعزام ایشان به بنگلادش به ثمرنشت و با موفقیت به انجام رسید و استادان و دانشجویان و علاقه‌مندان زبان فارسی از حضور ایشان بهترین بهره‌ها را خواهند گرفت؛ اما از سوی دیگر مایه تأسف من شد، زیرا ایشان وقتی به بنگلادش وارد گردید که بنده روزهای پایانی دوره مأموریتم را سپری می‌کردم. حدود دو هفته بیشتر از مأموریت من در بنگلادش باقی نمانده و فرصتی برای اینکه بیشتر در خدمت ایشان باشم فراهم نبود.

ششم: به هرحال، در همان ایام باقیمانده از مأموریت، این سعادت را داشتم که در چند برنامه و جلسه کاری در خدمت ایشان باشم. از جمله، جلسه تودیع برای بنده که از سوی استادان بخش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا برگزار گردید؛ همچنین جلسه تودیع دیگری که از سوی استادان بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی برای بنده و خیرمقدم برای دکتر **کهدویی** برگزار نموده بودند. لذا همراه آقای دکتر **کهدویی** به راجشاهی رفتیم و سفری هرچند فشرده و کوتاه اما پرباری را در همراهی ایشان داشتیم

در واپسین روزهای اقامت بنده در داکا، حضور دکتر **کهدویی** در جلسه احیاء "انجمن زبان فارسی بنگلادش" در محل رایزنی فرهنگی، که با شرکت جناب دکتر **واعظی**، سفیر محترم وقت، استادان گرامی و اعضای انجمن برگزار گردید، نیز از دیگر برنامه‌های آن ایام می‌باشد. و... امیدوارم که انجمن فارسی پس از آن در جهت نیل به اهداف خود گامهای موثری برداشته باشد.

هفتم: اینجانب حدود ۱۵ سال از مسئولیت فرهنگی خود را در شبه قاره (پاکستان، هند و بنگلادش) سپری کرده‌ام. در این مدت توفیق آن را داشته‌ام که با بسیاری از استادان گرانقدر اعزامی از ایران و همچنین استادان برجسته و خدمتگزاران زبان فارسی در شبه قاره از نزدیک آشنا شوم. آنچه که در پیوند با آقای دکتر **کهدویی** برایم بیش از همه چیز جلب توجه نمود، احساس صمیمیت، همراهی و همدلی بود که استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان زبان فارسی و فرهنگ کهن ایران اسلامی، نسبت به استاد **کهدویی** داشتند. همیشه آنان از دکتر **کهدویی** به عنوان استاد با اخلاق، مردمی و فردی که مشکلات علاقمندان زبان فارسی را درک نموده و به آنها توجه مبذول داشته است، یاد کرده و می‌کنند. و بیجا نخواهد بود که اگر بگوییم اعزام مجدد استاد **کهدویی** به بنگلادش نه فقط نتیجه یک فرایند اداری بلکه عملاً با گزینش و انتخاب استادان و علاقمندان زبان و ادبیات فارسی در این کشور نیز همراه شده است. اکنون که مأموریت استاد **کهدویی** در بنگلادش پایان یافته و به ایران مراجعت نموده اند، از خداوند بزرگ برای ایشان سلامتی، مزید توفیق و عزت و سربلندی مسألت دارم.

هشتم: لازم می‌دانم از جناب دکتر **محمدابوالکلام سرکار** که با خیرخواهی، درصدد تدوین "ارجنامه" برای تقدیر از خدمات استاد **کهدویی** برآمده است سپاسگزاری کنم. این اقدام شایسته نه فقط حق شناسی نسبت به خدمات یک استاد، بلکه قدردانی از منش اخلاقی، انسانی، علمی، اجتماعی یک خدمتگزار فرهنگی نیز هست. بدون تردید این کار نیک، ماندگار خواهد بود و در تاریخ روابط فرهنگی دو کشور دوست و برادر، ایران و بنگلادش، ثبت خواهد شد. خداوند بر توفیقات استاد دکتر **محمدابوالکلام** بیفزاید. ۲۴ دیماه ۱۳۹۹

استادی ثمربخش و اثرگذار

اصغر خسروآبادی

کارشناس فرهنگی میز بنگلادش

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

و سرپرست اسبق رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا-بنگلادش

سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۴

سلام و درود خداوند بزرگ، تبارک و تعالی، بر جمیع معلمان و استادان و ادیبانی که با ذوب شدن خود نهال رشد و تعالی و سعادت جامعه را آبیاری می‌کنند.

در اینجا می‌خواهم از یکی از این معلمان و ادیبان به نام استاد

محمد کاظم کهدویی سخن بگویم:

استادی که برای ثمر بخشی و اثر گذاری ترک وطن کرد و با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی، خود را به جوامع علمی و ادبی دیگر کشورها همچون چین و بنگلادش و..... رسانده تا همچون شمع روشن و سوزان به محافل فرهنگی و ادبی دیگر ملل گرما و روشنائی بخشد و به پرورش و رشد و نمو نو نهالان بوستان عشق و مهرورزی همت گمارد و درختانی را در این بوستان بکارد تا در آینده، خود سایه ساری مؤثر و سودمند برای جامعه ادبی خویش باشند

استاد دکتر **کهدویی** یکی از خیل استادان زبان و ادبیات فارسی

ایران است که به کشور بنگلادش دوستدار زبان و ادب فارسی اعزام گردیده، و از معدود ستارگانی است که هم در دوران ظهور و هم دوران غیبتش در آسمان بنگلادش درخشان و منور بوده و همواره نورافشانی کرده و همچنان نورافشان است.

گاهی استادانی در رشته زبان و ادب فارسی به بنگلادش اعزام گردیده‌اند

که حتی در زمان مأموریتشان در بنگلادش نتوانسته‌اند حضوری مؤثر داشته و

خاطره ساز شوند و فقط تا انتهای ماموریتشان کورسویی زده و به محض مراجعت به ایران فراموش شده و کمتر یادی از آنان شده است.

شاید دلیل ماندگاری و درخشش استاد **کهدویی** در عین مهارت و استادی‌اش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، اول مرام و شخصیت و خلوص وی، و دوم روابط عمومی ویژه و خاص ایشان باشد که حضورش را مؤثر و آموزشش را برای دانش آموزان ماندگار ساخته است.

هرگز از خاطرم نمی‌رود، باب آشنایی‌ام با استاد **کهدویی** در سال ۱۳۹۳ بود، در ایام گرامیداشت پیروزی انقلاب شکوهمند انقلاب اسلامی، که اینجانب افتخار مسؤولیت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش را داشتم و استاد **دکتر کهدویی** به همراه جمعی از استادان ایرانی برای شرکت در اولین سمینار **ابوریحان بیرونی** در بنگلادش حضور یافتند و دعوت رایزنی را برای افتتاح نمایشگاه کتاب و عکس انقلاب، خالصانه پذیرفتند و به همراه دوستان و همکارانشان نمایشگاه رایزنی را افتتاح کردند و این چنین شروع آشنایی و دوستی اینجانب با استاد **کهدویی** فراهم گردید و از آن پس، از مشورت و راهنمایی ایشان بهره برده و به دوستی با ایشان افتخار کرده و به خود می‌بالم.

در پایان، وجه تمایز ویژه و خاص استاد **کهدویی** با دیگر استادان محترم اعزامی را شاید بتوان اینگونه عنوان کرد که استاد **کهدویی** زمان و ساعت کاری برای خود قایل نیست و خود را محدود به وقت اداری و ساعات موظفی خود نمی‌کند و تمام وقت با دانشجویان و استادان همراه بوده و سؤالات و اشکالات آنان را بدون هیچ چشمداشتی پاسخ گفته و با گشاده رویی با آنان برخورد کرده و همچون دوستی صمیمی در کنارشان بوده است و این ایثار و از خود گذشتگی ایشان رمز ماندگاریش در اذهان دانشجویان و استادان و فرهیختگان بنگلادش است. خداوند ایشان را از جمیع بلاهای ارضی و سماوی حفظ کند و بر توفیقاتش بیفزاید.

استادِ استادان

دکتر سید مهدی حسین فائق

سرپرست رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در داکا

۱۳۹۷-۱۳۹۸ خورشیدی

در ابتدا و پیش از هر چیز باید اذعان کنم سخن گفتن درخصوص چنین شخصیت برجسته‌ای که به راستی از مفاخر ایران زمین به شمار می‌آید؛ نویسنده‌ای صاحب‌رای و زبانی گویا و بلیغ می‌خواهد که به یاری و لطف خداوند، بزرگان و استادان معظم در این مجموعه از انجام چنین مهمی فروگذار نبوده و زبان قاصر مرا یاری بخشیده‌اند.

پیش از آغاز ماموریت به بنگلادش، یکی از نامها و شخصیت‌هایی که در مطالعه منابع مختلف و گفتگو با افراد صاحب نظر این حوزه، توجه بنده را به خود جلب نمود، نام استاد و شخصیت برجسته‌ای بود که با گذشت حدود بیست و پنج سال، همچنان از وی به نیکی یاد می‌شد. نکته قابل تامل در این یادآوریه‌ها، اتفاق نظر درخصوص محبوبیت و شخصیت منحصر به فرد ایشان بود که علیرغم گذشت سال‌های طولانی، گویی تمام این سالها در کنار مردم بنگلادش زیسته و بخشی جدایی ناپذیری از خاطرات ایشان به شمار می‌رود.

در تابستان ۱۳۹۷ برای اولین بار توفیق دیدار با جناب آقای پروفیسور **کهدوی** در رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در داکا حاصل شد. در نخستین ملاقات تواضع، خوش سخنی و حسن خلق ایشان هر بینده و مخاطبی را مجذوب می‌ساخت. در طول مدت حضور دکتر **کهدوی** گفتگوی بی تکلف ایشان با استادان، دانشجویان، مقامات دولتی، مردم عادی و همدلی هوشمندانه با مخاطبان مختلف از روحی بزرگ و تجربه‌ای گرانسنگ

حکایت داشت. همچنین همکاری و همراهی ایشان در فعالیتهای مختلف رایزنی فرهنگی در حوزه‌های متنوع ادبی، هنری، دینی، علمی آموزشی کمک شایانی به پیشبرد اهداف فرهنگی ج.ا. ایران نمود و الحق حضور موثر ایشان در فعالیتهای رایزنی فرهنگی همواره یک نقطه قوت محسوب می‌شد.

با وجود برخی مشکلات، ناهماهنگیها، کمبود امکانات و بعضاً کم لطفی‌ها؛ هیچ خلل و توقفی در اراده و تلاش ایشان بوجود نیامد و همواره با نگاهی بزرگ منبشانه براین نکته تأکید داشتند که در شرایط فعلی و علیرغم وجود مشکلات، این مسئولیت تکلیفی بر عهده من است و باید به نحو احسن به سرانجام برسد.

بدون اغراق در طول دو سال حضور جناب آقای پروفیسور کهدویی همواره ایشان را مشغول فعالیتی مفید و تاثیرگذار دیدم، به گونه‌ای که علاوه بر ساعات موظف اداری، دانشجویان، استادان و حتی بعضاً برخی شخصیت‌های صاحب نام بنگلادشی، در دفتر، منزل و محل اقامتشان حضور داشتند یا از طریق تماس تلفنی و اینترنتی مرتبط بودند. با وجود تعطیلی کلاسها به واسطه فراگیری بیماری کرونا، و در شرایطی که تقریباً برنامه آموزشی اکثر استادان تعطیل شده بود، کلاسهای ایشان همچنان از طریق مجازی ادامه پیدا کرد و آثار پژوهشی ارزشمندی در همین مقطع به اهتمام ایشان منتشر شد.

هرچند که به همت جناب آقای پروفیسور کهدویی در این مدت کوتاه فعالیتهای بسیار مهم و تاثیرگذاری در حوزه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش انجام گرفت (و برشمردن آنها در این مجال نمی‌گنجد)، اما نکته تامل برانگیز، پرهیز (و حتی اصرار بر عدم) ذکر نامشان در بسیاری از

فعاليتها و آثاری بود که به طور کامل توسط ایشان، تصحیح، تکمیل یا ترجمه شده بود و به راستی تواضع ایشان در همه ابعاد علمی و شخصیتی مثال زدنی است.

رابطه پدرانه جناب آقای **کهدویی** با دانشجویان و استادان به حدی عمیق و ریشه دار بود که برخی دانشجویان با مطلع شدن از پایان ماموریت ایشان، از شهرهای دور برای عرض ارادت و خداحافظی خود را به داکا رسانده بودند و در جلسه تودیع، استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاههای مختلف بنگلادش بر زینده بودن عنوان «استاد استادان» برای استاد **کهدویی** تأکید داشتند. تا جایی که بنده مطلع هستم این ارتباط آموزشی و معنوی همچنان برقرار است و گویی استاد رسالت خود را نه بر مبنای رویه های معمول اداری، بلکه بر مبنای تعهدی اخلاقی الهی بنا نهاده و این خود، درسی بزرگ و ارزشمند است.

تخصص، فداکاری، گذشت، مناعت طبع، اخلاق مداری، و تواضع نه در گفتار، بلکه در کردار و عمل، استاد **کهدویی** را به شخصیتی ماندگار در حوزه زبان فارسی در بنگلادش مبدل ساخته و نمی توان از زبان فارسی در دوره معاصر و حفظ میراث آن سخن به میان آورد و از نام ایشان غفلت ورزید. در انتها با آرزوی سلامتی و تندرستی و عزت روز افزون برای جناب آقای پروفیسور **کهدویی** و خانواده محترم و بزرگوارشان، امیدوارم بتوانیم قدردان زحمات بزرگانی نظیر ایشان که نه تنها در ایران و بنگلادش، بلکه در کشورهای مختلفی نظیر افغانستان، هند، چین، پاکستان صاحب نام هستند، باشیم.

ضمیمه

برای اینکه نمونه هایی مصوّر از حضور استاد کهدویی، در مراکز و دانشگاههای مختلف در ایران و خارج از ایران نشان داده شود، در اینجا تعدادی تصویر ارائه می دهیم؛ البته موارد بسیار زیاد و بی شمار است، اما به سبب تنگناهایی که وجود دارد، به همین اندک اکتفا می شود:

عکسهای یادگاری و تاریخی استاد کهدویی



اولین حضور در گروه اردو و فارسی، دانشگاه داکا، اسفندماه ۱۳۷۲ ش. از راست: خانم امّ سلمی، عارف بالله، کهدویی، علی آوَرَسَجی (رایزن فرهنگی)، موسوی (معاون رایزنی) محمد عبدالله. و خانم کنیز بتول، رئیس گروه (ایستاده)



مراسم تودیع، با حضور آقای بیات، سفیر ایران، معاون دانشگاه داکا، خانم دکتر کلثوم ابوالبشر، و خانم زینت آرا شیرازی و ...



سال ۱۳۷۴ ش. داکا، از راست: از دانشجویان ریحان الامین، استاد کلثوم، طارق سراجی، کهدویی، و شمیم بانو



آخرین عکس با دانشجویان و استادان در دانشگاه داکا، تیرماه ۱۳۷۵ خورشیدی از راست: سیف الاسلام خان، پروفیسور عبدالله، خانمها: ام سلمی، کنیز بتول، کلثوم ابوالبشر، زینت آرا شیرازی، هما جاری (همسر استاد) کهدویی، اورسجی (رایزن) علیرضایی (معاون رایزن) سیاحی (وابسته کار ایران) فلاح پور (مدیر مدرسه ایرانیان) و



سال ۱۳۷۴ ش. علی اورسجی، خانم عابده حافظ (نخستین دکتری فارسی در بنگلادش و کهدویی



مراسم سالروز تأسیس گروه ادبیات فارسی دانشگاه داکا ۱۳۹۸ ش.
از راست: ابوالبشر، صبور خان، محسن الدین، سراجی، کهدویی، مُمیت الرشید، کلثوم،
حسینی فایق، سرکار، مهدی حسن، و احسن الهادی



مراسم خوش آمدگویی ورودیه‌های سال ۲۰۱۹ م. از راست: سرکار، کهدویی، کلثوم، سراجی، مهدی حسن، و مهدی کریم شمانتو



مراسم اهدای جایزه خانم کلثوم به سه دانشجو ۲۰۱۸ م. از راست: سرکار، ابو دلاور حسین (رئیس دانشکده علوم انسانی)، اخترالزمان (رئیس دانشگاه داکا)، کلثوم، کهدویی، ایستاده: کمال الدین، صبور خان، شمیم بانو، محسن الدین، بهاء الدین، مو، شیلا، راحله، سیف‌الاسلام خان، طارق سراجی، مهدی حسن و احسن الهادی



با استادان بزرگ فارسی در هند. از راست: امیرحسین عابدی، کهدوی، شریف حسین قاسمی، علیم اشرف خان، نذیر احمد، اظہر دہلوی (۱۳۷۳/ ۱۹۹۴م. دہلی)



سمینار ادبیات فارسی در دورۂ گورکانیان، علیگرہ ہندوستان، از راست: پروفیسور اسدعلی خورشید(رئیس گروہ فارسی و رئیس مرکز تحقیقات فارسی دانشگاه علیگرہ)، علیرضا قزوہ(شاعر معاصر)، دکتر ربانی(رایزن فرهنگی در ہند) پروفیسور اختر حسیب(معاون رئیس دانشگاه علیگرہ)، استاد کہدوی، پروفیسور خانم آذرمدخت صفوی و پروفیسور مسعود انور علوی(رئیس دانشکدۂ ادبیات دانشگاه علیگرہ)



گردهمایی فارغ التحصیلان ادبیات فارسی دانشگاه داکا ۱۳۹۷ ش. از راست: احسن الهادی، شاهینه بیگم، شمیم بانو، اسماء اختر، نورالهدی، کلثوم، خانم هما جاری (همسر استاد کهدویی) و استاد کهدویی



سال ۱۳۹۸ دیدار با وزیر خارجه ایران، آقای ظریف، داکا، هتل شراتون



۱۳۹۸ ش. جشن نود و هشتمین سال افتتاح گروه فارسی از طرف انجمن فارغ التحصیلان
گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا



حضور در دانشگاه راجشاهی، ۱۳۹۸ ش. از راست: خانم شمیم بانو، خانم جاری (همسر استاد)،
کهدویی، و شمیم خان



اهدای لوح سپاس به استاد اعزامی (کهدویی)، در مراسم فارغ التحصیلان فارسی دانشگاه داکا، ۱۱ فروردین ۱۳۹۸ از راست: ربیعی (سرپرست رایزنی، صمد) معاون دانشگاه داکا، کهدویی، کلثوم، سیف الاسلام خان، و محمد ابوالکلام سرکار



میلادالدینی (ص)، دانشگاه داکا، گروه زبان و ادبیات فارسی (کهدویی، هادی، صبور خان، حسینی فایق، سیف الاسلام خان، سرکار، عارف بالله، طارق سراجی)



از چپ: سید نجم الاسلام چشتی، سرسلسله چشتیه هندوستان در اجمیر، احسن الهادی، پیر چشتیه در داکا، کهدویی، سید جواد چشتی، رئیس گروه عربی دانشگاه داکا و ربیعی، سرپرست موقت رایزنی فرهنگی ایران



دیدار با رئیس دانشگاه چیتاگانگ: از راست: سرکار، کهدویی، نورعالم (رئیس گروه فارسی)، خانم اسماء، از استادان فارسی، و افتخارالدین چوهدری، رئیس دانشگاه.



عکس دسته جمعی سفیر، با اعضای انجمن فارسی. از راست: سراجی، ظهیر، ابوالبشر، شمیم بانو، شاهی، نفر (سفیر ایران)، صدیق الرحمن خان، کهدویی، ترابی، صبور خان، عثمان غنی، عبدالقدوس، سرکار. نشسته از راست: ابراهیم، کمال حسین، مهدی حسن، سیف الاسلام، سعید الاسلام و خانم صفت‌الهی. (۱۳۹۸ خورشیدی)



مراسم بزرگداشت سعدی شیرازی، در محل رایزنی فرهنگی ایران، از راست: سیف الاسلام خان، کهدویی، حسینی فایق، سرکار، عبدالصبور خان (۱۳۹۸)



چشنامه بهاری: استقبال از بهار در جشن نوروز ایرانی و سال نو بنگالی، در آکادمی هنرها (شیلپاکالا). از راست: کهدویی، لیاقت علی (رییس آکادمی هنرها) مأمون الرشید از کارگردانان مشهور، خالد محمود، وزیر کشتیرانی. و حسینی فایق.



بازدید از موزه ملی بنگلادش با تعدادی از دانشجویان، ۱۳۹۸



با دانشجویان و فارسی آموزان در راینی فرهنگی ایران، ۱۳۹۸ ش



نشست حج در ادب فارسی، راینی فرهنگی در داکا، ۱۳۹۷ ش.



مهمانی در منزل رئیس دانشگاه کاه با پروفسور اخترا الزمان (رئیس دانشگاه داکا)،
دکتر واعظی (سفیر ج.ا. ایران)، و...



یازدهمین همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، رشت، گیلان، نشسته از راست: خانم حمیرا شهباز (از پاکستان)، کهدویی، همسر خانم دبیران، خانم دبیران، نوش آفرین انصاری (همسر دکتر محقق)، دکتر محقق، استاد احمد سمیعی گیلانی. استادان توفیق سبحانی، خزانه دارلو، و میرباقری فرد، ایستاده دیده می شوند.



سمینار استادان دانشکده علوم انسانی دانشگاه داکا، در کاکس بازار (بنگلادش) از راست: اخترالزمان (رئیس دانشگاه داکا)، کهدویی، ابو دلاور حسین (رئیس دانشکده علوم انسانی)، و پروبیر کمار رای از استادان گروه فلسفه دانشگاه داکا



بزرگداشت سعدی و قاضی نذراالاسلام، رایزنی فرهنگی، داکا ۱۳۹۸. آقای دکتر حسینی فایق، سرپرست رایزنی فرهنگی نیز حضور دارد.



حضور در سمینار آفرینش انسان در فلسفه مولوی، به همراه آقای موسی حسینی(رایزن فرهنگی ایران)، با معاون دانشگاه و رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه راجشاهی، شهرپور ۹۷. آقایان دکتر سمیع زاده(استاد اعزامی) عبدالسلام، نذرل، عثمان، عطاءالله، لطف الرحمن، کمال الدین، عبدالرحمن، نورالهدی، و خانم تهمنه، در عکس ایستاده اند.



همراه با سید موسی حسینی، در جمع گروهی از دانشجویان فارسی دانشگاه راجشاهی (شهریور ۱۳۹۷ در اولین سفر به راجشاهی در دور جدید)



سمینار حافظ و تاگور، دی ماه ۱۳۹۸ راجشاهی. از راست: کهدویی، فضل الحق (رئیس دانشکده علوم انسانی)، نفر (سفیر ج.ا. ایران)، عثمان غنی (رئیس گروه فارسی)، عبدالسیحان (رئیس دانشگاه راجشاهی)، صحت (رایزن فرهنگی) و گمار (معاون رئیس دانشگاه)



تجلیل از جایزه کتاب دکتري سرکار، از راست عبدالصبور خان، کهدويي، سيف الاسلام خان، حسيني فايق، سرکار، و احسن الهادي.



مراسم رونمایی از کتاب دکتري کمال الدین، در دانشگاه راجشاهی. از راست: خانمها جاري و تهمينه، و آقايان دکتري کمال الدین، شمیم خان، تقی، کهدويي، فضل الحق، عطاءالله، و نورالهدی.



برگزاری سمناری به یاد حکیم ابوالقاسم فردوسی و عمر خیام نیشابوری، از راست
محسن الدین، حسینی فایق، سرکار، کهدویی، شیشیر بهاتراچاریو،
و سیف الاسلام خان.



برنامه استقبال از ورودیهای جدید و خداحافظی با فارغ التحصیلان دانشگاه راجشاهی،
همراه با اهدای لوح به استاد کهدویی، توسط رئیس گروه زبان ادبیات فارسی
عبدالسیحان رئیس دانشگاه، اندنو کمارشاه و چودهووری محمد زکریا معاون رئیس
دانشگاه و فضل الحق رئیس دانشکده علوم انسانی نیز حضور دارند



دیدار با پروفسور شیرین اختر، معاون رئیس دانشگاه چیتاگانگ،



گفتگوهای فرهنگی ایران و افغانستان، کابل ۱۳۹۷



افتتاح دوره آموزشی و نمایشگاه خط و نقاشی توسط استادان ایرانی، کابل ۱۳۸۴ ش.



استاد کهدویی، برای بار دوم که برای سخنرانی به کابل دعوت شده بودند. در عکس، وزیر تحصیلات عالی افغانستان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات ایران، سفیر، و رایزن فرهنگی ایران در کابل، تعدادی از استادان ایرانی و افغانستانی و تعدادی از دانشجویان فارسی دانشگاه کابل دیده می‌شوند.



نخستین دور گفتگوهای فرهنگی ایران و افغانستان، اردیبهشت ۱۳۹۷، دانشگاه کابل، افغانستان



نوروز ۱۳۹۱ شانگهای، اتاق ایران، با حضور استادان آقای چنگ تونگ، و خانم لی یو، و دانشجویان بخش فارسی، و آقای رخشنده (رئیس خانه فرهنگ ایران)



شانگهای (چین)، از راست: استادی از ترکیه، آقایان چنگ تونگ، رضایی، پورنامداریان، کهدویی، بهنام (رئیس خانه فرهنگ ایران)، خانمها سوسن (وانگ) و... و یو لی (استاد فارسی در پکن)



مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان فارسی، در شانگهای (آقای رخشنده یزدی، رئیس خانه فرهنگ ایران در شانگهای، در سمت چپ، و خانمها لی یو، و وانگ زینگ رونگ در سمت راست کهدویی هستند). ۱۳۹۱ خورشیدی



کنفرانس بین المللی: « ویتنام، هند، و آسیای جنوب غربی، پیوندهای تاریخی و موقعیت کنونی » دسامبر ۲۰۱۲ م. (آذر ماه ۱۳۹۱ ش.)



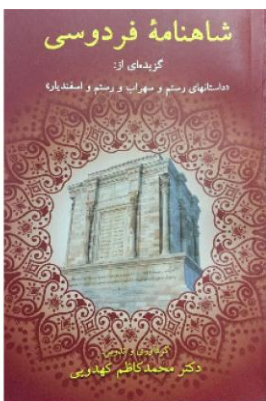
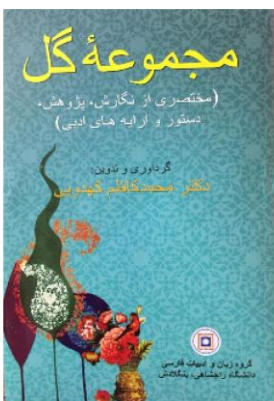
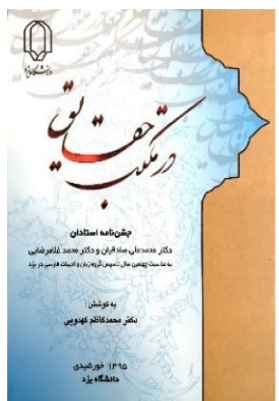
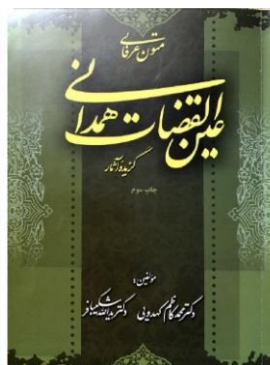
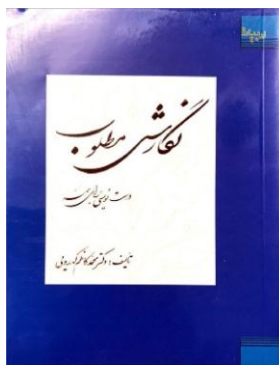
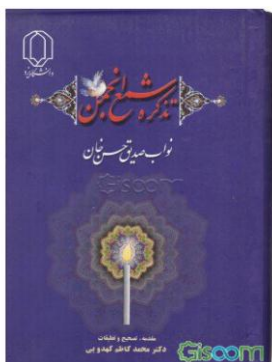
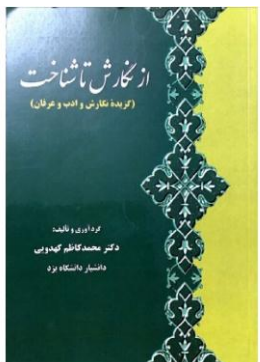
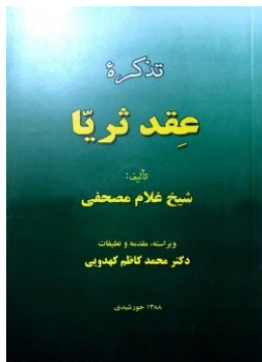
با دانشجویان فارسی شرکت کننده در دورهٔ باز آموزی، در دانشگاه لازاریان، در شهر ایروان ارمنستان، اسفندماه ۱۳۸۷

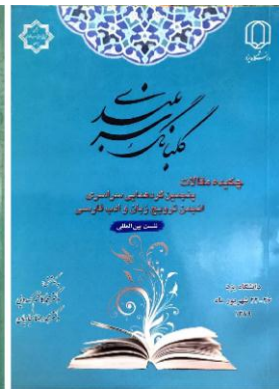
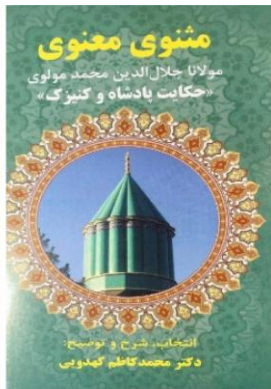
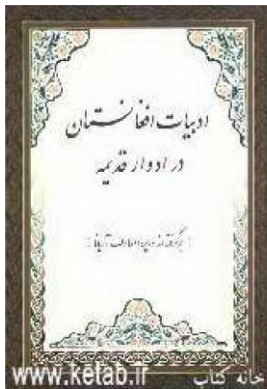


روز مراسم تودیع استاد کهدویی: خانم شمیم بانو، آقایان عارف بالله، حسینی فایق، کهدویی، صحت (رایزن)، سرکار، طارق سراجی، عبدالصبور خان، مهدی حسن.

جلد کتابهای نوشته و ویرایش شده از استاد کهدویی







صدای ادب (۲)

«نمونه تاریخ ادبیات معاصر ایران»



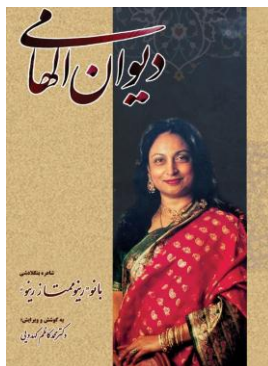
گردآورنده: دکتر محمد کاظم کهدویی
ایستاد دانشگاه ورد

صدای ادب (۱)

«مطالعه ای از تاریخ ادبیات ایران تا مشروطیت»



به کوشش و تدوین: دکتر محمد کاظم کهدویی
ایستاد دانشگاه ورد



منابع و مأخذ

۱. اطلاعات شخصی دکتر محمد کاظم کهدویی
۲. اورسجی، علی (۱۹۹۸)، فرهنگ فارسی-بنگالی-انگلیسی، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، بنگلادش.
۳. دبیر خانه دانشگاه داکا، بنگلادش.
۴. دبیر خانه رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا، بنگلادش.
۵. دبیر خانه گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، بنگلادش.
۶. دبیر خانه گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی، بنگلادش.
۷. دبیر خانه گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگانگ، بنگلادش.
۸. دبیر خانه گروه فارسی مؤسسه زبانهای نوین دانشگاه داکا، بنگلادش.
۹. سرکار، محمد ابوالکلام (۲۰۲۰)، ارجنامه استاد کلثوم ابوالبشر، ایتیریتو پروکاشن، داکا، بنگلادش.
۱۰. _____ کهدویی، محمد کاظم (۲۰۲۰) تصحیح، مقدمه و تعلیقات دیوان عبیدی، کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا، بنگلادش.
۱۱. سید(اس آی دی)، نور مگز، و...
۱۲. کلثوم ابوالبشر (۱۹۹۵)، آرفا، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، بنگلادش.
۱۳. کلثوم ابوالبشر و شاهی، محمد عیسی (۱۹۹۵)، گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، بنگلادش.
۱۴. سهسرامی، محمد کلیم (۱۹۹۹)، خدمتگزاران فارسی در بنگلادش، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، بنگلادش.
۱۵. کهدویی، محمد کاظم (۱۳۷۳) گزیده احوال و آثار عین القضا، با همکاری دکتر شکیبافر، انتشارات خانه کتاب، یزد، ایران
۱۶. _____ (۱۳۹۶)، گزیده متون عرفانی (عین القضا همدانی، با همکاری دکتر شکیبافر، انتشارات علم نوین، یزد، ایران
۱۷. _____ (۱۳۷۶). «بانت سعاد»، (شرح فارسی قصیده بُرده) تصحیح، با همکاری دکتر رضا افخمی، انتشارات دانشگاه یزد، یزد، ایران
۱۸. _____ (۱۳۸۶) «تذکره شمع انجمن»، تصحیح، چاپ دانشگاه یزد. انتشارات دانشگاه یزد، یزد، ایران

۱۹. _____ (۱۳۸۷) «پیغام جمال» تألیف، با همکاری دکتر شکیبافر. انتشارات علم نوین، یزد، ایران
۲۰. _____ (۱۳۸۴) «تذکره عقد ثریا»، تصحیح (افغانستان، و ایران). انتشارات امیری، کابل، افغانستان
۲۱. _____ (۱۳۸۸) «تذکره عقد ثریا»، تصحیح (افغانستان، و ایران). انتشارات بخشایش، قم، ایران
۲۲. _____ (۱۳۸۹) «نگارش مطلوب» (درست‌نویسی برای همه)، انتشارات آرتاکاوا، اردکان، یزد، ایران
۲۳. _____ (۱۳۹۲) «نرگسیستان»، (ترجمه منظوم کتاب رامایانا، حماسه بزرگ هندوان)، تصحیح. انتشارات مجمع ذخائر اسلامی، قم، ایران
۲۴. _____ (۱۳۹۳) «عرفان و تصوف و نفوذ آن در هند و بنگلادش»، انتشارات مجمع ذخائر اسلامی، قم، ایران
۲۵. _____ (۱۳۹۳) «از نگارش تا شناخت» گردآوری و تألیف، برای دانشجویان فارسی عمومی. انتشارات فدک ایستاتیس، تهران، ایران
۲۶. _____ (۱۳۹۰) صدای ادب ۱ (گزیده تاریخ ادبیات ایران)، گردآوری و تدوین، شانگهای چین. شانگهای بی جا.
۲۷. _____ (۱۳۹۱) صدای ادب ۲ (گزیده تاریخ ادبیات معاصر)، گردآوری و تدوین شانگهای چین. شانگهای بی جا
۲۸. _____ (۱۳۸۹) گلبانگ سربلندی خلاصه مقالات پنجمین همایش انجمن ترویج، با دکتر نجاریان، دانشگاه یزد. یزد، ایران
۲۹. _____ (۱۳۹۵) در مکتب حقایق (جشن نامه استادان)، مجموعه مقالات (تدوین و گردآوری)، دانشگاه یزد. یزد، ایران
۳۰. _____ (۱۳۹۶) آیینۀ تعلیم (تألیف و گردآوری)، انتشارات دانشگاه یزد، یزد، ایران
۳۱. _____ (۱۳۹۷) مثنوی معنوی، مقدمه، و داستان پادشاه و کنیزک، همراه با شرح مختصر ابیات، چاپ داکا. گروه ادبیات فارسی
۳۲. _____ (۱۳۹۷) شاهنامه فردوسی (گزیده داستان‌های رستم و سهراب و رستم و اسفندیار)، چاپ داکا. گروه ادبیات فارسی
۳۳. _____ مصاحبه ها با نویسنده کتاب.
۳۴. گزارشهای استاد محمد کاظم کهدویی

● দ্বিতীয় অধ্যায়ে আফগানিস্তান, চীন ও বাংলাদেশে ড. কাহদুয়ি ভিজিটিং প্রফেসর হিসেবে দায়িত্ব পালনকালে তাঁর শিক্ষা, সাংস্কৃতিক, ধর্মীয় ও আনুসঙ্গিক কর্মতৎপরতা বিষয়ে সবিস্তারে আলোচনা সন্নিবেশিত হয়েছে।

● তৃতীয় অধ্যায়ে সমকালীন ইরানের ফারসি ভাষা ও সাহিত্যের অধ্যাপক, গবেষক ও পণ্ডিত মহলের দৃষ্টিতে ড. কাহদুয়ির ব্যক্তিত্ব ও পাণ্ডিত্য বিষয়ক মূল্যায়ন যুক্ত করা হয়েছে।

● চতুর্থ অধ্যায়ে বাংলাদেশে বিশ্ববিদ্যালয় পর্যায়ে ফারসি ভাষা ও সাহিত্য পাঠদান ও এর উন্নতি ও অগ্রগতি সাধনে বাংলাদেশের ফারসি শিক্ষক-শিক্ষার্থী, গবেষক ও বিজ্ঞজন কর্তৃক ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ির প্রশংসনীয় ভূমিকা সম্পর্কে আলোচনা বিধৃত হয়েছে।

● পঞ্চম অধ্যায়ে আফগানিস্তান, চীন ও ভারতের সমকালীন ফারসি ভাষা ও সাহিত্যের অধ্যাপক ও গবেষকদের দৃষ্টিতে ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ির অবস্থান আলোচিত হয়েছে।

● ষষ্ঠ অধ্যায়ে বিভিন্ন সময়ে ইরান সরকার কর্তৃক বাংলাদেশে নিযুক্ত রাজনৈতিক ও সাংস্কৃতিক প্রতিনিধি তথা ইরানি রাষ্ট্রদূত ও কালচারাল কাউন্সেলরদের দৃষ্টিতে ড. কাহদুয়ি সম্পর্কিত মূল্যায়ন বিষয়ে আলোকপাত করা হয়েছে।

● পরিশিষ্টে ড. কাজেম কাহদুয়ির স্মৃতিময় কিছু আলোকচিত্র সন্নিবেশিত হয়েছে।

একজন গুণী ও আলোকিত মানুষ তাঁর দায়িত্ব পালন শেষে চলে যাবার পরও আমাদের কিছু দায় থেকে যায়। এ দায়বোধ থেকেই ড. কাজেম কাহদুয়ির পৃথিবীর বিভিন্ন দেশে বিশেষ করে বাংলাদেশে ফারসি ভাষা ও সাহিত্য চর্চায় অবদানের স্বীকৃতি এবং স্বরূপ উপস্থাপনের লক্ষ্যেই বর্তমান গ্রন্থটি রচনার এ বিনীত প্রয়াস। বাংলাদেশ, ভারত, পাকিস্তান, আফগানিস্তান ও ইরানের সমকালীন ফারসি ভাষা ও সাহিত্যের যেসব গুণী শিক্ষক, গবেষক, পণ্ডিত ও শিক্ষার্থী ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ি সম্পর্কে তাঁদের মূল্যবান লেখা দিয়ে এ গ্রন্থ রচনায় সহযোগিতা করেছেন আমি তাঁদের কাছে বিশেষভাবে কৃতজ্ঞ। বিশেষভাবে কৃতজ্ঞতা প্রকাশ করছি অধ্যাপক ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ির প্রতি, যাঁকে কেন্দ্র করে এ গ্রন্থটি রচনার প্রয়াস। গ্রন্থটি রচনায় প্রয়োজনীয় তথ্য ও ক্ষেত্র বিশেষে দিক-নির্দেশনা ও পরামর্শ দিয়ে তিনি আমার কাজকে অনেক সহজ করেছেন। তাঁর সুস্থ ও দীর্ঘ জীবন কামনা করছি। তাঁর পরিবার-পরিজনের জন্যও রইলো আমার অনেক অনেক শুভ কামনা।

সবশেষে গ্রন্থটি প্রকাশ করার উদ্যোগ নেয়ার জন্য সৃজনশীল প্রকাশনা প্রতিষ্ঠান ইতিবৃত্ত প্রকাশন-এর সাথে সংশ্লিষ্ট সকলকে আন্তরিক ধন্যবাদ জানাচ্ছি।

১৫ই মার্চ ২০২১

উত্তর ফুলার রোড, ঢাকা বিশ্ববিদ্যালয়
ঢাকা

ড. মো. আবুল কালাম সরকার

অধ্যাপক ও সাবেক চেয়ারম্যান

ফারসি ভাষা ও সাহিত্য বিভাগ

ঢাকা বিশ্ববিদ্যালয়।

কাহদুয়ি ইরানের খ্যাতিমান শিক্ষাবিদ ও অধ্যাপকগণের অন্যতম। তিনি এক বর্ণাঢ্য কর্মজীবনের অধিকারী। ইয়াজদ বিশ্ববিদ্যালয়ে ফারসি ভাষা ও সাহিত্যে অধ্যাপনার মাধ্যমে তাঁর কর্মজীবন শুরু হলেও তিনি দেশে ও বিদেশে বিভিন্ন গুরুত্বপূর্ণ দায়িত্ব পালন করেন। এর মধ্যে ইয়াজদ বিশ্ববিদ্যালয়ের ভাষা ও সাহিত্য অনুষদের ডিন, কেন্দ্রীয় গ্রন্থাগারের পরিচালক, পায়ামেনুর বিশ্ববিদ্যালয় অঞ্চল ৪-এর মাননীয় উপাচার্য এবং আফগানিস্তানে ইরানি কালচারাল কাউন্সেলরের দায়িত্ব পালন উল্লেখযোগ্য।

ড. কাজেম কাহদুয়ি ১৯৯৪-১৯৯৬ মেয়াদকালে ঢাকা বিশ্ববিদ্যালয়ের ফার্সী ও উর্দু বিভাগে ফারসি বিষয়ে ভিজিটিং প্রফেসরের দায়িত্ব পালন করেন। তাঁর অক্লান্ত প্রচেষ্টায় বিভাগের শিক্ষার্থী ও শিক্ষকবৃন্দ ফারসি ভাষা ও সাহিত্যে প্রভুত উন্নতি অর্জন করেন। বর্তমান বাংলাদেশের বিভিন্ন বিশ্ববিদ্যালয়ে ফারসি ভাষা ও সাহিত্য বিভাগে কর্মরত শিক্ষকগণের অধিকাংশই তাঁর ছাত্র ছিলেন। ঢাকা বিশ্ববিদ্যালয়ের ফারসি ভাষা ও সাহিত্য বিভাগের বিশেষ অগ্রহে ২০১৮ খ্রিস্টাব্দের ২ সেপ্টেম্বর থেকে ২০২০ খ্রিস্টাব্দের ২০ আগস্ট পর্যন্ত দ্বিতীয় মেয়াদে বিভাগে ভিজিটিং প্রফেসর হিসেবে তিনি পাঠদান করেন। এ ছাড়াও ড. কাজেম কাহদুয়ি চিনের সাংহাই বিশ্ববিদ্যালয়, আফগানিস্তানের কাবুল বিশ্ববিদ্যালয়েও ভিজিটিং প্রফেসর হিসেবে অধ্যাপনা করেন। ভারত ও আরমেনিয়ায় ফারসি শিক্ষকদের প্রশিক্ষণ কোর্সে প্রশিক্ষক হিসেবেও তিনি পাঠদান করেন।

ড. কাজেম কাহদুয়ি একজন নিষ্ঠাবান শিক্ষক, গবেষক ও লেখক হিসেবে ইরান ও বাংলাদেশসহ পৃথিবীর বিভিন্ন দেশের ফারসি ভাষা ও সাহিত্যের পণ্ডিত মহলে সুপরিচিত। তিনি ইরান, আফগানিস্তান, তাজিকিস্তান, বাংলাদেশ, চীন, ভারত, হংকং ও থাইল্যান্ডসহ বিভিন্ন দেশে নব্বইয়ের অধিক আন্তর্জাতিক সেমিনারে অংশগ্রহণ করে প্রবন্ধ উপস্থাপন করেছেন। এ যাবত তাঁর শতাধিক গবেষণা প্রবন্ধ এবং প্রায় ২০-এর অধিক গ্রন্থ প্রকাশিত হয়েছে। ড. কাহদুয়ির রচিত ও সম্পাদিত গ্রন্থের মধ্যে বানাত সুআ'দ, গুযিদেয়ে মুতুনে এরফানি, নেগা'রেশে মাতলুব, সেদা'য়ে আদাব, আয নেগা'রেশ তা শেনা'খত, তাসহিহে তাযকেরহায়ে শাময়ে আনজুমান ও ইকুদে সোরাইয়া অন্যতম। এ ছাড়াও ড. কাহদুয়ি আশির অধিক গবেষণা অভিসন্দর্ভ ও তিন শতাধিক গবেষণা প্রবন্ধ মূল্যায়নে বিশেষজ্ঞ সদস্য হিসেবে দায়িত্ব পালন করেছেন।

ফারসি ভাষা ও সাহিত্যে অনন্য সাধারণ পণ্ডিত্যের অধিকারী ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ির সম্মানে হোমায়ে আদবে ফারসি শিরোনামে বর্তমান গ্রন্থটি রচনার প্রয়াস নেয়া হয়। ড. কাজেম কাহদুয়ির জীবন-কর্ম, ইরান ও ইরানের বাইরের বিভিন্ন দেশে ফারসি ভাষা-সাহিত্যচর্চা ও বিস্তারে তাঁর অবদান সম্পর্কে আলোচনা-পর্যালোচনা এ গ্রন্থের মূল প্রতিপাদ্য। আলোচ্য গ্রন্থটি ছয়টি অধ্যায়ে বিন্যস্ত করা হয়েছে।

● প্রথম অধ্যায়ে ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ির জীবন ও কর্ম বিষয়ে ন্যাতিদীর্ঘ বর্ণনা উপস্থাপন করা হয়েছে।

প্রসঙ্গকথা

পারস্য সভ্যতা পৃথিবীর প্রাচীনতম সভ্যতাগুলোর অন্যতম। এর ভাষা-সাহিত্য ও সংস্কৃতি সুদীর্ঘ ঐতিহ্যের ধারক। ১২০৪ খ্রিস্টাব্দে ইখতিয়ার উদ্দিন মোহাম্মদ বিন বখতিয়ার খলজির নেতৃত্বে তুর্কি মুসলমানদের বঙ্গ বিজয়ের ফলে বাংলায় মুসলিম শাসনের গোড়াপত্তন ঘটে। এরপর প্রায় পাঁচশ বছরের নিরবিচ্ছিন্ন মুসলিম শাসনামলে বাংলার সাথে পারস্যের সম্পর্ক সুদৃঢ় হয়। মুসলিম শাসনামলে ফারসি বাংলার রাজভাষার মর্যাদা লাভ করে। এমনকি ব্রিটিশ কোম্পানির ঔপনিবেশিক শাসনামলে ১৮৩৭ খ্রিস্টাব্দ পর্যন্ত এদেশের দাপ্তরিক ভাষা হিসেবে ফারসি ভাষার মর্যাদা অক্ষুণ্ণ থাকে। এ বছর ২০ নভেম্বর প্রেসিডেন্ট অব ইন্ডিয়ান কাউন্সিল কর্তৃক অধ্যাদেশ জারির মাধ্যমে অফিস-আদালত তথা রাষ্ট্রীয় কর্মকাণ্ডে ফারসির ব্যবহার নিষিদ্ধ করা হয়। ফারসি দাপ্তরিক ভাষার মর্যাদা হারালেও এদেশে ফারসি ভাষা, সাহিত্য ও সংস্কৃতির কদর ও চর্চা একেবারে নিঃশেষিত হয়ে যায়নি। দীর্ঘ প্রায় সাড়ে ছয়শ বছরে এ অঞ্চলে ফারসি ভাষা, সাহিত্য ও সংস্কৃতির প্রভাবে, এতদঞ্চলের বহু কবি-সাহিত্যিক ফারসি ভাষায় অনেক কবিতা ও গ্রন্থ রচনা করেছেন। ফারসি ভাষা, সংস্কৃতি এবং বিশেষত এর সাহিত্যের সমৃদ্ধ ঐতিহ্যের কারণে এর প্রতি বাংলা ভাষাভাষী সাহিত্যপ্রেমীদের আগ্রহেরও ঘাটতি পড়েনি। অভিজাত শ্রেণি ও পণ্ডিতজনের মধ্যে এর ব্যবহার এবং এ ভাষায় সাহিত্য ও জ্ঞানচর্চা অব্যাহত থাকে। রাষ্ট্রীয় কর্মকাণ্ডে ফারসির ব্যবহার নিষিদ্ধের অধ্যাদেশ জারির একশ আশি বছর অতিক্রান্ত হলেও বর্তমানে এ দেশের সর্বপ্রাচীন ও সর্ববৃহৎ ঢাকা বিশ্ববিদ্যালয়ই শুধু নয় রাজশাহী ও চট্টগ্রাম বিশাববিদ্যালয়সহ অন্যান্য বিশ্ববিদ্যালয়ে ফারসি ভাষা ও সাহিত্যের অধ্যয়ন ও গবেষণা অব্যাহত রয়েছে।

বাংলাদেশ ও ইরানের হৃদয়তাপূর্ণ কূটনৈতিক ও সাংস্কৃতিক সম্পর্ক, ফারসির প্রতি বাংলাদেশ সরকারের ইতিবাচক মনোভাব, ইরান সরকারের অব্যাহত পৃষ্ঠপোষকতা এবং বিশ্ববিদ্যালয় প্রশাসনের অকৃত্রিম সহযোগিতার ফলে বাংলাদেশে বিশ্ববিদ্যালয় পর্যায়ে ফারসি ভাষা ও সাহিত্য চর্চায় অব্যাহত উন্নতি ও অগ্রগতি সাধিত হচ্ছে। এ সাফল্যে ইরান সরকার কর্তৃক প্রেরিত ভিজিটিং প্রফেসরদের ভূমিকা অনস্বীকার্য। ইতোমধ্যে ঢাকা বিশ্ববিদ্যালয় ফারসি ভাষা ও সাহিত্য বিভাগে বেশ কয়েকজন প্রথিতযশা আন্তর্জাতিক খ্যাতিসম্পন্ন ভিজিটিং প্রফেসর শিক্ষকতা ও গবেষণা করেছেন। অধ্যাপক ড. মুহাম্মদ কাজেম কাহদুয়ি তাঁদের অন্যতম।

ড. কাজেম কাহদুয়ি ১৯৫৬ খ্রিস্টাব্দে ইরানের ইয়াজদে জন্মগ্রহণ করেন। তিনি ইয়াজদের তারবিয়াতে মু'আল্লেম বিশ্ববিদ্যালয় থেকে বি. এ. অনার্স এবং তেহরানের তারবিয়াতে মুদাররেস বিশ্ববিদ্যালয় থেকে এম এ ডিগ্রি অর্জন করেন। তেহরান বিশ্ববিদ্যালয় থেকে ফারসি ভাষা ও সাহিত্যে পিএইচডি ডিগ্রি অর্জনকারী ড. কাজেম

Homaye Adabe Farsi

Arjname e Dr Mohammad Kazem Kahdouei

BY
Professor Dr. Md. Abul Kalam Sarker

Copyright©: Author

First Published
March 2021

Publisher
Itibritto Prokashan
158 Bir Uttam C R Dutta Road, Dhaka-1205
itibritto@gmail.com

Cover Design
Reza Asad Al Huda Anupam
Associate Professor And Former Chairman
Department of Graphic Design
University of Dhaka

Print
Multilink
68 Fakirapool, Motijheel, Dhaka

Price BDT: 650.00 Only
USD : 12

ISBN: 978-984-35-0276-6

Homaye Adabe Farsi
Arjname e Dr Mohammad Kazem
Kahdouei

BY
Professor Dr. Md. Abul Kalam Sarker
Department of Persian Language & Literature
University of Dhaka, Bangladesh



Published by Itibritta Prokashan
158 Bir Uttam C R Dutta Road, Dhaka-1205.